ABDALLÆ BEIDAVÆI
HISTORIA
SINENSIS,

Inscriptus Catalogo

Persicè è geminô Manuscriptô edita,
Latinè quoque reddita
ab

ANDREA MULLERO GREIFFENHAGIO.

A C C E D U N T

Collegii Societatis

ejusdem

NOTÆ MARGINALES,

in quibus

Jesu

Obscura pleraque explicantur,
Depravata non pauca restituuntur,

Egrae 1690.

Harmonia Abdalliana & *Martiniana*, cæteræque Europæis traditæ
Historiæ Sinensis perpetuis *testimoniis* ob oculos ponitur,
Præterita notantur & è *Martinii Historiâ* Sinensi aliisque, hîc,
ut & in *notis* ad *Basilicon*, supplentur,
Contradictiones denique conciliantur.



Seneca Natural. Quæst. VII. 31.

Multa hoc primum cognovimus seculo, & multa venientis ævi populus, ignota nobis, sciet.

B E R O L I N I,
Typis Christophori Rungii, Anno CIↃ IↃC LXXVII. expressa,
nunc verò una cum *additamentis* edita ab *Autoris filio*,
QUODVULTDEO ABRAHAM MULLERO.

J E N Æ,
Prostat apud JOHANNEM BIELKIUM,
A. C. CIↃ IↃC LXXXIX.

ACCEDUNT
HISTORIÆ ABDALLIANÆ,

I. Itineraria duo, in Sinas confecta.

II. Commentatio Alphabetica de Sinarum Magnæque Tartariæ rebus.

III. Basilicon Sinense.

IV. Imperii Sinensis Nomenclator Geographicus.

VIRO

MAGNIFICO, PRÆNOBILISSIMO, AMPLISSIMO ET EXPERIENTISSIMO,

DN.

GEORGIO VVOLFFGANGO VVEDELIO,

MEDICINÆ DOCTORI CONSVMMATISSIMO,
CONSILIARIO ET ARCHIATRO DVCALI SAXONICO GRAVISSIMO,
THEORETICES PROFESSORI PVBLICO IN ACADEMIA SALANA CELEBRATISSIMO,
FACVLTATIS SVÆ P. T. DECANO SPECTATISSIMO,
S. R. I. ACADEMIÆ NATVRÆ CVRIOSORVM COLLEGÆ PRIMARIO,

DOMINO PATRONO, MÆCENATI ET EVERGETÆ NVNQVAM SATIS DEVENERANDO ET COLENDO

SALVTEM OMNIGENAM!

VIR MAGNIFICE,

NIhil novi affero, qui VENERANDI PARENTIS *Abdallam*, *Sinensis Historiæ Scriptorem*, *jam ante aliquot annos typis exscriptum*, *offero. Hujus editio postquam demandata mihi fuit, non diu*

quidem cogitandum fuit, cuinam iste inscriberetur. Occurrebat statim animo gratiosum VVEDELII *nomen. Cujus enim libentius & potius quam Tuo patrocinio sese committere poterat vel etiam debebat? Qui Autorem hujus Opusculi à multis annis in amicis habes, qui Literaturam* Sinicam *præ cæteris soles æstimare, qui denique Fratrem meum & meipsum favore Tuô singulari hucusque complecteris, nec nos cumulare desinis beneficiis. Ne itaque planè*

ingrati videamur, sed ut qualecunque tantummodò gratæ mentis indicium prostet; Patere, quæso, VIR MAGNIFICE, ut historiolam illam Sinicam notasque Interpretis, TVÆ MAGNIFICENTIÆ consecrem; donec ipse ex propriô ingeniô aliud aliquid depromam, quod mereatur dicari tanto, quantus es in orbe literatô, VIRO. De cæterô, ut mihi studiisque meis non minus ac Fratri porrò favere, eaque consiliô regere ne graveris, primum & ultimum precor. Ita TE Deus servet per se-

ros annos; in NOBILISSIMÆ FAMILIÆ *solatium, literarum incrementum, tenuitatisque meæ certum patrocinium. Scribebam Jenæ* VIII. *Id. Junii* A. C. MDC LXXXIX.

MAGNIFICENTIÆ TUÆ

ad quævis officia paratissimus
perpetuusque debitor

Quodvultdeus Abraham Müller.
Philosoph. & S S. Theolog. Stud.

ودر هر سال روزی که کویکسی میکنند آن روز است که
اقوام مغول از ارکنه قون بیرون آمدند، و از آن عهد باز
اروق پادشاهان مغول را عادتست که دران شب پاره
آهنین در آتش نهند، و بر سر سندان مطرقه بکوبند بر
موافقت ایشان، و الی یومنا هذا عادت معهود است، و بعد
ازان اقوام مغول دو قسم شده اند قسم اول مغول درلکین
و ایشان شعوب آن طایفه اند که از ارکنه قون بیرون
آمده اند قسم دوم مغول بیرون و ایشان شعب دوبون بایان
و الان قوا اند که متقدم و سرور اقوام مغول بوده، و چنگز
خان از نسل بودنجر پسر الان قوا است، که از دوبون
بایان و برادر دیگر بی پدر در وجود آمده اند، و آن
حکایت مطولست ☼

تم

چهار صد سال پادشاهی از پادشاهان ختای بر آن اقوام
حکم کردند و تاختن بردند، و از آب قراموران گذشتند شبیخون
کردند تمامت را هلاک گردانیدند، و زنان و فرزندان ایشان
را اسیر کردند، از آن اقوام دو شخص تکوز و قیان نام با زنان
خویش بگریختند در کوهستان که آنرا ارگنه قون
میخوانند یعنی کمری تند و سخت رفتند، و مدت
چهار صد سال اوروق ایشان را آنجا اقامت افتاد، و بسیار
شدند چنانکه ممکن بر ایشان شد و عزیمت خروج کردند،
و در کمری که آهن بود بر هفتاد بسیار بساختند، و از آن
کوهستان بیرون آمدند، و لفظ مغول اسم جنس ایشانست،
و دیگر ترکمان اقوام که با ایشان ماننده بر سبیل مجاز
میگویند چه اغلب اطلاق این لفظ از عهد ایشان بوده،

و در هر

علیه السلام فرزند خود یافث را بجانب مشرق فرستاد،
وچون آنجا متمکن شدند واقوام اورا بر لجه خان نام
نهادند، واورا پسری شد ییب یاقوی نام، ورسوم پادشاهی
او پیدا کرد، واورا چهار پسر شد، بزرگین کورخان نام
پادشاه گشت، وایشان دین جد خویش نوح علیه السلام
رها کرده، بت پرست بودند، وکورخان پسری شد اغوز نام
موحد ودین دار با پدر محاربت کرد، وپدر را بکشت
ومملکت بگرفت وپادشاه شد، وجمیع ممالک در تصرف
او کرد، واقوام اتراک را که لشکر او بودند، هر طایفه
را بنامی مخصوص منسوب گردانید، بعد آن از فرزندان
وخویشان خود قومی را با لشکر بسیار بطرف مشرق بزمینی
که درین وقت آنرا مغولستان میخوانند فرستاد، بعد آن

چهار

قسمِ نهم در تاریخِ مغول ونسبِ چنگیز خان تا بوبون بابانِ

الان قوار دیکر شرح خروج چنگیز خان وگرفتنِ ممالکِ ایرانْ

وشعب وفرزندان او الی یومنا هذا وهو الخامس والعشرون

من الشهر المبارک شوال سنة سبع عشر وسبعمایه هجری

وایشان چهار طایفه اند از نسل عدد ایشان سی وشش تن

مدت پادشاهی ایشان در اطرافِ جهان صد ویک سال

طایفهٔ اول چنکز خان با پسر سوم بن اوکتا قاآن که بعد ازو

پادشاه شد وفرزندانِ (پسران) او، چنکز خان پسر بیسو

کای بهادر، پسر برتان بهادر، پسر قبل خان، پسر تومنه

خان، پسر بایسنغور، پسر قیدو خان، پسر دوتومنن،

پسر یوقا، پسر بودنجر، پسر الان قواخر وبوبون بابلر

است، حکما ومنجمان ومورخانِ ایغور، وتبت، واقوامِ

اتراک در کتبِ تواریخ ختای آورده اند که نوح پیغمبـــر

علیه

وگریخته بشهر تایانکی فو رفت که بر کنار رود خانه قمرا
سورانست و لشکر مغول بر بیشتر مملکت ختای مستولی شدند
و چون در عهد چنگیز خان بسبب استخلاص بیکر ممالک
فتح تمامی ختای میسر نشد اوکتای قاآن در عهد خویش
باستخلاص آن بر نشست و در مودین پیل واقع در جمادی
الاول سنه احدی وثلثین وستمایه لشکر قاآن بر بر شوری
نیشوسو ر مستولی شدند و در خاتمت احوال او اختلاف است
بعضی گویند بزی قلندران در آمد و بگریخت و در
مستور آنست که در خانه نشسته بود که لشکر مغول آتش
در شهر زدند و خانها بسوختند او نیز در میان سوخته
شد و عهد آن قوم منقضی گشت والله الباقی

اشدند واو بابلی وسطا وعتب پیش آمد وتخت تسلیم کرد
وملتزم بندکی قاآن شد وفرزندان تایسرون فوون
پادشاهان بغایت بزرك ومعتبر بوده‌اند ودر قدیم الایام
میان اجداد چنکزخان وایشان بواسطه خون اوکین برقان
وهمبغا قاآن ضدیت بادید آمده ودر نهم سال از عهد هرون
که موافق شهور سنه تسع واربعین وخمسمایه بود چنکیز
خان در وجود آمده ودر سنه تسع وتسعمایه قوبین بهسل
بعزم ولایت ختای بر نشست والاقوش تکین امیر وسرور
انکوت که سر بند آنکوه که سدیست که درمیان ولایت
ختای موضع اتراک وصحرانشینان است ایل شده بود
ودربند تسلیم کردند التان خان از بیم چنکیزخان
تختکاه شهر جونکدو را میان ملك ختایی بود بکذاشت

 وکریخته

خان خو اند ند، وقر بر ندان کنسرون، کاوترون، شاوترون،

کوانکی ترون، نیکی ترون، نیبرون، منورون، شوجو ماچین

رفته آنجا پادشاهی کردند، و بعد از او تایترون، فون ون،

تایترون غیبه، و تایرون، فوسان، و هیرون، و شیمرون،

و لینهکی تایرون، و ختزون، و کیتسیالی، و شونی شو، و سبون،

تا نهالک ختای پادشاه کردند کیتسیالی و شو دی ب شو

و شنونته مع معاجز شوجون بوده اند، و شو جو آخر ین

پادشاهان اصلی آن ممالک است، و پادشاه سیصد و پنجم

از عهد پنکو که پادشاهی کرد تا انتهای و مدت چهل و دو

هزار و هشتصد و هشتاد و پنج سال بر عم تسور خان، و تقریر

حکما اهل ختای، و چون سه و سال از پادشاهی ختای بشو

شوجو بگذشت لشکر قاآن بر ممالک ماچین مستولی

شدند، ه ن لنه

تبدبي، تُواسمر لولبين را بكُشت بسبم كغتب ملك ما غمرقبته

ايم چرا املرا بكشتي وخروج كرد وپادشاه شد طبقهٔ بيست

نهم كوبي جونايزن وبعد ازو مم نيمرون نام پادشاه شد،

بعد از يكسال قومي كه ايشانرا سون خوانند خروج كردند

وملك را بستدند، ويكي از ايشان پادشاه شد خوتابرون

نام، طبقهٔ سيوم خيو تابرون پادشاه نويست وفق نم

بود، وبعد ازو تايزون، جنزون، بنيكزون، شزون،

جنزون، سوفزون، كنزون، اين نه پادشاه در تمامته

ممالكي ختاي وماچين باستقلال پادشاهي كردند، ودر

عهد اين كنزون قوم جورجه خروج كردند، ومملكت ختاي

بستدند، واكوايبي توجق نام پادشاه شد، واورا

تايزون قوون لقب نهادند، واقوام اتراك اورا آلتان

وَبَعدْ أَزُو مُلْبِيدِي، وَبَعدْ أَزُو مُوبِي، وَأُورَا مُنِيدِي دَرْ شِكَار
شَكَاه يَافْتَه بُودْ پَرْوَرْدَهٔ خُواهَرِ مُنِيدِي مُلْكِ أَزُو
بِسِتَدْ وَبَشَوْهَرِ جُودْ دَادْ، طَبَقَهٔ بِيسْت وَهَفْتُمْ تَنْ كَاوْزُو،
بَعدْ أَزْ شُودْلِي پَادِشَاه شُدْ، چُونْ سِه سَال أَزْ پَادِشَاهِيِ أُو
بُگْذَشْتْ بِلِيكُوَانِكْ لِبْرَادِيبْ لِيو أَزْ قَرَاخِتَايِي خُرُوجْ
كَرْدْ وَمُلْكِ أَزُو بِسِتَدْ، وَبِوَاسِطْ آنْكِه سَنْ كَاوْزُو بِمَدَدِ إِيشَانْ
مُلْكْ رَا مُودِيبْ گِرِفْتَه بُودْ وَخَرَاجْ مِيدَادْ شُودِي نِمِيدَادْ،
وَدَرْ حِسَابْ طَبَقَهٔ سِي وَسِيمْ أَسْتْ، طَبَقَهٔ بِيسْت وَهَشْتُمْ خَنْ
كَاوْزُو پَادِشَاهِ دُويِسْت وَهَفْتَادْ وَپَنْجُمْ أَزْ آرَايِ پَادِشَاهَانِ
پِيشِينَه بُودْ، خُرُوجْ كَرْدْ بِلِيكُوَانِكْ رَا بُكُشْتْ وَپَادِشَاه
شُدْ، وَبَعدْ أَزُو نِيدِي بِپَادِشَاهِي گُشْتْ وَأُورَا سِه أَمِيرِ
مُعْتَبَرْ بُودَنْدْ نَامِ إِيشَانْ بَابِكْ سَنْ شُوخُو، كُوبِي يِب
نِيدِي،

نایرو شخصي از قرا ختاي خوانچي ایاکي نام خروج
کرد و بعضي از ولایت ختاي را بگرفت و نام خود را لیو
کرد یعني پادشاهي که فرمان او بعالم محیط باشد
و با هشت نفر از نسل خود دویست و نوزده سال پادشاهي
کردند دران ملک که گرفته بودند بعد ازان از پادشاه
جورجه اکوداي نام خروج کرد و آن ملک را از آخرین
فرزندان داي لیو موتب زون اتوه نام بستد و پیش ازان
پادشاهان جورجه مطیع و خراج گذار ایشان بودند اکوداي
بناشناش پیش او رفت و جانور بهر او را حقیر پید بیگر
سال خروج کرد و ملک از و بستد و تمامت ختاي بگرفت

طبقه بیست و ششم تن خون زون پادشاه دویست و هفتاد
و هشتم پادشاهي عادل بود بعد از و منزون پادشاه شد

وبعد

خُرُوجْ كَرْدَنْدْ مَمْلَكَتِ خَتَايِي رَا بَشَشْ قِسْمْ نِهَادَه، بَا هَمَه

دِيگَرْ قِسْمَتْ كَرْدَنْدْ، وَمُدَّتِ پَادِشَاهِيِ اِيشَانْ بَا اِيْنْ شَشْ

سِيصَدْ وَپَنْجْ سَالْ بُودْ طَبَقَهٔ بِيسْتْ وَسِيُومْ سُوِي كَاوُرُوفِيدِي

پَادِشَاهْ دُوِيسْتْ وَپَنْجَاهُمْ خُرُوجْ كَرْدْ وَمَمْلَكَتِ خَتَايِي بِگِرِفْتْ

وَمَاچِينْ نِيزْ بِسْتَدْ وَآنْ پَادِشَاهَانْرَا بَرَانْدَاخْتْ وَبَرْ تَمَامَتِ

مَمَالِكْ بَاسْتِقْلَالْ پَادِشَاهْ شُدْ وَاَزْ نَسْلِ اُو دُو تَنْ پَادِشَاهِي

كَرْدَنْدْ طَبَقَهٔ بِيسْتْ وَچَهَارُمْ تَنْ كَاوُرْ وَامِيرِي مُعْتَبَرْ وَبَهَادُرْ

بُودْ خُرُوجْ كَرْدْ وَپَادِشَاهْ شُدْ وَاَزْ نَسْلِ اُو بِيسْتْ تَنْ پَادِشَاهِي

كَرْدَنْدْ طَبَقَهٔ بِيسْتْ وَپَنْجُمْ لِنْ تَايِنْ نَايِرُو دُو پَادِشَاهْ دُوِيسْتْ

وَهَفْتَادْ وَپَنْجُمْ، اَمِيرِي مُعْتَبَرْ بُودْ خُرُوجْ كَرْدْ وَمَمْلَكَتْ

بِگِرِفْتْ، بَعْدْ اَزْآنْ پِسَرَشْ يُوكِي اُورَا بُكُشْتْ وَپَادِشَاهْ شُدْ،

بَعْدْ اَزْآنْ بَرَادَرَشْ اُورَا بُكُشْتْ وَپَادِشَاهْ شُدْ، وَدَرْ عَهْدِ كِنْ

نايرو

و مدت پادشاهی ایشان شصت و یکسال بود طبقهٔ بیست
یکم سن فو دی پادشاه نوبست و هشتم بعد ازان
پادشاه شد و بعد ازان کنبیرسن و بعد ازو خوب بحی کشکر
بیهکانه اورا با پسر بر دند میدی برا برش بعد ازو
پادشاه شد چون دران وقت لشکر بیهکانه متولی شده بودند
اورا نیز با پسری بر دند و ولایت ختای را بستدند و شانزده
پادشاه پدید آمدند و ازوی فو دمی که پادشاهان اصلی
بودند بجانب ماچین گریختند و آن پادشاهان مملکت
ختای را بر شش قسم بنهادند و هر یکی چیزی ازان اقسام
برگرفتند طبقهٔ بیست دوم این طبقه با پنج طبقهٔ دیگر
همه پادشاهان اصلی اند که بجانب ماچین می بودند
و بران ولایت مجرد حاکم بودند و آن شانزده پادشاه که

خروج

از آن او نیز آغاز فتنه کرد، و شنبدی را از تخت دور
کردانید چنانکه بکوشه از ولایت رفت، و آن امیر
پادشاه شد، بعد از آن از مدتی لشکر بیگانه بیامدند
و سوخنیک شانک را بکشد، شنبدی چون آن خبر شنید
خود و خواتونش چندان بخندیدند که بمردند، و چون
او بماند پادشاهی با آنجماعت که خروج کرده بودند رسید

طبقهٔ بیستم آنجماعت که امیر مذکور را بکشتند چون
ولایت بگرفتند آن ممالک را به سه قسم کردند، میان خود
را و پسران امیر، و هر قسمی را نامی نهادند، و یکی به پسران
امیر دادند، و دو بدو پادشاه از قوم خود، بعد از چند
گاه پادشاه قسم اول دوم را نیز بگرفت، و بعد از مدتی
پادشاه قسم آخر هر دو قسم را بستد، و باستقلال پادشاه شد،

ومدت

وگفت خدایا اگر بباد پادشاهی من بر حقم این آب
را یخ گردان، تا لشکر من بگذرد والا مرا هم اینجا بمیران،
دعاء او باجابت پیوست، ودر تابستان آن رود خانه یخ
بست ولشکر او بگذشتند، واو چهار پسر داشت، بعد
ازو پسر کوچکتر را از همه عاقل تر بود خن مندی بجای
او نشاندند، وبعد از آن خیدی، وخواری، وشانک وی،
وخندی، و پوشانک خون شنبدی، وجونکدی بپایشاهی
کردند، وهمه طفل وشیر خواره بوده اند، مادران ایشان
بر کنار گرفته بر تخت نشستند وحکم میکردند، خندی
هشت ساله بود بواسطه آنکه رشد وکفایتی داشت، امیری
کبکی نام او را زهر داد، وسو حنبنک شانک نام امیری
بیامد واو را بکشت، ومدتی شنبدی را کوچ داد، بعد

دهم خوخن کوان فو پادشاه صد ونودوم، چونکه او پادشاه
شد پیران روزگار شایبها کردند که از عروق پادشاهان
اصلی بود بارها با اوئمک موانک مصاف داد، واز سحر
چنان میساخت که تمامت ددان وحشرات، بالشکر او همراه
شدند، ومردم از بیم ایشان منهزم میشدند، لیکن بهر
وقت که خوخن کون فو جنگ کردی چون پادشاه اصلی
بود آن سباع وحشرات وی باز میگردندی، وبالشکری
وانک موانک در جنگ میرفتندی، وچنان مردانه
وبهادر بود که هرچند لشکر او اندک بودی اندیشه
نکردی، وبی اباکی بر ایشان زدی، وهمواره پیروز آمدی،
الا یکی نوبت که بشکسته شد، در حال بروت خانهٔ زسیبد
که گذر نمیداد، چون فرو ماند بخدای تعالی تضرع نمود
وگفت

پسر نماند، و آن امیر پادشاه شد طبقهٔ هفت دهم وانک
موانک بعد از پانزده سال امرا جمع شدند، وبزرندگی
کوشش از اندام او بیزار کردند، و او را برابری بکشتند، و از
نسل کنبدی پادشاهی بنشاندند طبقهٔ هشت دهم کیکشبرما
و همان پادشاه صد و هشتاد و هشتم از بطن کنبدی بود،
مربی بغایت بد دل بود، چنانکه هر وقت امرا باوی
سخن گفتندی لرزه بر اندام وی افتادی از بیم ایشان،
او را لایق ندیدند برادر او را بجای او نشاندند، چون
پادشاه شد، بفرمود تا صد تومان مرد که لشکریان او
بودند جمله را ابرو بسرخی نگار کردند، تا بنشان
باشد، امر رنه پسندیدند، و او را از تخت فرو آوردند،
و از نسل پادشاه مذکور یکی را اختیار کردند، طبقهٔ نه

گفتش ازانکه فال گوي از ده روزه راه حال من دانست
و پادشاه را نمي شناخت و اين پادشاه را او پسر بود بزرگتر
ليوانگ نام اين اميري با ايشان بد بود سحر كرد تا پدر
و پسر نمودند و خواتون پسر آبستن بود حبس كرد تا
اگر پسر آرد بكشد و چون پسر آورد زن دختر ديگري
را بجاي او بنهاد چنانكه واقف نشدند و پسر را بيرون
فرستاد و پادشاهي بجوبي داند كه برادر ليوانگ بود
بعد از سيزده سال نماند پسر ليوانگ را كه در دكان
نانواي پنهان كرده بودند او را بپادشاهي نشاندند
و بعد از و رتدي چندي ايدي بندي پادشاه كردند
و او را اميري زهر داده و نبيره سويدي ژوژنيگ را كه
دو ساله بود برداشته نشانده حكم ميكرد و بعد از سه سال

پسر

درازي عمر خورد چندانكه نيّت كند عمر يابد، واكثر
نيّت آن كند كه فرشته گردند چنان شود، اورا هوس آن
گياه برخواست، منجّمي داشت بغايت ماهر فونك شو
نام، اورا در كشتي نشاند وبفرستاد تا آن گياه بيا ورد،
چون مدّتي انتظار كرد روزي بناشناس پيش فال
گويي رفت وفال گرفت، فال گوي گفت شخص كه تو
از حال او مي پرسي بر كشتئ او شكسته مي آيد، ودرين
حال سه نوبت دست برهم زد وخنديد، وتا ده روز
ديگر برسد، پادشاه تعجّب نموده وآن حكم بنوشت،
بعد از ده روز منجّم برسيد، وگفت بواسطه آنكه باد
مخالف آمد وكشتي بشكست مراجعت نمودم، پادشاه
گفت در فلان روز چرا سه نوبت دست برهم زدي وخنديدي،
بگفت

مرد برفت وآن ازدها را بکشت بدان سبب آوازه او بلند
شد وبپادشاهي رسيد وباباناک وانک مذکور هفتنان
مصاف داد وازو کشته شد وسه امير معتبر داشت جانک لانک
استادي او بود حبيبک شانک سوها وزير او بود وخن
شن لشکر بوي تعلق داشت وبعد ازو شوفيدي
پادشاه شد در عهد او مردي جويکنو نام کي زود بديد
آورد وچون او نماند مادرش لوو تا بخو نام قايم مقام شد
وميخواست که از اقوام خويش پادشاهي بنشاند امرا
راضي نشدند وجنک کردند وازآن قوم سه هزار آدمي
بقتل آوردند وفيدي برادر شوفيد را بنشاندند وبعد
ازو فودي پادشاه شد ودر عهد او چنان مشهور بود که
ازآن سوي درياي مشرق ثباهست که اکر کسي به نبت

درازي

این دو طایفه دوازده سال بود و ایشان هر دو طایفه با
همدیگر حکم طبقه سرا دارند، و بعد از آن شش وانک
یکی از پادشاهان هفت گانه شیخو وانک نام قوت
گرفت، و مملکت از آن شش پادشاه دیگر که شریک
پدر او بودند باز گرفت، و بر مجموع ممالک پادشاه شد
و با دو پسر خود زشی خوخوی و ساه مشی زن از طبقه چهار
دهم اند، طبقه پنج دهم بانک وانک پادشاه صد و هفتاد
و سیم، عظیم بهادر بود چنان زور نه گاو داشت، خروج
کرد و سامشی زن را بکشت و پادشاه شد، طبقه شش دهم
جن گاوزو بغایت دلاور بود صورت و شکل از دها داشت
مرانبها پیشوای علتی بود و شنید که در کوه از دهای
سپید پیدا شده است، و مردم را زحمت میدهد باده نغر

صرت

هَفْتَاد و دُو مَرْتَبَهٔ پَادِشَاهِي رَسِيدَنْد وَبَعْدْ اَزُو دَتَّاي شَانْکْ
لَاوْکُونْ مُدَّتِ پَنْجَاه وپَنْج سَالْ دَرْ وُجُودْ آمَدْ وَهَفْتَاد
وَسِه سَالْ عُمْرْ يَافْتْ وَبَعْدْ اَزْ لَنِيکْ وَانِکْ تَا وَانِکْ کِبِينْ
وَانِکْ جِمِنْ بِينْ نِي وَانِکْ سِي وَانِکْ بِيلْ وَانِکْ عَانْ وَانِکْ
وَنِکْ پِيلَه وَانِکْ رَهِينْ نِشِينْ وَانِکْ تَنْ وَانِکْ پَادِشَاهِي
کَرْدَنْدْ دَرْ عَهْدِ تَنْ وَانِکْ مَمْلَکَتْ خَرَابْ شُدْ وَاَزْ وِلَايَتِ اُو
پَنْجْ پَارَه شَهْر مُعْتَبَرْ بِدَسْتِ يَاغِيَانْ اُفْتَاد وَبَعْدْ اَزْ آنْ کِه اُو
نَمَانْدْ جَمَاعَتِ بَيْگَانَگَانْ مُلْکْ رَا بَچِهَارْ دَه قِسْمْ بَخْشْ
کَرْدَنْدْ وَهَرْ يَکِي رَا پَادِشَاهِي عَلَي حِدَّهْ بَرْ گِرِفْتْ مَانَنْدِ
آنْ کِه نَوِينْ بِيَارْ مُلُوکْ طَوَايِفْ بُودَنْدْ وَبَعْدْ اَزْ چَنْدْ
گَاه هَفْتْ پَادِشَاه بَا بِيدْ آمَدَنْدْ وَمُلْکْ اَزْ آنْ چِهَارْ دَه
بَازْ گِرِفْتْ بَعْضِي بِمُشَارِکَتْ وَبَعْضِي بِانْفِرَادْ وَمُدَّتِ پَادِشَاهِيِ

اين

وُجُودْ آمَدْ، وَاَزْ وِلَادَتِ اُو تَا اِينْ زَمَانْ كِه شُهُورْ سَنَهْ سَبْعَ عَشَرَ
وَسَبْعَمِأيَه هِجْرِيستْ يَكْهَزَارْ وَنُهْصَدْ وَنَوَدْ وَدُو سَالْ اَسْتْ،
وَبَعْدْ اَزْ دِينْ وَانْكْ كَانْكْ وَانْكْ، وَبَعْدْ اَزُو لِنِيكْ وَانْكْ
پَادِشَاه شُدْ، وَاَزْ مَادَرْ رِيشْ دَارْ دَرْ وُجُودْ آمَدْ، وَدَرْ عَهْدِ اُو
كُورِنْ فُورِي دِزَانْ كِه پَدَرَشْ رَا نَامْ شُوْلَنْكْ بُودَه وَمَادَرَشْ
رَا جُو شِي، وَدَرَانْ حُدُودْ كُوهِي بُزُرْكْ بُودْ نَامِ اُو نِيكُو،
دَرْ آنْ لَحْظَةْ كِه اَزْ مَادَرَشْ جُدَا شُدْ آنْ كُوه بِيفْتَادْ، وَچُونْ
بِزَادْ هَمَهْ اَنْدَامْ مُويبْ دَاشْتْ، وَبَالَاي اُو نُه كَزْ وَنِيمْ بُودْ،
وَپَهْنَايِ چُنَانْ بُودْ فَرَاخْ كِه چِهَارْ كَزْ رِيسْمَانْ كَرْدِ اُو
دَرْ آمَدِي، وَصُورَتِ مُهِيبْ بَرْ مِثَالِ بَبَرْ دَاشْتْ وَبِغَايَتْ عَاقِلْ
وَكَافِي بُودْ، بَدِينْ وَاسِطَه بِيشْتَرْ مَرْدُمْ مُرِيدِ اُو شُدَنْدْ،
وَسِه هَزَارْ شَاكِرْدْ دَاشْتْ كِه اَزُو عِلْمْ آمُوخْتَنَدْ، وَاَزْ آنْجُمْلَه

بین وانک پادشاه صد وپنجاه ویکم در سال دوم از
پادشاهي او تاي شانک لاوکون در وجود آمد که آن اقوام
او را نیز پیغمبر میدانند حکایت تاي شانک لاوکون
از ولایت جو بوده وپدرش را نام خن تیز چون شکموني
برخان از نور باید آمده در زیر درخت آلوچه
هشتاد سال در شکم مادر بوده بالا چهار گز ونیم
داشته وپیشاني درکو وبیني بزرک وگوشها بغایت بزرک
چنانکه بدوش اومي رسیده واز پهلوي چپ مادر
بیرون آمده ودر حال ولایت ریش سپید داشت بدان
سبب خلق اورا عزیز ومحترم داشتند وپیغمبري قبول
کردند ونام آن قوم که متابعت او نمودند سن شن بوده
وبعد از وشکموني برخان بصد وچهل وهشت سال در
وجود

سبکشتند وحاضر می شدند، تا گاه بموجبی فرمود
تا چنان کردند لشکرها بر قاعده جمع آمدند، وتعجب
نمودند که درین حوالی یاغی نیست این حال چگونه
است، بدان واسطة خواتون بخندید پادشاه را خوش
آمد، گویها کردند بنشاط آن، بعد ازو نو سال بتحقیقت
یاغی برسید، وبر قاعده آتشها برافروختند ودهلها زدند،
امرا حمل بر بازی کردند وحاضر نشدند، یاغی در آمد
واورا هلاک کرد، وهمه بکریختند، وبعد ازآن بنیسک
وان در تختگاه پدر بنشست، وشهری دیگر بنا کرد
لاکین نام انجا بودی، وبعد ازو وانک وانک، وچونک
وان، وهی وانک، ونخا وانک، وسانک وانک، وکونک
وانک، وکنک وانک، ترتیب پادشاهی کردند، بعد ازآن

پادشاه عاشق بود، بعد از بیست و سه سال حسن ولایت اروپا را ن
نمایند، و خلقش در زحمت بودند، افلاطون گفت که من
تربیت طفلی نکرده ام تا اینکه طایفه مخصوصی آن ملت،
همانا طفلی مدتی بحکم مخصوص از معاشرت جاری داشت، بعد
از آن باران ببارید، و هریم آبنایش یافتند و حظی که این
زمان ترانه حسی از ... و از خط متعلقی استخراج
کرده اند در عهد او وضع کرده اند، و نام واضع آن
شوجو بود، و بعد از او یاوانکی پادشاه شد، و خاتون
بغایت پاکیزه داشت بوسن نام هرگز نخندیدی،
هرچند شوهرش سعی کرده تا بخندد میسر نشد، و در آن
عهد معهود چنان بود که بوقت وصول یاغی بر کوه آتش
افروختندی و اهل در رسیدندی، بدان سبب امرا واقف
میکشتند

آسیبی بود از آن قوم که آنها بسندیده کردی. بفرمان او
تیر منفکلی نشست که نقش اسب میکشید ودر نشانه زدن طبق
قیسنکی میرفت. ودر ولایت میکردید واحوال معلوم
میکرد وسی آمد. وبناموز با آنکه میکفت ویا پیران قرملمن
نیز آمد واحوالها وهواها را این ولایت را معلوم کرد. ودر عهد
او شخصی خوازن نام علم کیمیا بیرون آورد. وسیمها زیر
تیکو انسته. چنانکه هر لحظه خود را بشکلی غریب
بر آوردی. ولعبت بازی او بنیاد نهاد. وبعد از و
کرفوانکی پادشاه شد. وبعد از وبی وانکی. وبعد او روبشا
وانکه در عهد او از ولایتی که داخل ملکت او بود بنزیب
نویای وکرکی چهار شاخ بپیشوای آوردند. بعد از و
بی وانکی. وبعد از وتمیل وانکی. وبعد از وسون وانکی
پادشاه

در زیر فلان درخت ناگاه نوری بر من فتاد و بیهوش
شدم و ندانستم که چیست ازان حامله گشتم٠ وهنگام
ولادت او نه زنها از هوا فرود آمده اند٠ وآب از دهن
بروی میریختند واورا در طشتی زرین شستند٠ وبعد ازان
هفت گام بدوید وبآواز آمده که مرا خدای فرستاده تا پیغمبر
باشم تا وقتی دیگر پیغمبران بیایند٠ وبغایت صورت
خوب وفصیح ودانا وکامل بوده٠ چون نوزده ساله شد
بکوه رفت وتا پنج سال آنجا می بود وچیزی نمی خورد٠
وتا شش سال دیگر هم درکوه بعبادت مشغول شد٠ وبعد
ازان دعوت پیغمبری کرد٠ وتمامت ولایت کشمیر وانکلک
واکثر هندوستان وختای مذهب او گرفتند ومتابعت
نمودند٠ وبعد از چی وانک موانک پادشاه شد٠ واو را

امیری

هجري بيست مدّت دو هزار و پنجصد و سي و نه سال نشسته

حكايت ولادت شكموني برخان برزعم اهل ختاي

چنانست كه پدر او از ملك كشمير و الكلنكه بود و

ولايت يوكيا پيلاوي نام او انكك وان پادشاه آن ولايت و جاكم

و مقعدم هشتاد و چهارم هزار و و بيست شصت مرد در

پيش شهرها و ولايت بوده و زني داشت مو يه فوجين

نام و چنان ميگويند كه او را بكر خواست و باوي صحبت

نا كرده در باغي كه نام آن لم بيني بوده در زير درختي

كه آنرا ايو كجه خوانند خفته بود از هوا و از نور آبستن

شد و بعد از آن جانب راست پهلوي او شكافته گشته

و بچه بيرون آمده شوهرش پرسيد كه من بتو

نرسيده ام ديگر بودي از كه حامله گشتي گفت در باغ

ختنیک وانک پادشاه شد و بعد از او پسرش بجی وانک
پادشاه صد وسی وچهارم پادشاه بزرگ ومبارک بود
از جمله حوادثی که در زمان او واقع شده یکی آنست که
ایران در ممالک ختای وهند وکشمیر هر چند مذاهب
مختلف باشته اند لیکن شخصی که در دعوای پیغمبری
کند واو را متبعی وراهی باشد که خلق متابعت آن کنند
نبود در عهد این پادشاه شکمونی برخان که اقوام هند
وکشمیر وتبت وختای وتنکقوت وایغور او را پیغمبر
میدانند وجمله متابعت او میکنند در وجود آمد ودر
بیست وچهارم سال اوائل دعوت پادشاهی او بختای رسید
وشکمونی برخان را هفتاد وهشت سال عمر بود واز
ابتداء ولادت او تا این زمان که سنه سبع عشر وسبعمایه

هجریست

وانکه تا مدت شصت سال پادشاهی کرد سی سال بعدل
وداد کذرانید و سی سال بظلم وتعذیب وخاتونی
داشته نام اورا کی اوریاوسن داشته ونوکری بغایت
بهادر داشته اولی نام اورا فرمود تا همه شهرها جهت
او شراب وطراسون بسیار جمع کنند وسرایی بزرک ساخته
وانا خیمک سکون نام نهاده یعنی بسرای شب دراز
وتمامت سوراخهای آن کرفته تا بکلی تاریک شده
وشمع بسیار افروختنی ودر آنجا مدت شبانروزی شراب
خوردی وکفتی این مقداری یکشب است این جود وانکا
بقصد او لشکری عظیم کشید چون خبر وصول او
شنید از ترس او خود را در آتش انداخت وبسوخت
وجود وانکا آن مملکت را بکرفت وبعد ازو پسرش

خنیکا

باريد و خلق از تنگنای قحط و تبا بر فراخای
نعمت و ناز افتادند و بعد از و بیست و نه بطن پادشاهی
کردند طبقه دوازدهم جوقرا ونک پادشاهی صد و سی
یکم اورا پدری بود حیوون نام مرتعی حکیم بغایت
کافی و قابل که پیش ازین خوکی اول پادشاه طبق
نوم وضع کرده بود و آنرا بر هشت قسم نهاده و فهم آن
دشوار و آنرا بر هشت در هشت قسمت کرده و بر شصت
و چهار خانه نهاده و روشن گردانید و بمرتبه پادشاهی
رسید اما از راه حکمت خویشتن را مشغول نکرد و پسر
خود را قایم مقام گردانید و او نیز بغایت حکیم
و عادل بود و تعیین فرسنگ او کرد و در آن عهد در شهر
که از آن طرق خان بالغ است نام او جبوه گو پادشاه بود

بدان خان بالق — وانکه

که جمع شده بود بدریا و زمینهاء ولایت خشک گشت، ونه رود خانهٔ بزرگ که در ولایت ختا کیب هست دران عهد بریده اند، و سر زمان او مزرعی بود چهل گز بالای او، وبعد از و شانزده بطن پادشاهی کردند، طمغة پانزدهم شینک تانکی پادشاه صد و یکم، از نسل وی کوکو شینک شی پادشاه هفتاد وسوم بود، در عهد او هفت سال باران نبارید، وچشمها ورودها خشک شد، ومردم از راه عقب باران ماندند، وقحط شد، وگفت این همه از شومی گناه منست، فرمود تا هیزم بسیار جمع کنند واورا بسوزانید تا باشد که خشم خدا کم شود، و از ان گناه خلق بخشند، چون هیزم جمع کردند و اثر صدق ونیاز او ظاهر گشت حق تعالی رحمت کرد وهفت شبانه روز باران بارید،

دَرْ حَیَاتِ اُو پَادِشَاهِی کَرْدْ، دَرْ عَهْدِ اُو چِهَار عَیَّارْ رَا بَدَسْت
آوَرْدْ وَ بِکُشْتْ وَ عَالَمْ آرَامْ یَافْتْ، وَ تَابُوتْ چُوبِینْ
وَ سِفَالِینْ اِخْتِرَاعْ کَرْدْ، وَ دَه پَارَه شَهْر بِنَا کَرْدْ، وَ فَرْزَنْد
شَخْصِی شِیَاپُو نَام رَا بَرْگُزِیدَنْد وَ دَرْ حَیَاتِ خُودْ پَادِشَاهِ
نِشَانْدْ، طَبَقَهٔ سِیُمْ شِیَاپُو وَ دَرْ عَهْدِ اُو دُوَازْدَه سَالْ مُتَوَاتِر
بَارَانْ بُودْ چُنَانْکِه بِطُوفَانْ اَنْجَامِیدْ، وَ بِیشْتَرِ عَالَمْ
آبْ گِرِفْتْ، وَ اَکْثَرِ خَلَایِقْ هَلَاکْ شُدَنْدْ، مَگَرْ بَعْضِی
کِه کَشْتِیهَا تُوَانِسْتَنْد سَاخْتْ وَ کَسَانِی کِه بَرْ سَرِ کُوهْهَا
مَانْدَه بُودَنْدْ، اِینْ پَادِشَاه بَا خُودْ اَنْدِیشِیدْ کِه چُونْ
اِینْ دَرْ زَمَانِ مَنْ پَیْدَا شُدْ وَ خَلْقْ هَلَاکْ گَشْتَنْدْ هَرْ آیِینَه اَزْ
فِعْلْ وَ اَنْدِیشَهٔ بَدِ مَنْ بَاشَدْ، تَمَامَتْ بَغَایَای مَرْدُمْ رَا
جَمْعْ کَرْدْ وَ رُودْخَانَهَا بِجِهَتِ مَمَرِّ آبْ سَاخْتْ، تَا آبْهَا بِهَمْ جَا

که جمع

مملکت ده هزار جوان عاقل هنرمند را حاضر گردانیدند،
از آنجمله یکی را ملایم طبیعت خود نیافت، بعد از آن
یکهزار ادیب زیرک بیاوردند، او بخورها در آتش نهاد
و بتضرع تمام با خدای تعالی مناجات کرد که چون مرا
فرزندی مقبل ندادی و از ده هزار آدمی اختیار کرده یکی
را ملایم طبیعت خود نیافتم، از این یکهزار یکی را لایق
روزی گردان، آنگاه تفحص نمود و یکی را مستعد یافت،
پرسید که نام تو چیست، یوذیو شی، و آن شخص شکلی
بغایت زشت داشت مانند اژدها، و چشمهاء او هر یک دو
مردمک دیده داشته، و خدمت پدر و مادر نیکو میکرده او را
اختیار کرد، و هم در حیات خود پادشاهی بدو داده طبقه
نهم دی شن یوف یوشی، پادشاهی هشتاد و سیوم، نه سال

در حیات

سه گز وسر شاخهاء آن خار بود، چون بد خواه پادشاه در
آمدی بر دامن او آویختی، و آن درختی دیگر سر
بر زمین نهادی، پادشاه از حال مخالفان آگاه شدی،
از ممالک سی و دو مرد صاحب کرامات بیامدند و ملازم
او شدند، و علوم نوی می آموختند، و کتب بسیار
تصنیف کردند، و مرغ همای بر سر او فرود آمد، و بازیی
که بر زبان ختای آنرا جام میگویند، و در این ملک بیند
می بازند، عدد خانهای آن سیصد و شصت و شش است
بعدد روزهاء سال او وضع کرد، و اورا یک پسر بود نام او
تانجو، پدرش اورا مستعد پادشاهی ندید، فرمود تا
ندا کردند که تمامت مردمان عاقل کافی دانا که در
ممالک او هستند جمله پیش او جمع شوند، از جوانب و اطراف
مملکت

میکنند که مدت چهار ماه در شکم مادر بوده، وموی
وابروی داشته هشت رنگ، واز وی مثل کرامات ظاهر
شده، ودر عهد او دو فرشته آمده یکی بر صورت گاو ویکی
بر صورت قوچ واز دست راست وچپ او نشسته، وهر یک
از امرا ومقربان که در آمدی ودل او با پادشاه بد بودی
گاو اورا بدندان بگرفتی وقوچ بسر میزدی، بعد از
مدتی قوچ مرد وموضعی که جای او بود درختی بر آمدی،
بلندیّ او هشت گز، وخاصیتی داشت که در هر ماه
پانزده روز ازو برگی بیرون آمدی، وپانزده روز دیگر
یکی بار ازان فروفتادی، وبعد از مدتی گاو نیز مرد
پادشاه غمگین شد که بعد ازین معرفت مردم چگونه
حاصل شود، در موضع گاو درختی بر آمد،

طبقۀ ششم چون فوکاه پادشاه شصت وسیوم از نسل
پادشاه سی وپنجم شن ون بود، عظیم مصلّی وعادل با
حضرتِ حق تعالی نیازی داشت وعبادتِ بسیار کرد، در
عهدِ او کارها نیک آورد آنجا باید کردند، وبعد از و انه
بطن دولتِ ایشان بپایان رسید طبقۀ هفتم دی
کورکان سنیک شی، پادشاه هفتاد وسیوم، در عهد او
کهور که وطبل ونرنک ونرای وضع کردند، وحکیمی
بزرگ بوده نام اوجی سون زی اورا معلّم خود کردانیده،
وعلم بسیار ازوی آموخته وکتب ساخته، وبعد
از هشت بطن دولت ایشان منقضی کشته، طبقۀ هشتم
دیولی تاو تانک شی، پادشاه هشتاد ودوم، از عم
زادکان پادشاه سی وپنجم شن ون بود، تغریس
میکنند

گُوَرْ جِهَانْ کُنَدْ، وَبَرْ تَخْتِ بِبَدْ بَرْ سَرِ آنْ بِنْشَانَنَدْ، وَاینْ پَادِشَاه
نُه پَارَه شَهْرْ بِنَا کَرْدِي، چِیُوسِنْبِکْ، جَبُوکِي، جبوسو، جبو
یو، جبو ببن، خبولانک، جبو جو، خبو یانک، جبو، وَتَمَامَتْ
رَا مَعْمُورْ کَرْدَانِیدْ بِسَرْ بُرْدْ، وَبَعْدْ اَزْ اِنْقِضَاءِ رُوزِ فَرْزَنْدَانِ
اُوْ هَشْتَدَه نَفَرْ دَوْلَتِ اِیشَانْ مُنْقَطِعْ کَشْتْ، وَبَطَبَقَۀ پَنْجُمْ
اِنْتِقَالْ کَرْدْ، طَبَقَۀ پَنْجُمْ شُو خَو اوکم تَنْ شِي پَادِشَاه پَنْجَاه
وَسِیُمْ، چُنَانْ تَقْرِیرْ مِیکُنَنْدْ کِه اُورَا پَدَرْ نَبُودَه مَادَرَشْ
نُورِي بِیدَه وَاَزَانْ آبِسْتَنْ شُدَه وَاُورَا زَادَه، مُرْغِ هُمَاي نَبُودَه
دَرْ عَهْدِ اُو بَادِیدْ آمَدْ وَبَرْ بَالَاي اُرْدُو پَرْوَازْ کَرْدْ، وَدَرَانْ
زَمَانْ شَهْرْهَا رَا مُحَلَّاتْ پَیْدَا کَرْدَنَدْ، وَاُو بِغَایَتْ پَادِشَاهِي
عَادِلْ عَاقِلْ زِیرَکْ مُهَنْدِسْ بُودْ، وَبَعْدْ اَزُو نُه پَادِشَاه اَزْ
نَسْلِ اُو پَادِشَاهِي کَرْدَنَدْ، بَعْدْ اَزَانْ دَوْلَتِ اِیشَانْ مُنْقَضِي کَشْتْ

وجامه بافت وبدوخت ومردم را بیاموخت، ودر عهد
او اونان نام شخصی پیدا شد، استادی ماهر بود وکارهاء
معظم آغاز کرد کشتی وگردون وطبق والنهای چوبین
او ساخت، وشهر ساختند از چوب او بنیاد نهاد، وتابوت
جهت مرده هم او اختراع کرد، وپیش ازان آدمی مرده را دفن
نکردندی وبینداختندی، این پادشاه فرمود که مردگانرا
دفن کنند، واز جمله یاساها را یکی آن بود که هر مرده
که از نسل پادشاهان باشد هفتم روز اورا از خانه ببیرون
برند، ودر صحرا بموضعی بنهند، وهفت ماه آنجا بگذارند،
بعد ازان در گور نهند، وبلندی گور ایشان سه قلاج باشد،
وامرا را پنج روز وپنجاه، وبلندی دو قلاج، وکسری ودرخت
سرو بر سر آن بکارند، وعموم مردم سه روز وسه ماه وبلندی

گور

با آن دیو هفت شبانروز جنگ کرد وبر وی دست نمی یافت،
از آن معنی غمناک شده در خواب رفت، ودر آن عهد
تیر وکمان نبود، او بخواب چنان دید که بدرگاه حق
میرفتی، در آن بهشت را دید که تیر وکمان داشت، پرسید
که چیست او فوائد آن باوی تقریر کرد، واستعمال آن
بوی آموخت، پادشاه را در خاطر آمد که این سلاح لایق
آنست که آن دیو را بدان تدارک هلاک کنند، چون
بیدار شد صورت آن یاد داشت، ترتیب کرد وبجنگ دیو
رفت واو را بکشت، ودر آن زمان ابریشم وجامه بافی نبوده،
ومردم برگ درخت پوشیدند، هم در خواب بهشتیانرا
دید جامهای خوب پوشیده پرسد وبیاموخت، چون
بیدار شد بتدبیر آن مشغول گشت، تا ابریشم ساخت

وتجربهٔ داروها آغاز کردند، ودر میان خلایق شهور
شکردانیدند، ومعاملات وبازارها درصحراها
او ظاهر کرده، وساری بیکر بیرون آورد که پنج
تار داشت، وآنرا قوپوز کیم گویند، وبعد ازو وی بی
خنلیک بیلم وی بی، سنیک وی بی، حی وی بی، لای وی،
نای وی بی پادشاهی کرده اند، وبعد ازان بطبقهٔ چهارم
منتقل شده طبقهٔ چهارم شن ون پادشاه سی وپنجم پسر
داشته پسر دویمن شجاع وزیرک وعاقل بوده ودر آن عهد
بیوی پیدا شده نام او جی یو وهشتا نه نفر بیوا قایی تیغ
داشته وسر او مسین وپیشانی آهنین بوده وسنگ وریگ
میخورده وخلق را زحمت بسیار میرسانده وکس را مجال
مقاومت با او نبوده برابری کردن قدرت داشته این پادشاه

بالن

بنا گرفته، ومیخورده وسازی ساخته که ابریشم آن
بیست وپنج تار بوده، وعوض ابریشم چون در ان عهد
نبوده نی باریک را شکافته اند وبران ساز بسته، وآنرا
خواهر او نیو اشی نام زده که بعد ازو پادشاه شد وبعد ازو
کون کونشی، تنای تانشی، ون خونشی، جون بایک
اولی شی، بی لن شی، خی شوشی سون یوشی، خون
دون شی، خوبانک شی، کونن شی، جوشن همکان شی،
ووخوا شی، پادشاهی کرده اند، بعد ازان پادشاهی
بطبقهٔ سیوم منتقل شده طبقهٔ سیوم شن ون پادشاه
بیست وهفتم، نن او همچون مار ویک سر آدمی داشته،
در عهد او آلات واسباب زراعت از گاو وغیره پیدا
گردانیدند، وآغاز زراعت کردند، وعلاج بیماری
وتجربه

ازان آتش افروختنه نبوده، ودران عهد چوب بر چوب
مالیدندی تا آتش پیدا شدی، واوّل خون آهو خوردندی،
بعد ازان سنگ با آتش گرم میکردند و بر سر گوشت
آهو می انداختند تا بریان میشد و میخوردند، و مجموع
ایشان برین عادت میرفتند، و هنوز انسانیّت بر ایشان
اطّلاع نرفته بود، طبقهٔ دوم * خوکی یازدهم پادشاهان
ختای بوده، و ابتداء ظهور اوصاف انسانیّت ازو فهم
و ذکا آغاز ازو شده، و در عهد او علم فال که ختاییان درین
وقت آنرا خوب میگویند، مانند رمل است اختراع
کرده اند، و بعد ازان در کتب ساختنه و شیوهٔ زنان با
شوهری و زفاف او آغاز کرده، و وضع خط او نهاده، و طریقهٔ
حساب و قباله و نامه بابید آورده، و دایم پای ساخته

تا

* فوکی

برابر بوده، و بر همان شیوه پادشاه اول زندگانی کرده،
و در عهد او چون با یکدیگر حسابی کردندی بر شاخ گیاه
درخت گره زدندی و از آنجا فهم کردندی، بی خانگشی
پادشاه سیوم او نیز یکتن هجومار و ده سر آدمی داشته
و اورا یاریه برابر بوده، زن خانگشی او نیز یکتن
هجومار ونه سر آدمی داشته، و عادت و شیوه ایشان
همه یکی بوده، اولو کی، دشتنی کی، وخه خون کی، ولسن
لن کی، وسومین کی، وشوزن کی، این شش پادشاه یکی
شیوه داشته اند، و در عهد ایشان درخت میوه دار پیدا شد،
و مردم آغاز میوه خوردن کردند، و هنگام گرما بسر
زیر درختان رفتندی، و گاه سرما در سوراخها،
و حال آفتاب و ماه بر آن زمان فهم کرده اند، و پیش

بَرْ مِثَالِ بِیکَرْ حَیوَانَاتْ دَرْ صَحْرَا گَشْتَنْدِي، وَخُورِشْ
اِیشَانْ عَلَفْهَا بُودِي، وَعَوْرَتْ پُوشِ اِیشَانْ بَرْگِ دِرَخْتْ، وَبِگَاهِ
گَرْمَا نَفَسِ تُنْدْ زَدَنْدِي وَلَرْزْ تَأْثِیرِ آنْ هَوَا خُنَكْ شُدِي وَبَادْ
بَرْ خُوَاسْتِي، وَبُوَقْتِي كِه سُرْفَه وَتَهَوُّعْ كَرْدَنْدِي مَانَنْدِ رَعْدْ
وَبَرْقْ اَنْدَرْ هَوَا پَیدَا شُدِي، وَبُوَقْتِي كِه خُوَاسْتَنْدِي كِه هَوَا
گَرْمْ شَوَدْ دَسْتْهَا بَرْ هَمْ زَدَنْدِي، وَ دَرْ آنْ زَمَانْ هَرْ چَنْدْ زَنَانْ
بُودَه اَنْدْ، لِیكَنْ طَرِیقِ شَهْوَتْ رَانْدَنْ وَمُجَامَعَتْ نَمِیدَا
نِسْتَنْدْ، نَفَسْ بِنَفَسْ مِیرَسِیدِي وَزَنْ حَامِلَه گَشْتِي، وَبَعْدْ
اَزْ آنْ بَچَّه دَرْ وُجُودْ آمَدِي، وَبَعْدْ اَزْ زَنْ[a] خُوَانْكَشِي پَادِشَاهْ دُوُمْ
نَامَشْ تَنْ لَسْتْ وَلَقَبْ خُوَانْكَشِي، وَدَرْ قَدِیمْ پَادِشَاهَانْ
اِیشَانْرَا لَقَبْ خُوَانْكَشِي بُودَه، وَاِینْ[b] زَمَانْ شِي مِیگُویَنْدْ، اُورَا
تَنْ هَچُو تَنِ مَارْ بُودَه اَسْتْ، وَدَهَنِ آدَمِي دَاشْتَه، وَاُورَا سِیزْدَه

بر ادم

[a] خُوَانْكِشِي [b] زمهو

قَوْمْ اَنْدْ كِه اِيشَانْرَا نُوجِي مِيكُويَنْدْ، وَمُغُولَانْ وَدِيگَرْ
اَقْوَامْ اِيشَانْرَا خُورْجَه خُوَانَنْدْ اَزْ اِيشَانْ شَخْصِي خُرُوجْ
كَرْدَه وَاَزْ يَانْ اَكُودَايْ نَامْ، دَايْ كِيمْ لَقَبْ، وَمُلْكْ خَتَايْ اَزْ
پَادِشَاهَانْ قَرَاءِ خَتَايْ بِسِتَدْ، وَمُغُولَانْ اُورَا اَقُودَه گُويَنْدْ،
وَاَلْتَانْ خَانْ كِه دَرْ عَهْدِ چِنْگِزْ خَانْ بُودْ دَرْ زَمَانْ اُوكْتَايْ قاآنْ
بَرْ اُفْتَادْ، اِينْ دَايْ كِيمْ دَرْ مِيَانْ وِلَايَتِ خَتَايْ وَقَرَاچَنْگْ
وِلَايَاتْ بِسْيَارْ سِتَدْ، وَهَرْ يَكْ رَا پَادِشَاهِي، اَزْ اَنْجُمْلَه وِلَايَتِسْتْ
كِه اَهْلِ آنْرَا عَادَتِسْتْ كِه دَنْدَانْ رَا اَزْ زَرْ غِلَافِي سَازَنْدْ، وَبِوَقْتِ
طَعَامْ خُورْدَنْ بَرْ گِيرَنْدْ، وَمَجْمُوعِ وِلَايَاتْ دَرِينْ وَقْتْ اِيلْ
قاآنْ بُودَه اَنْدْ بَابِ دُوُمْ پَادِشَاهَانِ اِيشَانْ سِي وَشَشْ طَبَقَه اَنْدْ
طَبَقَهٔ اَوَّلْ پَادِشَاه اَوَّلِينِ اِيشَانْ نِيكُو بُودَه اَسْتْ كِه آغَازِ
تَارِيخْ اَزُو كَرْدَه اَنْدْ، وَدَرْ عَهْدِ اُوشَهْرُو وِلَايَتْ نَبُودَه، وَآدَمِيَانْ

بر مثال

بُزُرْگَسْتْ، رُوزِ جُمْعَه اَزْ مُسَلْمَانَانْ پُرْ بَاشَدْ، وَاَهْلِ شَهْرْ اَكْثَرْ
يَكْدِيگَرْ رَا نَمِي شِنَاسَنْدْ اَزْ غَايَتِ اَنْبُوهِي، وَوِلَايَتِ دِيگَرْ سْتْ
دَرْ جَنُوبِي غَرْبِي خَتَايْ كِه اِيشَانْ آنْرَا دَايْ لِيُومِي گُويَنْدْ،
وَمُغُولَانْ قَرَا جَانْگْ، وَهِنْدُوَانْ كَنْدَهَرْ، وَنَزْدِ مَا بِقَنْدَهَارْ
مَشْهُورْ، وَاِينْ وِلَايَتْ دَرْمِيَانِ هِنْدْ وَتُبَّتْ اُفْتَادَه، دَرْ يَكْ نِيمَه
آنْ مَرْدُمْ سِيَاه اَنْدْ، وَدَرْ يَكْ نِيمَه سِپِيدْ، وَمُغُولَانْ اِينْ نِيمَه سِپِيدْ
رَا چَغَانْ جَانْگْ گُويَنْدْ، دَرْ شِمَالِي خَتَايْ اَقْوَامِي صَحْرَانِشِينْ
اَنْدْ، وَاِيشَانْ آنْ قَوْمْ رَا جِيدَانْ گُويَنْدْ، وَمُغُولَانْ قَرَاخَتَايْ،
وَمَوَاضِعِ اِيشَانْ بِصَحْرَاي مُغُولِسْتَانْ مُتَّصِلْ اَسْتْ، وَوَقْتِي اَزْ آنْ
قَوْمْ شَخْصِي خُرُوجْ كَرْدْ وَمُلْكِ خَتَايْ بِگِرِفْتْ وَپَادِشَاه شُدْ،
وَاَزْ نَسْلِ اُو چَنْدْ بَطْنْ مُدَّتِ مَدِيدْ پَادِشَاهِي كَرْدَنْدْ، نَامِ اُو
خُولِيچِي لِيَا، وَقَوْمِ دِيگَرْ صَحْرَانِشِينَانْ مُتَّصِلِ اِينْ

قوم

ایشان خان زیجو خون فوی میگویند، ومغلان آنرا
جاوقوت، وهندوان چین، ونزد ما بختائی مشهور است،
وولایت دیگر هست، در شرقی ولایت مذکور مایل
بجنوب، که ایشان آنرا منزی میگویند، ومغلان
نکیاس، وهندوان مها چین، یعنی چین بزرگ،
وسایر مردم ماچین، وولایت چین را بنسبت ماچین
کرده یکی پنهانه اند، وخواجه رشید الدین وزیر از
بلاد حنیک بکشانکی تقریر کرده که آن ولایت ماچین
بحسب نهصد تومان در دفتر آمده است، که آنرا
ختنسای میگویند که قطرهٔ آن یعنی باور نیاورید
فرسنگست، ودر آن شهر سه بام نهاده، وتمامت خانهای
ایشان سه طریقه است، ودر آنجا سه مسجد جامع

وَنُهْ هَزَارْ وَهَفْتْصَدْ وَهَشْتَادْ وَپَنْج سَالْ گُذَشْتَنْد اَسْتْ كِه
مَجْمُوعِ آنْ هَشْتَادْ وَهَشْتْ هَزَارْ هَزَارْ وَشَشْصَدْ وَسِي وَنُه
هَزَارْ وَهَفْتْصَدْ وَهَشْتَادْ وَپَنْجْ سَالِ بَاشَدْ وَآغَازْ مُبْتَدَاءِ
مَذْكُورْ تَا آنْ سَالِ كِه چِنْگِيزْ خَانْ اوْرَا بُزُكْشْتْ وَمُبْتَدَاءِ
ظُهُورْ پَادِشَاهِيءِ اوُ بُودْ طَنْغُو پِيلْ بُودَه مُوَافِقْ شُهُورْ
سَنَهْ تِسْعَ وَتِسْعِينْ وَخَمْسِمَايَهْ هِجْرِي مُدَّتِ هَشْتَادِ وَهَشْتْ
هَزَارْ هَزَارْ وَشَشْصَدْ وَسِي وَنُه هَزَارْ وَشَشْصَدْ وَشَصْتْ وَهَفْتْ
سَالْ بُوَدْ فَصْلِ دُوُمْ دَرْ ذِكْرِ وِلَايَتِ خَتَايْ مَمَالِكِ اَقْوَامِ
مَذْكُورْ چَنْدْ پَارَهْ وِلَايَتْ مُعَظَّمْ اَسْتْ وَآسَامِيِّ آنْ وِلَايَاتْ
بِحَسَبِ لُغَتْ وَاصْطِلَاحِ مَرْقُومْ مُخْتَلِفْ چُنَانْكِه دَرْمِيَانَه
مَمَالِكِ اِيشَانْ وِلَايَتِي مُعَظَّمْ مُعْتَبَرْ اَسْتْ كِه دَرْ اَغْلَبِ
اَوْقَاتْ تَخْتْگَاهِ پَادِشَاهَانْ بُودَه وَآنْ وِلَايَتْ رَا بَزَبَانِ
ايشان

تَارِيخِ ايشَانْ مِيرُونْ، اَلْعُهْدَةُ عَلَي الرَّاوِي فَصْلِ اَوَّلْ

دَرْ تَارِيخِ خَتَايْ تَارِيخِ ايشَانْ مُشْتَمِلْ بَرْ سِهْ دَوْر اَسْتْ هَرْ
دَوْرِي رَا نَامِي مُعَيَّنْ دَوْرِ اَوَّلْ شَانكْوَانْ[a] خُونكْ وَنْ
خَاوَنْ، وَدَوْرِ بُزُرْكْتَرْ رَا دَهْ هَزَارْ سَالَه مِي نَهَنْدْ، وَاينْ
مُدَّتْ رَا يكْوَنْ[b] مِيكُويَنْدْ، وَهَرْ دَوْرِي مُعَظَّمْ رَا بَرْ سِهْ
دَوْرْ نِهَادَه اَنْدْ، هَرْ دَوْرِي شَصَتْ سَالْ وَهَرْ سَالِي نَامِي
دَارَدْ، تَا چُونْ طُولِ مِدَّتْ بِسْيَارْ اَسْتْ ضَبْطِ حِسَابِ آنْ
آسَانْ تَرْ بَاشَدْ، وَازْ مُبْتَدَا كِه ايشَانْ تَصَوُّرْ كَرْدَه اَنْدْ وَپيشِ
ايشَانْ مَعْرُوفْ وَمَسْطُورْ اَسْتْ تَا ايِنْ زَمَانْ كِه شُهُورْ
سَنَةْ سَبعْ عَشَرْ وَسَبعْمَايَه هَجْرِيسْتْ، مُطَابِقِ
پيلاَنْ پيلْ سَالِ پَنْجَاه وَچِهَارُمْ، اَزْ دَوْرِ شَانكْوَنْ مُدَّتْ
هَشْتْ هَزَارْ وَهَشْتْصَدْ وَشَصتْ وَسِه وَنْ

[a] وَنْ [b] وَانْ

وَنه

آنگاه نگارانِ ما هر استاد را فرموده تا آنرا نگاری گردانید، و خود تمامتِ صفحاتِ کتاب برین طریقه نسخت کرفته اند، و بر هر یکی عددِ آن بر توالی نوشته، آن لوحها همچو سکّهٔ دار الضرب در کیسها بمهرِ امنا و معتمدانِ معیّن سپرده اند، و در دکانها مخصوص با و مصلحتِ مضبوط نهاد، و بر آن اعمال تمغایی معیّن مقرّر گردانیده، بهر وقتِ که کسی نسخه از آن خواهد پیشِ آن جماعت رود، و حقوقِ معیّن و دیوانی و مؤونات آن بدهد، ایشان لوحهای آن کتاب را بیرون آرند، و بر مثال سکّه زر بر اوراقِ کاغذ نهند، و بوی تسلیم کنند، و بدین طریق ممکن نیست که در هیچ کتابی از کتبِ ایشان زیادت و نقصان تواند

بود، بدان سبب بر کتاب مذکور اعتماد کرده، نقل

تاریخ

کرده اند، وتمامت دانایان ایشان تصحیح ومقابله کرده،
وجمله برآن گواهی نوشته که با کتب قدیم مقابلست ودرآن
هیچ شبهتی نیست، بعد ازان نوبتی دیگر حکیمی تصحیح
آن کرده، آنگاه بوجهی که عادت ایشان است ازان کتاب
نسخها کرده، ومیکنند چنانکه دران تغییر نیست، وآن
چنانست که چون بهترین کتب آن تواند بود که درست
باشد، وخطش بغایت خوب ومحال تغییر وتبدیل درآن
ندارند، غایت این هرسه معنی اوصحی کرده اند، که هر
کتابی که نزد ایشان معتبر افتاد خطاطی خوش نویس را
حاضر کرده اند، تا هر صفحه ازآن کتاب بخطی پاکیزه بر
لوحی نوشته، وتمامت دانندگان آن قسم
باحتیاط تمام مقابله وتصحیح آن کرده،
وخط خویش بر ظهر آن لوح مثبت کرده اند،

آنگاه

وَمُسْتَحْضَرْ بُودَنْد، وَبَعْضِي اَزْ آنْ كُتُبْ اَزْ خَتَاي بَا خُودْ
آوَرْدَه اِحْضَارْ فَرْمُودْ اِيشَانْ تَقْرِيرْ كَرْدَنْد، كِه هَرْ چَنْد
تَارِيخْ اَهْلِ خَتَايْ وَعَدَدِ سَالْهَا وَاَدْوَارِ اِيشَانْ نَامُتَنَاهِي
اَسْتْ، لِيكَنْ تَارِيخِي كِه اَسَامِيِ پَادِشَاهَانْ آنْجَايِ
دَرَانْ مَشْرُوحْ وَمُفَصَّلْ اَسْتْ، وَبِنَابَرِ حِكَايَاتْ بَرَانْ نِهَادَه،
وَدَرِينْ وَقْتْ مِيَانْ اَهْلِ خَتَايْ شُهْرَتِي دَارَدْ وَبَرْ آنْ اِعْتِمَادْ
كَرْدَه اَنْد كِتَابِيسْت كِه اَزْ سِه حَكِيمِ مُعْتَبَرْ بَاتِّفَاقْ
سَاخْتَه اَنْد، يَكِي رَا نَامْ فُوْهِينْ خُوشَانَك فُوهِينْ
اِسْمْ اَسْتْ وَخُوشَانَكْ صِفَتْ اَسْتْ يَعْنِي بَخْشِي، وَاوْ
اَزْ شَهْرِ تَايْ غَانْجُو بُودَه اَسْتْ، وَدِيگَرْ رَا نَامْ فَنْجُو
خُوشَانَكْ اَزْ شَهْرِ فَيْنْ جَوْ، نَامِ دِيگَرْ شِمْجُونْ خُوشَانَكْ اَزْ
شَهْرِ لَاوُكِينْ، اِيشَانْ هَرْ سِه آنْ تَارِيخْ رَا اَزْ كُتُبِ قَدِيمْ اِنْتِخَابْ

كَرْدَه

خلق ازان میکنند بغایت بسیار است، و در هیچ عهدی
کتب تواریخ ایشان درین دیار نبوده بواسطهٔ بعد مسافت،
و حکماء و دانایان ایشان اینجا نرسیده، و پادشاهان این
ولایت نیز بتفحص آن مایل نبوده، تا زمان هلاکو خان
که جمعی حکماء و منجمان ایشان با او اینجا آمدند، ازان جمله
حکیمی فومنجی نام معروف بسنیگ[a] سینگ یعنی عارف،
که خواجه نصیر[b] الدین طوسی بفرمان هولاکو خان
بجهة زیج ایلخانی که از و قواعد نجومی و تاریخ ایشان
معلوم کرده، و دیگر در زمان پادشاه اسلام غازان خان
فرمان شد تا تاریخ مبارک غازانی را تألیف کند،
خواجه رشید الدین وزیر از حکمای ختای لیتاجی
و مکسون نام را که هر دو علم طب و نجوم و تواریخ واقف

ومستحضر

[a] بسینک سینکی [b] نضیر

قِسْمِ هَشْتُمْ دَرْ تَارِیخِ خَتَایْ

دَرْ عَهْدِ نِیکُو پَادِشَاه اَوَّلِینْ اِیشَانْ تَا آخَرْ پَادِشَاه اِیشَانْ، نَامِ اُورَا اَلْتَانْ خَانْ گُفْتَنْدِی، کِه جِنْکِزْ خَانْ وَاَوْلَادِ اُو بَا اُو مُحَارِبَتْ کَرْدَنْدْ، وَاِیشَانْ سِی وَشَشْ طَبَقَه اَنْدْ، عَدَدِ اِیشَانْ سِه صَدْ وَپَنْج تَنْ، مُدَّتِ پَادِشَاهِی اِیشَانْ بَرْ قَوْمِ اَهْلِ خَتَایْ چِهِلْ هَزَارْ وَدُو هَزَارْ وَهَشْتْصَدْ وَهَفْتَادْ وَپَنْج سَالْ،

وَاِینْ قِسْمْ بَرْ دُو بَابْ اَسْتْ بَابِ اَوَّلْ ذِکْرِ مَمْلَکَتِ خَتَایْ وَحِسَابِ اُو، وَآرَا عَوَامْ وَمُعْتَقِدَاتْ اِیشَانْ، وَاِینْ بَابْ بَرْ دُو فَصْلْ اَسْتْ وَیَکْ مُقَدَّمَه مُقَدَّمَهٔ کِتَابْ چُونْ اَهْلِ خَتَایْ بُتْ پَرَسْتْ، وَاَرْبَابِ اَدْیَانْ، وَمِلَلِ مُخْتَلِفْ: وَکُفَّارْ بُودَه اَنْدْ، بُنْیَادِ دَعْوِیْ وَتَقْرِیرِ اِیشَانْ بَرْ قِدَمِ عَالَمَسْتْ، بِدَانْ سَبَبْ تَوَارِیخِی کِه آثَارْ نِهَادَه اَنْدْ، قِیَاسْ ظُهُورِ

* اَلتَنُونْ خَانْ

خلق

تاريخ ختاي

ANDREÆ MÜLLERI GREIFFENHAGII
De
SINARUM
Magnæque
TATARIÆ
Rebus
COMMENTATIO ALPHABETICA,
Ex
Auctoris
COMMENTARIIS
Super
Marci Poli Veneti
HISTORIA ORIENTALI
Aliisque
MAGNO NUMERO MANUSCRIPTIS
Excerpta ac saltim delibata.

* * * * * * * * *

ABDALLA.
Auctor Historiæ Chataicæ.

ABdalla, Vulgatum, inter *Arabes* aliosque cum *Mohammede* Arabicantes populos, viri nomen est. Est autē vi significativa idem quod Hebræorum *Obadja*, Germanorum *Godschalk*, Persarum خدابنده *Hodabend*, & aliorum alia. Quæ omnia *servum Dei* significant. Abdallæ verò nomen tantummodò assumebat Bened. *Goezius*, cum per Tatarorum Mohammedanorum terras iter faceret, Chatajam investigaturus, referente *Trig.* Exped. Chr. V. 11. 603.

Ille verò *Abdalla*, qui Historiam

Chataicam condidit, *Abu Said* cognominabatur. Eratque *filius Abulkasimi*, *Patriâ Beidavaus*. *Beidaviam* autem *Leucopolin* nostrate Linguâ diceres. Est plurium civitatum & oppidorum in *Ægypto*, *Perside* & alibi vocabulum. Hîc *urbem Persiæ* intelligi puto. *Beidavius* verò eâdem methodo *etiam aliarum in Oriente Dynastiarum compendia Historica* scripsit. Ex his *priora quatuor* & *octavum hoc* & *noni* partem habeo. In *primi* verò *præfatione* disertè *Abdallæ Beidavæo* hæc opuscula tribuuntur. Ibidem Auctor profitetur, se libro suo titulum *Linea Historiarum Margaritaria* fecisse. (Historisches Perlenschnur.) Siquidem *Catenam Regnorum* complectatur. Agit autem parte *primâ* de *Prophetis*, *Patriarchis*, & *Sapientibus*, ab *Adamo* usque ad *Noam*. His *decem* successivè *personis annos bis mille quingentos* tribuit. Parte *secundâ*, de Regibus *Persiæ* inde ab origine usque ad *Dubbacum* Ulvvanæum, *Ephrasiabum* Turanæum, *Alexandrum* Græcum, & *Augustum* Romanum. Numerat hîc *personas* LXXIII. *Annos* 4181. & aliquot menses. Parte *tertiâ* de *Chalifis* Mohammedicis. Numerat *Personas* LV. *Annos* 650. Parte *quartâ* de Regibus *Imnais*. Numerat *Taïfas* octo, *personas* decem, *annos* inde à *Jacobo* f. *Leonis* ad sua tempora 400. *Cæpit* autem *scribere* Historias illas, uti quidem *Præfatio* habet, anno *Hegiræ* 674. d. 21. mensis *Moharram*. Hoc est, anno CHRISTI 1275. d. 16. Julii.

AGUDA.

Est hic *Ō-kó-tá*, de quo in *Altunchan* & *Kin*. *Kina* sc. & *Altunchanorum* Sinensium Conditor. p. 10. 46. 48.

ALAN-KAVAR.

Avus Gingischani Septimus. p. 52.

Hinc procul dubio *Alani*. Nam plerasque *Tatarorum* terras de nominibus *Hordarum*, Hordas verò de Capitis aut Ducis nomine appellationem sortitas esse, è Genealogia Gingischanicâ patebit. Gingischanidæ verò urbis Sinicæ, *Cinginguí*, cives ideò ad unum omnes deleverunt duce Centoculo, eò quòd perfidè *Alanos*, homines *Christianos*, milites suos, per deditionem receptos, interfecissent. Vid. *Ven*. II, 62. *Martin*. Atl. 78. 6. Deque *Alanis* Comm. *Ven*.

ALTUN-CHAN.

Rex Sinarum in Abdalla Historiâ ultimus, p. 2. 49.

Ita legendum esse, nihil dubii est. Et est depravatio levis. Id quod è *Var. lect*. cognosces.

Altunchan Latinè *Dominus auri* diceretur. Aut etiam *Rex aureus*. Non à *colore* quidem *vestium*, uti *Hornio* placet, sed à *pristinis sedibus*. Hoc n. nomine *Tatari* veniebant, qui *montana*,

tuna, ipsis *Altun*, Sinis *Kin* (utrinque *aurea)* dicta, olim habitabant. Hi dein magnam *Sinarum* partem occupaverant. A *Gingischanidis* tandem deleti.

Itaque non *Persona* nomen hoc erat, sed *imperii*. Deque pluribus *Altunchanis* legas, quàm quem *Gingischanida* Sinis exegerunt. Verbi gratiâ, qui cum *Du Tomim chan* bella gerebat, quique cum *Kubla*, Gingischani atavo.

Imò post Gingischanidas *Altunchani* mentio fit in Historia *Moscovitica missionis* c. a. Christi 1619. ap. *Purchaß*. T. III.

Quàm *variè* hoc Nomen *depravatum* sit, sequentes docebunt

Variæ Lectiones.

Arabica.

ألتون خان Altunchan. *Malat*. 472.
ألتان خان Altanchan. *Mirchond*.
ألنان خان Alnanchan. Abdall. p. 2. 50.
ألنون خان Alnunchan. Abdall. p. 49.

Europ.

Altunchan. *Horn*. orig. Amer. p. 255.
Altanchan. *Horn*. Arc. N. p. 288.
Alteen Tzar. *Purgstove* ap. P. III, 552.
Altine Char. *Interp. Russ*. ap. p. III. 797.
Altinus. *Descr. Moscov*. p. 45. m. *Horn*. O. I. 301.
Altisoldanus. *Vinc*. XXXII. 24.
Altisodan. *Vinc*. XXXII. 15.

Hebraica.

אלתון כאן Juchasin. 326.

Sed ecquod tandem *Altunchans* hujus nomen est, qui in Sinis ultimus imperitabat. Plerique *Fagfurum* vocant. Sed nec illud *Nomen personale* est, uti è titulo *Fagfur* cognoscetur. Porrò *Fagfurum* pro eôdem habent, quem Sinæ *Ti-ping* vocant. Ultimum nempe *Sungarum*. Sed *Altunchan*, quam *Yvenida* sustulerunt, non *Sunga* erat, sed *Kina*.

Quare non leviter ab *extraneis* erratum est in Historiâ *Belli Sinico-Tatarici*, seculo XII. gesti.

Et *similia* quidem de *Altunchani* exitu *Malatiensis* p. 309. deque *Fagfuri* cæde Venetus II. 54. 64. memorant.

Sed planè *diversa* sunt *Historia*. Non *genus* tantùm *mortis*, sed alia quoque.

(a.) *Altunchan* enim *Igne* sibi suisq; mortem consciscebat, *Fagfur fugâ* sibi consulebat.

(b.) *Altunchan* eô tempore *Nankingi* residebat; *Fagfur* in urbe *Hang-Cheu*.

(c.) Altunchan *Chatainus* erat; Fagfur *Maginensis*.

(d.) Altunchan ab Hoccotâ deletus est, c. a. Christi 1230. *Fagfur* diu post à *Kublâ*, Hoccotæ ex fratre nepote. c. a. CHR. 1270. Confecto sc. bello *Mienico*. De quô *Ven*. II. 42.

(e.) *Hoccota Chatajam*, s. Sinam borealem, à *Borrbolibyco* aggressus est;

Kûbla *Maginum*, f. Sinam australem à *Notolibyco*.

Fagfur itaque *Ti ping* est. Sed *Altunchani* nomen in M. S. Sinico non invenio. Invenio autem hoc: *Ta kinam*, hoc est, *Magnos Altunchanos* captivâsse *Hoei-Cungum*, nonum ante *Tipingum*. Delêsse etiam *Leao*. Conditoris cognomen *Huôn-yên* fuisse, nomen ō-*kó-tá*. Huic octo *Kinas* successisse. Imperium durasse annis 120. Tandem à *Magnis Tvenis* i. e. *Gingischanidis* deletos esse. V. *Aguda*, *Kin*. Et *Chataj*. p. 61. Suberratum itaque est à Phœnice literaturæ Orientalis, GOLIO, circà *novam* hujusmodi *rerum ex Oriente allucentem scientiam*, ut vocat, ad *finem addit*. de *Catayo*, quando ibidem pag. 7.

(1.) *Altunchanum* Sinarum *Australium* regem appellat, (2.) eundemque *Fagfurum* appellatum esse, ex aliorum tamen traditione, affirmat.

ANNALES SINENSIUM.

Sunt opus multorum voluminum. Suntque *Tomi* LXXX. sec. *Pintum*, aut etiam CXX. sec. *Trig*.

Singuli *Tomi* in libros, *libri* verò in *sectiones* tributi sunt, auctore *Pinto*.

Idem nonnulla è libri primi sectione XIII. allegat. p. 161. aliaque p. 167.

Sic & *Gabianus*, *Trigautius*, *Martinius*, &c.

Mihi non nisi *tria folia* hujus operis videre contigit, cum, cujus libri essent, Augustissimi Principis nomine rogarer. *Martinius* verò Annalium horum *Epitomen* tradit. In quâ multa usque ad annum Nativitatis Christi.

Ante *Martinium Abdalla Beidavaeus* noster aliam *Epitomen* concinnaverat, ad suæ usque excurrentem tempora.

De *Fide* horum *Annalium* iidem magnificè loquuntur. *Abdalla* quidem p. 3. f. *Martinius* vero his verbis: *Nunc quæ sequuntur* (pergit autem ad Historiam *Fohii*) *ab ipsis*, (*Sinas* puta) *pro indubitatis habentur, ea præcipuè, quæ ad annorum rationem spectant; quâ curâ non ullam facile nationem Sinis in orbe reliquo parem invenias. Fuit enim & est etiamnum Genti huic usitatum, ut doctissimis aliquot Philosophis Imperatoris defuncti res gestæ conscribendæ à successore mandentur, fucis & adulatione omni remotâ. Quod munus apud ipsos cumprimis est honorificum, & à summis quibusve viris expetitum. Hinc Historia Sinica ita sibi semper similis continuatur, ut, quanquam ab alio sit atque alio succedentibus annis adaucta, unius tamen auctoris opus esse videatur. Et omnino unicum est, non ab alio quàm regio scripto-*

scriptore unquam tentata, magnisq; & plurimis voluminibus contenta. Inde sibi Sinæ pro memoria subsidio epitomen conficiunt, qualem his ipsis libris repræsento; etsi passim, quo omnia sint ad cognoscendum apertiora, paulò longius excurram. Totam autem Historiam perscribere, multorum annorum labor foret. Vid. *Chronologica.* Conf. *Apographa.*

ANNI.

Quorum *Abdalla* meminit.

(1.) Ann. Hegiræ 400. p. 54.

Cœpit ille anno CHRISTI. 1009 d. 24. Aug. fer. 4.

(2.) Annus Hegiræ 549. pag. 50.

Cœpit anno CHRISTI 1154. d. 17. Mart. fer. 4. Eratque annus *Canis*, in *Dodecaëteride* dictus.

(3.) Ann. Hegiræ 599. p. 50.

Cœpit hic anno Christi 1202. 19. Sept. fer. 4. Eratque annus *Porci*.

Neque in annô Hegiræ. h. l. error est. Eundem enim annum initii Imperii Gingischanici *Malatiensis* ponit, pag. 427. Annum scilicet *Alexandréum* 1514. Qui à Kalendis *Octobris* cum anno *Hegiræ* 599. incipiente sc. cum 19. *Sept.* fer. 5. & cum anno *Christi* 1203. apprimè concurrit, cumque anno *Sin.* 9619.° Vanni 8864. Ut & 59.° cycli 11.

Sed *Chataji* secundum *Nasiroddinum* initium Imperii Gingischanici anno *Quèi-bài* Venni *Hiá-vên* applicant. Eratque eodem auctore Vanni 8864. annus 9680. Qui est annus *Christi* 1263. Hegiræ 662. incip. 3. *Nov.* fer. 3.

Quæ tamen optimè conveniunt. *Abdalla* enim & *Malatiensis* de *prima irruptione Tatarorum* in Chatajam loquuntur; *Nasiroddinus* de *firmatô imperiô*.

4. Annus *Hegiræ* 631. pag. 51.

Cœpit ille d. 6. *Octobr.* fer. 5. anni *Christi* 1233. Eratq; annus *Serpentis*.

(5.) Annus *Hegiræ* 717. pag. 7. 52.

Cœpit ille anno *Christi* 1317. d. 15. Martii, fer. 3. Eratque itidem annus *Serpentis*.

ANNI 42875.

Quos *Abdalla* ab *exordio Imperii Sinici* ad *sua*, ut videtur, *tempora* numerat. p. 2.

Error, si à *Fobi* incipias.

Cœpit ille regnare secundum Martium anno ante Christum 2837.

Adde annum Christi 1263. Hoc enim tempore Gingischanidæ Sinis potiti sunt.

Habes annos 4100.

Attamen pagina quoque 49. autor eandem temporum distantiam annis 42685. definit.

Quare etiam *alterutro loco erratum* est. Ac posteriore quidem. Sinæ verò durationem Imperii sui non à *Fobio* arcessunt. Sed à *Puon-cu*. Et sic p. 2. ac 49. legendum est.

Alioqui *Creationem mundi* multo his anteriorem faciunt, *pluresq; ideò annorum myriades* comminiscuntur.

Numerantque:

1. Ab *Orbe Condito* ad *Confutium* (h. e. annum antè *Christum* 551.) annos 3267000. Martin. p. 4.
2. Et ad annum *Hegiræ* 599. (*Christi* 1203.) annos 88639667. *Autor* p. 7.
3. Et ad annum *Hegiræ* 717. (*Christi* 1317.) annos 88639785. *Autor* p. 6.
4. Et ad annum *Hegiræ* 847. (seu *Christi* 1444.) 88639860. *Ulugbeig*. p. 50.
5. Et ad penultimum *Taimingarum* Imperatorem annos 190360096. *Gabian*. p. 118.

Sed *ingentem* hîc vides *discrepantiam*.

Quæ tamen *non soli auctorum errori* imputanda est.

Nam *Sinæ* ipsi *variè* de annis ante *Hoangtium*, Cycli ipsius usitati auctorem, sentiunt.

Hinc nulla *Martinij* & *Gabiani* consonantia.

Arabes verò & *Persæ* exactius Sinarum mentem exprimunt. Præterquàm quòd in prædictis numeris nonnullus *error* latet.

Quem si totum tollere velis, secundum *operis* mei *Chronologici* Tom. II. annos hunc in modum conciliabis

Annus nempe *ante Christum* 551.

est annus Sinarum 88637867.

Annus verò *Christi*

1203. est annus Sinarum	88639620.
1317.	88639734.
1444.	88639861.
1621.	88640038.

Cœpit autem *annus primus Hoangti*, & Cyclorum,

anno 88635721. seu Vanni 8864. anno 5721.

anno Mundi sec. *veritatem Hebraicam* 1253.

Sec. LXX. Interp. 2937.

Sec. Græcos 2812.

Porò *stupendus* ille *annorum numerus*, quem *Sinæ* comminiscuntur, non tam *Chronologicè* quàm *Rhetoricè* intelligendus est, arbitror. Consueverunt enim nihil non *myriadibus* deputare, quod *magnificè* extollere amant.

Verbi gratiâ.

1. *Regulis* benè precantes *myriadem* annorum illis apprecantur; *Regibus myriadum myriadas*. vid. *Lex. Mandar.* in *Van*.

Sic 2. *murum* illum famosum *Van-li-ching* vocant, hoc est, Murum *decies mille stadiorum*, cum vix in 5000. sta-

ſtadia *Sinica* extendatur. vid. *Chatzj.* p. 32.

Sic 3. in *diplomate Sinico-Tartarico*, quod XUNCHI Legatis *Batavis* dabat, & à *Neuhofio* p. 202. refertur, Sinarum & Batavorum, terræ *decies mille milliaribus* diſtare dicuntur.

Sic 4. Deum *Van ve*, *Myriadem rerum*, i. e. *omnia* creâſſe ſcribunt.

Similiter *Indi* plures annorum myriades comminiſcuntur. vid. *Cuſri* 1. §. 60. f.

Imò abſurdius *Brachmanes*. De quibus in *Beccęſeleniacis*. Confer. *Gloſſ.* in *Toman* & *Tuc*.

Quid? quod *Smalzius* de divin. Chriſti c. 13. P. 97. eandem *phraſin* uſurpet, & ſcribat: *Is tam verè mortuus eſt, qui unum horam mortuus eſt, quàm qui mille annorum myriades mortuus fuit*. Conf. tit. de *Creatione*.

APOGRAPHA Hiſtoriæ Sinenſis.

Una Scil. *eſt Hiſtoria*. A diverſis tantummodò ſcriptoribus ſecundum annorum decurſum continuata. Sed complures inde *Epitomas* concinnarunt tàm *Sinæ* quàm *exteri*. v. *Annales*.

Ac *Martinius* quidem *Unam* librorum *decadem* in hanc rem, additis tamen de ſuo multis, ut in Hiſtoriâ planè Novâ magis perſpicuus eſſet, edidit.

Promiſit etiam *ſecundam*, Dec. I. p. 94. 196. 320. 328. & *Atl.* p. 35. 78. Imò & *tertiam*. Dec. I. Præfat. p. 4. Ac inſuper Annales, Expeditionis maximè Jeſuiticæ, ab anno 1610. ubi *Trigautius* deſinit, ad annum 1650. Atl. 79. b. App. Hiſt. Belli Tatar. fin. Ipſem *decadem* primam *Epitomen* vocat. Atl. p. 1. Dec. I. 10. 316. Bell, Tat. p. 1. a.

ASTRONOMIA SINENSIUM. p. 2.

Hæc *non ita ſerò* tractata eſt ab ipſis, uti ab *Europæis*. Argumento ſunt.

(1.) *Obſervationes Aſtronomicæ antiquiſſimæ Motuum, Eclipſium, Conjunctionum, Solſtitiorum*, &c. quas magno mumero Tom. I. Chronol. recenſeo.

(2.) *Kalendarium*, quod *Chuen-hio* circà annum ante Chriſtum 2513. publicavit.

(3.) *Fixio anni*, quatenus eodem tempore à medio Aquario exordium capere cœpit.

(4.) *Cyclorum Chronologicorum* indubitata antiquitas. Currunt n. ab anno ante Chriſtum 2697.

(5.) *Machina Aſtronomica*, de quibus *Trig.* &c.

Famo-

Famosiores inter Sinas Astronomi fuerunt, *Tanao* & *Jungchir*, *Hoâgtii* ætate; *Hi* & *Ho Yai* tempore; *Co-xeu-king*, de quo infra.

Ceterum *Zodiaci* partitio, *siderumque* Vocabula planè aliter se habent, quàm ap. nos. De quô aliàs.

Astronomiæ tamen *partem*
alteram *tien ven* vocant. Quæ *Astrologica* est, & pars *Judiciaria*.
alteram *lie-fa*. Estque *Theorica*.

AUREORUM MONTIUM DOMINI.

Ita *Kina* & *Altun-Chani* vulgò dicebantur.

AURO

Dentes qui populi muniant, v. in *Kin-chi*.

AUCTORES.

a. Quos *Abdalla* laudat.

1. *Sinici*,

Fen-gu. p. 3.
Fu-hin. p 3.
Fu-muen-gi. p. 2.
Xen-chun. p. 3.

2. *Persæ* & al.

Nasiro'd Din. p. 2.
Neubeti. p 4.
Rexido'd Din. p. 2. 8.
Surchan p. 49.

b. Qui de rebus *Sinicis* scripserunt.

De his per *varias Linguas* scriptoribus fusè in *Bibliothecâ Sinicâ*. Hîc solos *Persas* & *Turcas* memorabo.

Sed sunt plerique

(1.) *Sine Nomine*. Huc refero

1. Historiam *Regum Indiæ*, *Usbek*, *Gin*, *Magin*, *Chata*, *Choten*, *Agiam*, *Kasgar*, *Kalmak*, &c. Turcicè scriptam & *Bibliothecæ Leidensi* à *Warnero* legatam.
2. Tractatum de arte *sagittandi* apud *Sinenses*, *Indos*, *Sindos*, *Persas*, *Arabes*, *Assyrios*, *Medos*, *Syros* & alias Asiæ Gentes.
3. Historiam *Chateæ*, de ejus *situ*, *locorumque descriptione*, *Regibus* ac *Religione*, Persicè.
4. *Poëma* eroticum de amoribus juvenis Sinici, tempore regis *Tius*.

(2.) *Nominetenus* verò de Rebus iisdem scriptitarunt.

Nasiroddinus, *Ulugbeiges*, *Abu 'l Fangius*, *Nebactæus*, aliique quorum Catalogum texo in *Bibliothecâ Sinicâ*.

c. Qui de *Dynastiis Orientis* egerunt.

Sunt enim quamplures, qui in ipsô Oriente *Orientalium Dynastiarum Historiam* scripto tradiderunt.

Suntque ex hisce nominatissimi,

1. *Mirchond*, sed *recentior Abdallá*. De *Mirchonde* vid. Catal. M S S. Ecp. p. 4. *Lambec*. Biblioth. Vindob. T. 1. p. 166. 186.

Hal-

Haller vord. Biblioth. Cur. p. 276.
Horn. Arc. Noæ, p. 244.
Desinit in ann. *Hegiræ.* 873. vid. *Teixera*, interpres ejus Eclogarius.

2. *Temur chan*, Mirchondi filius. Qui compendium Historiæ Mirchondéæ confecit.

3. Gregorius Abu'lFaragjus, *Malatiensis*, quem Edv. *Pocoke* edidit.

His meritò *Abdallæ compendia* annumero. *Nervosè* enim & *fidelissimè* scripta sunt ab autore; à *librariis*, linguarum exoticarum imperitis, tantummodò pravè recensita.

* *Bachxi. v. Gloss.*

BIBLIOTHECA. p. 5.

De *Sinensium Bibliothecis*, deque *libris*, quos vel Sinenses vel exteri Sinarum characteribus scriptos ediderunt, fusè ago in peculiari opere, cujus *Ichnographiam* pridem edidi, & *orationis Dominicæ Sinicis versionibus* annexui.

BUDDA.

Xaca agnomen. V. *Rhod. I. 17. p. 50. Bald.* Malab. III. 126.

Meminit ejus *Clem.* Alex. Strom. l. 305. *Suidas* in *Manes. Nub.* clim. II. 8. Conf. Pansam Ose. 55. *Terry.* 305. *Kirch* Chin. 161. Papp. m. 2. 258. H E.

Var. lect.

Budda. *Rog.* 472.
Βούττα Clem. Al.
Bodda. Sion ap. Nub. l. c.
Bouddha. Roger. 252. 266.
But. Tungk.

Etym.

Id nominis *Philosophum* quidem olim significabat. Rhod. Hist. p. 50.

Sed è بتّ *But tandem* پت *Put* factum est. Hoc est. *idolum*. Xacæ idolum toto oriente decantatissimum. Hinc idola à *Turcistanis Put* dicta. Et porrò à *Persis*. A *Tungkinensibus* ipsis. Lusitanicè *Pagode*.

Tradunt Brachmanes, *Wistnoui* nonam Epiphaniam sub Buddæ nomine factam esse.

BUKJA PILAVI.

Regni nomen, cui XACÆ patrium regnum suberat. p. 27.

Erat hoc *India*, ut ad unum omnes conjiciunt. Neque dissenserim.

Sed vox ista *Bukja Pilavi* mirè depravata est.

Attamen *idem* procul dubio significat, quod *Tungkingarum* vox *Thien trúc coảc. Sic. n. Indiam* vocant. Sinæ iisdem *charåcteribus* idem significant.

Nec abludunt *voces Sinicæ*. Sed item *Variè lecta* ab *Europæis*. Scribunt enim
Tien Truc. Gnoc. Kirch. Chin. ill. 152.
Tien Turk Gnoc. Montan Iapan. 112. a.

B Tran-

Trauteico. Mendoz. II. 2. p. 34.
Tantaiko. Dapp. Leg. Sin. 45. a.
Tiencio & *Scinto*. Trig. p. 120.
Quæ omnia sec. *Trig*. Regnum, quod *Indostan* dicitur, notant. *Ac Indiam mediam*, sec. *Kirch*.
* *Chan*. v. *Han*.
* *Chanbalic*. v. l. de *Chat*.

CHATAJA. *p. 1.*

Chatajam Sinas dici, & *borealem* quidem Imperii partem, etsi *non solam*, in libro de Chataja notavi & *Abdalla* confirmat. Conf. *Karachatai*.

CHIMIA.

Chimiæ Sinensium meminit *Abdalla* p. 31. &
Estque *Alchimia* Sinensium passim celebrata.
Sed est *duum* illa *generum*. Pars enim circa *Immortalitatis poculum* occupati sunt; Pars circa argenti potius quàm auri confectionem. Etsi enim aurum κατ' ἐξοχὴν *metallum* vocent, argentum tamen majoris faciunt. vid. Trig. p. 14.
De *Immortalitate* Sinis creditâ non pauca testantur.
1. Idolum nempe IMMORTALITATIS. V. Nieuhof. p. 316.
2. Traditio de *Xin-sien* h. e. Sanctis non mortuis. v. *Lex. Mandar*.
3. Herba *Pu su*. v. ib.
4. Acclamatio: *van van sui*. Vid. ib.
Medicamentis sc. ut *non moriantur* effici posse credunt. *Mar*. H. S. 29.
Ipsi *Reges* in eâ *haeresi* fuerunt.
1. Venius n. anno imperii XVII. epoto poculo, cui impostor inscriptionem fecerat: *Hominum Domino vitæ sempiternæ*, perennis vitæ suæ annum primum dici volebat.
2. Sed *Hiauo* præfectus aliquis in simili proposito præveniebat, poculum ipse exhauriens & vanitatem Regi ob oculos ponens, si vel maximè morti dandus esset. Neque enim vel posse se occidi, vel frugi fuisse medicinam illam. vid. *Trig*. p. 112. f. *Mart*. p. 310. f.
Fabula de *Argyropœia* tolerabilior est, quia in aliis quoque Gentibus simile illi *Chrysopœiæ studium* non paucos occupavit.
Id quod è farragine Scriptorum *Arab. Pers. Turc. Europaeorum*, &c. colligere est.
Sed & *Sinæ* tam de *hoc* quam *altero Chimiæ* genere perquam multa volumina habent, tam *typis expressa*, quam *Manuscripta*. Posterioribus tamen plus, ut aliàs solet, tribuentes.
Quod autem Herbis & argento vivo in hanc rem utantur, Jac. *Pantoja* refert.
Tradunt & ipsum Hoangtium, anno ante Christum 2500. & amplius *Chimiæ* operam dedisse.
Quare quid mirum fuerit inventionem hanc aut certè praxin ejus ab exteris tribui
vel (1.) Thubal-caino,
vel (2.) *Chamo*,
vel (3.) *Mosi*,
vel (4.) *Mariæ*, sorori ejus, vel

vel (5.) *Koracho.*
v. Boch. Phal. IV. 1. Mart. Atl. 56. a.
Afferunt etiam *exempla* eorum, qui *verum argentum* confecerint ex alio metallo. *Mart.* 67. b. 77. b. V. *Kirch.* Mund. Subterr. II. 231. f. *Spizel.* Lit. Sin. 261. f. *Neuhof.* 120. b. 295. f. 338. b. *Mart.* Atl. 5. b. 59. a. Conf. tit. *Simia.*

CHRONOLOGICA.

Quæ huc faciunt, nullibi rectius quàm in *Systematibus Chronologicis* tractantur.
Intereà consuli possunt, quæ hìc ad melius intelligendam Abdallæ Historiam afferuntur sub hisce titulis:
Annus, *Creatio*, *Cyclus*, *Dodecaëteris*, *Kalendarium*, & f.
Unum hîc addam. De *numero* fc. *dierum* anni.
Scribit enim Abdalla è Sinensium traditione, tot esse colores avis *Huma*, QVOT DIES ANNI p. 22.
In similem modum scribitur:
Tot *esse*
(a.) *ædiculas* in monte *Quangliù.* A. 69. a. Trig. 323. f.
(b.) portas Pequini. *Pint.* 179.
(c.) *Deos* Sinenses. Pint. 231.
(d.) *Sectas* Sinensium. Mon. Sin.
(e.) *Utilitates palmæ.* Carmen Babyl. *Plut* ap.. & *Strab.*
(f.) *dentes Crocodili.* Achill. Stat. Amor. Clitoph. & Leucipp.
Tot *fuisse*
(a.) *Statuas*, Demetrio Phalereo Athenis dicatas. Varro ap. Cic. de LL.
(b.) *digitos* Jani gemini, quem Numa dicaverat. Plin. XXXIV. 7.
(c.) *Magos*, Darium præcedentes in pompâ. Curt. III. 7.
(d.) *Artes Palæstritæ*, nescio cujus. *Sad.* I. 30.
(e.) *Fenestras* in Merifeldensi Ecclesiâ.
(f.) columnas è nigrô marmore in *Cordubensi.*
Ubi tamen observandum est, numerum dierum alicubi non de anno *Juliano* intelligendum esse, uti is est dierum 365. & 366. sed de anno *Ægyptiaco*, dierum quippe 360.
* *Chu-xang. v. GLOSS.*

CONFUTIUS. p. 34.

Sinarum Plato. Imò *Moses.*
Ejus nomen hoc Latinitate quidem jam dudum donatum est à plerisque. Reliqui tamen aliter id exprimunt. *Var. Lect.*
Cung fu-çù. Intorc. ad *Mandarinicam pronunciationem* propius.
Confusius. Oran. Rhodes.
Confuchius. Gol.
Cungfutius. Chataj. p. 101. à.
Konfut. Dapper. II. 98.

Synon.

Synon.

Et hoc *Magistrale* ipsi nomen erat. *Domesticum*, *Kieu*; *cognomen*, *Chum nhi.*

Tunkingæ *Khuũ* & *oũ Khoũ* vocant. Hoc est, *sanctum* illum *Kieu*. Sinæ etiam *thánh bièn* vocant, id est, sanctum & bonum. Itemq; oũ thánh, sanctissimum.

Natalia.

Primam lucem in regno *Lu* vidit. Ibi, ubi hodiè Provincia *Xan-tung* locum habet. Natale solum pago *çeu-ye* debebat, in Diœcesi *Chang ping*, sub civitate *Kio-feu*, quæ *urbi yen-cheu* parebat.

Pater ejus Xo leang he; *Mater Ching*, è tribu *yēn* erat.

Pater genere illustris erat. Stirpem ducens à *Tie-ye*, imperatore XXVII. *Tabula* Genealogica *annalibus* & *Chronico Sinensium* inseri solet.

Idem Confutii Pater, magistratum primi ordinis in regno *SUNG* gerebat. *Septuaginta* annorum, cum ipsi filius hic nasceretur. Decessit puero tricenni. Sepultus in monte *Tung fang*, regni *Lu*. *Mater* annis XXI. superfuit.

Ipsa Confutii Nativitas in annum *Lingi*, imperatoris Chevæi XXIII, vigesimum primum incidebat. Quem annum Sinæ *Keñ-sio* vocant, ceu Cycli sexagenarii 47.mum vid. Chataj. p. 53.

Erat hic ante Christum 551. Siangcungi, regis tunc temp. in *Lu* vicesimus secundus.

Eo nempe annô, *die* 13. Lunæ XIæ *Keng çu*, dictæ, sub horam noctis secundam in lucem editus est Confutius.

Qui *sexennis viro* similior quàm *puero* erat.

Quindecennis *libris priscorum* se dabat.

Post unà cum *Meng-y-çu* & *Nang-cung-king xo* ritus civiles didicit.

Anno ætatis XIX. vel XX. uxorem duxit, unus unam. Polygamiæ osor. Una illa *Kieu quon-xi* dicebatur. Tandem ab ipso dimissa. Filius *Pe-yu*. Qui *quinquagenarius* mortuus est, anno post uxorem defunctam tertio. Nepos Cu-su. Hujus Posteri hodiéque supersunt. Tantæ existimationis, ut vix alii in *Africa* aut *Europa*, Schallio judice.

Perinde ut *Mohammedis*.

Sed *Cu-sujorum* origo ab ipso Imperatore Ching-tang yu hoang-ti petitur.

Porro Confutius primùm in Patria docuit. Varios gessit magistratus, Tandem Colaus. Sed contemptim à suis habitus. Posteà nunquam satis laudatus,

Cumque Mandarinus in *Lu* fuisset, anno ætatis 55. sese abdicavit.

Non

Non anditus, procul secessit. Exul ad regna *çiquei* & *çu* tendens. Ubi non recipitur. In *Chin* ergò venit. Post in *Sung*.

Inde *Canis Errabundus* dictus.

Persequebatur eum *Haon-tui*, vir potens, sed insigniter improbus.

Virtute omnia superare amabat.

Avebat remotas etiam per mare adire terras.

Discipulos ter mille habebat.

Ex his *quingenti*, qui in variis regnis magistratus gesserunt.

Septuaginta duo, quorum nomina, cognomina, patria & alia memoriæ prodita sunt.

Erant autem *discipnlvrum quatuor ordines*.

Quot scilicet doctrinæ ipsi erant *gradus*.

Supremus studium in *virtutibus* ponebat. Hîc præcellebant *Min çu-Kieu gen Pe nieu Chungcung*, denique *yeu yuen*, carissimus Confutio, quique anno ætatis 31. obibat.

Secundus Gradus in *ratiocinandi* & *dicendi facultate* se exercebat. Ex his præcipui *Cai-ngò*, & *çu-cung*.

Tertius in *regimine Politico* & muneribus obeundis. Hîc primi erant *Gen-yeu*, & *Ki lu*.

Quartus præceptis morum operam dabat. Et hîc excellebant *çu-yeü* & *çubiá*.

Hi *decem*, è 72. illis, flos erant *Schola Cvufutiana*.

Doctrinam suam *cælo descendisse* asserebat. Uti τὸ γνῶθι σεαυτὸν secundum *Juvenalem*.

Summa ejus. *King tien ngai gin Ke Ki. Cælo obsequendum & proximum adamandum esse*. Vitiis adeò infensus erat, ut in extrema siti, verbi causâ, aquam fontis *Tao* bibere nollet, quod ea vox *Latronem* significaret.

Doctrinam suam regibus *yao* & *Xun* acceptma referebat. Quorum *exemplis* monita sua illustrabat.

Dicitur sæpius meminisse *Viri sancti in Occidente* Si-fan-Ven-ximgin. Sed *quem* & *quo Spiritu*, incertum. Alii *Christum venturum* ex Occidente *Sinarum*; alii *Xacam* dixissent, Philophum Indum, jàm tum celebrem.

Anno namque Christi 66. Hanarum rex XXII.us *Ming-ti*, Confutii *oraculo* hoc, accedente *somnio*, motus Legatos in occidentales plagas misit, veram legem quæsitum.

Venerunt illi ad *Insulam* non procul à *mari rubro*.

Reportant idolum *Fe*, quod *quingentis* annis ante Confutium cultum erat. Hinc *idololatriá Sinica*. Sed Historia hæc plenius & accuratius sub Tit. *Xe-Kiao* afferenda erit.

Confutium non fuisse *atheum*, multa probant.

Quem enim *Xangti* vocat l. de Medio, Sent. 122. quemq; Cælum, hic pro-

cul dubio ipsi Deus erat. v. Martin. H. *S*. 131. ppr.

Quid ipsi de *Kilin* in mentem venisse dicatur, vid. Observ. Sin. p. 10.

Obiit anno ætatis 73. Luna IV. *Ki-cheu* dictâ, Anni *Cui-gin-sio*, hoc est, cycli aurei. Anno XLI. *Kingi*, Chevarum XXVti. Anno XVI. *Ngaicung* reguli in *Lu*. Anno ante Christum 478.

Versus Cygnai.

Prægrandis *mons* (doctrinæ) quo decidisti?

Trabalis machina eversa est.

Sapientes & Sancti exaruere.

Septimo ante mortem die discipulis dixisse fertur: Superiore nocte per somnium visa sunt mihi in aula justa fieri. Reges, quæ doceo non observant, & quis hominum per imperium nostrum instituti mei sectator & cultor est? Hoc unum superest, ut moriar. Sic *lethargo* per totos 7. dies correptus obit.

Sepultus in *Lu*, ad civitatem *Kiofeu*, ad ripam fluminis Sio, in ipsa *Academiâ* suâ, hodiè muris cinctâ.

Luxerunt eum discipuli per annos *tres*;

Cu-cung verò per *sex* annos.

Corpore erat giganteo, sed majestatico.

Facies lata.

Color *oris* subfuscus.

Capilli nigri,

Oculi itidem & grandes.

Barba promissa.

Nasus simus.

Vox gravis & q. Tonitrui.

In *vertice* ipsi *tuber* erat. Hinc à Patre Kieu dictus, hoc est, colliculuus. v. l. de Medio sent. 27.

Honores post mortem in hunc diem varii.

Honoratus maximè à regibus *Han, Sui, Tang, Sung, Yven, Ming, &c.* Discipuli parentalem orationem Martinius refert H. *S*. 133.

Longobardus eum cum *Johanne Bapt.* comparat.

Nepos ejus h. t. vivens à *Xunchi* Imper. Tat. magni habetur. Gaudetque *perpetua Mandarini dignitate*. Raroque *privilegio* immunitatis ab omni vectigali. Ceu *Tarchan* aliquis.

Et ut *regna* Sinarum variè mutata sint, attamen Honor Confutianus per omnia secula continuè duravit.

Solus *Cin-xi-hoam*, Cinarum secundus, uti in *libros* & *literatos* sæviebat, ita Confutianis non pepercit. Erat tamen Confutius.

Egregius *Moralista*. *Regum* severus monitor.

Scriptor etiam magni nominis. Imò majoris ferè habitus, quàm apud plures nostratium Biblici. H. S. 211. Spiz. 117.

Tribu

Tributur ipsi *Pentateuchus Sinica*. De quâ in *Bibliothecâ Sin.* Tametsi librum *quintum* solum proprio marte conscripsit. *Priores* Quatuor antecessorum ejus erant. Sed servati, illustrati, aucti ab eo. H. S. 306.

Eos religiose observant. Lacunas in marginibus notant. H. S. 211.

Exstant etiam *Commentarii* in hos libros. Quorum unum aliquem ipse possideo.

Classici ejus Interpretes sunt *Chuven cung & al.*

Totum aliquem Confutianorum librorum Intorcetta edidit, *Goa* Sinicè, *Parisiis* Latinè.

Reliquas sententias sparsim in Europâ legimus.

Prima primi apud *Martin*. H. S. 912. f.

Ultima ultimi apud eundem p. 131.

Aliæ apud *eundem* p. 130. Conf. *Possevin*. Biblioth. IX. 27.

Gymnasia Confutiana in plerisq; urbibus & civitatibus reperire est.

Effigiem ejus vide apud Spizel. p. 119. Vid. Trig. 1. 10. H. S. 132.

CREATIO ET ANTIQUITAS MUNDI.

Mundi Initium agnoscunt, quotquot ævo annos, tametsi innumeros, assignant. *Annis* enim *definiri* & *æternum* esse contradictionem extra controversiam involvit.

Iamque *nulla*, quod sciam, *gens* fuit, *cultior* saltim, quæ non *initium aliquod* temporis agnoscat.

Sed & *cultissima*, quotquot sacrosanctum *DEI verbum* neglexerunt, eò majorem annorum numerum inierunt, quò ardentius reliquos antecellere studuerunt. *Ægyptii*, *Scythæ*, *Indi*, *Sinæ* videlicet.

De Sinis Abdalla fidem facit, eos *creationis principium* agnoscere.

Neque aliter est.

Meminerunt enim

1. *Conditoris*. Quem *Tao* vocant. Hoc est, λόγον. v. infrà. Meminerunt etiam

2. *Primi hominis*, quem *Puon-cu* appellant. v. infrà.

3. *Temporis*, quo *cælum*, quo *terra*, quo *homo* factus sit. v. *Comm: Mon. Sin.* p. 44. Meminerunt item

4. Primævi *chaus*. Quod *Ki* vocant. v. ib.

Et nihil ferè dubito, quin *Sinis* jam olim *historia Mosaica* sit cognita. Adeò multa invenio *vestigia*.

Sed *Plagii* &, ut aliis quoque Gentibus placuit, fraudulentæ *corruptela*. Et jam olim de *Plagio Græcorum*, *Phænicum*, *Ægyptiorum*, non nulla congessi.

Quibus *Plagium Sinense* facile addi que-

di queat. In quam rem *Loca Scripturæ* Sacræ non pauca collegi; ad quæ à profanis istis Scriptoribus allusum est. Sed non admittit ratio hujus Commentationis, ut integros ei inseram libellos. Intereà nonnullâ Scripturæ loca *margini* Historiæ Abdallæ adscripsi.

Porro absurdam opinionem de *prodigiosa mundi antiquitate*, cujus supra memini, Sinæ non ex suo ingenio finxisse, nec ex Historia Mosaicâ collegisse videntur, sed procul dubio à *Xaca*, Brachmanum Patriarchâ, acceperunt.

Neque in *designandis* temporibus Periodi illius mentionem faciunt. Quin *Cyclis* annorum sexagenariis utuntur. Illi præcise ab anno ante Christum 2697. numerantur. Hoc est, anno Noæ 199.

Sed, inquies, ergò *Hoangtius*, Cyclorum autor, multis annis ante diluvium, in Sinis imperitavit. Et *unde* memoria harum rerum, si nihil non hominum rerumque terrenarum per diluvium periit?

Et exinde Isaacus *Vossius* in libro de *Ætate Mundi* contendit:

1. *Mosis sententiam de tempore Creationis ex Græcâ potius translatione LXX. Interpretum, quàm ex Hebraico codice hauriendam esse.*

2. *Ei enim consonam esse Chronologiam Sinicam.* Sicque

3. *Natale Mundi tempus vulgarem Æram anticipare annis minimum* 1440.

4. Estque ipsi annus *Christi* 1658. annus *mundi* 7048.

5. Adeoque *ab orbe condito* ad *Christi natalem* annos numerat 5390. Non 5590. uti *Ricciolus* de ipso refert Chronol. T. I. p. 292. a.

Porro adversarium nactus est *Vossius* Georgium *Hornium*. Et legat, qui volet, utriusque *argumenta*. Quæ *scommatibus* tandem absolvuntur.

Ceterum, uti *Martinius* Sinensium Chronologiam magni facit; ita *Vossius* majoris, saltim, ut sententiam suam novaturientibus non ingratam gratiorem reddat. Sinas adeò magni facit, ut post *Praadamitarum auctorem* ferè dixisset: Atque *utinam unus ex vobis!*

Also werden auch noch auff den heutigen Tag / und dazu gelehrte Leute gefunden / welche die Chineser / der Seren Nachkommen / ohne Maß und so rühmen / als ob es ihnen leid wäre / daß sie unter Christen leben und wohnen: Sind das gelehrteste Volck unter allen / die jemals gewesen; Hätten in die 400. Jahr in Ruhe und Friede gewohnet / vom Kriege nichtes gewust. Sich allein der Wollust / und Betrachtung der Natur ergeben /

ben / und was dergleichen mehr ist. Jos. Henr. *Unsin.* vom Unterscheid der Religion. p. 8. de hoc ipso *Vossio.*

Medium tenuêre beati.

Sed Joh. Bapt. *Riccialus* Sinensium Chronologiam similiter salvam mallet. Scribit enim: *At si admitti possint anni à LXX. interpretibus numerati, & doceri, eos non repugnare absolutè numero vulgatæ editionis, tunc salva esse posset antiquitas Sinensium, Chaldæorum & Ægyptiorum, etiam in annis duodecumestribus.* Chronol. T. 1. pag. 222. b. f. Et p. 256. *Ne sine necessitate damnebus probabilem antiquitatem Regnorum, quam circumscriptis fabulis asserunt Historiæ de Sinis, Tartaris, Ægyptiis, &c. Verum admissâ Chronologiâ LXX. interpretum, quam Patres & Ecclesia sequi consuevêre &c. colligitur Noëtici diluvii finis anno ante Christum 3378.* Quæ omnia eò tendunt, ut *veritati Hebraicæ* detrahatur.

De quô alii.

Ad *superiorem* verò *objectionem* responderi queat, & summatim jam modo respondeo.

De *Cyclis*, eorumque *retrogrado excursu* ad annum Noæ 199. nullum quidem esse dubium, *Alligationem* verò & *Regum Sinicorum* annos, primorum maximè, non esse ita certa. Quid si *Periodus Hoangtiana* non nisi [Hebrew] sit, ut *Judæorum Hilleliana.* Cogitemus de hôc amplius.

CO-XEU-KING,

Mathematicus Sinensis.

Hujus tempore *Mohammedani* quidam *ex Occidente* Regi *Tataro*, qui tum *Sinis* imperitabat, *libros* quosdam de *Planetarum Theoriâ* & *Practicâ* obtulerunt.

Cô-xeu-kim illis uti nolebat.

Igitur non versi sunt.

Sed manserunt in *Bibliothecâ regiâ.*

Pôst *Hûm-vû*, Rex literaturæ avidissimus, *Calendarii correctionem* cupiens, libros è *Persicô Sinicè verti* jussit.

Tentum hoc à *duobus* Sinis, *Mohammedanorum* ope, per annos prope LXX.

Versi soli libri de *Praxi Planetarum.*

De *Theoriâ* non potuerunt.

Hinc *Sinæ non nisi Eclipses* quasdam supputare nôrunt. *Trig.* ep.

CYCLI CHRONOLOGICI SINENSIUM.

De his affatim egi in l. de *Chataja.* Plenius Syst. Chron. T. I.

Unum hîc addo è l. de *Hesymantia Confessa:*

King-chê.

Gol. addit. de Catayo p. 6. a.

Tantùm de *King-chê* monendum, exi-

„existimo, significationem ejus, *motus reptilium*, aut quæ verior sit, à „clar. Martinio fortè omissam, ex „meâ hîc appositam esse conjecturâ: „quod in Glossario meo Sinensi re„pererim, hanc eandem Sinicam no„tam vocemque *chĕ* desi-

„gnare *reptilia* & *insecta*, & vo„cem *Kiñg* cum suâ notâ

„*turbari* & *commoveri*. Ignoscent „doctiores, si me conjectura fallat. *Ita ille.*

Putabam adhiberi à Sinis in Catalogo XXIV. partium anni eos ipsos ipsos characteres, quos Golius posuit. Sed è *Kalendario Sinico Dresdensi* perspicio, eorum loco istos usurpari:

kiñg

chĕ

Daigim. Ta-kin.

Dai-Liu. Ta-Leao.

DEUS.

DEI nomen *Abdalla* habet, pag. 16. 20. 25. 30. 42. 52.

Sinæ nullum, secundum *Martinium*.

Ac Abdalla tamen verba, in quibus DEI mentio fit, quasi ex ore Sinarum pronunciat, Quæ quidem ita conciliandæ sint.

Non habent Sinæ unum solum characterem, quô DEUM notent. Etsi habeant, quibus *Deastros*. E.g. *Fe.*

Habent tamen *nomina circumscripta*. Talia sunt: *Chu-gai*, ap. *Gab. Lauconzautei* ap. *Mendoz. Tien-chu*, ap. *Trig. Xang-ti.* ap. *Confutium*. De singulis suo loco. De *Tao* infrà. De *literâ Regiâ Spiz.* pag. 76.

DIB-BAKOUJ.

Japheti pronepos.

p. 53.

Secundum *Mirchondum* quidem, *Caspiorum* fortè Pater. *Bakuja* n. urbs est ad *mare Caspium*. Et inde mare illud *Mare* de *Bakou* dicitur.

DODECAËTERIS.

Periodus XII. annorum.

Huc pertinet annus *Serpentis*, annus *Porci* &c. quorum *Abdalla* meminit. p. 7. 8. 51. 52.

Singuli n. *anni* de *Brutis* nomen aliquod gerunt.

Nomina ipsa vid. l. de *Chatajâ* p. 47. Quibus in Syst. Chronol. *Japanica*, *Tungkingensia*, *Kochinchinensia*, *Formosana* addo.

Dodecaëteris ipsa سالهاي دور مغول *Periodus annorum Mogolica* dicitur.

*Emir. Vid *Gloss*.
*Epitoma Hist. Sin. V. *Apographa*.

FAGFUR.

Sungarum Ultimus.
Var. Lect.

Arab.
فغفور Fagfour. Aziz. Neseph. p 7. 2. b.
Europ.
Facfur. Ven. II. 53. 54. 64.
Fackur. Dapp. II 14. b.
Fanfu. al. ap. Mart. Atl Sin. 87. a.
Fanfur. Megis. II. 55.
Ram. II. 55. 68. Sic & in Indice.
Janfur. Megis. II. 54.
Scatuc. MS. Venet. II. 52.
Farfur. Bernh. Paris. in Tazzetta. Ram II. 55.
Etymol.

Vox *Sinica*, sec. *Martinium*. Qui tradit, *Sungarum postremum* non suo à Tartaris nomine belli tempore dictum esse, sed *Vang fu*. *Vang* autem *regem* significat; *Fu*, *regionem*, aut urbis metropolitanæ diœcesin. *Ti-ping* verò solâ tandem Urbe *Hang-cheu* potiebatur. Ergò *regulū* vocare malebant *Yvena*, quàm *Regem*. Etiam quia regnum sibi solis tribuebant. Porrò *Vanfu regios* homines significat, autore *Trig*. p. 552. *Regii* puta *stemmatis*. Qui has illas metropoles in feudum citrà potestatem supereminentem acceperant. *Vanfu* autem & *Vangfu* eadem vox est. Conf. *not. ad Aziz.* n. 44. *Gloss. Sacr.* p. 57 *Chamj*. 8. b.

Dubitem tamen, Tataros voce *Sinicâ Ti-pingum* designâsse, cum pleraque Sinensium Vocabula Tataricè potius redderent, e g. *Cambalic* (nam ita legendum est) *Ach-balich*, &c.

Est item error, *Fagfour* generale Sinensium regium nomen esse. Quod D. *Golio* placebat. Quodque hoc *argumento* confirmari queat, quia *Porcellanæ* inde *Fagfurina vasa* dicuntur. v. *Dapp*. Leg. Sin. pag. Bern. Paris. l. c.

Æquè ac: *Fagfourum* esse eundem, quem *Altunchânum* vocant. V. *suprà*.

FO-HI.

Fo-hi, Sinarum Rex primus. 14. 26.

Quare autor فوكي scripserit. *Corruptelæ processus* facilè patet. Et sunt hîc *infinita exempla nominum Sinicorum* vel pejus *depravatorum*. Quæ in *Versione* genuino sono exprimere malui, quàm ut *menda* transplantarem.

FUNG-HOANG.

Avis Regia Sinensium. Mas *Fung*, dicitur; Fœmina *Hoang*. V. *Huma*. *Phœnicem* nonnulli vocant.

GAZAN.

p. 3.

Est is *Kazan*, Gingischanidarum Iranæorum undecimus. De quô vid. *Haithô* cap. 40. & sequ.

Hujus *Atabeg*, hoc est, Tutor, *Niruz*, Baiduo (qui ipsum detinebat) promiserat, *Kazanum* vinctum mittere. Evadens, *ollam*, Tartaricè *Kazan* dictam, eamque in sacculo ligatam, misit. Ita *Pocockius*.

Alioquin *olla ahenea Kás-chân* dicitur. *Kasan* verò *leonem* significat, Turcicè *Arselan*, auctore *Mirchonde*.

GENEALOGIA.

Gingischani. V. S. L.
Noachi. V. S. L.
Tamerlanis. V. S. L.

GEOGRAPHICA.

Nomina *Locorum*, *Abdalla* memorata; *suis* v. videnda *locis*.

1. *Regionum*.

2. *Urbium*.

Tai-gan-chu. 4.
Tus. p. 2.
Vi-cheu. 19.
Xun-tien. 53.

3. *Fluviorum.*
Karamuran. p. 51.

4. *Montium.*
Nigu. p. 35.

5. *Hortorum.*
Lem.
Paradisus.

* *Gin. V. Sina.*

GINGIS

p. 2. 8. 11. 51. s.

Plures hujus nominis fuisse, è *Genealogia Gingischanicâ* patebit.

Sed hîc de *famoso Gingischanidarum Conditore*, *Gingischan* dictô, solummodò agam.

Ejus vero

NOMEN.

(a.) *Variè legitur:*
H. M.

Chinchis. *Ven.* I. 52. (Nam de Syllabâ *Chân* suo vid. locô.)
Chimchis. MS. *Ven.*
Changius Cham, *Hayth.* 16. 17.
Canguista, *Sabell.* Enn. IX. l. VI. p. m. 752.
Cingkis, *Michov.* s. 8.
Schinguiskhan. *Horn.* Orb. Imp. passim.
Gingischan, Ahmed *Arabsjad.* p. 16. & passim.
Cyngis *Rubr.*
Juchasin p. 323. ed. Constantinop.
Ginkischan. *Schick.* Tarich. 12. 19.
Tinchis. *Dugloss.* Hist. Pol. 1. 6. ad ann. 1187.
Chingista. *Bonfin.* Dec. II. libr. 8. p. 288.
Tsincifcanis, *Pachymer.* l. V. *Renn.* ad Hayth. 16.
Chingis. *Belluac.* Spec. Hist. XXXII. 8. 24. & *Wilhelmus* Tripol.
Gvên. *Trigaut.*
Yvên. v. infra.
Gviscan. *Mandevill.* ap. Purch. T. III. f. 135.

(b.) *Synon.*

Sed hoc omne nonnisi adscititium hominis nomen erat.

A patre n. *Tamuchin* vocatus erat.
Juchas. 328.
Malat. p. 281.

Ac firmato tantùm imperio *Gingischan* dictus. Et primus omium *Ulug-chan*. Hoc est, *Magnus chanus.*

ORIGINEM

(1.) A Tartaris *Kin* trahebat, judice *Martinio* H. S. p. 320. & *Hornio* Arc. Noæ 276. Sed hoc nudâ *allitemtione* Syllabarum nititur.

(2.) Neque etiam è *Tan-yu* fuit, quod eidem Hornio placet. Arc. Noæ. 275.

(3.) Neque è *Hanis* aut *Samarcandenis*, ut iterum *Martinio* videtur. Atl. 18. a. 86. a.

 (4.) Ne-

(4.) Neq; è *Ketaq-kotan*, quod *Mirchondo* asserere dicitur.

(5.) Sed è *Jer-mogolibus*, autore *Vincentio Belluacensi* XXXII, 8.

GENEALOGIA.

10 Alan Kava.
9. Buka chan.
8. Du Tomim chan.
7. Kaidu chan.
6. Baisankar.
5. Tumum chan.
4. Kil chan.
3. Kubla chan.
2. Portan.
1. Pisonga Badur.
Utacin.
Kasan.

GINGIS.

Uxor, *Ovvisunga*, Ungchani filia. *Mal.* 281. 285.

1. Tuschi, Primogenitus.
2. Temthal.
2. Hordu.
2. Batu. *Malat.* 310.
2. Sibkan.
2. Tancut.
2. Barca.
2. Barcajar.
1. Jogatai.
2. Barac.
2. Cadan. *Vinc.*
1. Octay. Successor Patris. *Mal.* 304. Vxor, *Turacina*. Mal.
2. Cayuc. Vxor, *Ogul Ganmisch.*
3. Chapar.
3. Dorax.
1. Tuli. Vxor, *Sarcutna*, *Ungchani* è fratre neptis.
2. Mangu. *Hayth.* 19. 29. 46. *Mal.* 310. 326. 332. 351.
2. Kubla. *Ven.* II, 8.
3. Gingis. *Ven.* II, 8.
4. Temur. *Ven.* II, 8.
4. Caydu. *Ven.* II, 2.
3. Mangala. *Ven.* II, 32.
3. Esentemur. *Ven.* II, 39.
3. Cogracam. *Ven.* II, 40.
2. Hulagu. Vxor, *Dokuz*. *Mal.* 329. 355.
3. Abkai. Vxor, *Kutai*. Mal. 367.
4. Argon.
5. Gazan.
5. Aliapti.
6. Abu Said.
4. Goniato.
3. Kungertai. *Mal.* 360. 368.
3. Munga Timur.
2. Arigbuga.
2. Muca.
2. Bujoc.
2. Sabcu.
2. Sunitai.
1. Olug Novain.
1. Colcan.
1. Jaurochtai.
1. Vrdjar.

BELLA.

Gingischan è *Jer-Mogolibus*, ut dixi, erat. Sed ut strenuus erat & *bello* assuetus, primum quidem *Sumogoles* sibi subjecit. Pòst *Merkatas*. Sic porrò

porrò *Ungchanum* adortus est, sive ut *repulsam* vindicaret, quod *Venetus* tradit, sive ut ab *insidiis* se *defenderet*, quod *Malatiensi* placet. Ejus ergò regnum, partem Turquestaniæ, cœso Vngchano, occupavit. Accedebat erronis effatum: *Deum Tamuchino & posteris universam dedisse terram. Tamuchinum verò posthàc Gingischan* ideò appellandum esse. *Mal.* 281. Porrò *Metritas* subjugabat. Deinde Naymanos quoque & *Karakathajos*. *(Vinc.* XXXII. 8.) *Huyros* item, *Saruyur*, *Karanitas*, *Hudirat*, *Kithajorum* regiam. Sed *maritimam* illius terræ *partem* non superavit. (ib. c. 9.)

RELIGIO.

Ceterum Ahmed *Arabsjades* GINGISCHANISMI subinde mememinit, in Historiâ *Tamerlanis*. Est is *Mohammedismus* interpolatus. Eratque *Gingischanistarum* & *Mohammedanorum* consonantia veluti *Judæorum* & *Samaritanorum* (p. 403. 406.) vel *Alkoranistarum* & *Sadducæorum*. (p. 336.) Quâ de re ex *Arabsjade* fusè agitur ab *Hottingero* Hist. Eccles. Sec. XV. p. 605. s.

GLOSSÆ.

Sic voco *peregrinas* illas voces, quas nonnulli *scriptores* è *Linguis aliarum*, de quibus agunt, *gentium* adducere, easque interpretari solent. Eas observare non parum *utilitatis* habet. Id quod in prolegomenis *Glossarii Sacri*, ex parte jam typis commisi, & *profani* ostendo. E posteriore opere *Glossas Abdallianas* recensebo. Suntque

I. SINICÆ.

Chu-xang. Bach-xi.
Titulus Literatorum Sinensium.
p. 4.

Vox prior *Sinica* est. Altera *interpretamenti* vice. Ac, si sine mendo esset, *Arabica*. Cum autem mendô non careat, quid autor velit, nondum assequor. *Voculæ* tamen *Sinicæ magnatem* procul dubio significant, & *certum* quoddam *officium* denotant. Et *præsides* quidam *tribunales* ac *urbicos*. Hi en. *Ciam-ciu* dicuntur. *Trig.* p. 55. 90. Hoc est, *Italicâ* scribendi ratione in *Lusitanicam* conversâ, *Chang-chu*. Pro quô, more Sinis solito, *Abdalla Chu-xang* scripsisse videtur. Quod etiam *magnum Dominum* (ein Ober-Herr) significare potest. Sed ecce, intereà dum *conjecturis* hisce occupor, certiorem deprehendo emendandi autoris rationem. Scilicet, *chu-xang* Abdallæ est *Cúi xáng* Mandarinorum. Idque *supremum* quemcunq; notat. Pro *Bachxi* legendum est *Baxi*, vel *Baschi*. Quod est, *Capitaneus*, caput aliorum.

Chu-

Chui. Divinatio. p. 14.

Fortean فوي *Fui* pro خوي legendum est. Sicuti خوكي *Chugi* pro فوكي *Fo-hi* scribitur. *Fui* a. vel *Föi* tunc pro Sinicâ voce *Pó* esset. Quæ *divinationem* notat. Quâ quidem voce & Charactere ſ· nomen suum Sinicè exprimere voluit Michaël *Boym*, Soc. JEsu. Polon. in Elogio Kircheriano in limine *Oedipi Ægyptiaci*.

Gjam. aquila p. 22.

Avem regiam notat autor. De quâ v. *Fung-hoang*.

Kupuzgim. Pentachordon. *Instrumenti Musici Genus*, p. 16.

Cujusmodi *Pollux* IV. 9. memorat.

Litagi & Mecsun, p. 3.

Fallor, an *Litagi* vox *Mandarinica Lau-ye* est? Nam & *Lautie* scribitur. Significat autem *Dominum* ac *Parentem*, *Trigautio* interprete. Vel *Seniorem* potius. Et sic *honoris* causa *Mandarini*, hoc est, *Magistratus Sinici*, appellantur. Qui proprió nomine *Quon-fu* dicuntur. Et ad verbum magis, *Reipublicæ Patres*.

De *Mecsun*, quid sit, amplius cogitandum est.

Quei-yu. Dæmonis nomen. p. 16.

Quei Diabolum extrà controversiam notat. Hoc est, *malum genium*. Eorum enim æquè ac *bonorum* notitiam habent Sinæ. Hoc est, *Angelorum sanctorum*. Quas *Xin* vocant.

De Voculâ *yu*, quid sibi velit, nondum liquet. Et nulla non vox Mandarinica est, in quâ non hærendum sit, si de *charactere* ejus non constet.

Sing-sing. Homo *sanctus*. p. 3.

Abdalla hominem *eruditum* sic vocari notat. Sinæ verô *eruditos* excellentiores, æquè ut *religiosos* & *magnates SANCTOS* vocant.

Var. Lect.

Sing-sing verò idem illud *elogium* est, quod

1 *Sensim* ap. *Ramus*. scribitur, & *Senscin* ap. *Carpin*.

Etym.

Prior pars vocis charactere notatur, & Lusitanicè *Xim* legitur. Hoc est, Germanicè, *Sching*. Significat autem per se & vel sola virum *sanctum* & planè *singularem*.

Titulus olim *Confutii*. Nuper & *Riccii*. Soc. JEsu (v. *Longob*. ep. 21.)

Ipse verò Rex *Quang-uu-ti* titulum hunc aversabatur, neque eum in libellis supplicibus adhiberi patiebatur, postquam inusitata Eclipsis circa tempus mortis Christi observata esset, fide *Gabiani*. p. 151.

Pars altera vel *gin* est, quod *hominem* notat, vel *xin*, quod *Spiritum*. Utrumque usu venit. *Xim gin* multoties in libris *Confutianis* lego. *Xim xin* in scriptis *Jesuitarum*. Utrinque pro *sanctis*,

Aliud

Aliud & *Xin-sien*, Divus. Aliud item *Gin-gin*, homo probus.

INDICÆ.

Gendeber. *Kandabar*. p. 10.

Gin. *Sina borealis*. p. 8.

Meba. *Magnus*. p. 9.

Mebagin. *Magna Sina*. p. 16.

MOGOLICÆ.

Hoc est, *Tatarorũ Gingischanicorũ*.

Gaukut. Sina borealis. p. 8.

Gigan Gang. Kandaharenses albi. p. 10.

Jasa. *Lex publica*.

Hac voce *Abdalla* utitur, p. 18. Est autem origine *Tatarica*, &, sec. *Golium*, *Chorasmica*.

Var. lect.

ياسا *Jasa*. Abd. & *Mal.* 537. 359. cum artic. ال

ياسه *Jase*. Mal. 281. cum artic.

Jasak. Haitho. c. 17.

Etymol.

Fallor, an يازه *Jazak*. scribendum est? Si hoc *Legem Scriptam* significaret vox ista. Est n. يازمق *Jazmak*, *scribere* & يازي *lazi* ac يازه *Iazak*, *scriptura*, tam *Turcarum* quàm *Tatarorum* Linguâ.

Malatiense autore, الناموس والقضا *Legem* & *Ius* significat. *Haytho* de *Gingischane*, autore harum legum, sic habet, cap. 17, *Multa alia bona exempla dedit Changius, quæ fuerunt à Tartaris observata. Et dicuntur in linguâ eorum Iasack Changii Can*, id est, *Constitutiones Changii Can*.

Exempla.

Ex hujus *Nomo-canonis Constitutionibus* erant & istæ.

1. Solus *Cœli Dominus colendus*. *Haith.* c. 6.

2. *Chano* in omnibus *obediendum*. ib.

3. Singulis *decuriis* militum præficiendus est unus. Sic & *chiliadibus*, & *myriadibus*. ib.

4. Quotannis dies 28. *Augusti* celebretur, *Ven*, l. 65.

5. *Successio Chanorum* à *dispositione Decessoris* pendeat. *Mal.* 351.

6. Nequis *fugiat*, antequam *hosti* obviam iverit. *Mal.* 359.

7. Ut *novena* sint omnia. *Haytho* l. c. *Ambsj.* 105. vid. *Vincent*. XXX. 73. *Horn*. Arc. N. 285.

Kara Gang. Kandaharenses atri p. 10.

Kara Chatai. Chataja nigra. p. 10.

Nigias. Sina australis. p. 9.

Tuman. Myrias.

Hanc vocem usurpat, *Abdalla*. p. 9. 23. 41.

Estque & illa *Mogolica* origine. Sed *Persis Arabibus* aliisque non minus

nus frequentata. v. *Mal*. 436. *Ambsj*. 26.264. Vers. *Pers*. Matth. XXVI.53

Varia lect.

Toman. Ram. II,68. Megis. I,60. II,65.66.

Tomamus. Ven. MS. II,64.

Cuman. Mandevill. ap. Purch. III, 134. f.

Turmam. Haytho c.16. ubi de Gingischane sic habet: *Et vocavit aciem decem millia armatorum turmam*. Lege: *Et vocavit aciem decies mille armatorum Tuman.*

Etym.

Significat autem *Tuman* myriadem. Hoc est, numerum *decies mille*

sive *hominum*, ut h. l.

sive *monetarum*, ut *Matth*. XVIII. 24. XXV. 15.

sive cujuscunque *rei* alius.

Synonym.

In eodem sensu usurpant.

Sina vocem *Van*.

Tungkingenses, *mûen*.

Copti Θβα.

Pechluani سنور

Galli million.

Peculiariter de *summâ pecuniæ* dicitur.

Ac tum in *Oriente decies mille denarii* intelliguntur. Hi sunt

50. *Abbasini* Persici.

40. Floreni Belgici.

16. Taleri nostrates.

Mina Attica major.

Sinæ cumprimis nihil non *myriadibus* deputant. Cumque M. P. *Venetus* multam *millionum*, ut ita loquar, mentionem faceret de Sinarum divitiis loquens, *Millionius* dictus est ab incredulis.

TURCISTANICÆ.

Hujusmodi sunt

Dunius. Porcus. p. 8.

Iil. Annus. p. 7. 8.

Iilan. Serpens. p. 7.

Iund. Equus. p. 51.

Quæ omnes etiamnum in hodiernâ *Turcarum* Linguâ usu veniunt.

RELIQUÆ GLOSSÆ,

Ut *Emir*, *Pamsanga*, *Vezirius*. &c. suis videantur locis. Neque huc refero nomina *Locorum*, sive *Sinica*, sive *alia*.

HAKĀN.

Titulus Imperatorius, Regum *Iran*.

uti *Han*, Tatarorum.

Czar, Moscorum,

Hunkiar, Turcarum.

vid. *Gloss. Satr*. p. 49.-58.

Var. lect.

Arab.

خاقان *Chakan*. Abdall. p. 3. Eutych. Alex. T. II. p. 83.

Græc.

Χάγανος. *Simocatta* ap. *Photjum*. p. 94.

Latin.
Cacanus. *Paulus Diac.*
Capanus. *Avent.* 348.
Hakon. *Teixer.*

Hoc nomine primus *Alenxia* dictus est, de qvô in *Noach. Geneal.* Pòst *eodem nomine* venerunt REGES
Tibetenses, teste *Iakouto.*
Kaimachbita, teste *Nub.* IV, 10.

HÂN.

A. Titulus Regum Chataj, *Trig.* sed *Gingischanidarum* maximè. Mal.

Var. Lect.
Arab.

قاان Chân. *Timur.* 259.
خان Kaan, *Malat.*

Hebr.

חאן *Iuchas.* 324. m.
כאן *id.* 328. 1.

Europ.

Cam, in *Cambalu*, sec. *Trig.* Sed perperam.
Can. *Haytho.*
Canis Et inde *Magnus Canis.* V. *Scalig.* ep. 1.
Chaam. *Bonfin.* Dec. II. l. 8. p. 288.
Cham. *Ven.* l. 12.
Chamus. Ex eodem plerique. Inde *Magnus Chamus.* vid. *Taiminga.*
Chajm, *Bonfin.*
Han. *Vulgò.* h. t.
Kaam. *Ven.* M. S.
Kan. *Schildb.* c. 23.
Kon. *id.* ibid.

Etymol.

Vox *Sinica* est, sec. *Trig.* & *Hornium.*

Sed *Tatarica* potius est. A *Tartaris* nempe primum usurpata. *Gingi* enim primo hoc nomen tributum est. Deinceps *Successoribus* ejus. Tandem aliis quoque majorum gentium Tyrannis. *Turcis*, *Crimensibus*, *Sinensibus*, *Tangutanis*, &c.

B. Nomen regni *Samarcandani.*

Hoc enim Sinæ *Sà-ma-han* vocant. *Martin Atl.* p. 18. Et decurtatè *Han.* Anon. Bell. Sin. Tart.

C. Cognomen *Imperii Sinici. Abdall.* p. 8.

Ita Scil. *Hanarum* tempore dicebatur. Sicut ferè semper de Imperatoriarum familiarum Nomine nomen gessit. V. *Sina.*

HARMONIA.

Historia *Abdalliana* & *Martiniana*, ceterarumque, ut, *Vaneti*, *Malatinensis*, *Mendoez*, *Trigautii*, &c. v. ad marginem *Histor. Abdall.*

HAULIGI AJAGI.

Karachataorum Dux, & *regni novi in Chatajâ conditor.* p. 10. 47.

Aga & *Ajagi* Chiliarchum *Turcicè* significat. Vel ab أيا *Aga*, quod

bellicosum; vel ab آقا *Aka* quod *herum* significat. *Colonellum* nostri vocant.

Hauligi Chiliarchi *Kara-Chatatsci* nomen est. Ejus familia *Leao* dicta est, autore *Abdalla* p. 47. Hæc, teste eôdem, per *ducentos* & *novendecim* annos in *Chatajâ* impertitavit. *Reges* præter Hauligium *octo* erant. Quibus omnibus MS. Sinicum adstipulatur. Præterquam quòd dicto annorum numero denarium subtrahit.

HEGIRA.

Epocha Mohammedica. p. 7. 8. 29. 35. 52. 53.

De hâc plus satis in *system. Chronol.* Nonnulla vid. *hîc* sub tit. *Annus*.

HERBA VITÆ.

Meminit ejus *Abdalla* ex mente *Hiaoni*. p. 39. vid. *supra* p. 10. b.

Ita *salutem* subindè *extrinsecus* quæsiverunt hi-illi.

Orientales ab *Occidente* expectabant. E. g. *Confutius* & *Mingti*, ut *suprà* p. 13. b.

Occidentales ab *Oriente*. E. g. *Anastrius* ex Indiâ. De quò autor *Celila-Dimna*.

Sic *Hiaous* per *Mare Orientale* immortalitalitatis herbam quæsiit.

HIA a.

Nomen *Familiæ regiæ* Sinarum. p. 24.

HING-BUC-Xang.

Nomen Regionis. p. 9.

HISTORIA

Chataica, ab *Iguraeis*, *Tebetensib.* & *Turcestanis* scripta. p. 54.

HOANG-TI.

Commune Regum Sinensium *nomen*. p. 9.

Propriè verò *Regis*
Secundi. sec. *Abdallam*.
tricesimi primi, seu *tertii* à *Fohi*, sec. *Martinium*.

v. *Glöß. Sacr.* p. 57.

HORDA.

Vulgatum turmarum Tataricarum nomen. p. 19. conf. 52. 53. 54.

Var. Lect.

Arab.

أردو Ordu. *Malat.* 326.
اوردو Vrdu. *al.*

Græc.

Ουρδα. *Laonic.* 67. d.

Europ.

Orda. *Michalo Lithv.* de Mor. Tatar. *Teixer.* Itin.
Horda. H. S. 315.

Etymol.

Est autem vox *Mogolica*.

Ca-

Castra regia proprè significans. Sic & *aulam*. Hinc *Ordubalik*, urbis *Kam Kamm* agnomen. Q. d. *urbs aula*. Erat enim *Regia* Gingischanidarum.

Deinceps *tribum* seu *gentem*, ejusdem quidem *nationis*, sed alterius *stemmatis*.

Maximè verò de *Tataris* dicitur.

Ac tàm de *turmis* militum, quàm de *gregibus* errantium familiarum. *Martinius* Hordas *Dynastias* vocat. *Bell. Tat.* 2. a.

Jovius consentientis in unum populi congregationem, p. 487. b. v. *Michalon*. l. 8.

Guagninus Cazanensem Hordam Regnum vocat.

Kircherus casas hominibus & pecoribus recipiendis aptas. *Chin. ill.* 65. b.

Hôc locô *tentorium castrense* *Xao-baui* notat. Sæpius *Populi* alicujus *Classes*.

Cumque *hujusmodi Hordis* comparari queunt

Iudaorum tribus. *Mitral.* Hist. Mund. 866. 888. 890.

Helvetiorum Cantones. *Clüver.* Introd. 83. 267.

Arabum Taïfæ. *Teixer.* p. m. 325.

Turcarum Cabilæ. *Tim.* p. 8.

Russorum Ulusses. *Horn.* 175. *Purch.* III. 799.

HULAGU.

Gingischanis nepos. p. 3.

Est hic *Allau Veneti*.

Eum literarum amantissimum fuisse, omnes illorum temporum Historiæ testantur.

Erat autem frater *Cublæ*, Imperatoris Sinici.

V. *Mal.* 310. 336. 327. s. 344. s. 355.

Alius *Kam Halugu* erat. *ib.* 327.

Var. Lect.

Arab.

هلاكو Hulagu. *Timur.* p. 131.

Et sine *literâ ultimâ*:

هولاكو Hûlagu. *Sad.*

هولاكوه Hulaguh. *Abulfeda* Clim. XVIII. ubi de *Mangâ*.

Europ.

Allan. *Ven.* l. 54.

Allan. *Genebr.* 685.

Aaolomus. *Meg.* Ven. l. 16.

Chalaus. *Gregoras*, ap. Renecc. ad Hayth. 6.

Esucan. *Ram.* P. M.

Hallaon. *Mandevill.* ap. Purch. III. 136.

Hallagu.

Haolon. *Hayth.* c. 19. &c.

Helao. *Gol.* ad Alferg. 130.

Hielon. *Genebr.* 685.

Holacan. *Mandevill.* ap. Reneec. ad Hayth. 6.

Holácus Chan. *Graz.* præf. Nasirodd.

Hyelonus. *Peucer.*

Olacusa. *Arthont.* Cosm.

Rocon. *Ven.* M. S.

Ulakku-Khan. *Teix.*

Synon.

Dicebatur etiam *Ilchan.* De quô infrà.

Et *Ercalthei*, sec. *Kircherum* Chin. ill. 95. Cui *Vinc. Bell.* contradicit.

Genealogiam & *cognationem* ejus vid. in *Ging.s.*

Religione,

Christianus erat. Non *paganus*, ut nonnemo tradit.

Matrem

magnificè commendat *Malat.* p. 31. a.

Cetera *Commentario* in M. P. *Ven.* reservo.

Saltim indicans h. l. errorem *Hottingeri* circa hoc nomen. Refert *Ambsjades Timuri* & *Alulabbasi* amœbæas *epistolas.* Posteriorem similem (non *eandem*) se vidisse testatur p. 131. Scriptam a. fuisse autore *Nasiroddino* علي لسان هلاكوا التترى *in linguâ Hulagu Tatari* ad Sultanum Ægypti. Cumque *Hottingerus* Historiam *Hulagu* fortè non observâsset, *Abulabbasi* epistolam *Linguâ Tatarorum Hilcaâ* scriptam tradidit. *Hist. Eccl.* XV, 700.

HUMA.

Nomen AVIS. p. 19, 22.

Iisdem Persis etiam بادخور *Bâd-chur* dicta, id est, *Vento vivens.* Vt & جوبينه *Gaubine*. *Arab.* كروان An *avis Paradisiaca* est? Plerique *Aquilam* esse volunt. *Gnesiam* scilicet. vid. *Aristot.* Hist. Anim. IX. 32.

Abdalla Sinicè *Gjam* vocari tradit. Et procul dubio. *Avem regiam* in animô habuit, *Hoâng* dictam. Vid. superius tit. *Fung-hoang.*

De *Humâ* Persæ tradunt, si quem umbrâ suâ fortè contegat, hunc vel ad regiam dignitatem vel magnum fortunæ gradum olim evectum iri. Hinc SADO *Musladino* commendatur p. m. 46. 80. ubi in *Turcicâ interlineari versione* ipsum *Huma* retinetur. Hinc item avis *felix* dicitur. Deut. XIV, 11. in vers. Pers. pro Hebraico פֶּרֶס *peres* ponitur.

Rex Aracanensis in literis ad Batavicos Ordines hnic se avi comparat, teste *Golio.* هُمايُون *Humajon* adjectivè *Felicem* & *fortunatum* significat; Est etiam nomen Proprium Regis *Mogolici* Tamerlanidis.

HURGÆ.

Populus ad latus *Chataja.* p. 11. 74.

Var. Lect.

خورجه p. 11. *Hurga.*

جورجه p. 47. *Gurha.*

جورجه ib. *Gurga.*

Eorum

Eorum Dux primus *Aguda*, Postremus *Altuncban*. *Abdalla*.

Deleverunt *Leao*. Hoc eſt, *Kamchataeos*, Chatajæ diu Dominos. Sicque *Chatajam* totam ſibi ſubjecerunt. Dicebantur abinde *Dai-gim*.

* *Japhet, Noachi filius.* V. *Noah*. p. 54.

* *Jaſa*. V. *Gloß*.

JAXARTES.

Fluvius, qui in maris Caſpii latus orientale ruit. p. 55.

Synon.

Cheſel. Dom. Mar. *Niger*.
Jaxtes. *Claudian*.
Organz, Barbaris. *Ferrar*.
Orxantes. *Olear*. Perſ.
Schyttim, Scythis. *Bonfin*.
Sihun, Arab. *Abdall*. l. c.
Abulfed. p.
Silyn *Plin*. VI, 7. *Leg*. Sihun.
Tanais, *Curt*. Sec. *Olear*.

IGOUR.

Regio Aſiatica Borealis ad occidentem Chataje. p. 28. 53.

Var. Lect.

Arab.

أيغور Igour. *Abd*. 53. *Ulugb*. 5. 7. 45. Et cum articulo *Al-Igur, Malat*. 282. 286.

أيغور Aigur. *Abd*. 28.

Europ.

Igur,
Igura.
Juhra, *triſyllab*. *Geſn*. Mithrid. p. 57.
Jugra. Iſ. *Maß*.
Jugur.
Jugoria.
Jugaria. Iſaac. *Maß*.
Jogour. *Haytho*. c. 2.
Jhura. *Baudr*.

Synon.

Tarſe. *Haytho*. c. 2.

IGVRÆI.

Turciſtania Populus. *Mal*. 283. V. *Turciſt*.

Var. Lect.

Joguri.
Juguri. *Rubruqu*. c. 26. 27. 28.
Jugri.
Ugri. *Avent*, V. 501.
Οὖγροι. *Strabo*. VII, 212.
Inugri. *Iov*. c. 3. c. *Ramuſ*. 134. a.
Juhorski. *Ruſſis*.

Nomen.

Unde *Igurai* habeant, v. in *Turciſtan*.

Scribendi ratio.

Iguraos Hiſtorias ſcripto tradere, *Abdalla* ſubindicat, p. 54.

Scribunt a. *deorſum*. *Rubr*. c. 37.

Et id genus ſcribendi partim أويغور *Igureum* dicitur, partim *Mogolicum*. V. *Arabsj*. p. 435. Eſtque

que aliud à *Chatajico*, *Tebetico*, *Pascatirerũ*. *Rubr*. v. *Horn*. Arc. N. 241.

Lingua

Iguræorum radix & origo est Linguæ *Turcica*, sec. *Rubr*. c. 28. Sed verba illa: *Ou mam Hactani*, quæ idem *Rubruquius*. cap. 27. ex *Iguraeorum ore* adducit, quæque sunt: *Tu DEus nosti*, *Persica* potius sunt. *Hactani* enim Persicè حقّ داني *Hak-dani* scriberetur. Idque est; *Deus, nosti*.

Religio.

Erant autem *Christiani*. *Malat*. 286.

Et *Nestoriani* quidem. *Rubruqu*. l. c.

Politia.

Subditi olim *Chataorum*.

Posteà *Gingischani*. Mal, 283.

Et filii ejus, *Iogatai*. Mal. 282.

Antehæc tempora *Rex* eorum *Idikub* dici solebat. *Mal*. 283.

Ejus regia *Bischbalig* erat. *Mal*. 286.

Nec procul inde *Almalig* erat. *Mal*. 282.

ILCHAN.

Titulus Bellicus. p. 3. 11.

Nos *Campi ducem* vocaremus.

Vox *Mogolica*. Ejus altera pars *bellum*; altera *regem, principem, ducem* significat.

Vocem *Chan* suprà habuimus.

Pro ايل *Il* aliquando etiam ايلك *Ilec* scribitur. *Tim*. 26. 11.

Ilchan cumprimus dicebatur *Hulagu*, *Kubla* frater. *Mal*. 331.

Hinc *Tabulæ Ilchanicæ* dicuntur Tabulæ Astronomicæ.

Nasiro'd Dini, quas *Ilchano* huic dedicaverat.

Eodem agnomine veniebat *Abaga*, Hulagu filius, *Malat*. 355. 361.

IRAN. p. 52.

Iran & *Turan* terræ dicuntur ad utramque ripam *Oxi*.

Iran, quicquid *citrà Oxum*, indeque ad Sinum Persicum & ad Tigridem protenditur.

Turan quicquid *suprà OXUM* à mari *Caspio in Orientem* patet. Diciturque aliàs *Ma-vara-'lnahra*, h. e. *Transoxiana*.

Terras *Iran Persiæ* reges sibi vendicant;

Turan, *Tatari*.

v. *Olear*. Itin. Pers. 541.

KALENDARIA

In *Sinis* edita.

Sunt ea hactenus *trium generum*.

1. *Propria* & planè Sinica.
2. *Saracenica*.
3. *Iesuitica*.

(De usu *Epochæ Seleucidarum* in Sinis v. *Comm*. de *Mon*. *Sin*. p. 20)

1. *Iesui-*

1. *Jesuitica* ab *anno* Christi 1628. edi coeperunt.
Impetratâ scilicet ac *Cung-chinii* regis *diplomate* firmatâ auctoritate corrigendorum *Fastorum*. Quâ de re leg.
Trig. epp. 106.
Intorcetta. p. 28. 30.
Gabianus. p. 176. 203. 210.
Kircher. Chin. ill. 195.
2. *Saracenica Fastorum ratio* illa est, quam *Turcistani*, *Turcæ* aliique tam *Pagani* quam MOHAMMEDANI & *Christiani* extrà Sinas sequuntur. Quæque intrà *Sinas* à Saracenis tractatur.
Commendatur illa *præ* Sinicâ ab *Ulugbeige*. p. 50.
Etiam in *Turcarum Kalendariis*, exemplo ejus, quod *Golius* laudat, addit. p. 72.
Differentiam *Jesuitici* & *Saraceniei* computi notat *Gabianus*. p. 228.
Ego hactenus neutrius generis Kalendarium Sinicum vidi. Vidi a. exempla *Tertij*.
3. *Germani* scilicet & *proprij* seu *planè Sinici*.
Et unum quidem Serenissimi ac Potentissimi Electoris Saxonici gratiâ, cum copiam illius clementissimè mihi faceret per virum Clarissimum Dn. Tobiam *Beutelium*, Theatri rarissimorum Præfectum.
Est illud Kalendarium Sinicum anni *Ke-cheu* dicti. Estque is cycli Sexageni annus XXVI. Epochæ *Dionysianæ* 1649. annus Imperatoris Tatarici *Xun-chi* sextus.
Alterum annum Christi 1589. complectebatur.
Tertium anni *Kia-u* fastos explicat. Hoc est, anno 1654. Estque nunquam sine honoris præfatione nominandi Dn. Nic. *Witsenij*, Senatoris Amstelodamensis.

KALENDERI.

Religiosorum Mohammedicorum genius. p. 52.
De his Vid. *Olear*. Itin. V. 41. *Ricaut*. II. 17.

KANDAHAR.

1. *Urbs Metropolis Indiæ*, *sec. Nasirodd. Ulugb. & Alferg*. c. 9.
2. Tota hujus Urbis Provincia aut Regio. Abdall. p. 10.

Var. Lect.

Kandahâr, *Persis*, Abd. l. c.
Gendeher, *Indis*. id. ib.
Condohâr. *Jacout*.

Synon.

Sinæ *regionem* istam *Dailejumi* vocant. *Add*. 10.
Mogoles Karagang. ib.

Situs.

Sita autem est.
a. *Urbs*, Kandahur
Leucis 60. ab *Indo*.
50. ab urbe *Balch*, in austrum.
Sub *Latitudine* gr. 33.
Sub *Longitudine*

ab *Alexandriâ* Æg. gr 45. 46.
ab *Insul. Fortun.* 107. 40.
à Promont. Mar. Atlantici 97. 46.
In *Clim.* III. Sec. *Nasir.*
b. *Regio.*
ad *Africum Chataja.* Abd. l. c.
inter *Indiam* & *Tebet*. *Abd.* l. c.
Et hoc facit, ut putem, *Kasgar* pro *Kandahar* legendum esse. Et illam, non hanc regionem Dai-le-ju-mi à Sinis vocari.
Kandahar enim non inter *Indiam* & *Tebet* sita est, sed ultra Indiam Occidentem versus.
Kasgari verò descriptio apprimè convenit. Ut *suo loco* videbitur.
Kandahar, Urbs, porrò sita est inter Indiam, Sindiam & Persiam. Hinc fit, ut quidam *Sindiæ*, alii *Persiæ* eam annumerent.
Imò *Abbas*, Rex Persiæ, eam ipsam *Regi Indorum* extorquebat eò titulô, quòd antiqui Imperii sui limites essent *Indus* & *Tigris*. V. *Gol.* ad *Alferg.* p. 108.

KARA CHATAI.

Tractus terræ ad latus Chataja. p. 10. f. 47. f.

Var. Lect.

قرا ختاي KaraChataj. *Abdall.* l. c.
قرا خطا Kara Chatha. *Mal.* 283.
Cara Cathaj. *Trig.* 455.
Caro Caty. H. S. 317.
Caro Catayo id. 49.
Kara Kithai. *Anderson.* 143.
Rubruqu. c. 19.

Etym.

Significat autem *Nigram-Chatajam.* Quod nemo nescit, nemo negat, qui harum literarum peritus est.
Gruberus, Soc. Jesu, in Resp. ad qu. 5 Ducis *Florentini*, addit: *Karachatajos* (ratione *Etymi*) pilosos (Chevelus) dici, quod in tentoriis nigris habitent ad exemplum Cingarorum. Reliqua vid. in l. de *Chataja.*

Synon.

Karachataja verò aliàs etiam *Lop* dicitur, sec. *Martin.* H. S. 49.
Kalmuk, Sinis sec. *Kircherum.*
Gor, Tataris, sec. *Gruber.*
Tangut, sec. *Hornium.*
Nin-co-ta. sec. *Gab.*
Quæ an omnia rectè se habeant, in cujusque nominis propriâ sede videbitur.

KARA CHATÆI.

Populus, qui dictum terræ tractum incolit.
Hunc solus *Vincentius* Bell. fusè describit l. XXXII.
Eo autore *Karachatai*
Artifices sunt incomparabiles.
Dicuntur Karakythay. c. 8. 9.
Kythay, *simpliciter.* ib. & c. 26.
Catha. c. 92.
Kiti. c. 87.
Lethay. c. 3.
Nigri Kythai. c. 24.
Suntque *imberbes*
Pagani, sed à *Christianismo* haud alieni.

Me-

Mogolibus de facie similes. c. 9.
Naymanorum vicini & socii. c. 8.
Debellati à Ginge, victique, *ib.*
iterumque. *c.* 9.
& tertium. *ib.*
Urbs eorum *regia Kimorum* dicebatur. *c.* 78.
Eratque valdè dives.
Equâ nempe argento pugnatum est, cum lapides deficerent. *c.* 9.
Ægrè à Ginge capta.
Attamen occupata.
Quô facto Gingis *Imperator* appellatus est. *ib.*
Urbs ejusdem Cathajæ *Chanyl erat*, c. 8. Memorantur & aliæ *cap.* 24.

Sed omninò hic notandum est, quòd *Vincentius* quidem de *Karacbatais* loquatur, sed non de his extrà Sinas, quin potius de iis, qui tunc temporis in Chatajâ, i. e. Sinâ boreali imperitabant. Eos enim Gingischan exegit. Vid. *Abdall.* p.

KARA MURAN.

FLUVIUS, quem CROCEUM hodiè vocant. p. 51. 53.

Vox itidem *Tatarica* est, & partim *Slavonica.*

Var. Lect.

Arab.

قرا موران Kara Muran. *Malat.* 309. 472.

قراسوران, *Abd.* l. c.

Hebr.

קרא קרום Kara Karum *Juchas.* Error. Est enim hoc *urbis* nomen.

Europ.

Cacameran. *Mandevill.* ap. Purchass. III. 134.
Caromoran. *Ven. Ram. Purch. Meg.*
Caromoram. *Ven.* MS. II, 32. 52.
Coromoron. *Horn.* Orig. Am. 142. pr.

Etymol.

Est autem quasi *nigrum mare* diceres. *Kara* Tataricè *nigrum* est; *more* Slavonicè *mare*. *Mare* fluvius dicitur propter *magnitudinem*. Sed cur *Nigrum?* Maximè cum Sinæ eundem *Hoang-ho* vocent. Hoc est, *Croceum* fluvium. V. *H. S.* p. 49.

Putem, *Caromoran* scribendum fuisse. Ac priorem partem vocis non *Kara*, quod *nigrum* significat, sed صرو *Zaru*, quod *croceum* s. *flavum* significat. Maximè cum Chataja *Mogul flava* dicta sit.

KASGAR.

A. *Urbs famosa inter Indiam & Tebet, à quâ tota Regio nomen habet. Abd.* p. 10. vid. *Kandahar.*

Var. Lect.

Arab.

قشغار. *Kaschgar.*
كشغر *Caschger.* Sad. 354.

Europ.

Cascar. *Goez.* ap. *Trig. Ven. Megis.*

Cassar. *Ven.* l. 38. ed. *Basil.*

Caschar. *Ven.* Ram. & Purch.

Chascar. *Ven.* MS.

Chaschgara. N. 608.

Kaxgkar. *Teixer.*

Kacheguer. *Bernier.* III. 125.

Situs.

Sed annumerant urbem alii aliis Regionibus.

a. *Orienti*, autor *Allebab* ap. *Abulfed.* 38. 64.

b. *Turquestania*, *Ibn Said* & *Abulfeda* ipse, *ib.*

c. *Chitaa.* N.

d. *Sinis.* Nub. II, 10.

e. *Ambsjades* في بحر ممالك الخطا *in corde regnorum Chataj* & *Balachschan* sitam notat, p9. 7. 4. 289. 7.

Synon.

Aliàs:

1. *Arducend* dicitur, autore *Alkanun* ap. *Abulfed.* 64. Quod falsum.
2. *Sina* Casgaricum regnum Hori vocant. Hoc videatur.
3. Et vix quin sit dubitem pro *Daile-ju-mi Abdall.* legendum *Tai-Hoei.* Hoc est, *Magnum regnum Casgaricum.* Ita enim loqui solent. Vid. *Tai-ming.*

B. Eodem *Kasgaris* nomine aliud regnum designari putat *Kircherus* Chin. III p. 63. s. Tradit enim Metropolin ejus regni vocari *Hiarcham*, reliquas Urbes *Acsu*, *Cialis*, &c.

Sed hæ urbes *Casgarico* regno aliquando suberant. Ideoque non est, quare aliud Kasgar condamus.

C. Armeni Tartaros secundæ Regionis *Cascar* vocant, autore *Rivola.* Suntque illi ipsi *Casgarensis.* Primæ regionis Tartaros *Samarcandenos* vocaverint. Sibi propiores videlicet.

KIN

Syllaba est *Mandarinica*, quæ pro *diversitate accentuum*, *varia*; imò secundum *multitudinem Characterum* Sinicorum *permulta* significat.

Hîc illam duntaxat significationem tango, quatenus *aurum* notat.

Scribitur ergò *Charactere*

Legiturq; :

Var. Lect.

Kiñ, *ad Mandarinorum* sonum.

Chin, Italis. *Ven.*

Martin. H. S. 320.

قين Abdallæ.

Homonym.

Appellativam hanc significationem sequuntur *Nomina Propria* inde facta. Estque *Kin*

1. No-

1, nomen aliquot *fluviorum*. V. *Nomencl.* Geogr.

2. nomen *Vir.* vid. *Lex. Mandar.*

3. nomen *montis*. De quô *solô* hîc & nunc.

Situs

est ille suprà *Murũ Sinensem* intrà desertum *Xa-mo*.

Paronym.

Inde *regnum* nomen habet, cujus *regia* quondam intrà hæc montana erat. Inde porrò *Populus* iste *Kin* & *Dynastia Kina* dicta & Reges *Kina*.

Synon.

Mons ille à *Tataris* Idiomate proprio

(1.) *Altun* dicebatur. Hoc est, *aurum*.

Inde *Althai*, voce corruptâ, ap. Venet. I. 53.59. 61. vid. *Comm. Ven.*

(2.) *Sinis*, etiam *Huôn yên* dictus est. Aut certè *Kinarum* primus. Si quidem ille etiam *Kin* appellatus sit, uti *O-ko-ta* nomine propriô.

(3.) Hodiè iisdem Sinis *Niu-che* dicitur.

KINÆ.

Reges Tatarici, quos dixi.

Synon.

Hi *Altunchani* dicebantur *idiomate domesticô*. Hoc est, *aureorum montium Domini*.

KIN-CHI.

Vox *Mandarinica*. Quæ *aureos* *dentes* significat. Ita verò *Arcladanos* vocant. *Gentem*, quæ ad latus *Iunnanis* regnum olim constituebat. Cujus *Jung-chang* metropolis erat. *Hi kiñ-chì* dicebantur à *Sinis*, quòd *aureis* lamellis *dentes* munirent. Tradit hoc *Venetus* II, 41. *Abdalla* p. II. *Martinius* Atl. 125. a. 129. a.

KISMIR.

A. *India Regio*. Abd. 28. 29. 30.

Var. Lect.

Europ.

Casmir. *Kirch.* Chin. ill. 84. a.

Petrus *Antwerp.* ap. *Anders.* 48. 49.

Cascimir. Fr. *Xavier* ep. anno 1598.

Chesimur. *Ven.* I. 36. ed. Basil. Megis.

Chesmur. *Ven.* ed. Ram. & P.

Cheshmir. *Grav.* in *Nas.* & *Ul.*

Ceshmir. *ib.*

Chishmeere. *Terry.* 88.

Kachemire. *Bernier* III, 125.

Kyshmier. *Purch.* I. 578.

Arab.

كشمير Kismir. *Abd.* l. c.

كشماير Kismair. vid. *Gol. Lex.*

Synon.

Estque

1. *Amchosia*, sec. *Ricciol.* Geogr. 592. d.

2. Diciturque *Paradisus* Indica. V.

Situs.

Ei *Vicina* sunt *regna*, quæ sequuntur.

Lassa.

Tebet, major & minor.

Kasgar.

Rajæ *Gamon*, Territorium.

Chamja ipsa.

Metropolis, *Srinager*.

Urbes reliquæ.

Casmir.

Hassansir.

Sostan.

Fluvii.

Bhat.

Indus.

Anonymus.

Montes.

Baramouli.

Bember.

Pire Penjale.

B. *Urbs. Xav.* l. c.

Eam *Nasiroddinus* & *Ulugbeigus* *Turc-India* assignant.

Climati III. Nasiroddinus.

Longitudini gr. 105. *Nasir.* 103. *Ulugb.*

Latitudini gr. 35. *uterq.*

Sed hæc omnia aliaque plura in *Mappa Geograph.* quæ penes me est, evidentius exhibeo.

LAO-GUN.

Philosophus Sinensium, secunda in ordine secta autor. p. 34.

Var. Lect.

Laotan. H. S. 117.

Lauzu. Trig. 124.

Lanzu. Spizel, 113.

لاوكون *Lao-gun.* Abd.

Etym.

Lau-zu, *Philosophum senem* significat. Sic ille dictus, quod in *utero matris* senuisse feratur. Vid. *not. marg.*

Syn.

Abdalla noster eundem *Tai-xang* quasi prænomine appellat. Quia scil. pro *DEO ejus temporis* habebatur, quem *Chang* vocabant. Unde *Idolum* ejus *Tá-chang*, vel, uti Abdalla circà *immutationem sensus* & *pronunciationis* voces exprimit, *Taxang* dicebatur. Planè uti de *Simone* Act. VIII. 10. deque *Dianá* Ephes. Act. XIX. 28. cæca turba exclamabat: &c.

Secta.

Launguni verò secta *Táo-kiao* dicitur. Hoc est, *Rationis doctrina.*

Martinius Epicureæ Græcorum comparat.

Traditque hæc ejus fuisse dogmata:

1. *Finem hominis voluptatem esse.*
2. *Post mortem nihil nostri superesse.*

Attamen *Sententias* è *scriptis* ejus laudat, quæ aliud suadere videntur.

Sententiæ illæ sunt:

Tao sive magna ratio non habet nomen. Cælum creavit ac terram.

Ex

Expers figura. Sidera movens. Ipsa immota. Hujus quia nomen ignoro, Tao, sive summam sine figurâ rationem, dixerim. Vid. infra. tit. TAO.

Trigautius contrà fidem facit, *Lautanum* dogmatis sui *nullum* reliquisse *librum. Sectarios* verò ejus, *Taosu* dictus, eum *secta* suæ *caput* appellare. Tametsi novum dogma instituere non voluisse videatur.

Idem plenius de sectæ hujus *dogmatibus* & *consuetudinibus* agit.

LIBRI.

a. *Iguraorum, Tebetensium* & *Turquestaniorum*. Memorantur, p. 53.

b. *Sinensium.*

Antiquissimam apud Sinas *librorum scribendorum rationem esse*, vel è *Fohij* historiâ apparet. Is enim *scripturam* invenisse traditur, p. 14. vid. *Scriptura.*

Antiquorum librorum meminit autor p. 4. Et in *specie* eorum, qui sub *Coo* & sub *Tao* scripti sint. p. 20. 22.

E posterioribus liber *Xu* est. Sed vid. *Biblioth. Sinic.*

* *Limia.* Vid. *Simia.*

* *Litagi.* Vid. p. 24. 2.

LONGITUDO

Hominum insitata.

Primaya, quadringentarum ulnarum erat, p. 25.

Lao-tani, quadraginta ulnarum, & *dimidia.* p. 35.

Confutii, novem ulnarum & *dimidia* p. 35.

His *inferior* erat *Ogus Basan*. Ejus *lectus* novem cubitorum erat. Deut. III. 2.

Ergò ipse sex cubitos longus. *Majmon.* Contrà usitata apud nos *Longituto hominis* est, cum ad perfectam ætatem & staturum vir venit, trium ulnarum s. sex pedum Geometricorũ. E quò superiora *Exempla* æstimari queunt. Vid. *Abd.* p. 18.

* Mada Fu-ngen, *Mater Xaca.* p. 29. Vid. Not. marg.

MA-GIN.

Regnum ad *Austrum Chataja.* p. 9.

Estque ipsissima *Mangi*, cujus M. P. *Venetus* toties meminit.

Nisi hoc è *Manzi* potius sit, quod sequitur.

Var. Lect.

Vid. in *Observ. Sin.* p. 40.

Synonym.

Sinis *Manzi.*

Mogolibus *Nigias.* p. 9.

Etym.

Indi *Maha-gin* vocant. Q. d. *magna* Sina. p. 9.

Domini.

Quibus *fatis* ad alios aliosq; Dominos devenerit, *vid.* in autore p. 45. f. 49. 50. f.

MANZI.

A. *Japheti* nepôs, ap. *Mircbondum.* Vid. Noach.

B. Urbs *Turcistania*, sec. *Nasirodd.* p. 28.

C Regnum *Sinarum Australe* Abd. p. 9.

MEDICINA

Sinensium p. 3. 15.

a. de *Chimia* superius dictum est.

b. Rem *Herbariam* cumprimis tractant Sinæ. Habentque plus satis *Botanicorum* scriptorum. Quibus est tamen etiam *animalium* & *mineralium* Physicam partim præmittunt, partim subnectunt.

Sed *Oedipo* opus est, si quis *Sinica plantarum Nomina Europæis* reddere velit, & alienis non sit instructus subsidiis. Quis enim norit, quod e. g.

Tien-moen-tung, Scorzonera sit,
Iu-hi-ang, Thus,
Kin-ynhiang, Benzoi,
Kin-kang-çuon, adamas,
Jun-mu, Tutium.
Xui-yn, Mercurius.
Pu-ye, Dysenteria.

Cùm voces *Mandarinica* nimis longè petitæ sint. Significant enim (ut in *ordine* seqvuntur) *Cælum, porta, hyems, lac, odoramentum, aurum, argentum, odoramentum, aurum, chalybs, terebra, nubes, mater, aqua, argentum, non, unum.*

c. Extant etiam *Anatomici* libri, aliique tales. Quos partim visos, partim ab aliis laudatos recenseo in *Bibliothec. Sinica.*

d. *Semeiotica* supra *modum* dediti sunt. Itaque *Chiromantiæ* & *Physiognomiæ* superstitiosissimè adhærent.

Ex *pulsibus* subtilissimè judicant.
Venæ sectionem aspernantur.
Ustiones in usu habent.

Etiam vix Medicam artem tractant, nisi qui tenuioris & ingenii & fortunæ sunt.

Unde nec in tantò pretiò sunt, quanto *literati*, qui *Philosophia morali* student.

Adeò nemini ægris mederi interdicitur, sive peritus artis Medicæ fuerit, s. imperitus, *Trigautio* teste.

Cui contradicere videtur *Gruberus*, cum scribit, quòd *nemo in Sinis medicinalia tractare impunè audeat, nisi sit ex facultate medicorum.*

f. *Pharmaca* vulgò *simplicia* sunt s. *decocta*, sive *pulveres* s. *Emplastra* & *similia.*

Attamen *feliciter* morbis medentur. In *praxi* eò quoque meliores, quò *parciores* in *disputationibus.*

Lego tamen etiam *Compositionum* quasdam *formulas* in uno alterove librô Sinicô.

Ceterum *Medicinæ Inventionem* XIN-NUNGO tribuunt, testibus *Abdall.* p. 16. & quos ibi in *marg.* laudo.

Observatu dignum est, quòd *pulvis tormentarius* & *pharmacum* eodem nomine ap. *Sinas* veniant. Cujus *amphibolia* specie Francisco

Soërio grave crimen intentatum fuisse legitur. Ceu qui *pulverem pyrium* coëmisse dicebatur, cum ægrotans *pulverem pharmaceuticum* emisset.

Attamen *pulvis pyrius hò-yó* dicitur & *chūng-yó*; *pulvis pharmaceuticus* *Kaō-yó*.

∴

* *Meba-gin*. V. *Magin*.
* *Meksun*. V. *Gloß*.

MOGUL.

Regio Tatarica. p. 56. vid. *Mogoles*.

Var. Lect.

Arab.

مغل Mogol. V. *Gol.*

مغول Mogul. *Mal.* 427.

موغول Mugul. *Tim.* 163.

Hebr.

מאגול Magul.

מגול Mogul. *Jucb.* 323.

Europ.

Mogul.
Mogol. *passim.*
Moal. *Rubruqu.* c. 18, f. 19.
Mugalla. Exploratores *Ruß.* ap. *Purch.* III. 799.

Homonym.

Quam *latè* & *variè* vox accipiatur, V. tit. sequ.

Etymol.

Mogolicè *Mogul album* dici, autor quidem est *Bernier*. Sed frustrà. Error fortè inde est, quod quidem *Mogoles albi* dicuntur. Contra *Mogolibus* propriè dictis *Niger color* quasi *sacer est*. Quid Mogoles album vocent, *Abdall.* p. 10. tradit.

Synon.

Mogolum verò patria regio dicitur etiam.

Mogulistan.
Mogulstan, corruptè. ap. *Abdallam* p. 9. 54.
Tataria, sec. plerosque. V. infrà.

Situs.

Sita autem erat ad latus urbis *Kamkum*.

Confinia ejus
ad *Orientem*, *Lethai* & *Solangi* erant,
ad *Meridiem*, *Saraceni*,
ad *Occidentem*, *Naymani*,
ad *Septentr.* *Oceanus*,
ad *Euronotum*, *Huyni*. *Vinc.* XXXII, 3.

Vicini etiam erant *Sinæ*.
Hinc *Mogolo-Sinæ*.
Paulo aliter *Mirchondus*.
Hoc autore Mogoles
ab *ortu Chatajam* habent,
ab *Occidente Igur*.
à *Septentrione Casgar* & *Selingai*.
ab *Austro Tebet*.

Amplitudo.

Protendebatur *septem* vel *octo mensium itinere*. sec. *Mirchondum*.

Fortè *in orbem*, sec. *Horn.* Arc. N. 248.

Attamen à *Bochara* usque ad *Oceanum*, sec. Purch. III. 799. m.

Reliqua

Vid. *tit. sequ.*

MOGOLES.

Populus non unius generis.

Nomen.

1. *Commune* Tatarorum *nomen.* *Haytho.* c. 16.

2. Hinc *Transoxiani* quivis *Tatari*,

3. & *Gjorgiani* Christiani sic dicuntur.

4. *Propriè* verò Mogoles Populus sunt à *Tataris* propriè dictis planè alius. Vid. *Tatar.*

5. Hodiè *duo* imprimis *Populi* Mogoles dicuntur. *Tatari* Gingischanidæ & *Indi* Baburidæ.

A. *Tataricus, Indici* origo *Abd.* p. 10. 52.

Var. Lect.

Arab. Ut suprà.

Hebr.

מוגליש Mogoles. Juch. 323.

Europ.

Mogles. *Haytho.* c. 16. V. Renec. h. l.

Mongali. *Vinc.* XXXII. 9. 34.

Monghi. Hayth. l. c.

Μυγάλιοι *Pachymer.*

Mogores. Indici maximè. Et ad *distinctionem* quasi. Sed perperàm.

Lingua

Mogolica, *Chotenica* affinis. *Tim.* 8. 9.

Specimina ejus

antiqua, in *Gloß. Prof. in.* collegi;

recentiora, *Abdalla.* p. 9. 10.

recentissima, *Gruberus* dedit ap. *Thevenot.* (Sed hic *Tataros Niuchanos* intellige.)

Scriptura

Olim nulla.

Pòst *Huyrorum Nestorianorum*, quos subegerant, scripturam receperunt. *Viac.* XXXII. 9.

Classes

Porrò *Mogolum* diversa sunt *genera.*

1. Alii enim *Flavi* dicuntur; alii *Nigri.*

Flavi, *Chataji* sunt.

Nigri, *Tanguthani.*

2. Alii etiam *Jer-mogul* dicuntur; Alii *Su-mogul.*

3. Alii *Merkati*, alii *Metritæ.* vid. *Vinc.*

4. Alii *genuini*, *Cubistane* egressi, alii *adventitii. Abd.* p. 56.

B. *Indicus.*

Mogoles enim hodiè *Indi* dicuntur. Quorum Rex à Mogolibus *Gingischanidis* aut *Tamerlanidis* genus ducit.

MOGOLO-SINÆ.

Mogoles Sinis permixti. vid. *Gol.* add. 7. a.

MA-

MUJE FUGIN.

Mater Xaca. p. 29.

Var. Lect.

Mada Phugnin. *Rhod.* I, 17.
Mada Phu nhên. *Lex.*

NASIRO 'DDIN.

Tusaus, Persa, p. 3.

Philosophus celeberrimus, Hulagu-chani *Mathematicus*. Hic Tabulas *Ilchanicas Mustasemo*, Chalifæ Bagdadensi, dedicaverat. Cumque scommate ab eô exciperetur, Hulagu-chano autor extitit belli, quô *Bagdad* capta & *Mustasemus* sublatus est. Scomma hujus erat: *Tusaorum cornua proverbio esse, ubi ergò sua haberet Nasirroddinus?* Id præmium erat egregii laboris & honoris Tabulas dedicantis amuso Chalifæ. vid. *Juchasin*. fol. 125. 152. *Fabric. Spet. Amb.* p. 45. *Gol. addit.* p. 9. a. *Schik. Tarich.* p. 73. *Grav.* præf. *Tabb. Nasirodd.* p. 9. *Hotting.* H. E. XIII. 481. Similem Regni *Lombardici* originem vi ap. *Schlig.*

An hic *Nescordim* Veneti est? Vid. ille II, 42. conf. tit. *Cy-xeu-kim*.

NICU.

Montis nomen. p. 35.

Homon.

Nigu (نيكو).

1. vox *Persica* est, & elegans ac *bonum* quodvis significat. v. p. 23. & 31.

2. Sed alibi pro *Sinicis* his illis vocibus ponitur.

a. Pro *Puen-cu*. p. 2. & 50.

b. Pro nomine *montis*, qui sub tempus *Nativitatis Confutii* ruptus esse dicitur. l. c.

Etym.

Utrobique mendum est.

De *priori*, infrà.

Montis nomen Sinicum non ita facilè assequor.

Sunt plures circà *Confutii Patriam* montes. Suntque

Fong, ubi Parentum Confutii sepulcra.

Chang-ping, ubi natus esse dicitur.

Kiun, tertius.

Tung ping, formosissimus.

Quem ex illis, & an *alium Sina* indigeterit, me quidem latet.

NIU-CHE. p. 9.

Populus suprà Sinas. p. 11.

Var. Lect.

Niuche. *H. S.* 316.
Niuchige. *Anders.* 159.
Niöchtere. *id.* 145.
Niogtere. *id.* 140.

نوجي NIU-GI. *Abd.* l. c.

Etymol.

Populus iste nomen habet, uti *regio* ipsa, à *monte Niu che* dicto.

Situs.

Montis illius *situm* è *Tabulis Geogr.* cognosces.

Regio tota
ad gr. *Latitud.* (24. *Neuhof. Leg.*) 42.
milliaribus circiter 70. ab Ocean Orientali.
Estq; ad *austrum* ejus *Leaos.* (H. e. *Leaotung*) & *Corea.* A quibus per *Murum* separatur.
ad *Occasum* *Tataria* occidentalis, terræque *Kilangbo.*
ad *Boream* & *Borrhapelioten* *Yupitata* & *Niulhan.*

Partes
ejus *duæ* sunt:
Soxin, Australis,
Caiyuen, Borealis.

Synon.
Niuche à *Tamingis* dici cœpit.
sub *Hanis Yeleu* dicta.
sub *Gvejis Hoekie.*
ab ipsismet *Muoncheu.*
& anteà *Kien*,
ab aliis *Kin.*

Lingua
Niuchana specimen sub *Mogolica* nomine *Gruberus* dedit. l. c.
Nonnulla habet etiam *Martin.* Bell. Tatar.

Scriptura
Niuchanorum, quæ sit vid. in *Atl. Sin.* p. 16.

REGES.

Niuchani verò sunt illi ipsi *Tatari*, qui *hodiè* iterum *Sinarum* *Domini* sunt.

Eorum *Series Genealogica* & *Autocratorica* hæc est:
Xiachan, primus, qui *nomine* notus est.
Taxe. Fil. (*Thien ming* regno assumto dictus.)
Nolhache. Fil. (*Thiençung* porrò dictus) succ. Patri anno Chr. 1627. dicitur etiam *Mir Hache.* Hic *duas* provincias Sinis ademit, regnique nomine mutato id *Kien-cheu* dici voluit.
Mansueu. F. (*Zungte* posteà dictus) Succ. Patri vivo anno Christi 1636. Erant huic *fratres novem.* E quibus unum *Tutorem* filio dabat, ceteros *bello* præficiebat.
XUN-CHI F. Succ. anno 1644. Primus *Sinarum* quoque Imperator.
CON-CHI. F. Succ. 1661.

NOA.

Patriarcha postdiluvianus.
pag. 54.

De hoc vid. *Traditiones Arabum, Persarum;* &c. ap. *Hott.* H. O. pag. 25. s. *Smegm.* 246. s. *Schickard.* Tar. pag. 25.

Hîc ad intelligendas *origines Tataricas*, uti ab iisdem populis traditur, suffecerit

Genealogia Japhetica.

Quæ secundum *Mirchondum* hæc est.

JAPHET, filius *Noa*

1. *Chozar*, ad fl. *Etel.* Ubi *urbs* cognominis,
1. *Rous.* unde *Russi.*
1. *Gâz.* ad Bulgariæ fines. Al. *AS.* Hinc *Alani* & *Gazitæ.*
1. *Tzîn.* Hinc *Sinæ.*
1. *Saklab.* Hinc *Slavi.*
1. *Kemari.* Suprà *Chozaros.*
2. *Bulgar.* Hinc *Bulgari.*
2. *Purtas.* Hinc *Perozitæ Vincentii?*
1. *Turk.* temporè *Kajo-mardis.* (*a.*)
2. *Al-Manzi.* (b.)
3. *Dib Bakouj.* (c.)
4. *Kujuc.* (d.)
5. *Alenxia.* (e.) Primus *Hakan* dictus.
6. *Tatar.* (f.)
7. *Jouka.* (g.)
8. *Albensia.* (h.)
9. *Eiselii.* (i.)
10. *Athes.* (k.)
11. *Ardu.* (l.)
12 *Serich*, ultimas stirpis. (m.)
6. *Mogul.* (f.)
7. *Karachan.* (g) in *Karakarem.* inter montes *Ertak* & *Karbak.*
7. *Arichan.*
7. *Curchan.*
7. *Oguzchan.* (h,) Sub hôc mentio regni *Sinarum.* (*al. Ourchan. Ogourchan.*)
8. *Coun.* (i.) r. a. 70.
8. *Aichan.* (k.)
8. *Jeldouzchan.* (l.)
9. *Mankeli.* (m.)
10. *Tunger.* (n.) r. a. 110.
11. *Ilchan.* (o.)

Ilchanô cæsô, *Mogoles* ferè toti deleti. Sed restaurati in *Gingischanidis.*

NOMINA PROPRIA:

Quæ in *Abdallæ Historia* occurrunt.

1. *Locorum.* v. *Geographica.*
2. *Personarum*
   1. *Virorum.*
      Vid. tit. *Auctores.*
      Catal. *Regum.*
      Add.
      Aguda.
      Confutius.
      Cha zen. 31.
      Chen. 33.
      Gingischan.
      Hulagu.
      Japhet. p. 45.
      Ilchan.
      Kung-xu.
      Lao-tan.
      Nao. p. 45.
      Octaikaan.
      Ounan. p. 18.
      Ouvang. p. 29.
      Xecmînibercban.
      Xuchu p. 32.
      Xuleang. 33.

2. *Mulierum.*
Gu-xi. 33.
Muje. p. 29.
Nivaxi. p. 15.
Pao-su. p. 32.
Ta-ki. p. 27.
3. *Dynastiarum* extranearum.
Ta-kin.
Ta-leao.
* *Octai* Kaan. vid. *Gingis.*
* *Ogouz.* vid. *Noa.*
* *Ovang.* vid. *Tingsanan.*
* *Ounan.*

PAO-SU.

Imperatoris *Ie* uxor. p. 32.
Var. lect.
Pao-sua. *H. S.* 103.
Bausa. *Mendoz.* p. 68.

PARASANGA.

Mensura Itineraria. p. 9. 31.
Vox *Persica.* Et est q. d. *Magnus lapis*, ein groß Feldweges. vid. *Glossarium Profan.*
Ipse verò *Parasanga*
pars *octava stadii* est, secundum *Xenophontem* Κυρ. p. 375.
tria *milliaria* Italica, sec. *Ramus.* Declar.
quater mille *Cubitorum*, sec. *Gol.* Lex.
Abdalla, voce *milliaris Persici*, *milliare Sinicum*, nisi fallor, indigetat. Uti *Venetus* voce miliaris *Italici.* Illud *Ly* vocant. Quod est 300. passuum Geometricorum. De his ago *Tom.* IX. de *Mensuris*, &c.

PARTHENII.

Hoc est, *Virginibus nati.*
Ita *Fabulis* omnia conspurcantur.
Unum novimus verè *Parthenium*.
Ab *Esaiâ* prædictum. (Es. VII, 14.)
A *Gabriele* annunciatum. (*Matth.* I, 23.) A *Mariâ* editum. (*Luc.* I, 7.)
A *Mundo* creditum. (*Tim.* III, 16.)
Ab iis tamen minimè, *qui Parthenios alios* magno numerò comminiscuntur.
De *Ægyptiis*, vid. *Cal. Rhod.* A. L. (IX. 19.
De *Græcis*, Juchas.
De *Judæis*, *Chagig.* fol. 15. &c.
De *SINIS*, *Abdalla* quædam exempla refert.
Xao-haui. p. 19.
Lao-guni. p. 33.
Xecmuni. p. 34.
De *Mogolibus* aliud. *Fratris* sc.
Alankava. p. 56.
Eodem referunt Sinæ
Fobium. H. S. 11.
Paosuam. H. S. 103.

PHRASEOLOGIA.

Duæ notatu dignæ.
1. *Nullus non*, pro *omninò nullus.* p. 2. V. *diss.* sub tit. *Exerc. Philol.*

2. *Vinum edere*, pro *Vinum bibere*. p. 15. &
Hæc *Persarum Elegantia* & *Idiotismus* est.
Vid. disp. cit.
Simimiliter *Sinæ*:
Che çiu, *Edere vinum.*
Che xui, *edere aquam.*

PUEN-CU.

Sinarum Rex primus. p. 2. 11. 50.
Puên-cù. *Primi hominis* nomen est.
uti ap. *Græcos* Phoronæus.
ap. *Arabes* معاد *Mahade*.
ap. *Persas* کیومرث *Kajomard*,
ap. *Brachmanos* Bramma.
Var. Lect.
Puên cu. Catech, IV. 22.
Puencu. Mart. H 3. 7.
Ban'-cò. *Tungk*. Cat. 31. 11. Lex. 23.
Pàn-co. Wricht.
Est autem q. d. αὐτόχθων & *qui de seipso* est.

QUINSAI.

Metropolis Regni MAGIN. p. 9.
Var. Lect.
Cansay, *Odor.* apud Ortel. Sic & *Mandevill.*
Camsana. *Odor.* ap. Kircher. Sic & *Bolland.*
Kansai. *Mendoz.*
Neptay. *Nic. Ven.* p. m. 9. ed. Belg.
Quinsai. *Ven.* II. 54. 63. f. *Abdall.* l. c. *Mendoz.* I. 8.
Quinsay. *Bec.* 19. Nic. *Ven*, ed. Ital.
Quinzai. *Ortel.*
Etymol.
1. *Quinsai*, civitas cæli, *Ven*. II. 63. *Mandevill*. p. m. 133.
Habent *Sinæ Proverbium*, quod est:
Xáng yeù tien tang,
Hiá yeù sú hâng,
Hoc est,
Quod supra cæli Aula est,
Hoc infrà (urbes) *Sucheu* (&)
Hangcheu (sunt)
Vid. *Martin*. Atl. Sin. p. 78. a.
Descr. Chinæ, 326.
Mandevill. ap. Purchass. T. III. 133.
Purchass. III. 97. 343. 363. 409. V. 440.
Sucheu & *Hangcheu* sunt *Singui* & *Quinsai* Veneti.
Hic Proverbium istud procul dubio respexit. Sed haud rectè accommodavit. Neque enim *quid voces significent* dicitur; Sed *quales essent urbes* illæ.
Paradisi videlicet instar, quem extra orbem nostrum situm ipsumque *cælum* fuisse nonnulli crediderunt.
Sic & antiqua *Pentapolis* Paradiso seu horto Domini comparatur. *Gen.* XIII, 10.

Am-

Arabes item جنان الدنيا (daß irdische Paradiß) *Paradisos mundi* vocant *tempe* illa *Asiatica*, de quibus *Abulfeda* in Transox. p. m. 17.

Similiter *Kismir* Paradisus dicitur ab *Indis*.

Intereà nemo non *Veneti fidem* sequitur in eò quòd *Quinsai civitatem cæli* significet. Vid. Corn. à *Lap.* in Jon. *Ursin.* Parad. 71. & in Jon. p.

2. *Martinii* Etymologiam inferius afferam.

3. Magis placet *Gruberiana*. *Gruberus* n. conjicit, *Quinsai* pro *Chuên çai* dici. Hoc ναυσταθμὸν significat, seu *navium stationem*.

Situs.

Ceterum de *Situ* urbis non convenire Scriptores, mirum non est, si *conjecturis* eos niti consideres.

a. alii eam in commentitio regno *Anian* quærunt. Vid. *Bun.* ad Cluver. 323. qui ipsum Venetum hujus sententiæ auctorem facit.

b. alii *supra murum*. *Albacentus* p. 61. vid. p. 19.

c. alii in *Americâ*.

Philippus enim *Melanchthon* *Temistitanam* à *Cortesio* repertam pro *Quinsai* habuit, hoc est, Mexicum novæ Hispaniæ. Perinde ut *Columbus* & primi novarum terrarum detectores *Hispaniolam* pro *Zipangri* habuerunt. *Horn.* diss. Polit. 85. Orig. Amer. 7. Conf. *Ramus.* præf. p. m. 6.

d. alii in *Sinis*. Idque rectissimè.

Sed nec hi invicem conveniunt.

1. Quidam *intercisse* suspicantur. *Bun.* 525. pr.

2. *Clüverô* autore eadem est, quæ *Xantum* dicitur. p. 524. Sed *Xantum* provinciæ nomen est. Fortè *Xuntien* dicere voluit *Clüverus*. Hæc ipsissima *Peking* est.

Quinsai verò pro *Pequinô* habetur etiam à *Ricciolo* Georg. 340. a. *Mendoz.* l. 8. f. Idque eò magis quia *Xuntien* quoque *civitatem cælestem* significat, sec. *Mendoz.* l. c.

3. Sunt qui *Nanquinum* intellectam velint. *Horn.* Arc. N. 78. m. O. P. IV. 71. *Purch.* III, 338. 410.

4. *Martinius* contrà operosè contendit, urbem *Quinsai* ipsam *Hangcheu* esse. Atl. Sin. 78. 86.

Eandem sententiam defendit Athanas. *Kircherus* Chin. III, p. 61.

Eandem sequuntur *Neuhof.*

Idem anteà sensit *Purchassius*. T. III. 405.

Martinii argumenta sunt ista.

1. *Primum* à *nomine* desumit. Vult enim urbem *Hangcheu*, quod Veneti ætate ejectis scilicet è Boreali ditione Sinis, regia esset, *KINGSU*, h. e. *regiam*, communi aliàs nomine, in-

deque

deque vulgò *KINGSAI* & sic porro *Quinsai* à Veneto dictam esse. V. *Glossar.*

2. Alterum à *Pontibus*. Horum Venetus XII cIↄ. numerabat, vel, ut Martinius legit, X cIↄ. Hic ipse tradit, à verô hoc non abesse, si pontibus *arcus triumphales* annumerentur. Quos fortè ob *fornicis similitudinem* Venetus inter pontes numeraverit, uti *Tigrides Leones* appellâsset. Venetum etiam pontes fortè numerasse, non urbis tantùm, sed *suburbiorum* quoque ac totius *territorii*.

3. Tertium à *Lacu*, qui ad urbem est.

4. Quartum à *monte*. Nam & civitati Hangcheu mons adjacet, *Chingleang* nomine.

5. Quintum à *plateis*.

6. Sextum à *fundo paludinoso*.

7. Septimum à *Canalibus navium capacibus*.

8. Octavum à *fluvio*, quô ad mare descenditur, *Gentang* dicto.

9 Nonum à *distantia urbis & Oceani*.

20. Decimum ab *ambitu*, etiam majore, si suburbia annumerentur.

11. Undecimum à nomine Regis *Facfur*. De quo v. *Facfur*.

12. Duodecimum à *tempore*, quo *Hang-cheu King-su*, h. e. *Quinsai* dici cœpit. Hoc est, paulò ante adventum *Veneti*.

13. Decimum tertium suppeditare queat *Proverbium* & *Veneti* redditio nominis Quinsai, de quibus suprà.

Attamen non pauca huic sententiæ obstare videntur.

Namque

1. *Hangcheu* & *Sucheu* vix *quatridui* distant itinere. *Atl.* 86. a.

Quinsai & *Singui* diætis *quinq;*. *Ven.*

2. Deinde *lacus* ille, de quo Venetus, INTRA urbem fuit; ille verò qui civitatem Hang-cheu ab occasu ad Austrum longo tractu lambit, & SI atque SIHU dicitur, EXTRA illam est. *Atl.* 86. b. 88. a.

3. Idem lacus *triginta* secundum Venetum milliaria complectitur; alter ille quadraginta. *Atl.* l. c.

Jamque *excipit* Martinius: *Diætas* de Exercitus itinere intelligendas esse. 86. a.

Possitque adhuc excipi: Differentiam 4. ac 5. diætarum; 30. it. & 40. milliarium, tanti non esse.

Sed illud maximè tractat argumentum, quòd secundum *Italicum* librorum Veneti *textum*, lacus, quem dixi, non INTRA urbem sit situs, sed EXTRA eam.

Dubitari tamen possit, sitne Italica illa relatio genuina. Vid. *Kirch.* Chin. ill. 142. f. *Oedip.* I, 408. m.

Præterea, si quis *Nanquinum* & *Quinsai* eodem loco habere velit,

G possit

possit & hic iisdem argumentis certare. Est enim Nanquinum quoque

1. Amplissima urbs, Imò maxima omnium. *Atl.* 74. b.

2. Potuit & illa *Kingsu* dici. Siquidem Regia & ibi olim fuit. *Chat.* 82. b.

Usque ad *Taiçungum* sc. primum Taimingarum. *Atl.* 2. a.

3. Sunt & ibi plurimi *pontes.* Atl. 74. b. *arcus, fornices, canales.*

4. Est item *Mons* intra muros. *Atl.* 75. a. f.

5. Est *palatium* amplissimum. *Atl.* 74. b. f. idque *quadratum.* ib.

6. Est ibi *turris* Astrosophorum. *Atl.* 75. a.

7. Est ibi præsidium 40000. militum. *Atl.* 75. a.

8. Est pulcherrima. *Atl.* 74. b.

9. Est ad fluvium, qui *Kiang* dicitur. *Atl.* 74. b.

10. Est vicina civitati *Sucheu*, æquè ac *Hang-cheu.*

11. Est vicinior *mari*, quàm *Hang-cheu.*

12. Hujus sententiæ fuisse videtur, *Malatiensis.* Refert *Venetus* urbem *Quinsai*, *Facfuro* Rege animum despondente, Tataris deditam esse. Similia de *Altunchan*, deque urbe *Nanquino* *Malatiensis* tradit, p. 309. f.

Fecerim tamen cum *Martinio* vel propter *Proverbium* illud *Sinicum*, de quo dixi.

Etiam quia *Veneti Facfur* & *Abdalla Altunchan* haudquaquam eadem perona fuerunt. V. pag. 3. b.

REGUM SINICORUM

Familiæ, Triginta sex. p. 2.
Personæ, trecentæ quinque. p. 2. 50.
Videantur in *serie quadrigeminâ Basilici Sinensis.*

REGUM

Nonnullorum *Orientalium* non in vulgus nota

SERIES.

Ex Autoris *Opere Synchronismorum* omnium *locorum* & *temporum*. Tom. III.

A. GINGIS-CHANIDARUM.

1. *Gingis.* Coep. ann. Christi 1202. Obiit. 1227.
2. *Octai.* F. coep. ann. Heg. 626. obiit.
3. *Gayu.* F. coep. ann. Heg. 644. obiit.
4. *Mücaca.* F. coep. ann. Heg. 647. ob.
5. *Kubla.* Fr. coep. ann. Heg. 654. ob.
6. *Abaga.* Coep. ann. Heg. 674. ob.

7. Ab-

7. *Ahmed.* coep. ann. Heg. 681
ob.
8. *Argun.* coep. 683.
ob.
9. *Ganiatu.* F coep. 690.
ob.
10. *Bajdu.* coep. 694.
ob. *eodem anno.*
11. *Kazan.* coep. *eodem tempore.*
ob.
12. *Algaitu.* coep. 703.
ob.
13. *Abusaid* coep. 716.
ob. anno Christi 1335.

Nota: *Tamerlanes* natus est anno Christi 1336.

B. NIUCHANORUM.

v. Niuche.

C. BABURIDARUM.

Hoc est, *Mogolum Indicorum.* E *Sigillo Mogolico* ap. *Terry, Purchass, Hyd.*

1. *TIMUR.*
2. *Miran....*
3. *Muhammed.*
4. *Abusaid.*
5. *Omar Behader.*
6. *BABUR.*
7. *Homajun.*
8. *Acbar.*
9. *Nureddin.*
10. *Chorrm...*
11. *Oungzef.*

D. KARACHATÆORUM.

Courchan.

Cujang. Tempore *Gingischani.*

Cousiluc. Hic *Casgar* & *Chotenam* expugnavit.

REXIDO'DDIN.

Vir Philosophus. p. 3.

Plures ejus nominis, partim *Scriptores*, partim *Principes* & alii. Quis hic fuerit, nondum liquet.

SERPENS.

Serpentum & *Draconum* crebra est in *Historiâ Sinensi* mentio.

Quodque nobis *detestabile* est animal; hoc Sinis *auspicatum.* Sic *Corpus serpentinum* tribuitur

Tien-hoang-tio, p. 12.
Ti-hoang-tio, p. 13.
Gin-hoang-tio. p. 16.
Hoang-tio. p. 15.
Cao-zuo. p. 37.

Quæ omnia de *serpentinâ prudentia* intelligo, si velint Sinæ.

Non possum, quin hîc notem, quid de *Serpente ex abysso fumarii* (von der grossen verschlingenden Schlangen im Abgrund des Rauchhauses) habendum sit, cujus multoties Ferd. Mendez *Pintus* meminit. Pag. sc. 239. 313. &c.

Neque enim hoc *figmentum Pinti* est, ut nonnullis visum est.

Pleni enim hujusmodi *Draconum* & *Serpentum* sunt libri *Sinensium*, *Brachmanum*, aliorumque.

Fabulæ absque omni dubio ex *Historiâ Primi Serpentis* confictæ videntur.

Primus ille *Serpens*

Sesja, *Brachmanibus* dicitur,

Lupanto, *Sinensibus*.

Ophioneus, κνήφ & *Agathodæmon*, *Ægyptiis*.

Vid. *Apoc.* IX, 11. XIV, 11. *Alibi* plura.

SIMIA,

MAGIÆ SPECIES.

p. 31.

Joh. Baptist. *Ramusius* Navigat. Tom. II. Declarat. p. 16. b. Hanno tre scientie particolari che chiamano l' una *Chimia*, ch'è qvella che noi chiamiamo *Alchimia*. l' altra *Limia*, per fare inamorare, & l' altra *Simia* per far vedere qvello che non è.

Et ex eo *Purchassius* Tom. V. p. 429. They haue three Sciences, *Chimia*, *Limia*, and *Simia*: the first, *Alchymie*; the second, to make *enamoured*; the third, *Iugling*, or *Magicke*.

Idem Tom. III. p. 166. They haue three particular sciences, *Chimia* (in the same sense as here) *Limia*, to make and Cause loue, and *Simia*, to make men see, that which is not.

Ergò *tribus* artibus cumprimis occupabantur Chataji, ut videtur.

1. De *Alchimia* suprà dictum est.

2. De *Limia* itidem.

3. *Simia* vel *eadem* est, vel *Medicina* σημειωτική, vel *Magia* potius.

Simiam Mosis tempore *Anonius*, Thessalus fortè, invenit, autore *Malatiensi*. p 33. f.

Moses ipse *Chimiæ* operam navâsse dicitur. Vid. *Boch.* Phal. 231. f.

Pocockius Semiam vocat. An à *Semo*? Sed *Chamo* inventum hoc tribuitur. *Boch.* l. c.

SINÆ.

p. 9.

Homon.

1. Nomen *Urbis*. *Ptol.* VII. 3.

2. Nomen *Regni*, & *Populi* (De quibus h. l.)

Var. Lect.

Arab.

جين *Gyn*. Tar. Pers.

چين *Gin*. Abdall.

صين *Tzin*. C. & S. artic. *Nubiens.*

Europaeorum.

Germ.

Tzina. Olear.

Ital.

Cina. Passim.

* *Cini*. Jos. Barb. p. 455. Vartom. VI, 20.

Lusit.

China. v. Scal. *Can. Isag.* Cadam. 83.

* *Chines*. Nov. Orb. 576. t.

Alii.

Cym. Ven. MS.

Sym.

Sym. Haitho c. 2.
Cimum. Jos. Barb. l. c.
**Kimi.* Vinc. Bell XXX, 78.
Xun. Salmas. Ann. Clim. præf.
**Schina.* Maximil. Transylv. Nov. O. 525.
Singtej. Mendoz.
**Sinna.* Pogg. de Var. fort. IV.
**China.* ib.
**Chyni.* Teix. c. 36. (i. e. *Hunni* Schirk. Tarach. 151. Falsò.)
Sim. Garç. l. 7. V. Scal. h. l.
Cin. Ram.
Cyn. Ven. MS. II. 28. III. 8.
Sin. al.

Hebræorum.

סין *Sin.* Es. XIX, 12. sec. Qq.
צין *Tzin.* Benjam. Tudelens.

Græcorum.

Σῖναι. Ptol. VII. 3.
Marcianus Perieg.
Θῖναι. Strab. II. pr. p. 46. s.
Χώρα Σιν. v. Chorazim.
Νζιν. Chrysococca.
Τζινίτζα. Cosmas Monach.
Θῖναι. Arian in Periplo.

Syr.

ܨܝܢܣܬܢ *Zinostan.* V. Comm. M. S.

Etym.

Ceterum hoc *nomen Indis acceptum* refert *Abdalla*, p. 9. Et addit *Trigautius*, *Lusitanos* idipsum à *Cochinchin.* & *Siamensibus* accepisse. Vid. *Not.* ad Abdall. p. 37.

Synonyma.

a. EJUSDEM ORIGINIS.

Jam *Sinæ* à multò jam tempore *duæ* sunt.

Una *propriè dicta*. Nempe Pars *Borealis*.

Altera *adscititia*. Nempe Australis, *Ma-gin* dicta. *Abdall.* p. 10.

Hinc sive tota regio sive alterutra ejus pars *gemino* nonnullis *nomine* venit.

Diciturque *conjunctim*.
Cimum & *Macimum*. Jos Barb.
Cinimagin. Ant. Mascis Lex. Turc. v. Bern. Paris.

Planè uti ob (1.) *Vicinitatem* terrarum, aut ejusdem utrinque (2.) *Dominium*, aut Nationum (3.) *Communionem* hi-illi
Mogolo-Sinæ dicuntur,
Indo-Scythæ.
Celto-Scythæ.
Tauro-Scythæ.
Roxalani.

Sic
Dest-Kipgak.
Ketao Kotan.
Massa & Meriba.
Gog & *Magog.*
Kutak & Anmil.
Hasa & Catif.
Hind & Sind.

b. DIVERSÆ ORIGINIS.

1. *Domestica.*

α. Propria.

Sed mirum est, *Sinarum nomen hoc in ipsis Sinis non extare.*

Intereà quovis tempore appellatum est Imperium de *nomine Familiæ regnantis*. Non tàm *extrà patriam*, ut in *Europa* fieri solet, quàm *intrinsecus*.

æ.g. *Cing*. Et Ta-çing, hodiè.

Sic *Cheu*. Cheuarum . tempore.
Chu. Cinarum ætate.
Han. Hanarum ævo.
Hia. Hiarum Seculo.
Ming & *Taming*. Sub Taming.
Sciam, vel *Xang*. Sub Xangis.
Than. Olim.
Sung. Sub Sungis.

β. Panegyricum.
Chung que. Id n *Regnum meditullium* significat.
Chung hoa. Hoc *Florentissimum medium* significat.

Quæ iterum *variè scribuntur*.
Coumang,
Chiumbea.
Chumkue, &c.

2. *Exotica*.

1. *Sarcastica*.
Ngò & *Thàng*. *Ngô* & *Nhoc-ngô*, Tungkingensibus.

2. *Vulgata*.

Arab ختاي *Chataj*. Cujus vocis *Varias lectiones* v. in l. de Chatajâ.

Græcis *Serica*. A. p. 1. Trig. 4. Spiz. 2. f. & populus, *Hippophagi*. A. p. 1. Trig. 4.

Japonibus. *Cara*. Lex. 20.
Taito. ib.
Than. Trig. 5.

Mogolibus *Gaukut*. Abdall p. 8.
Persis *Chataj*. Abdall p. 8.
Saracenis *Catajum*. Trig. 5.
Tartaris *Han*. Trig. 5.
Tungkingis, *Dai-ming*. Quod est, *Ta-ming*.

SINÆ SINARUM.

Nomen *Urbis*. *Nub*.

TA.

Ta Mandarinicè *Varia* significat. Uti hujus linguæ voces planè omnes.

Sed neque introducti à Jesuitis *accentus*, neque ipsa Sinarum *pronunciatio* Homonymiam hanc tollit.

Inter alia, quod nos *magnum* dicimus significat vocula illa *Tá*.

Et in *hâc significatione solâ* nihilominus, *variè scribitur*.

Ta. passim.
Tai, in *Tai-ming*.

Arab.

داي *Dai*, in *Daiming*. Mirchond.
in *Dai-liu*. Abdalla.
تاي *Tai*, in *Dai-gini*. ib.
in *Tai-yun-fu*. p. 4.

TAI-MINGA.

Dynastia Sinarum penultima.

Var. Lect.

Europ.

Tai-minga.
Taminga.

Tamin. *Trig.* 5.
Tame. *Bec.* 94.
Tunchin. *Dai minh.* Rhod.
Arab. طمغاج *Temgag.*
Scrib. طامنج *Taming.* v.
Chataj. p. 56.
Gol. add. 10. b.
Lex. P. 395.
ad Alferg. 106.
Ibn-Said ap. *Abulfedam.* v.
Chat. p. 16.

Significat a.
appellativè *ingentem claritatem*; usu Politico Sinarum, *Magna claritatis Regnum, Trig.* 5.
vel potius Magnæ illius Dynastiæ, *Ming* dictæ, magnos *Dominos*, magnumque *Imperium*:
Solenne enim iis est populis, ut nihil non sui *Magni* titulo ornent.
Sic Magnus *Chan* dicebatur Sinarum Imperator Gingischanicus. v. *Chan.*
- - *Chitainus*, idem. *Leonclav.* Ann. 1586.
- - *Lamma*, Pontifex *Tataricus.*
- - *Mogul*, Rex *India* hod.
- - *Negus*, *Abissinorum* Imperator
- - *Tabaquas*, Rex *Benomotapa*.

Sic *Uluchan*, Imper. *Turc.*
Ulugbeg, *Tamerlanis* Nepos,
Weliki Czar, Dux *Muscoviæ* dicuntur.
Ulug enim Tataricè & *VVeliki* Russicè *Magnus* est.
Sed *Gruberus* dubiam adhuc facit hanc *Taimingarum Etymologiam.* Scribit enim *Tai stirpem* notare, adeoque *Taimin* dici *stirpem* aut *familiam MIN.* Quod & rectius foret, si semper *Tai-ming* scriberetur à Sinis.

TATAR.

A. *Fluvii* nomen. Unde *Tatari* sec. plerosque dicti sunt.
B. *Tribus prima* Tataricæ nomen. *Hath.* c. 16.
C. *Regni* aut *Regionis* nomen.
Var. Lect.
a. Tatariam plerique vocant.
b. Sed Orientales prius R. non agnoscunt. TATAR dicentes, & *Tàter.* Scribunt autem

Hebræi.

תאתאר, תתאר, תתר
Juchas. p. 323. 6. 8. 326. f.

Arabes.

تاتار, تتار, تتر, Vid. *Gol.* add. p. 8. *Sad.* 170. 244. 250. 262.

Armen.

V. *Rivol.* Lex. 127.

c. Sina

c. *Sina Tam* dicunt. Siquidem literam R. nequaquam in suis habent. Vid. *Martin.* Atl. Sin. 14. a. Hist. Sin. 315. de Bello Tatar. p. 1.

d. Corruptissimum ejusdem gentis & terræ vocabulum est *Atbor albacum.* Ita ap. *Thevetum* legit *Ortel.* Synonym. Voc. *Scythæ.*

e. *Totari. Full.*

Etymol.

De *Origine* vocis sub judice lis est.

a. *Fullerus* è *Syriâ* Tartarorum nomen deducit. Vultque gentem hanc quasi טותרויא

Totaroje dici, h. e. *redundantes*, quod natio illa populosissima sit. *Miscellan.* II. 5.

Ita *Totaros* dici mallet quàm *Tataros.*

b. *Leonclavius* à *flumine* appellatos tradit, quod sc. accolebant. Hoc *Tatar* dicebatur, ipsô autore.

c. *Haytho* nominis originem à tribu quadam, *Tatar* dictâ, arcessit, cap. 16.

Vid. *Hott.* H. E. XIII, 482.
Brerevood. Scrut. Relig. c. 13.
Horn. O. I. 288. pr.

Alliteratio.

Vicinum est Tartarorum nomini vocabulum

a. *Tatri*; Quod Slavorum Lingua *Montes Carpathios* notat. *Herberst.* p. 183. f.

b. Sic & *Totardanes.* Fluvii nomen, cujus *Amm. Marcellinus* meminit, Libr. XXII. p m. 1619. b.

c. Et nescio an huc referri queant *Athara* Essedonum vicini, ap. eund. *Marcell.* p. 1661. a.

Vid. *Horn.* Orig. American. 189.

Synonymia.

Ceterùm *Tatari*

a. olim *Scythæ* dicebantur *Leonclav.* c. *Herb.* 205. b *Horn.* O. I 287. Arc. N 275.
Sarmatæ.
Getæ. Herb. 183.
Moabitani. Herberst. 86. f.
Taurimeni. id.
Pitzenigi. id.
Hunni. Horn. O. I. 67.

b. Hodieque
Turcæ vocari nolunt. *Herb.* 88. f.
neque *Tatari. Horn.* O. I. 288. m.
Malunt autem vocari.
Mogoles. Horn. O. I. 288. m.
Malat. 284.
Besermani. Herberst. 88. f. c.
Ortel. Synom. v. Scythæ
Dist. Mar. Nigr. c. ib.

Præterea vocantur

Die Rothen Jüden. *Luther.* marg. ad Apocal. XX. 8.

Tartarorum nomine & *Sinæ* veniunt.

Divisio.

Gens ipsa, uti latè patet, ita in multas divisa est nationes. Ubi primum de *septem* illis *Hordis* agam, quarum *Haytho* c. 16. meminit. Ea-

Earum nomina sunt
1. *Tatar.*
2. *Tangoth.*
3. *Cunath.*
4. *Jalair.(Melair,Sans.* Tab. Tart. Conf. *Belor.)*
5. *Sonich.*
6. *Monchi.*
7. *Thebeth.* Conf. *Ambsj.* p. 8. 206.

Varias singularum vocum lectiones suo videre licet loco. Inde v. facilè colligis, totidem notari *regiones.* Quas sc. singulæ *tribus* occupabant.
Vid. *Sabell.* c. descr. Mosc. p. 329.
Rav. Cosmogr. p. 896. s.
Horn. Arc. N. 285. 287.

b. Sed sunt præter has multæ aliæ, quarum hæc sunt nomina:
Argon.
Crit. Kerriet. Kemjet.
Dezjan.
Horiach.
Kabkin.
Kankamt.
Kumkumat.
Naiman.
Salzjou.
Tabzjout.
Ungrac.
Ut & hæc: (v. *Horn.* A. N. 246. f.)
Alga-Tartari. Mart. Bell. Tat. 11. a. *Horn.* Arc. 319.
Hoei Hoei.
Hutatsen. Voyag. Tom. I. p. 19.
Jec mogol.
Jessa.
Jupitatsen. v. Jupi.
Lagzi. Rivol. 153.
Mogol. Sed hoc generale nomen est. *Haytho.* c. 16. Imò Tatari dist. à Mogol. Malat. 284. 291.
Muoncheu. Mart. Atl. Sin. 15. 2. m.
Niuche.
Niulhan. Martin. Atl. Sin. p. 16. a.
Sumogol. Descr. Tart. 228.
Tajum, Tartari. Mart. Hist. Sin. p. 94.
Usanguei. Intorc. 93.
Zutadsen. Neuhof. 188.

c. Sed jam *variam Tartariæ divisionem* necesse est in campum duci. Est ergò
Tartaria
1. alia *magna*, Schild. 29. 30. alia *minor.*
2. alia *alba*, alia *rubra*, Schildb. 30. alia *nigra.*
3. alia *Orientalis*; alia *Occidentalis*; alia *Borealis*; alia *Australis.*
4. alia *Asiatica*, alia *Europaea.*
5. alia *deserta*, alia *cultior.*

A. 1. *Magna, Dista* nomen habet. Tametsi *parva* sit, sec. *Schildberg.* c. 23. 29.
2. *Minor, Pracopensis* dicitur.

B. 1. *Alba* Tataria Gingischanidarum Imperium Occidentale erat. *Schildberg.* c. 8. 10.

2. *Rubra*, Eorundem Imperium Orientale.

Estque triplex:

a. *Keyat.* (Kathai.)

b. *Tatzu.* (Jesso.)

c. *Mugal.* (Mogul.) *Schildb.*

3. *Nigra*, Deserta. *Horn.* A. N. 38.

C. *Tertia divisio* variat secundum *differentiam Populorum*, qui sic distinguunt.

Aliter n. *Sina*, aliter *Tatari*, aliter alii distinguunt.

Itaque (a.) secundum *SINAS* *Tartaria*

1. ORIENTALIS, terra KIN dicitur.

a. Hujus *confinia* sunt:

Occidentale, *Kilangho* terra.

Australe, *Corea*. A. 14. a.

Itemque ad *Boream* & Borrhapelioten,

Niushan,

ad *ortum Jupi*,

ad *Austrum Corea* & *Leaotung*. Seu murus etiam ille famosus.

ad *Occasum*, fluvius *Linhoang*. Inter hoc regnum & *Kilangho*. A. 14. b. m.

b. Partes autem Tartariæ Orientalis sunt: *Soxin*, ad *ortum* fluvii *Quentung*, *Caiyven* ad *Boream* illius. A. 14. a.

c. Incolæ, Sinarum inimicissimi sunt. A. 14.

d. Synonymia:

1. Sinica:

antiqua.

Teleu sub *Hana*,

Hakie sub *Guei* rege.

Vico sub *Tanga*.

Niuche sub *Taiminga*.

A. 14. a m.

Recens: Kin h. e. aurum f. Atl. 4. a. f. Sic dicta à *monte Kin* A. 16. b.

Incola verò inde *aureorum montium Domini* dicuntur. A. 14. a. ppr.

2. Europæa:

Vetus Tataria. A. 17. a. pr. v. Nieuhof. 391. f.

2. OCCIDENTALIS

a. *Tanyu* dicitur secundum Hornium Arc. N. 295.

(b.) Casgar & Samarcandam complectitur secundum Sinas. Mart. Hist. Sin. 316. Atl. Sin 18. a. b.

Incolæ dicuntur *Saurv*, quod est, *Sales* & *gueuseux*. Voyag T. 1. p. 19. V. *Lex. Mand.*

3. BOREALIS Sic enim reliqua dici possit. O. I. 292. 301.

Hæc *Tanyu* dicitur

Atque olim Sinis:

Hiuncho dicta fuit sub *Hia*.

Hien yun sub *Cheva*.

Hiun gun sub *Cina* & *Hana*.

Thokive sub *Tanga*.

Kicheu sub *Hanga*. A. 17. a.

Ter-

Termini ejus sunt
ad Orientem, *Quentung* fl.
ad Austrum ad *Sina*.
ad Occasum, *Samahania*, ad Boream *Xamo* seu desertum *Lop*. A. 17. a.

Vel porrigitur ab *Imaus* ad fretum usque *Aniau*. Martin. Hist. Sin. 315. m. Vid. Anonyma terra.

Auctor Sinicus de bello Sinico, quem *Neuhofius* p. 441. vertit, tradit, hanc Tartariam sitam esse ab *Æquatore* gr. XXIV. ab *Oceano orientali* mill. LXX. atque vix XX. mill. Germ. latam esse. Idem tradit, Tartariam NIUCHE ab occidente Tartariam occidentalem respicere,
à septentrione, *Jupitacos*,
à meridie, *Leaos*: ubi fortè Leaotung dicere voluit.

4. AUSTRALIS, Zutat. Neuh. 188.

b. Sequitur TATARorum distributio.

Post mortem enim *Gingischani* divisum est *imperium* ejus, quod ab ipso *Tartaricum* dicebatur in *orientalem*, *accidentalem*, *Borealem* & *Australem* partem.

Hæ quatuor enim partes totidem filiis ejus cesserunt è dispositione paternâ.

Tartaria scil.

1. *Occidentalis Tuksio*, cui Bathu succedebat
Hæc *Dist* vocabatur.
Quæ quomodo post illa divisa sit, in *Dest* vide.

2. *Orientalis* cedebat *Schagatajo*.
Dicebatur hæc Schagataj, Sogdiana.
Complectebatur Maurenahram Chorasmiam, &c.
Post *Usbekanum* Imperium dici cœpit. O. I. 299.

3. *Borealis* Tataria Hokkotæ cedebat.
Estq; *imperium magni Chami*, sitũ supra *Usbekiam* & Sinas.

4. Reliqua Tulikano cedebant. Horn. Arc. N 289. m.

D. 1. Antiqua Tataria, ipsissima Orientalis est. Martinius veterem Tatariam vocat tres illas terras:
Niuche. Hist. Sin. 301.
Samabaniam. Alt. Sin. 17. a.
Tangu. Hist. Sin. 314. f. 315. m. 316. ppr.

2. *Recentiorem Tartariam*, occidentalem voc.

E. *Asiatica* & *Europæa* Tartariæ distinctionem *Cluverus* tradit V 3. & al.
Estque iterum illa *Orientalis*, hæc *Occidentalis*

F. Tataria Deserta, ipsissima DESTA est.

RELIGIO.

Olim Pagani,
post Mohamedani. vid *Michov*.
Multi & Christiani. Juc has. 150. a vid. *Sagomombar* in Comm. Prosop.

ORIGO.

TARTARI. Haytho. c. 2.

Gens populosissima. De quâ rectè *Herbersteinius : Qui Tartaros describere velit multas nationes describat, necesse est.* p. 87. v. Ortel. Tab. 105. pr.

Itaque si *Linguam*, si *religionem*, si *Politiam*, si *bella* Tartarorum nôsse desideres, de quibus quæras, ante omnia observes.

Hîc verò *primam Tartarorum originem scrutabimur.*

a. *Tartarorum* itaque NOMEN *Europæis* serò innotuit: Circa annum sc. Domini cIↃ CCXXVIII. demum. Thuan. LXVII.

Sed in *Asia* perdiu notissimum erat anteà.

Reperias enim illud in Historiis antiquissimorum temporum

Tartarorum ergò meminit

1. *Mircbondus* in gestis Seculi quarti. Tradit enim Tartarorum Imperium jam tum sub Baharam Cur Persis grave fuisse. *Horn.* O. I. 287. Arc. 246. 275. Meminit

2. *Elmakinus*, Historiæ Saracenicæ Conditor ad annum Hegiræ 309. Christi 921. Et ita quidem, ut ibi de Tatarorum fugâ pridem factâ sermo sit. Edit. Latin. p. 247.

Meminit

3. Auctor Libr. II. *Maccabaeorum* cap. IV. 47. Qui secundum Matt. Martin. Fl. Josephus est. Meminit

4. *Sadus* in Rosario. p. 262.

Sed antiquissima, nisi fallor, Tatarorum mentio in Annalibus Sinensium servata est.

Prima enim Tatarorum irruptio in Sinas Xuni tempore facta fuisse scribitur, hoc est, anno circiter 2220. ante nativitatem Christi. v. Martin. Hist. Sinens. p. 32. Conf. p. 267. 313. 315. 316. 321.

E recentioribus Asiæ Scriptoribus eorundem Tatarorum meminerunt.

Abulfeda in Maurenaharâ p. 58.

Malatiensis. p. 284. 291.

b. Sunt qui *Tataros* à Judæis sive *Ismaëlitis* ortos velint. Hoc est à *decem* illis Tribubus, quas Salmanasser captivas duxerat.

1. Auctores hujus sententiæ

Postell. Syriæ. c. 1.

Boterus. Relat. I. 2. & III. 2.

Genebrardus. Chronol.

2. Argumenta ferè hæc sunt.

a. quod *Tartarorum* vocabulum *Residuos* significet.

b. quod Tartari *circumcisionem* observent.

c. quod libro IV. Esræ. c. XIII. vs. 41. s. hoc insinuet.

3 His respondet *Brerewodus* scrutin. Relig. c. 13. ap. *Purch.* T. 120. vid. Schick Tarich.

Descr. Tart. p. m. 228.

Bernier. Mogol.

Hoffmann. ep. 10.

c. Por-

c. Porrò ineptè Tartarorum nomine veniunt *Cingari*. Est enim hæc gens promiſcua, non unius nationis, ſed è pluribus.

Index Alphabeticus
POPULORUM,

Qui omnes TATARI cognominantur, aut etiam Tataris annumerantur à *Scriptoribus*.

Aiga Tartari.
Besermini.
Bucharenſes. Olear. 374. Beckhof.
Bulgarenſes. fol. 375. m. leg. Bucharenſes.
Ceremisſii.
Circasſii.
Crimenſes.
Crit.
Cumani.
Dageſtani. Olear. 375.
Diſtenſes. V. Bern. da Parigi in Tartaro.
Han. i. e. Samarcandenſes.
Hunta.
Ijer.
Jupinta.
Kalmucki.
Lagzi. Riv. 153. leg. *Leſgi.* ſunt Dageſtani. Ol. 721.
Lu.
Mogulenſes.
Morduini.
Muonchen.
Nagaji.
Naiman.
Niuchan.
Niulhan.
Paſcatir.
Sumogol.
Tajum.
Tangutenſes.
Tebetenſes.
Uſanguei.
Usbek.
Zapolhenſes.
Zunta.

TEBET.

Est hoc nomen
1. *Hominis.*
2. *Tribus* Tataricæ. *Haitho.* c. 16.
3. *Urbis.* *Naſir.*
4. *Regionis*, cujus *Ven.* II. 36. 37. aliique meminerunt.

Var. Lect.
Europaeæ.

Tebat. *Xavier* ep. V. l. de Chat. pag. 23. pr.
Tebbet. *Gol.* ad Alferg. 164.
Tebbut. id. ib.
Tebeth. *Ven.* ed. B. & P.
Thabut. *Grub.* ad qv. 5. Duc. Hetrur.
Thebet. *Ven.*
Thebete. *Ant.* Govea p. 11.
Thebeth. *Ven.* ed. Ram. M MS.
Tibet. *Andrada.* *Bern.* III. 18, *Gol.* l. c.
Tibret. *Sanſon.* Tab. Tart.
Tobbat. *Sionit.* in Nub. III. 9. IV. 10. *Mal.* 306.
Tobbot. *Grav.* Naſir. 32.

Tobrot. *Sanson* Tab. Tart.
Tubet. *Boch.* An. Scr. I. 942.
Τύπαλα, Sim. *Setbi.* Conf. *Boch.* l. c.
V. *Ursin.* Quinqv. 163. b.
Τύπαλα. id.
Pata. *Ruell.* c. ib.

Arab.

تبت *Tebbet.*
تبت *Tobot.*
تبت *Tobit.*
تبت *Tobt.*

Sinica.

Tavon. H. S. 311. 318.

Situs.

Sita est *Tebeta*, ad Occidentem Sinarum boreali- um. *Jacut* imò ipsa *Chataja* est, sec. qq. Qui tamen crassus error est.

Estq; *Gemina Tibeta. Ven. Bern. Major* sc. & *Minor.*
Majoris Urbes: Escerdu, &c.
Urbes minores: Scheker, &c.

Memorabilia.

Degit hîc *cervus Moschifer.* Qui præstantissimum omnium fundit Moschum. *Avicenna* Canon. II. p. m. 188 *Nubiens.*

Reliqua vid in *Comm.* ad *Ven.*

TIĖN-ÇŬ.

Tiėn-çŭ (a.) Verbotenus *Cœli filium* significat. Ac porrò *Dei filium*. Dapp. II. 28. a. Et *Solis* filium. *Albacent.* p. 25. 27. 91. in *Tamerlane* suo. *Pint.* p. 80. 83. 189. 193. 381.

Var. Lect.

Tiėn-çŭ.
Tiencu. Mart. Atl. 9. a.
Thiensu Mart. H. S. 11.
Alex. de Rhod. Hist. II. 27.
Thiencu. Trig. p. 49. & ap. Horn. O. A. 281. v. Arc.
Turc. *Taisan.* Niceph. XVIII. 30. sec. *Horn.* Orig. Am. p. 182.
Pers. تنكو *Tenku.* Kasim Kaxan in Gloss. ap. Gol. add. 10. b.
تبكو *Nigu.* Abdall. Beidav. p. 1. & 22.

(b.) *Usum* vocis si spectes,
(1.) Primò quidem *primum* sic vocant *hominem.*
(2. Aut certè *Primum Sinam*.
(3.) Et primum *Sinarum Regem.*
(4.) Sed & *Lares* suos *Thiensu* vocare *Tung-kingas*, Rhodes tradit, l. c. Qui addit significare hoc *Veteres Magistros. Posterius* falsum, Prius de *Majoribus* viventium intelligo.
(5.) Porrò, *Martinio* autore, *Fobi* primus est, qui *Thiensu* à Sinis appelletur. H. S. p. 11.
(6.) *Communiter* quosvis *Reges*, benè *meritos* maximè, *hoc* nomine ornant.

Mon

Hinc est, quod scribant *Tatarorum* Chanos, ab ipsis *DEI filios* vocari. Simon de S. *Quintino. Belluac.* XXXII. 34. 46. 52. *Bonfin.* Dec. II Libr. VIII. p. 288.

(1.) *Tatarorum* enim nomine etiam *Sinenses* venire, infra dicam.

Hinc *Sinensia Tartaris* tribuuntur à *Bonfinio*. Porrò

(2.) *Cœli* nomen pro DEO venit, ubi *nullum DEI nomen* aliud extat. Hinc

Edictum Regum Sinensium *DEI mandatum*, & *Diplomata DEI litera* dicuntur.

V. *Chataj.* p. 1. b. 56. b. 114. b.
Intorc. 345.
Malat. 361.
Ill. 105. m.
Rav. II. 1281. a.

Sic Rhamestes, Ægypti Rex, *Solis filius* dictus est in Obelisco *Senneserteo* interprete *Hermapione* ep. *Amm. Marcell.* n. *Kirb.* Oedip. III. 251.

* Aliud est *Tien-chû*, *DEI* nomen non antiquum.

TIMUR.

Plures hujus Nominis legas in Hist. Tatarorum.

Primus esto famosissimus ille *Tamerlanes*. Is enim

Timur Arabibus dicitur. Et adjecto scommate *Timur lengan*, pro *Timur-chan*. Hoc est, *Timur claudus*. Hinc *Tamerlanes*.

Utrumque nomen *variè legitur*. Nempe tàm *compositum*, *Tamerlanis*, quàm *simplex*, *Timur*, quod plurium fuit.

1. TIMUR.

Var. Lect.

تيمور *Ambsj.* p. 4.

تمور *Ambsj.* ib.

Syn.

Tie-mo-ul MS.

Græc.

(Θάμυρις. V. *Voss.* ad *Justin.* pag. 2.)

Τιμήρης. *Laonic.* III.

Europ.

Temur. *Ven.* II. 8. 9. 39. Leoncl. Gen. XX.

Tamor. *Haitho.* cap. 47.

2. TAMERLANES.

Var. Lect.

Demerlanes *Busbequ.*

Tâmerlin. *Schildb.*

Tamberlone. I.B. *Egnat.* Comm. Prar. I. p. m. 1326.

Tamburlanes. *Jov.* 170. g.

Tamorcan.

Tamortan.

Temircutlu. *Demetr.* ap. *Jov.* l. c.

Temirassec. *Ruthenis.*

Temirleng. *Ambsj.* p. 31. 175. & cap. 64. sæpius. *Juchasin.* p. 327. 329.

Temurthan. *Leoncl.* Gen. XX.

Compendium Historiæ ejus. vid. in *Comm. Prosop.*

Tu-

Tuman. V. pag. 26. a.
Turan. V. *Iran.*

TURCÆ.
TURCISTANI.
TURCOMANI.

Omnes ejusdem *Originis.*
Sed *Turcas*, *Osmanidas* voco.
Turqueſtanos, *antiquarum* ſedium incolas.
Turcomanos, *Armenia* partem.

TURCISTAN.

Prima Turcarum Origo. De his *Abdalla* p. 50. ſ.

Var. Lect.

تركستان *Abulfed.* 38. *Ulugb.* Epoch. p. 45.
بلد الترك *Abulfed.* 30. ſ. 31. m. ſ. 36.
Turc-iſtan. Seam. Gr. Turc.
Turqueſtan. *Haytb.* c. 2, 3. 4. 7. 15. 20. 47.
Turqueſtania
Terqueſte. *Sabell.* Enn. X. VI. 954.
Turkeſtana. *Horn.* A. N. 235.

Etymol.

Vox *Turcica*: Et ſignificat *Turcarum terram.* Nomina ſcilicet Terrarum quampluriumin 'STAN deſinunt, ut
Indo-ſtan.
Mogoli-ſtan.
Sable-ſtan.
Chuſe-ſtan.

Synon.

Dicitur etiam *Turcia magna.* Ven. l. 43.

Situs.

Eſtque Tranſoxianæ pars, ſita ſupra *Chorasſmiam.* Ubi ad Orientem latè protenditur.

Confinia ejus: Oriental. *Tarſe.*
Occidental. *Perſarũ* regnum.
Borealia, *Chorasſmia.*
Merid. *Deſertum India.* Ita ſc. *Haytb.* c. 3.

Civitates ejus hæ ſunt:
Balaſagun. *Abulf.* 36.
Carcham. *Ven.*
Caſgar. *Abulf.* 38. *Ven.*
Ciartiam. *Ven.*
Cotam. *Ven. Abulf.* 38.
Esfyab. *Abulf.* 32.
Farab. *Abulf.*
Gend. *Abulf.* 28.
Karakum. *Abulf.* 38.
Neapolis *Abulf.*
Ocerra. *Haytho.* c. 3.
Peim. *Ven.*

Ceterum *Haitho* tradit, civitates Turqueſtaniæ paucas eſſe, quæ alicujus momenti ſint; terram ferè planam & paſcuoſam. Vid. *Indicem Haython.*

TURCÆ.

Populus è *Turciſtania.*

Var. Lect.

Turcæ. *Plin.* VI. 7. Mela. I. 21.

Tur-

Turchæ *Haytho*. c. 3.
Turchi. *Id*. c. 13.
Turquiniani. *Id*. c. 15. 51. f. 56. 60.
Jurcæ. *Plin*. Pincian. VI. 7.
Ἰυρκαι. *Herod*. IV.
Iyrcæ. *Plin*. Pinc. ib.
ترکان *Ulugb*. Epoch. p. 49.
اتراك *Amb*.
اهل الترك *iidem*.

Etymol.

Turcæ a. dicti sunt

a. à *Turco*, Japheti filio, sec. *Mirchondum* apud Horn. Arc. N. 244.

b. à *Teucris*, sec. J. E. *Gerhardum* disp. de Moscov. F. 1.

c. à *Thracibus*, sec. *Ravium* Orthogr. p. Quia sc. Turcæ pluraliter Atrâc in Arab. L. dicuntur.

d. à vitâ *pastoritiâ*. Vid. *Olear*. Pers. p. 672. pr.

Antiquitas Nominis.

Zentili, Turcarum Regis, meminit *Elmakinus* ad ann. Heg. 82. p. 77. v. Horn. Arc. 250.

Ketura Abrahami *Turcissa* fuit sec. *Malat*. p. 14. f. 17. I.

Tribus.

Turcæ verò in varias *tribus* jam olim distincti erant.

Eas *Kabilas* vocant.

Diciturque *Ogouzius* hos populos in *Nationes* divisisse, & *Nationibus* nomina dedisse.

Talia sunt:

Chalazi. Q. d. effeminati.

Igour. Q. d. Auxiliatores. Auxilia enim Ogouzo tulerant.

Karlic. Q. d. nive contecti.

Kaukeli. Q. d. Plaustrarii. Imò *Hamaxobii*. *Kaukal* n. *Currus* est. Hi v. *primi* fortè fuerunt.

Kipgak. Ab *arbore intus cavâ* sic dicti. In quâ sc. Ogouz. *Kipgaki* filius, Chani adoptivus, natus esse dicitur. Arbor autem ejusmodi *Kipgak* Mogolicè dicitur.

Ita quidem *Mirchondus*. De singulis v. quid habendum sit, videbitur in *Comm. Alph*. II. volente DEO.

Alias *Turcarum* tribus memorat *Ambsjades*. Suntque

ارلات *Arlat*.
جلابر *Gjelaber*.
قاوجين *Kaugim*.
برلاس *Berlas*.
قومكومات *Kumcumat*.
لسراج *Lesragj*. *Tim*. 8. 106.

TURCOMANIA.

Var. Lect.

Turcomania.
Turquimania.

Turquia. *Hayth.* 9. 23.
Turchia. *Ven.* l. 12.

Etym.

Vox *Arabica.*
Scribitur تركمان
Significat *Turciam.*
Pars *Armeniæ majoris*, sec. *Cluv.* l. c.

Synonym.

Turcia magna. *Schildb.* c. 26.

Civitates ejus:

Iconium. *Ven.* l. c.
Cæsarea. *Ven.* l. c.
Sebaste. *Ven.* l. c. *Schildb.* c. 6. 26.

Vid. omninò *Haythonum* cap. 13. Ut & *Schildb.* c. 26.

Hoc autore *Turciæ magnæ regiones & urbes* tunc temporis præter *Prusiam* erant.

1. *Asia.* U. ubi Johannes Evang. sepultus. *(Ephesus.)*
2. *Ismara*, ubi S. Nicolaus Episcopus fuit. (Ergò *Myra Lyciæ.*)
3. *Maganasa.* U. & R.
4. *Dagustu* U. terræ *Saracben.*
5. *Adalia.* U. terræ *Saraman.*
6. *Rochey.* U.
7. *Auguri.* U. terræ *Sigmey.*
8. *Wegareysuri.* U. & Reg.
9. *Caranda.* U. terræ Charamam.
10. *Gomia.* Ubi *Schoms*, è sanctis quidam, sepultus est.
11. *Gassaria.* U. & R. Hîc Basilius Episcopus fuit. *(Cæsarea.)*
12. *Sebaste.* U. & olim R.
13. *Sampson.* U. ad mare nigrum terræ Ziem k. *(Simosô.)*

His vicinæ erant

14. *Jepim*, terra ad mare nigrum.
15. *Tarbesande*, Regnum ad mare nigrum, prope urbem, quam Græci *Kuresa* vocant. *(Trapezus.)*

TUS.

p. 3.

Urbs Chorasanæ. vid. *Gol.* ad *Alferus.* p. 185.
Hodiè *Meschet* dicta. *Olear.* p. 547. f.

UNGLUK.

Regio Indica. p. 29. 30.

Var. Lect.

Ungluk. p. 29.
Angluk. p. 30.
Fortè *Attok* legendum est.

URBES

Sinicæ.

ab *Hoangtio* conditæ. pag. 17.
à *Xuno* excitatæ. p. 24.

Postilla

Numerus urbium Sinicarum.

magnoperè crevit. Erantque urbes

1. *Chataja*, Altunchanorum tempore, *quadringentæ.* Mal. 351. pr.
2. *Universi* imperii, sub *Taimingis*, *Ter mille* 800. Autor l. Armen. Geograph.
3. Solius Provinciæ *Quinsai*, *Tamerlanis* ætate, trecentæ. *Bec.* 229. v. ib. p. 94. Imò jam ante mille & ducentæ. *Ven.* II. 64.
4. Aliàs numerantur.

4. Ali-

a. *Metropoles, Fu*, dictæ 158.
b. *Urbes, Cheu* καὶ ἰξο-
χὴν dictæ, 247.
c. *Civitates, Hien* dict. 1152. *Trig.* l. 2.
Estque *Summa* 1257. p. 8.
Plures tamen invenias in *Nomenclatore Geographicô*.
Numeratque Mendoza, l. 8.
Civitates, *Fu* dictas, 590.
oppida, *Chieu* appellatas, 1674.
Summa 2264.

XACA.

Sectæ Sinicæ autor. *Brachmanica* videlicet. V. *Xe-kiao*.
Patriã, ejus è tit. *Bukja* cognosce.
Parentem, è tit. *Ting-fan*.
Matrem, è tit. *Mada*.
Effigiem Idoli ejus v. ap. *Neuhof. Dapper. Montan.*
Integrum *nomen* ejus *Xecmuniberchan* erat.

Var. Lect.

Xecmuniberchan. *Abd.* p. 34.
Sagomombar.
Sogomombar Can. M. P. *Ven.* Ram. II. 2. *Megis.* II. 7.
Sagomorbar. *Genebrardus*.
Ex illô per *compendium*, solo manente *Capite*, *Xaca* dictus est.

Var. Lect.

SIN.

Xaca. passim.
Xekia.
Xeque.
Xekian. Kirch.
Sciequa. Spizel.
Xeebia. Rhod.
Cecbian. Kirch.
Secbia. Trig.
Sicbian. Mendoz.

FORMOS.

Sik-jia. Wricht.
Sik-jaa. id.
Jaca. Kirch.

TUNGKING.

Thicea. Rhod.
Chiaga. Kirch.

JAPON.

Xaca. Kirch.
Sciacca.
Jaca.

Synon.

Præterea idem ille
Rama ab *Indis* dicitur.
Amida, à *Iapon*.
Omito, à *Sinis*.
Buddas, à *Græcis*. Hoc v.
Habetur etiam
pro *Hermete* Ægyptio,
pro *Mercurio* Græcorum,
proque *Pythagorâ*.
Quod non de *persona* numerô, sed *doctrinæ* genere intelligi malim.
Uti nec Xaca *Brachman* fuit, sed *Brachmanum* caput. v. *Kirch*. Chin. ill. 152. f.

XANG-TI.

Nomen DEI Sinicum.
vid. tit. Deus. Et Lex. Mandariu.

Var. Lect.

Xang-ti. H. S. 2. Atl. 9. 2.
Xam-ti. H. S. 23. 35. 193.

Xan-ti. H. S. 328.
Natigai. M. P. Ven. I. 58, III. 47.
Mendoz. I. 1.

Etymol.

Significat *DEUM terræ*, autore *Ven.* Aut *supremum* potius *terræ*, Dominum puta, siquidem verbum verbo reddendum sit. Vid. omninò *Comm. Gloß. M. P. Ven.*

Antiquitas nominis.

Sub hoc unô nomine unum solum numen, DEUM, à *Confutii* tempore colebat *Literatorum secta*. Imò ante *Xacam* & ante *Hiao Imp.* qui a. Christum. 140. regnare cœpit, omnes Sinæ. H. S. 328. In Confutii tamen libris nondum hoc nomen invenio.

Desuetudo Christiana.

Maluerunt etiam Christiani aliô quàm istô nomine DEUM appellare. Fortassis, ne viderentur tàm eundem *modum colendi* quam eundem DEUM tradere. Veluti DEUS ipse olim *Baal* vocari amabat, posteà non item. Lev. XXI. 43. (2. Sam. V. 20. Es. LIV. 5.) Hos. II. 16. Idq; non *Europæi* tantum in Sinis Christiani observant, *Tien-chu* DEUM vocantes: Sed & *Asiatici* jam olim. Qui enim *Monumentum* illud pararunt, quod P. Athan. Kircherus primus edidit, quibus autoribus nescius, DEUM *O-lô-ŏ-yù* Syrâ voce appellare quàm *Xáng-ti* maluerunt. Sic *templa* sua Jesuitæ non *tâm* vocant, uti sua Sinæ. Teste quidẽ *Intorcetta* p. 113. 150. V. *Trig.* p. 136. *Rhod.* 212. ppr. Cui tamen contradicit *Oratio Sinica* Soc. JESU, ubi sic habetur. *Domine, ingredimur per magnam misericordiam tuam oratum in humilitate yù lh xíng tâng, in Sancto tuo templo.* Sic *Sacrificuli* vocari nolebant *Jesuitæ*, sed *Literati*. *Trig.* 314.

UE-KIAO.

Secta Sin. quæ *Xacam* sequitur.

Etym.

Non ab *autore* quidem sic dicta.
Neque à *crucis figura*. (vid. not. ad Ep. *Marden.* p. 34.)
Sed à *doctrina* genere.

Synon.

Illa ipsa secta
Tungkingensibus
dao but dicitur. *Rhod.*
Dau-thu. *id.*

Sinis.

a. Xekia.
Xekiao.
b. Omitofe.
c. Fœkiao.
Fekia.
Fokexus. *Kirch.*

Japonibus

a. Sotoqui Lex. *Trig.*
Fotoque. *Possev.*
Foquexus. *Kirch.*
b. Amidabe. *Trig.*

Do-

Dogmata.

Sectæ hujus præcipua sunt, quæ *Trigautius* p. 121. exponit. His quidem verbis:

„ Auctores hujus dogmatis videri „possunt nostratium Philosopho„rum nonnulla dogmata consecu„ti. Nam quatuor asserunt elementa; „Sinæ autem satis ineptè quinque „adstruunt: ignem, aquam, terram, „metalla, & lignum. Ex quibus hunc „elementarem orbem, homines, bru„ta, plantas, & cætera mixta constare „opinantur. Multiplices cum De„mocrito & aliis mundos fabricant. „Sed maximè animorũ transmigra„tionem è Pythagoræ disciplinâ vi„dentur mutuati. Aliaque permulta „commenta huic addidere, ad fu„cum falsitatis.

„ Hæc autem non solum à Philo„sophis nostris, sed etiam ex Evan„gelicâ luce videntur umbram quan„dam accepisse. Certum enim [1] Tria„dis modum inducit, quo tres DEOS, „in unum deinde Numen coalesce„re fabulatur. Probis in cælo præ„mia, improbis apud inferos crucia„tus parat, pœnas de se ipso repeten„tis virtutem celebrat. [2] Cælibatum „ita extollit, ut nuptias repudiare „videatur. Domo ac familiaribus va„le faciunt, & in varia loca stipem „emendicantes peregrinantur. Ma„gnam hujus Sectæ profani ritus „cum Ecclesiasticis nostris affinitatem habent. Recitantium cantus, “ à nostro, quem Gregorianum vo“camus, nihil dicas discrepare. In“ suis etiam fanis imagines exponunt.“ Eorum sacrificuli vestes induunt“ nostris omninò simillimas, quas“ Ecclesiastico vocabulo pluvialia“ vocamus. Inter recitandum sæpe“ nomen quoddam repetunt, quod“ etiam ipsi fatentur ignorare. Illud“ *Tolome* sonat. Videntur fortasse“ sectam suam Apostoli auctoritate“ voluisse cohonestare. “

Hæc ille.

Notæ ad hanc Historiam:

1. *Triadis*. V. *Trig.* p. 126.

2. *Cælibatum*. De consensione *Romanensis* Ecclesiæ & *infidelium* quorundam aliorum, &

Sinensium quidem, vid. Mendoz. II. 7.

Tatarorum, *Gruber*. ep. I.

Sequitur quâ *viâ* & ratione in SINAS irrepserit hoc Sectæ genus.

Abdalla ipsius *Xaca* tempore SINIS hanc sectam innotuisse tradit. p. 28.

Sed intravit demum, c. a. CHRISTI LXVI. ut *suprà* memini in *Confutio*. *Evangelium* in Indiâ superiore spargente *Bartholomæo* Apostolo. Uti quidem *Trig.* conjicit. Imperitabat tunc temporis in Sinis *Ming*, Hanarum rex 17. Rem totam alienis exponam verbis. His quidem

„*Vixerunt absq; idolis* ullis, usque ad Christi Domini tempora Cinæ omnes, atque adeo Tunchinenses, qui unico tunc Regi suberant. Sed innumeris tamen turpissimorum errorum laqueis implicati. Quorum, sicut & gentium ceterarum omnium, miseratus benignissimus Dominus, eodem ipso tempore, quô vera lux Christus terris illuxit, sicut ab oriente 1. tres Magos novæ ad se stellæ adspectu advocavit, & in Occidente Cæsari Augusto sole toto amictus apparuit in sinu Virginis Matris. Sic etiam Cinarum Regi *hanmintbi* visus est humanâ major specie vir (ut ferunt Annales illorum temporum Cinis ipsis conscripti) & præcipit, ut è 2. magni Occidentis partibus legem exquireret, ubi recens orta esset è cælo lux in totius orbis salutem. Eo spectaculo Rex territus magnates illico convocat, exponit *nocturna visa* deque ipsorum consilio, solemnem ad Occidentis plagas legationem decernit, legatoque mandat, ut in longinquas has terras impigrè properet, atque ibi veræ illius ac *novæ legis præcepta* sedulo exquirat, ac postmodum in patriam exportet.

Paruit Regi legatus, magnoque comitatu terrestre iter occidentem versus instituit (nondũ enim 3. navigandi artem callebant) Et principio quidem naviter, & egregiè, sed postea à molestâ longitudine viæ perterritus, & occurrentium difficultatum labore defatigatus concidere cœpit animo & cogitare de reditu ad suos. Cùm enim post octo circiter mensium iter in Indias tandem pervenisset, minimamque statim Indis illis causam tantæ peregrinationis, exquirens ab iis, num aliquam ipsi haberent legem, quam Cinarum Regi novarum hujusmodi rerum cupido deferret. Molestum sibi videlicèt esse ac intolerabile, tot adhuc terras, quæ usque ad occidentem ultimum supererant, peragrare. Immensa brevissimo compendio vitari posse pericula si ex Indiis potius peteretur optata illa lex, quam ex ultimi, & ignotissimi orbis oris. Nimirum pudendo improbissimi legati crimine, maxima quædam & saluberrima interversa res est. Nam ecce tibi exilit statim gaudio tota gens Brachmanum & oportunam venditandi nugas suas facultatem nacta, inertem illum legatulum totâ illâ suâ impietate dementare incipit. Aperiuntur illi omnia, videlicet *Thicca*, quem ipsi Buddam, hoc est, sapientem appellant, mysteria. Traditur liber in quo conscriptæ habebantur omnes illæ fabulæ, commendaturque vehementer tanquam pretiosissimum totius sapientiæ myrothecium. “

Thic-

„ Nihil fuit facilius quàm amantem otii non veritatis decipere legatum. Cum enim nihil nisi patriam & domesticos cogitaret, hanc omnem mendaciorum farraginem avidus arripuit. Ac statim remeans ad Cinas, venit ad Regem novæ illius legis sitientissimum, propinatque craterem aureum sed toto illo veneno plenum. Fingit videlicet egregius mentiendi artifex, se multis tandem terris peragratis, atque immensis Oceani tractibus superatis, venisse ab ultimis Occidentis oris; ibique reperisse auream illam, & Deo dignam legem, quam exquirere jussus esset. Credidit subito Rex parum prudens famulo nequissimo, & nullâ inquisitione præmissâ, pestiferum virus hausit, quod offerebatur; ac suis etiam populis omnibus bibendum tradidit. Hinc jam erigere Idolis ubique templa, cultum eorum latè propagare. Secutum est sine mora exemplum Regis imperitum vulgus, & adhæc etiam tempora miserè servavit. Sed literati nihilominus & Doctores Idola omnia, ut dixi, derident, eorumq; templa rarò adeunt. In quibus tamen morituri plurima dona offerunt & ex testamenti etiam tabulis plura legant. Ad vanam scilicet gloriæ captandam aurã, & præsertim propter pompam funeris; quam capidissimè curant. "

Hæc *Alex.* de *Rhodes* Hist. Tunchin. l. p. 49.

Notæ ad Narrationem istam.

1. *Tres Magos.* Sinæ *Pu-su* vocant.
2. *Magni Occidentis.* Ita hodiè *Europam* vocant, præeuntibus Jesuitis.
3. *Navigandi artem nondum callebant.* Falsum hoc.

XUN-TIEN.

Regia Altunchanorum. p. 51.

Var. Lect.

Xún-tien. Ad *Mandarin.* pronunc. propius.

Suntien. Mendoz. l. 8. III. 2.

Suntia. Mend. ap. *Rav.* Cosm. 912.

جونككدو *Gung-tu.* Abd. l. c. Corruptè.

Etymol.

Significat istud nomen *Civitatem cœlestem*, sec. *Mendoz.* l. c. Vel *obsequium cœli* potius.

Synonym:

Est illa ipsa Urbs, quæ *Amb.* &c. *Canbalic* dicitur; *Sinis, Peking.*

COMMENTATIONIS ALPHABETICÆ PRIMÆ

FINIS.

SOLI A ET Ω GLORIA.

Excerpta.

GREGORIUS MALATIENSIS

HISTORIÆ DYNASTIARUM.

p. m. 96.

ALEXANDER Philippi filius. Regnavit sex annos post *Darii* cædem, cum & anteà sex alios regnasset, multasque cepit regiones, adeò ut pertingeret regnum ipsius ad extremam usque Indiam, & *primos Sinæ terminos*, V. *Horn.* Arc. Noæ. p. 434.

Idem p. 153.

YEZDEGIRDES per desertum transiens, in Carmaniam pervenit, perque Sejestani viam *in Sinas* tendebat. Confer. *Eutych.* Alex. Tom. II. 296. *Idem* p. 334.

Anno 408. (HEGIRÆ; *Christi* 1017.) egressi sunt *Turcæ è Sinâ* cum magna hominum multitudine, adeò ut plura illis essent, quàm 300000. tentoria - - - Jamque *Balasaguno* (urbe) octo dierum itinere aberant. Sed audito quantæ Togano copiæ essent, in patriam reversi sunt. Ille v. tribus circiter mensibus eos insecutus est - - - adorsusque ultra 200. millia hominum occidit, jumentorum & vasum ex auro, argento & *opere Sinensi* copiam nemini ante visam cepit. *Idem* p. 537.

Mungaca fratre suo *Kublaio* secum assumpto, *Sinæ regiones* Ingressus est. Primò à conflictu accidit, ut sagittâ ictus moreretur. Kubla itaq; *Chalaorum finibus* egressus est. Et *Chanbalicam* veniens, ibi substitit. *Idem* de *Sinarum ingenio*, p. 3.

Origines gentium antiquitus septem fuerunt: *Persæ*, *Chaldæi*, *Græci*, *Ægyptii*, *Turcæ*, *Indi*, *Sinenses*. Erant a. *duarum Classium.* Altera *Scientiis* operam dedit, ut *Chaldæi*, *Persæ*, &c. Alteri nihil ejusmodi curæ fuit, ut *Sinensibus*, *Turcis*, *Æthiopibus*, &c. Quod ad *Sinenses*, hi gentes alias numeri frequentiâ, imperii magnitudine, & regionum amplitudine superant. Cingunt territoria ipsorum, quà longissimè ad orientem protenditur terra habitabilis, quicquid est inter lineam æquinoctialem ad ultimum septem climatum septentrionem versus. Ea scientiæ portio, qua cetera; superant, est *artium Mechanicarum* peritia & *in pingendi arte* præstantia,

pag. 247.

Utpote qui studium suum adhibuerint ad Virtutes animæ rationalis acquirendas, abstinentes ab eô, cui præcipuè inhiant *Sinenses* & *Turcæ* - - - ut peritia artium Mechanicarum excellant, &c.



IMPERII SINENSIS
NOMENCLATOR
GEOGRAPHICUS,

Prior, ALPHABETICUS,

ad

Ætatem

TAI-MINGARUM.

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	A.		
	An-hing. *Est* Chi-cheu.		
	An-ſan. *Est* Hiam-xan.		
	Ay-mui. *n. Inſ.*		
	C.		
	Ca-ning. *n. F.*		
	Cai. *n. M.*		
1.	Cai. VI. 6. 7.	-8. 47.	31. 40.
2.	cheu. (1.) L. 2. 7.	5. 24.	38. 7.
	(2.) *Est* Ju-ning.		
	cho. *n. M.*		
	ci. *n. F.*		
3.	fung. V, 1. 11.	-2. 54.	35. 50.
4.	hoa. X. 6. 5.	0. 56.	29. 0.
5.	kien. XII, 6. 11	-5. 36.	24. 8.
6.	li XIV. e, 22.	-12. 46.	27. 6.
	nan. *Est* King-tang.		
7.	ping. I. d. 6.	-0. 47.	41. 5.
	yang. *n. M.*		
8.	yven. L. a. 3.	6. 15.	39. 46.
	yven. *n. R.*		
	Can. *n. Fl.*		
9.	Can-cheu. VIII. 12. 1.	-2. 25.	26. 10.
	civen. *n. M.*		
10.	civen. III. 8. 3.	-8. 16.	37. 20.
11.	gen. XII. 10. 13.	-8. 39.	19. 2.
	gi-gu. *n. R.*		
	keng. *n. F.*		
	king. *Leg.* Gan-king.		
	mo. *n. M.*		
	ton. *n. Il.* quang-cheu.		
12.	yai. XV, e. 16.	-18. 38.	24. 31.
13.	ye. II, 2. 19.	-6. 40.	36. 22.
14.	Cang. 13. 15.	0. 16.	38. 29.

Num.	NOMENCL. GEOGRAPH.	Long.	Lat.
	lang. *n. Fl.*		
	n. Lac.		
15.	Cao. V, 6. 10.	-4. 46.	35. 26.
16.	VI, 4. 9.	-13. 5.	28. 33.
	cai. *n. M.*		
17.	cheu. XII, 7. 1.	-5. 40.	22. 33.
	ki. *n. Stagn.*		
	lan. *n. M.*		
	leang: *n. M.*		
	li. *n. M.*		
18.	ling. III, 1. 6.	-8. 4.	36. 6.
19.	mie. IV, 6. 6.	2. 28.	36. 27.
	mien.		
20.	ming. (1.) XV, 1. 4.	-4. 46.	25. 10.
21.	(2.) XII, 6. 6.	-5. 30.	23. 8.
22.	ping. II. c. 2.	-4. 17.	36. 48.
	tang. *n. M.*		
23.	xan. II, d. 7.	-4. 0.	40. 10
24.	xún. IX, 1. 5.	1. 30.	32. 3.
25.	yang. I, 2. 17.	-1. 15.	39. 3.
26.	ye. I. 4. 24.	-2. 24.	38. 11.
27.	yeu. IX, 7. 4.	2. 33.	38. 11.
28.	yuen. IV, 4. 4.	1. 30.	37. 22.
29.	Ceng-ching. XII, 1. 4.	-3. 15.	23. 13.
30.	ki. XIII, 5. 4.	-7. 0.	23. 34.
31.	Ceu IV. 2. 4.	0. 16.	36. 30.
32.	ping. IV, 1. 3.	0. 54.	36. 50.
	Ci. *n. Font.*		
	n. Reg.		
	n. R.		
33.	Ci-ho. IV, 1. 6.	0. 30.	37. 20.
34.	nan. IV, 1. 1.	0. 30.	37. 0.
35.	ning. IV, 2. 14.	0. 0.	36. 5.
	ſeng. *n. Lac.*		
36.	tung. IV, 1. 7.	0. 58.	37. 15.
37.	yang. IV, 1. 8.	0. 45.	37. 20.

Ci-yn.

n.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Ci-yn.	*n. n.* Fung-chan.		
8.	yven.	V.5.2.	5. 8.	36.10.
9.	Ciang-lo.	XI,5.2.	0. 6.	26.39.
	Ciao.	*n. Riv.*		
	yven.	*n. M.*		
0.	Cie.	II,2.31.	6.44.	37.45.
	cung.	*n. Font.*		
	ki.	*n. Font.*		
1.	ki.	IX,14.6.	1. 19.	30.16.
2.	me.	IV,6.7.	3. 13.	36.24.
	puen.	*n. F.*		
	ling.	*n. F.*		
	tai.	*n. F.*		
3.	xan.	II,2.25.	-6. 29.	36.49.
	xe.	*n. M.*		
	Cien.	*n. F.*		
	fo.	*n. F.*		
4.	gan.	I.8.2.	1. 20.	40. 3.
5.	guei.	VI,11.1.	-15.33.	28.42.
6.	hien.	VIII,1.3.	-1. 6.	29. 5.
	kiang.	*n. F.*		
7.	- - -	VII,14.3.	-5. 14.	31. 10.
8.	- - -	XIII,2.11.	-8. 45.	24.25.
	king.	*n. F.*		
	li.	*n. Lac.*		
	tang.	*n. F.*		
9.	tun.	I.c.2.	4. 15.	40.10
0.	xan.	IX,10.3.	-1. 4.	31.44.
	Cieu.	*n. F.*		
	Cin.	*n. F.*		
		n. M.		
		n. Reg.		
51.	- - -	III,5.10.	-10.44	36.20.
52.	cheu.	IV,4.1.	1. 30.	36.36.
53.	cheu.	XIII,6.1.	-8. 0.	23. 55.
	- - -	*n. U.* Ping-yang.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	chu.	*n. Lac.*		
54.	ci.	VI,K.23.	-15.29.	28.30.
	hi.	*n. M.*		
55.	gan.	III,5.11.	-10.46	36.32.
	kiang.	*n. U.* Cin-cheu.		
	ning.	*n. U.* Pin-yang.		
	nin-sin.			
56.	tien.	XV,e.1.	-13. 52.	26. 4.
57.	yun.	X,7.9.	3. 7.	28.25.
58.	yung.	XIV,4.3.	-9.40.	27.30.
	Cing.	*n. F.*		
59.	- - -	I,3.7.	0. 0.	38.42.
	çao.	*n. Lac.*		
	çao.	*n. Stagni.*		
60.	chieu.	VII,a.1.	-7. 14.	28. 0.
61.	ching.	IV,1.15.	1. 12.	37.30.
62.	fung.	I,7.5.	-2. 15.	36.26.
63.	gan.	VIII,1.5.	-2. 16.	29.21.
64.	hai.	I,3.9.	0. 12.	38. 55.
65.		XII,b.4.	-1. 14.	23. 25.
66.		IV,a.2.	5.10.	36.20.
	hiu.	*n. Caverna.*		
	hiuen.	*n. U.*		
67.	ho.	IX,8.2.	2.0.	34.30.
68.	kiang.	IX,5.5.	3. 0.	32.54.
69.	kien.	III,8.9.	-7. 52.	37.52.
70.	king.	I,4.2.	-3. 10.	38.28.
71.	ko.	I,6.9.	-1. 20.	37.36.
72.	lieu.	XI,6.5.	-0. 29.	26.09.
73.	lo.	II,1.12.	-5. 45.	39. 0.
74.	lu.	III,b 8.	-11.13.	38. 8.
	mien.	*n. M.*		
75.	ning.	III,4.10.	-10.30.	37. 11.
76.	ping.	XIV, 8.4.	-10. 0.	26. 53.
77.		VI, 1.8.	-12.20.	31. 0.
78.		IV,3.7.	-0.40.	37.10.

A2

Cing-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
79.	Cing-ping.	XIV, e. 16.	-10. 5.	27. 3.
	po. *n. F.*			
80.	pu.	IX, 4. 3.	4. 10.	31. 18.
81.	te.	IX, 12. 5.	0. 58.	30. 49.
82.	tien.	X, 7. 2.	3. 16.	27. 46.
	xe. *n. M.*			
83.	xin.	VI, b. 4.	-12. 40.	29. 45.
84.	xui.	III, 5. 12.	-10. 11.	36. 20.
	xui. *n. F.*			
85.	yang.	IX, 13. 2.	0. 40.	31. 30.
	yuen. *n. Lac.*			
86.	yuen.	II, 1. 7.	-4. 56.	38. 6.
87.		II, d. 10.	-5. 38.	40. 16.
88.		XII, 1. 7.	-4. 8.	23. 48.
	Cio. *n. M.*			
	n. M.			
	chen. *n. U.* Cio-king.			
89.	ki.	X, a. 6.	5. 30.	28. 42.
90.	king.	XV, c. 1.	-16. 40	26. 28.
	xan. *n. Lac.*			
91.	Cin.	V, 2. 7.	-2. 7.	35. 34.
	n. Amn.			
92.	ning.	IX, 8. 10.	0. 48.	34. 50.
	yang. *n. U.* Quei-te.			
93.	Civen.	XIII, 1. 8.	-6. 51.	26. 8.
	n. M.			
94.	cheu.	XI, 2. 1.	2. 9.	25. 0.
95.	ciao.	IX, c. 2.	1. 11.	33. 15.
96.	lo.	C. 8.	7. 25.	36. 0.
97.	ming.	XIII, 8. 7.	-11. 56.	23. 23.
98.	xan.	IV, a. 7.	-3. 8.	35. 54.
99.	Ciun-ling.	XII, b. 9.	-8. 10.	19. 30.
	Co. *n. Fl.*			
	n. M.			
	n. Reg.			
100.	chang.	XIV, 5. 4.	-9. 55.	27. 42.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Co-chin-chian.			
101.	ching.	VII, 3. 5.	-6. 0.	32. 36.
102.	chu'en.	III, 8. 11.	-8. 0.	37. 13.
103.	fan.	II, 1. 21.	-6. 20.	39. 15.
	hia. *n. M.*			
104.	hoa.	XIII, 11. 5.	-10. 50.	23. 35.
	kiang. *n. F.*			
105.	nan.	III, 1. 22.	-7. 29.	35. 29.
	nao. *n. M.*			
	teng. *n. U.* Siang-yang.			
106.	xan.	VI, 6. 2.	-7. 38.	31. 24.
107.	yung.	XIII, 2. 2.	-8. 32.	25. 25.
	Croceus. *Est* Hoang-ko. *fl.*			
	Cu. *n. F.*			
	n. Ins.			
	n. M.			
108.		XIV, 7. 3.	-9. 2.	27. 0.
109.	gni.	XIV, e. 29.	-13. 13.	26. 53.
110.	lang.	III, b. 5.	-13. 0.	37. 40
	tien. *n. M.*			
111.		XI, 1. 2.	1. 55.	26. 22.
112.	xi.	V, 8. 12.	-1. 20.	33. 24.
	yu. *n. M.*			
113.	Cun-hoa.	I, 1. 24.	0. 52.	39. 56.
114.	Cung.	V, 6. 3.	-4. 30.	35. 50.
115.		VI, 4. 8.	-12. 42.	28. 30.
	cheu. *n. U.* Cung-chang.			
116.	gan.	VII, 6. 2.	-5. 38.	30. 43.
117.	hang.	III, 5. 1.	-11. 34.	36. 51.
118.	hing.	XIII, 4. 2.	-6. 50.	25. 42.
	tung. *n. M.*			
	yang. *n. F.*			
	Cy. *n. Reg.*			
	Cyn. *n. Reg.*			
119.		I, 4. 17.	-2. 0.	38. 30.
	n. Amn.			

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
0.	Cyn-ning.	XV,1.5.	-14.12.	24.52.
	yun. n.M.			
	Çyng. n.R.			
	C.			
	Çai. n.Reg.			
	miao. n.M.			
1.	çan-hoang.	I,4.26.	-3. 0.	38.
2.	yu.	IX,8.7.	2. 51.	35. 30.
	çang. n.Mar.			
3.	ki.	VI,2.2.	-11. 7.	32. 10.
	lang. n.Fl.			
	lo. n.M.			
	nien. n.M.			
4.	çao.	IV,2.11.	-1. 34.	36. 2.
5.		12.	-1. 32.	35.40.
6.		IX,9.5.	-0. 12.	32. 30.
	n.Lac.			
7.	kiang.	I.4.15.	-1. 15.	38. 0.
8.	tang.	IV,3.11.	0. 0.	37. 13.
9.	tie.	XIV,7.7.	-9. 15.	26.44
0.	yang.	VII,3.4.	-5. 14.	32. 12.
1.	çe.	II,c.1.	-4 18.	36. 33.
	ço. n.Amn.			
	n.Fl.			
	n.M.			
2.		XIII,8.6.	-11. 35.	23.48.
3.	ching.	V,4.2.	-3. 26.	36. 21.
4.	guei.	II.d.3.	-4. 35.	40.22.
	kieu. n.M.			
5.	neng.	XV,3.17.	-14.49	23. 15.
	çu. n.R.			
	n.M.			
	n.Reg.			
6.		VI,1.10.	-12. 5.	30.22.
7.		V,3.5.	-3. 25.	37. 18.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	çu-cai. n.F.			
	hia. n.Fani.			
138.	hiung.	XV,4.1.	-15.24.	24.56.
139.	ki.	X,9.2.	4. 52.	29.56.
	kin. n.F.			
	king. n.F.			
140.	li.	VII,7.7.	-6. 17.	30.35.
141.	muen.	X,a.10.	5. 5.	28. 0.
	pe. n.M.			
	tai. n.M.			
142.	tung.	VI,2.9.	-10.40	32. 30.
	vi. n.M.			
143.	yang.	III,3.16.	-8. 0.	34.24
144.		VI,1.17.	-12.24.	30.16.
	yun. n.Amn.			
	çui-hoa. n.F.			
	kin. n.F.			
145.	çung-gan.	XI.4.3.	0.28.	27.41.
146.	gin.	VIII,7.2.	-1. 22.	28.44
147.	hoa.	XII,1.9.	-3. 29.	23.30.
148.	king.	VI,1.18.	-12.58.	30.27.
149.	ming.	IX,3.7.	5. 24.	32.20.
150.	ning.	VI,1.14.	-13. 23.	31. 41.
151.	sin.	III,4.2.	-9. 31.	37. 2.
152.	te.	X,2.5.	3. 39.	30.50.
153.	xen.	XIII,8.17.	-12.36.	23. 36.
154.	y.	VIII,13.4.	-3. 20.	26. 15.
155.	yang.	VII,1.6.	-3. 29.	29.45.
	Ch.			
156.	Cha-ling.	VII,8.11.	-4. 25.	28. 0.
	Chan.			
	cung. n.Font.			
	gan. n.Il.			
157.	kieu.	IV,1.2.	-0.45.	37.10.
158.	que.	X,2.16.	6. 40.	29. 15.

Chan

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
159.	Chan-ye.	XV.a.3.	-13.58.	25.15.
	Chang.	n. Fl.		
		n. M.		
160.		III,5.5.	-11.36.	36.52.
161.	cheu.	IX,5.1.	2.50.	32.45.
		n. U. Su-cheu.		
162.	cing.	IV,1.13.	0.13.	36.56.
163.	co.	V,1.25.	-3.29.	35.19.
	cung.	n. Inf.		
	fung.	n. Stagn.		
164.	gan.	I,d.4.	-1.0.	40.26.
165.	ge.	II,4.2.	-4.38.	37.8.
	gin.			
166.	heu.	XI,3.1.	-1.10.	24.42.
167.	hing.	X,3.2.	2.45.	31.12.
168.	hoa.	X,1.8.	2.0.	30.6.
169.		XII,10.9.	-8.16	19.21.
170.	lo.	IV,47.	1.44	37.3.
171.		XI,1.4.	3.10	25.48.
172.		XII,4.6.	2.25.	23.33.
173.	ly.	I,8.4.	1.47.	39.38.
174.	ming.	VI,1.25.	12.15.	31.31.
175.	ning.	VI,4.6.	-12.3.	28.36.
176.		VII,10.4.	-5.8.	27.20.
177.		VIII,12.11.	-2.10.	25.30
178.		XII,4.9.	-2.29.	23.0.
	mo.	n. M.		
	pa.	n. R.		
	pe.	n. M.		
	ping.	n. M.		
179.		I,1.3.	-0.9.	40.10.
180.		XI,3.6.	0.0.	24.55.
181.	pu.	XI,3.2.	0.53.	74.29
	que.	n. R.		
182.	tai.	XI,3.5.	0.56.	24.54.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
183.	Chang-te.	V,3.1.	-3.26.	37.0.
184.		VII,11.1.	-6.8.	29.38.
185.	xa.	VII,8.1.	-5.6.	28.50.
186.	xan.	X,6.3.	1.10.	28.30.
187.		IV,1.4.	1.4.	37.8.
188.	xeu.	VI,5.3.	-9.46.	30.24.
189.	xo.	IX,3.3.	3.52.	32.13.
190.	yang.	VII,6.8.	-6.50.	31.0.
191.	ye.	IV,6.4.	2.30.	36.56.
192.	uu.	III,1.36.	-8.23.	36.54.
193.	yu.	III,c.1.	-10.47.	33.44.
194.	yven.	I,7.0.	-2.26.	36.6.
	Chao.	n. Reg.		
195.		I,4.21.	-2.30.	38.20.
196.		XV,2.2.	-16.40	25.46
		n. Amn.		
	cheu.	n. U.		
197.		XII,5.1.	-1.0	23.30.
198.	ching.	II,2.5.	-5.45	37.27.
199.		IV,3.18.	-1.26	36.44
200.	gan.	XI,3.8.	0.40.	24.0.
201.	hoa.	VI,2.6.	-11.15	33.10.
202.	king.	VI,1.19.	-9.10.	29.34.
203.		XII,6.1.	-4.45.	23.30.
		n. Font.		
204.	ping.	XIII,4.8.	-6.43.	24.47
	sien.	Est Corea.		
	y.	n. U. Lugan.		
205.	yang.	XII,5.2.	-1.33.	23.20.
206.	ye.	III,1.13.	-7.34.	36.14.
207.	yven.	IV,5.5.	3.32	36.6.
	Che.	n. Amn.		
		n. Fl.		
		n. Lac.		
208.		II,1.16.	4.55.	38.57.
209.	ching.	I,d.3.	-1.13.	41.0.

Che-

n.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Che-ching.	*n. M.*		
o.	chuen.	V,7.10.	-5.54.	33.35.
	çung.	*n. M.*		
1.	hai.	L,b.4.	2.54.	39.38.
2.	ki	XIV, 7.14.	-8. 19.	27.13.
	kian.	*n. R.*		
	kiang.	*n. Prov.*		
3.	kiao.	L,b.3.	3.17.	39.43.
	kin.	*n. M.*		
4.	li.	XV,K.3.	-16.59.	22.42.
5.	lo.	XV,11.3.	-16.16.	24.18.
	pie.	*n. M.*		
	xa.	*n. Lac.*		
6.	xui.	XIV,e.21.	12. 57.	27. 0.
7.	Chen.	XII, 10.8.	-8. 0.	19.37.
8.	hoa.	IV,1.30.	1. 23.	27.51.
	chi.	*n. M.*		
9.	hing.	XIV, e.6.	-11. 11.	26.40
o.	ping.	XIV, 1.5.	-11. 6.	26.13.
1.	xan.	X,a.15.	7. 0.	30.15.
	xan.	*n. R.*		
		n. Inʃ.		
	y.	*n. M.*		
	Chi.	*n. Font.*		
	cheu.	IX,13.1.	0. 15.	31.36.
	çhuen.	IV,1.10.	1. 0.	37. 0.
3.	feu.	*n. M.*		
	kiang.	VII,6.6.	6.10.	30.50
4.	Chin.	*n. Amn.*		
		n. Lac.		
		n. M.		
		n. Pagi.		
		n. Reg.		
		IV.a.12.	4. 4.	37.25
		V,1.16.	-2. 12.	34.48
		VI,11.8.	-11. 4.	28.44

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
228.	Chin-cheu.	VII,b.1.	4.25.	26.30.
	chu.	*n. Lac.*		
229.	fan.	III,b.10.	-13.24.	38.50.
230.	gan.	III,1.11.	-8. 16	35. 8.
231.		XIII,10.1.	-11. 55.	24. 0.
232.	hiung.	VI,9.4.	-13. 0	26.55.
233.	kiang.	IX,6.1.	2. 28.	32.49.
234.		XV,5.1.	14.4.	24.29.
235.	lieu.	V,1.2.	-24. 0.	35.47.
236.	lu.	II,d.9.	-3.40.	40.10
237.	nan.	XV,4.7.	-15.36.	24.40
238.	ning.	III,7.5.	-8. 43.	37.15.
239.		XIV,c.1.	-12. 5.	25. 0.
240.	ping.	V,7.2.	-5. 25.	33.50.
	quon.	*n. M.*		
241	tao.	III,c.3.	-11. 12.	35. 0.
242.	ting.	I,4.1.	-3. 36.	38.40
243.	xan.	X,a.1.	4.49.	30.53.
244.	y.	III,6.4.	16.7.	39.4.
		n. M.		
245.	yang.	V,8.6.	2.59.	33.33.
	yven.	*n. M.*		
246.		III,4.4.	-10. 5.	37.37.
247.		XIII,8.9.	-11. 33.	23.38.
248.		XV,10.1.	16.26.	24.37.
249.		XIV,4.1.	9. 23.	27.34.
250.	Ching.	III,5.9.	-10.30.	24.18.
251.		V,1.28.	-3. 35.	35.46.
252.		XIII,b,3.	-11. 50.	35.28.
		n. Amn.		
		n. Reg.		
		n. Vill.		
253.	cang.	XV,m.4.	-17.19.	24.17.
	cao.	*n. Il.*		
	ching.	*n. Font.*		

Ching-

Num.	SINENSIS IMPERII.		Long.	Lat.
254.	Ching-ching.	III,1.15.	-7. 43.	36.30
	chiang. *n. U.*			
255.	cu.	III,3.3.	-9. 39.	34.25.
256.	cung.	XV,1.7.	-14. 20	25.20.
	kiang. *n. U.*			
257.	fan.	XIV,1.5.	-11. 32.	25.53.
258.	gan.	I,6.7.	-3. 0.	37. 8.
259.	hiang.	XII,5.4.	-1. 56.	24.15.
260.	hai.	XII,5.8.	-1. 0.	24.10.
261.	ho.	XI,4.5.	1. 59.	26.47
	hoa. *n. Lac.*			
	hoe. *n. Pagi.*			
	leang. *n. M.*			
262.	pu.	VII,9.9.	-6. 36.	27.53.
263.	si.	VII,15.6.	-6. 45.	33.40.
264.	tien.	VII,14.1.	-5. 20.	31.35.
	tien. *n. U.* Ching-kien			
265.	tu.	VI,1.1.	-12.38.	30.47
	tu.			
266.	uu.	IV,2.10	-0. 55.	35.56.
267.	xan.	IV,a.3.	5. 21.	36.55.
268.	yang.	VII,15.1.	-6. 52.	33. 0.
269.	yu.	XII,10.2.	-7. 3.	19.44.
	Chiong-hoa. *n. M.*			
	Cho. *n. Lac.*			
	n. Fani.			
270.		I,1.15.	-0. 38.	39.30.
	cheu. *n. R.*			
	chang. *n. Font.*			
271.	ki.	VII,15.5.	-7. 34.	32. 28.
	kin. *n. Font.*			
	king. *n. Lac.*			
	kung. *n. Riv.*			
272.	xan.	VII,15.3.	-7. 30.	31.49.
273.	Choang-lang.	III,b.2.	-13. 0.	38. 4.
274.	leang.	III,4.8.	-10.15.	37. 0.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
275.	Chu-ping.	IV,3.4.	-0. 18.	36.56.
	n. Font.			
276.	cheu.	IX,c.1.	1. 26.	33. 31.
277.		X,7.1.	3. 5.	28. 12.
278.	ching.	IV,4.10.	1. 59.	36. 3.
279.	ki.	X,8.3.	3. 19.	29.36.
	yai. *n. R.*			
	n. U. Kiun-cheu.			
	Chuen. *n. Amn.*			
	sin.			
280.	Chun-xe.	XI,6.10.	1. 26.	24.30.
	Chung. *n. Lac.*			
	n. M.			
	Navium statio.			
281.		VI,5.15.	-9. 20.	30.51.
282.		XIII,9.7.	-11.48.	23. 0.
283.	cing.	C,7.	6.30.	36.30.
284.	ço.	VI,k.19.	-15.42.	29.10.
285.	cu.	L,b.5.	4.25.	39.44
	hoa. *n. Prov.*			
286.	kiang.	VI,a.4.	-12. 5.	30. 51.
287.	king.	VI,5.1.	-10.23.	30.23.
	n. U. Jun-nan.			
	leang. *n. Font.*			
288.	ling.	XIV,7.13.	-9. 14	27. 6.
289.	meu.	V,1.10.	-3. 16.	35 42.
	pie. *n. M.*			
290.	pu.	III,8.12.	-8. 5.	36.56.
	que. *n. R.*			
	sien. *n. M.*			
291.	tun.	II,d.12.	-6. 9.	40. 8.
292.		L,c.1.	3. 52.	40.15.
	D.			
	Diven-xan. *Leg.* Civen-xan.			
	E.			
	En-ge-ley. *n. U.*			

Fa-

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	En-ge-ling. *n. U.*		
	n. Munim.		
	vva. *n. U.*		
	vva-ho. *n. Munim.*		
	F.		
3.	Fa-chang. IX,11.3.	0.59.	32.7.
	co. *n. M.*		
	kieu. *n. M.*		
	lan-ka. *Est* Europa.		
	lung. *n. M.*		
	Fae-san. *n. Pagi.*		
	Fan. *n. Coll.*		
	n. Lac.		
4.	II,1.22.	-6. 5.	39. 6.
5.	IV,3.16.	-1. 8.	36.26.
	Fang. *n. M.*		
	n. M.		
6.	VII,15.2.	-7. 13.	32. 14.
	ching. *n. M.*		
7.	fan. XIV,1.7.	-11.40.	25.48.
	nien. *n. M.*		
	tai. *n. M.*		
8	xan. I,1.16.	-0. 33.	39.46.
	Fau-chang. *n. F.*		
	ly. *n. Lac.*		
	Fe. *n. Idol.*		
	çu. *n. M.*		
	Feu. *n. Fl.*		
	n. M.		
9.	III,8.10.	-8. 15.	37. 9.
0.	VI,5.18.	-10. 0.	29.45.
	kieu. *n. M.*		
01.	leang. VIII,2.4.	-0. 7.	29.44.
02.	xan. II,2.4.	-5. 35.	37.44.
	yeu. *n. Ins.*		

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Fi. *n. Amn.*		
	n. F.		
	n. M.		
303.	IV,2.26.	1. 0.	35. 48.
304.	ching. IV,1.14.	0. 12.	36.46.
305.	hiang. I,6.3.	-2. 20.	37. 15.
	lai-fung. *n. Coll.*		
	yun. *n. M.*		
	Fo. *n. F.*		
306.	cheu. I,a.11.	4.46.	39. 23.
307.	XI,1.1.	2.40.	25. 58.
308.	cing. XI,1.8.	3. 13.	25. 36.
309.	gan. XI,a.2.	3. 19.	26.46.
310.	kiang. III,5.7.	-11. 0.	-37. 0.
	kien. *n. R.*		
	ngan. *n. U.*		
	men. *n. M.*		
	min-cheu. *n. U.*		
311.	ning. XI,a.1.	4. 0.	26. 33.
312.	b.2.	4. 8.	26. 15.
313.	xan. IV,5.3.	4. 12.	36.56.
	n. Portus.		
	Formosa. *n. Ins.*		
	Fu. *n. Fl.*		
314.	XV,8.2.	-12.59.	23.48.
515.	chuen. XIII,4.3.	-6.27.	25. 26.
	chung. *n. M.*		
316.	co. III,8.19.	6. 35.	39. 17.
317.	fung. III,2.4.	-8. 52.	36. 26.
318.	keu. V,1.9.	-3. 4.	35. 6.
	kin. *n. M.*		
319.	lao. XIII,10.2.	-11.20.	24. 0.
320.	min. XV,1.2.	-14.38.	25. 3.
	nieu. *n. M.*		
321.	ping. III,1.28.	-7. 48.	36.10.
	sien. *n. Lac.*		

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
322.	Fu-xun.	VI,4.3.	-12. 11.	29. 23.
323.	yang.	X,1.3.	3. 0.	30.10.
	Fuen. *n. Fl.*			
324.		III,1.33.	-8. 34.	36.47.
325.	cheu.	II,5.1.	-6. 0.	38. 10.
326.	ſi.	II,2.10.	-6. 12.	37.42.
327.	xui.	X,4.6.	2. 17.	29.56.
328.	y.	VIII,11.2.	-2. 40.	28.30.
	Fun-ki. *n. M. & Mun.*			
	Fung. *n. Lac. 2.*			
	n. M. 2.			
329.		III,3.6.	-9.43.	35. 23.
330.		VI,3.3.	-10.10.	31. 33.
331.		VII,7.5.	-5. 15.	30. 6.
332.		IX,d.4.	-0. 35.	35.20.
	çao. *n. M.*			
333.	ching.	VIII,1.2.	-1. 45.	28. 37.
334.	chuen.	XII,6.10.	-5. 30.	23. 37.
335.	ciang.	III,2.1.	-9. 15.	36.20.
336.	civen.	III,1.30.	-8. 29.	36.24.
337.	hoa.	X,9.3.	5. 3.	29. 15.
338.		XIII,a.3.	-9. 55.	24. 5.
	hoang. *n. M. 3.*			
339.	jung.	I,1.23.	0. 57.	39. 32.
340.	ki.	VI,a.6.	-11. 30.	31. 10.
341.		XV,h.5.	17. 27.	25. 10.
342.	kieu.	V,1.13.	-2. 52.	36. 6.
	ma. *n. Ins.*			
343.	ning.	XIV,8.12.	-9. 42.	28.48.
344.	ſin.	VIII,1.4.	-2. 5.	29. 15.
345.	tu.	VI,5.16.	-10. 0.	30.34.
	y. *n. F.*			
346.		XIII,10.4.	-11. 56.	24. 6.
347.	yang.	IX,2.1.	0.30.	33.48.
	G.			
	Gai. *n. M. 2.*			

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Gai-lao. *n. R.*			
	lo. *n. M.*			
348.	Gan.	I,2.16.	-1. 10.	39. 12.
349.		VI,1.15.	-13. 8.	31. 16.
350.	choang.	XIV,e.15.	-12. 23.	26. 2.
	çu. *n. M.*			
351.	fo.	VIII,9.5.	-3. 10	27. 55.
	geu. *n. U.* Ping-lo.			
352.	gin.	VII,10.5.	-4.50.	27.45.
353.	hai.	XI,b.8.	2. 3.	24.45.
	han. *n. U.* Xun-king.			
354.	hiang.	VII,7.8.	-5. 46.	30. 2.
355.	hoa.	VII,8.10.	-6. 10.	28.58.
	hoang. *n. U.* Tegan.			
356.	ki.	XI,2.4.	1. 34.	25. 4.
357.	kie.	X,3.3.	2. 16.	31. 3.
358.	kieu.	IV,4.9.	1. 48.	36. 23.
359.	king.	IX,10.1.	-0. 20.	31. 20.
	lo. *n. M.*			
	n. U. Te-gan.			
360.		L.b.9.	5. 32.	38.56.
361.	lung.	XIII,c.2.	-12 57.	24. 4.
362.	nan.	XIV,e.18.	-12.45.	25. 41.
363.		XV,3.19.	-13.50.	23. 21.
364.	nin-go.	XV,1.8.	-14.41.	24.45.
365.	ping.	I,4.18.	-1. 32.	38.43.
366.		XIII,8.3.	-12.24.	28. 38.
367.	ſai.	III,8.2.	-8. 10.	37. 32.
	ſi. *n. U.* Si-gan.			
368.	ſo.	I,2.3.	-1. 26.	39.20.
	ti. *n. U.* Ping-leang.			
369.	ting.	III,5.2.	-11. 21.	37. 9.
370.		8.4.	-8. 16.	38. 8.
371.	tung.	IX,8.3.	-2. 46.	34.36.
372.	xun.	XIV,d.e.	-12. 6.	25. 35.
373.	y.	VIII,4.4.	-1. 48.	29.41.

Gan-

...m.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Gan-yang. *n. Fl.*					Gvei-cheu. *n. U.* Cung-			
4.	ye.	II,2.19.	-6.40.	36.22.		chang.			
5.	yuen.	VIII,12.6	-1. 55.	25. 12.	393.	chuen.	V,1.7.	-3. 12.	35. 14.
	Gao. *n. R.*					çu. *n. U.* Cu-hiung,			
	cheu. *n. U.* King-yven				394.	cing.	XIV,e.14.	-11. 38.	26. 15.
	Gaoy. *n. Pop.*				395.	fan.	XIV,1.6.	-11. 32.	25. 53.
6.	Ge-chao.	IV,4.14.	2. 4.	35. 45.	396.	hai.	IV,a.4.	5. 0.	37. 11.
	Gedult-berg.				397.	hoi.	V,4.1.	-3. 20.	36.30.
	ſtrom.				398.	nan.	III,1.20.	-7.49.	35. 41.
	Ge-pan. *Est* Jápan.					pao. *n. M.*			
7.	Gen.	IV,3.12.	-0. 33.	37.28.	399	xi.	V,1.7.	-3. 3.	35. 36.
8.	ping.	XII,6.7.	-4.49.	22.40.		yu. *n. M.*			
9.	tung.	II,d.13.	-6. 16	40. 0.	400.	yuen.	II,d.1.	-5. 0.	40.10
	Geo. *n. R.*				401.		III,6.2.	-11. 52.	36.44
0.	Geu-yang.	XIV,7.11.	-8. 45.	27. 6.	402.	Gvey-uen	VI,c.7.	-12.38.	29. 38.
	Gheu. *n. Coll.*					H.			
1.	Gin.	I,5.9.	-2. 42.	37.56.		Haei-neao. *n. Lac.*			
2.	hing.	IX,5.4.	2. 38.	32. 17.	403.	nyn.	III,3.14.	-8. 41.	34. 3.
3.	hoa.	XII,2.3.	-3. 49.	35. 7.		yven. *n. F.*			
4.	kieu.	I,3.5.	-0. 32.	39. 6.		Hai.			
5.	xeu.	VI,1.7.	-12.26.	30.40.	404.	çang.	IV,a.10.	2. 57.	36.57.
	Go. *n. L.*				405.	cheu.	L,a.12.	5. 10.	38. 35.
6.	chi.	VI,3.9.	-10,29.	30.48.		cheu. *n. U.* Hoei-cheu.			
	ching. *n. M.*				406.	cing.	XI,3.9.	1. 16.	24.22.
	lung. *n. M.*					fung. *n. U.*			
7.	lung-fang.	XIV,1.9.	-11. 36.	25.34.	407.		IV,1.25.	1. 7.	37.57.
	mui. *n. M. 2.*				408.		X,a.14.	4.40.	27. 15.
	Gu. *n. Amn.*				409.		XII,4.3.	-2. 5.	23. 6.
					410.	gan.	X,a.12.	4.40.	27.45.
8.	cheu.	XIII,5.1.	-6. 33.	24. 2.	411.	keu.	XI,b.6.	3. 50.	25.50.
	Gvei. *n. Fl. 2.*					ling. *n. M.*			
	n. R.				412.	muen.	IX,7.10.	4.10.	32.48.
9.		I,6.8.	-1. 42.	37.40.		nan. *n. Inſ.*			
0.		-7.4.	-2. 18.	36.46.	413.	ning.	X,1.2.	3. 45.	30.34.
1.		II,3.8.	-3. 0.	40. 0.		tang. *n. Torrent.*			
2.		III,b.15.	-10.50.	38. 36.	414.	uon.	IV,a.14.	-1. 56.	37.50.

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	Hai-yang. *n. M.*		
	yen. *n. Maris.*		
415.	X,2.3.	4.26.	30.45.
	Han. *n. Fl. 2.*		
	n. M.		
	n. R. Est Samarcand.		
	n. Riv.		
416.	VI,1.20.	-12. 32.	31. 22.
	cham. *n. U.*		
	cheu. *v.* Hang-cheu.		
417.	ching. III,1.17.	-7. 36.	36. 41.
418.	chuen. VII,2.2.	-4. 11.	31. 4.
419.	chung. III,3.1.	-9. 52.	34. 10.
	ge-heu. *n. R.*		
	hai. *n. R.*		
	kam. *n. Urb.*		
420.	tan. I,6.5.	-3. 10.	37. 23.
	n. U. Quan-ping.		
421.	tung. III,b.12.	-15. 50.	38. 30.
422.	xan. IX,b.2.	0. 41.	32. 40.
	XII,b.3.	-1. 10.	23. 42.
	yang. *n. M.*		
424.	VII,2.1.	-3. 43.	30. 50.
425.	Hang-cheu. X,1.1.	3. 10.	30. 27.
	parva. *Est* Vern-cheu.		
426.	hai. C.6.	6. 45.	37. 30.
427.	Hao. IX,2.17.	1. 28.	34. 34.
	cheu. *n. U.* Fuen-cheu.		
	n. Regni.		
	He. *n. Amn.*		
	n. Lac.		
	n. M.		
	Heng. *n. Fl.*		
	n. M. 3.		
428.	XIII,7.3.	-9. 6.	23. 40.

Num.	NOMENCL. GEOGRAPH.	Long.	Lat.
	Heng-cheu. *n. U.* Chin-ting.		
429.	VII,10.1.	-5. 13.	27. 48.
430.	xan. VI,16.2.	4. 50.	28. 3.
	n. U. Chin-ting.		
431.	xui. I,4.29.	-1. 38.	38. 14.
	Heu. *n. M.*		
432.	ching. I,3.3.	-0. 49.	38. 24.
	ki. *n. M.*		
433.	ping. I,4.9.	-3. 40.	39. 6.
	Hey-ta-mon. *Portus.*		
	Hi-lung. *n. Ins.*		
	yang. *n. Fl.*		
434.	yung. XV,3.14.	-14. 14.	23. 18.
435.	Hia. II,2.20.	-6. 27.	36. 27.
436.	VI,1.7.	-10. 32.	29. 4.
437.	cin. IV,3.13.	0. 22.	37. 14.
438.	kiang. VIII,8.4.	-2. 30.	28. 11.
	hu. *n. Amn.*		
	mûen. *n. Ins.*		
	XI,b.9.	1. 59.	24. 35.
439.	muen-so. *n. Ins.*		
	pi.		
440.	xe. XIII,9.4.	-12. 0.	22. 58.
441.	ye. V,2.4.	-0. 55.	35. 17.
	Hiai. *n. Putei.*		
	keu. *n. M.*		
	Hiang. *n. M. 2.*		
442.	II,1.25.	-4. 11.	38. 52.
443.	ching. V,1.19.	-2. 8.	34. 30.
444.	ho. I,1.10.	0. 22.	39. 35.
445.	lo. XV,11.4.	-16. 3.	27. 53.
	lu. *Vertex montis.*		
446.	ning. II,2.30.	-6. 56.	37. 8.
447.	nu. XIII,10.6.	-11. 45.	23. 56.
448.	xan. XII,1.5.	-3. 39.	22. 36.
	xui. *n. F.*		

Hiang-

n.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Hiao. *n. Insul.*			475	Hing-ye. XIII,5.10.	-8. 1.	31. 19.
	n. U.				yuen. *n. U.* Han-chung.		
9.	can. VII,4.3.	-3. 53.	31. 22.		Hyo-lin. *n. U.* Lieu-cheu.		
	cheu. *n. U.* Gu-cheu				nan. *n.* | *Region.*		
0.	ching. V,2 8.	-2. 4.	35. 51.	476.	Hiu. V,1.21.	-3. 36.	35.56.
1.	fung. X,3.5	-1. 50.	30.46	477.	gin. VI,K.13	-14.30.	26.54.
	u. *n. R.*			478.	tai. IX,2.11.	1. 38.	34. 0.
2.	y. II,5.2.	-6. 11.	38. 6.	479.	Hiuen-chung. XI,b.12.	0. 46.	24. 0.
3.	Hien. I,3.2	-0.44.	38.46.		pu. *n. Lac.*		
4.	king. C,2.	-8. 20.	39. 20.		uu. *n. Lac.*		
5.	ning. VII,1.5.	-3. 6.	29.46.		Hiung. *n. Riv.*		
	n. M.			480.	I,2.12.	0. 56.	39.10.
6.	yang. III,1.2.	-8. 26.	36. 0.	481.	XII,b.8.	-6.30.	21.30.
7.	Hieu. VI,K.16.	-14. 4.	29. 13.		cheu. *n. U.* Nan-hiung.		
8.	ning. IX,11.2.	0.40.	30. 15.		Ho. *n. Amn.*		
9.	Hin-ching. XIII,3.5.	-9. 54.	24.36.		*n. Inf.*		
	Hing. *n. M.*				*n. Lac.*		
0.	II,1.23.	-6. 30.	38. 55.		*n. M.*		
1.	ci. I,3.8.	0. 54.	38. 32.	482.	II,2.28.	-5. 50.	37.40.
2.	gan. III,3.10.	-8. 16.	34.26.	483	III,6.5.	-13. 4	36.50.
3.	VIII,3.7.	0. 6.	28.40	484	VI,5.11.	-10.56	30 50.
4.	XIII,1.2.	7. 32.	26. 12.	485.	XIII,4.4.	-6. 8.	25. 11.
5.	hoa. IX,7.5.	2.49.	33. 53.		çang. *n. M.*		
6.	XI,7.1.	2. 35.	25. 27.	486	cheu. IX,b.1.	1. 0	32.50.
	kieu. *n. M.*			487.	chi. XIII,3.4.	-10.38	25 6.
	king *n. U.* Fung-ciang			488.	cin. II,2.17.	-7. 25.	36.50.
	lang. *n. M.*				cio. *n. M.*		
7.	lung. XIV,e.20.	9 51.	27.10.	489	in. V,1.32.	-4. 14.	35.50.
	ning. *n. U.*			490.	kiang. VI,e.3.	-11. 10.	29 24
8.	VII,b.4.	-4.20	27. 0.	491.	XIV,8.9.	9.45.	26.40
9.	XII,4.7.	-2. 6.	23.45.	492	kien. I,3.1.	-0. 30.	38.50.
0.	ping. III,1.3.	-8. 39.	36. 11.	493.	kieu. IX,2.8.	-1. 0	33. 27.
1.	que. VII,1.8.	-2. 22	30.20.	494.	kio. II,1.13.	-6. 10.	39.26.
2.	VIII,12.4.	-1. 55	26.41.	495.	XV,d.2.	-15. 3.	25. 16.
3.	uen. VI,4.5.	-11. 52.	28. 53.		ksieu. *n. U.*		
4.	man. VII,6.12.	-7. 0.	31. 22.		kswa. *n. U.*		

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	Ho-kxcho. *n. U.*		
496.	nan. V,6.1.	35. 38.	-5. 5.
	nui. *n. U.* Gvei-hoei.		
	nui. *n. U.* Hoai-king.		
497.	ping. XII,4.8.	-2. 50	23. 59.
498.	si. XV,3.8.	-14.29	24.10.
499.	xan. IX,9.8.	-1. 8	23.58.
500.	xi. III,7.2.	-8. 53	37.20
501.	xun. II,b.3.	-3. 30	38.10
502.	yang. III,1.14.	-7. 34	36 28
503.	yven. XII,4.4.	-2. 25.	23.20.
	Hoa. *n. M.*		
504.	I,7.8.	-2. 43.	36 20.
505.	III,1.18.	-7.46.	35.49.
506.	XII,7.4.	-5. 56.	23.10.
	gian. *n. Fl.*		
	ma. *n. Lac.*		
507.	III,b.19.	-9. 3.	38.20.
508.	ting. III,4.3.	-9. 56.	37. 4.
	n. U. Sung-kiam		
509.	yn. III,1.19.	-7.34	35.52.
	n. M.		
510.	yung. VII,7.3.	-5. 26	29.55
	Hoai. *n. Fl.*		
	n. Fl.		
	cheu. *n. U.* Hoai king.		
511.	cie. XIII,5.5.	-6. 14	24 16
512.	gan. IX,8.1.	2. 12	34 17.
513.	gin. II,3.2.	-4. 15	40.11.
514.	jo. I,16.	-0. 5	40.15.
	kang. *n. U.* Ju-ning.		
515.	king. V,5.1.	-4. 35	36 10.
	ngan. *n. U.*		
	yn. *n. U.* Hoai-gan.		
516.	yven. IX,2.3.	0. 2.	34. 0.
517.	XIII,2.5.	9. 5.	26. 0.

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
518.	Hoan. III,7.3.	-9. 15.	37.40
	n. Lac.		
	Hoang. *n. Fl.*		
	Hoang. *n. M. 5.*		
519.	IV,5.2.	4. 0.	37. 3.
	ceng. *n. M.*		
520.	cheu. VII,5.1.	-2. 50.	31. 23.
521.	chuen. VI,K.10.	-14.15.	27. 8.
522.	ci. VII,5.9.	-2. 3.	30.55.
	cung. *Scopulus.*		
523.	gan. VII,5.5.	-3. 10.	31. 26.
	ho. *n. Fl.*		
524.	lien. XIV,e.28.	-13. 25.	26.45.
	lung. *n. Fl.*		
525.	mui. VII,5.8.	-2. 2.	31. 30.
526.	nien. X,10.2.	5. 0.	25. 28.
527.	pi. VII,5.4.	-3. 26.	31. 30.
528.	ping. VI,k.18.	-10.54.	28. 18.
	pu. *n. Canal.*		
529.	tao. XIV,2.4.	-8. 33.	27.25.
530.	Hoe-kia. V,4.4.	-3. 56.	36.27.
531.	lo. I,4.3.	3. 0.	38.42.
532.	Hoei. III,5.16.	-10. 9.	35.34.
533.	V,4.6.	-3. 38	36.36.
	n. Coll.		
	n. F.		
	n. R. Est *Casgar.*		
534.	chang. VIII,12.5.	-1. 35	25.30.
535.	cheu. *IX,14.1.*	0. 55.	30.18.
536.	*XII,4.1.*	-2.46.	23. 9.
537.	chuen. *VI, 1.5.*	-14.53.	27.19.
	fung. *Vertex Montis.*		
	ki. *n. M.*		
538.	lai. *XII,5.7.*	-1. 40.	23. 4.
539.	ning. III,5.3.	11. 20.	37.25.

Hoei-

	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
.	Hoei-tung.	VII,2.2.	-7.46.	27.40.	558.	I-tu.	VII,6.9	-6.25.	30.50.
1.		XII,10.6.	-6.49.	19.20.		Ja-xhin-no.	n. Pagi.		
2.	Hoen-yven.	II,3.3	-3.50.	40.0.		Jam-ce-fu.	n. Il.		
3.	Hoi.	IX,8.6.	2.31.	15.13.		Jang.	n. M.		
.	Hu.	III,1.7.	-8.25.	35.44	559.	ching.	II,c.3.	-4.48.	36.36.
.	cheu.	X,3.1.	3.3.	30.57.	560.	co.	IV,2.22.	-0.46.	36.40
	cung. n. M.				561.	ho.	II,d.6.	-3.52	40.33.
6.	keu.	VIII,5.4.	-1.8.	30.26.	562.	uu.	V,1.11.	-3.16.	36.6.
	kive. n. M.				563.	xan.	XII,1.13.	-4.25.	25.0.
	mung. n. R.				564.	Jao-cheu.	VIII,2.1.	-0.32.	29.40
7.	quan.	II,4.6.	-3.59.	37.8.	565.	ping.	XII,5.5.	-1.36.	24.22.
	quang. n. Prov.				566.	yang.	I,4.19.	-1.13.	38.45.
	teu. n. M.				567.	Je-ching.	II,2.8.	-5.40.	36.33.
	tho. n. Fl.					jen-jeen.	n. Il.		
8.	ul.	XIV,7.9.	-9.5.	27.15.		king.	n. M.		
	Hung. n. Lac.				568.	lung.	VI,k.11.	-14.15.	26.40
	n. Mont.				569.	yang.	VII,8.7.	-5.40	29.18.
	n. Palud.				570.		VIII,3.3.	0.10.	28.49.
9.		IX,2.6.	1.0	34.17.	571.	Jen-chang.	III,8.8.	7.42.	37.37.
0.		XIV,7.4.	-8.15.	26.27.	572.	ching.	V,1.24.	-3.17.	34.46
1.	fan.	XIV,1.8	-11.31.	25.42.	573.	chuen.	III,8.7.	-8.2	37.57.
	keu. n. Fl.				574.	cin.	V,1.14	-3.30	36.9.
	lo. n. M.				575.	cing.	VI,i.4.	-15.45.	28.43.
	nung. n. Il.				576.	gan.	III,8.1.	-8.20.	37.37.
	tu. n. Il. Nan-chang.					gen.	n. M.		
2.	tun.	II,2.3.	-5.52	37.27.	577.	ling.	V,1.8	-2.52.	35.13.
3.	ya.	VI,c.3.	-13.16.	29.32.	578.	ping.	XI,5.1.	0.57.	26.34.
	yai. n. M. 2.						n. Il. Jeu-ping.		
	yen. n. Lac.				579.	su.	V,6.2.	-4.42.	35.40.
	Huon. n. M.				580.	ting.	VI,2.3.	-11.39.	31.21.
4.		I,2.10.	-2.10	39.35.	581.	xan.	I,3.17.	0.40.	38.25.
	I.				582.		VIII,3.5.	0.3.	28.20.
5.	I-ching.	VII,3.2.	-5.44.	32.30.			n. Il. Pe-king.		
6.	fung.	V,1.34.	-2.21.	35.56.		Jeu.	n. Lac.		
7.	ling.	VII,6.7.	6.50.	31.12.			n. Il. Pe-king.		
	quan. n. M.								

Jeu-

Num.	SINENSIS IMPERII			Long.	Lat.
583.	Jeu-guei.		II,d.2.	-4. 53	40.25.
584.	ki.		XIV,3.7.	-10.14.	28. 18.
	In.	n. Amn.			
		n. Coll.			
		n. Lac.			
		n. M. 2.			
585.			IX,14.5.	0. 16.	30.30.
586.	kiang.		XIV,3.3.	-10. 19.	28. 5.
	ping.	n. U. Lung-gan.			
	siven.	n. M.			
	to.	n. M.			
587.	xui.		XIV,4.5.	-9. 10.	27.34.
588.	Ing.		II,3.4.	-4. 7	40.0.
589.			IX,2.15.	-1. 2.	34. 5.
	cheu.	n. U. Ho-kien.			
590.	ching.		VII,4.4.	-4. 20.	31. 38.
	hai.	n. U. Ho-kien			
	tao.	n. M.			
591.	te.		XII,2.6	-5.46.	24. 2.
	tien.	n. U. Nan-king.			
592.	xan.		VII.4.6.	-3. 35.	2[illegible]. 10.
593.			IX,2.18.	-1. 40.	34. 3.
594.			9.7.	-1. 38.	32. 8.
	Jo.	n. Amn.			
		n. M. 3.			
	eiven.	n. M.			
	fu.	n. M.			
595.	tien.		I,1.22.	0. 43.	39.47.
596.	xan.		VIII,3.2.	0. 55.	28.40.
	Joe-swoe.	n. U.			
	Ju.	n. M. 2.			
597.	Ju.		V,1.26.	-3. 55	35.24.
598.			V,2.1.	-4. 57	35. 5.
599.	cao.		IX,7.8.	3. 36	33. 12.
	chang.	n. U. Nau-chang.			
600.	ching.		IV,1.11.	0.10.	37. 19.

Num.	NOMENCL. GEOGR.			Long.	Lat.
601.	Ju-ching.		V,2.6	-1. 10.	35. 20.
602.	çu.		II,1.3	-4. 20.	38. 25.
603.	hang.		X,1.4	-2. 50.	3. 35.
	leang.	n. M.			
	mi-chi.	Est Hu-quang			
	nam.	n. U. Ju-ning.			
604.	ning.		V,8.1.	-2. 56.	33. 53.
	ping.	n. Fl.			
605.	xe.		II,b 2.	-4. 22.	37.54.
606.	yao.		X,8.4.	-4. 30.	29.50.
607.	yven.		XII,2.4.	-4. 5.	24.41.
	Jue.	n. R.			
	cu.	n. M.			
	sieu.	n. Coll.			
608.	Juen.		VII,12.5.	-8. 29.	28. 0.
609.	cheu.		VIII,11.1.	-3. 12.	28 25.
610.	gan.		VII,6.10.	-6. 26.	31. 35.
611.	kiang.		XV,9.1.	-15. 33.	23.54.
612.			VII,11 4.	-5. 50.	29. 21.
613.	uu.		V,1.12.	-3. 30.	35. 58.
614.	xi.		I,4.30.	-2. 40.	38. 26.
	xin.	n. M.			
	Jueng.	n. M.			
615.	Jui-ching.		II,2.23.	-7. 11.	36. 4.
	Jun.	n. Canal. & Fl.			
		n. M. 2.			
	cheu.	n. U. Tai-tung.			
616.	cheu.		I,d.2.	-0. 26.	40.56
617.	chuen.		VI,5.5.	-11. 16.	30. 0.
	gan.	n. U. Quei-cheu.			
618.			XIII,4.7.	-7. 20.	25. 8.
619.	ho.		X,7.8.	2. 30.	27.40
620.	lien.		VI,4.7.	-12.45.	28.43.
	mu.	n. M.			
621.	mung.		VII,4.2.	3. 55.	31.40.
		n. Lac.			

Jun-

….	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Jun-nan. *n. R.*			651.	Jung-mui. VII,c.11.	-6. 32.	30.10.
2.	XV,1.1.	-14.25.	25. 0.	652.	ning. I,b.2.	-0. 6.	40.24
3.	2.3.	-16.12.	25.32.	653.	II,5 7.	-6.30.	38.30.
	tai. *n. M.*			654.	V,6.7.	-6. 0.	35.17.
4.	ting. VII,c.9.	-6.53.	30.20.	655.	VI,k.1.	-14.50	28.21.
5.	yang. VI,6.5.	-9. 0.	30.52.	656.	VIII,9.9.	-3.55.	27.12.
	Jung. *n. F.*			657.	XIII,1.5.	-7.39.	25.36.
	n. M.			658.	XIV,b.1.	-12.20.	25. 2.
6.	VI,c.6.	-12.26.	29.47	659.	e.23.	-12.42.	27.33.
7.	çe. V,1.31.	-3.54.	36. 0.	660.	XV,11.1.	-15.48.	27.33.
8.	cing. I,1.8.	0. 9.	39.22.		ning. *n. U.* Quei-cheu		
9.	çung. XIV,7.2.	-8.50.	26.35.	661.	ping. I,8.1.	1.34.	40.0.
0.	chang. III,b.1.	-13.56.	38. 5.	662.	d.10.	1.35.	39.48.
1.	VI,5.7.	-17.42.	24.58.	663.	XV,h.4.	17.16.	25.10.
2.	XV,h.1.	-11.33.	29.46.	664.	sin. VIII,9.8.	-3.31.	27.25.
	chang. *n. R.*				tao. *n. M.*		
	cheu. *n. U.* Xun-king.				te. *n. M.*		
3.	VII,13.1.	-6. 0.	26.42.	665.	ting. XI,6.8.	-1. 0.	24.32.
4.	ching. I,2.9.	-0.58.	39.36.	666.	XI,b.13.	-1.18.	24.33.
5.	V,2.5.	-0.46.	35.12.	667.	xan. VI,3.4.	-10.25.	31.20.
6.	XII,b.8.	-5.49.	23.45.	668.	xeu. III,1 32.	-8.34.	36.36.
7.	chuen. VI,5 5.	-11.16.	30. 0.	669.	xun. VII,c.2.	-7.52.	29.32.
8.	chung XI,2.6.	1.29.	25.14.	670.	yang. V,1.30.	-3.43.	35.52.
9.	fo. XI,1.7.	2. 4.	25.45.		K.		
0.	XIII,1.6.	-7.48.	25.43.		Kabelang. *n. R. Form.*		
1.	fung. VIII,3.6.	0.35.	28.25.		ju-tiu. *Est* Kao-yeu.		
2.	9.4.	-2. 5.	27.46	671.	Kai. I,7.9.	-1.56.	36.20.
3.	gan. XI,5.6.	0.13.	26. 4.		Kan-cheu. *n. U.* Cancheu.		
4.	XII,4.10.	-3. 6.	23. 4.		*Kandor.* *n. Ins.* propè *Siam.*		
5.	hing. VII,b.2.	-4.35.	26.40		Kan-ton. *Est* Quang-cheu.		
6.	kang. XIII,8.18.	-12. 5.	23.42.	672.	Kang-ço. XIV,c.2.	-11.50.	25. 7.
7.	kiang. X,5.5.	2.39.	28.45.		*Kardeman.* *n. R. Form.*		
8.	king. VI,f.3.	-14.32.	30.32.		Ke-sing. *n. M.*		
	lin. *n. M.*			673.	tien. XV,11.3.	-16. 5.	27.41.
9.	ming. VII,13.6.	-6.18.	26. 3.	674.	Keu. IV,3.8.	-1.34.	36.54.
0.	muen. X,a.18.	4.10.	26. 0.		leu. *n. M.*		

Num	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Keu-tai.	*n. Coll.*		
675.	Khi.	I,2.13.	-2. 0.	38.57.
676.	Kho-ching.	I,4.5.	-2.48.	38.15.
	Ki.	*n. Amn. 2.*		
		n. Fl.		
		n. Mont. 4.		
677.		I,1.21.	0.36.	40. 3.
678.		I,4.12.	-1. 26.	38. 5.
679.		II,1.5.	-4. 39.	38. 23.
680.		V,1.3.	-2. 33.	35. 36.
681.		V,4.5.	-3. 17.	36.38.
682.		VII,5.7.	-2. 26.	30. 55.
683.	çe.	I,6. 4.	-2. 20.	37. 33.
	ço.	*n. M.*		
	çu.	*n. M.*		
	che.	*n. R.*		
	cheu.	*n. R.*		
684.	chu.	XV,3.15.	-15. 6.	23. 33.
	fung.	*n. M.*		
685.	kiang.	VI,5 8.	-10.40	29.48.
	lang-ho.	*n. Fl. & R.*		
	lieu.	*n. M.*		
	man.	*n. R.*		
	mi.	*n. U.* Qvang-si.		
686.	muen.	IX,14.4.	0. 16.	30.10.
	na.	*n. R.* Kin.		
	nui.	*n. U.* Hoai-king.		
	tat.	*n. munim.*		
687.	xan.	III,2.2.	-9. 3.	36.28.
688.		IV,a.6.	4.27.	37. 13.
689.	xui.	VII,5.6.	-2. 30.	31. 10.
690.	yang.	VII,13.2.	-5. 43.	27. 0.
691.	Kia.	III,8.16.	-7. 25.	39. 0.
692.		V,a.3.	-4. 25.	34.50.
693.	ciang.	IV,2.15.	-0.40.	36.14.
694.	çu.	XII,b.5.	-1. 29.	23. 12.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Kia-fung.	*n. Insul. 2.*		
695.	hing.	X,2.1.	4. 0.	31. 15.
	kia.	*n. Pagi.*		
	ling.	*n. Fl.*		
	ning.	*n. U.*		
696.	ting.	VI,c.1.	-13. 2.	29.48.
697.		IX,3.5.	4. 15.	31. 34.
698.	xen.	X,2.2.	4.10.	31. 8.
699.	yu.	VII,1.3.	-3. 51.	30.30.
700.	Kiai.	II,2.18.	-7. 5.	36.20.
701.		III,5.14.	-12. 16.	34.55.
702.	hieu.	II,5.4.	-5. 45.	38. 0.
703.	Kian-gan.	VI,e. 4.	-11. 20.	29. 4.
	hia.	*n. U.* Te-gan.		
704.	Kiang.	II,2.24.	-6. 18.	36.50.
705.		- - 26.	-6. 10.	36.35.
706.		XIII,8. 22.	-12.26.	23. 13.
		n. Fl. 3.		
		n. R.		
	cheu.	*n. U.* Nan-kang		
707.	chuen.	XV,5. 2.	-13. 53.	24. 21.
708.	cin.	VI,5. 2.	-10.40	30. 19.
	hia.	*n. U.* Uu-chang.		
709.	hoa.	VII,13. 7.	-5. 48.	25. 41.
	jung.	*n. R.*		
	nan.	*n. Reg.*		
	nin.	*n. U.*		
710.	ning.	IX,1.1.	1. 26.	32. 40
	ping.	*n. Pop.*		
711.	pu.	IX,1.6.	1. 14.	32.48.
	si.	*n. R.*		
	teu.	*Fl. ora.*		
	tu.	*n. U.* Yang-cheu.		
712.	xan.	X,6. 4.	1. 19.	28. 23.
713.	yeu.	VI,7.2.	-12.10.	32.20.
714.	yn.	IX,5.3.	3. 16.	32.39.

Kiang-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
5.	Kiang-yuen.	C. 4.	8. 30.	38. 20.
6.	Kiao.	IV, 6. 5.	3. 2.	35. 46.
	n. Amn.			
	n. Lac.			
	chi. n. U. Tai-ping.			
7.	ching.	II, 1. 8.	-5. 30.	38. 27.
8.	ho.	I, 3. 6.	0. 0.	38. 20.
9.	hoa.	XV, 3. 12.	-14. 16.	23. 36.
	Kie. n. Amn.			
	n. M. 2.			
0.		II, 2. 29.	-7. 13.	37. 11.
	cheu. n. U. Kie-gan.			
	n. M.			
1.	chi.	II, 1. 20.	-4. 20.	39. 30.
	gam. n. U. Kiegan, VIII.			
2.	gan.	VIII, 9. 1.	-2. 49.	27. 42.
3.		XIII, 8. 14.	-11. 45.	23. 47.
	gnan. Est Kie-gan.			
4.	lung.	XIII, 8. 11.	-11. 46.	23. 37.
	mo. n. Fl.			
	ngan. n. U. Kie-gan.			
	ny. n. M.			
5.	xe.	XII, b. 6.	-1. 49.	22. 50.
6.	xui.	VIII, 9. 3.	-2. 30.	27. 47.
	yang. n. M.			
7.		XII, 5. 3.	-1. 28.	32. 54.
	Kien. n. Lac. 2.			
8.		III, 1. 29.	-8. 38.	36. 27.
9.		VI, 1. 16.	-12. 23.	30. 26.
0.		- 2. 8.	-11. 24.	32. 42.
1.	chang.	VI, h. 1.	-15. 4.	28. 31.
2.		VIII, 4. 5.	-2. 0.	29. 50.
3.		VIII, 6. 1.	-0. 43.	28. 12.
	cheu, Est Fo-cheu.			
	Est Jeu-ping.			
	Est Kien-ning.			

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
734.	Kien-chuen.	XV, c. 2.	-16. 59.	26. 34.
	gen. n. U.			
735.	guei.	VI, c. 5.	-12. 51.	29. 29.
	kam. n. U.			
736.	li.	VII, 6. 4.	-5. 6.	30. 20.
	ling. n. U. Quei-ling.			
	nan. n. U. Ching-tu.			
	ngan. n. U.			
737.	ning.	XI, 4. 1.	1. 0.	27. 0.
738.		8. 4.	-0. 44.	27. 13.
739.	ping.	IX, a. 2.	1. 56.	30. 10.
	sieu. n. M.			
740.	te.	IX, 13. 5.	-0. 15.	30. 42.
	vu. n. U. Kieu-chang.			
741.	xi.	VI, 6. 11.	-7. 56.	30. 24.
742.	xui.	XV, 3. 2.	-14. 19.	23. 50.
743.	yang.	XI, 4. 2.	0. 45.	27. 22.
744.	Kieu.	IV, 3. 5.	-1. 16.	37. 18.
	chin. n. M.			
	hoa. n. M.			
745.	kiang.	VIII, 5. 1.	-1. 34.	30. 25.
	lang. n. M.			
	li. n. Vall.			
	lung. n. Lac.			
	n. M.			
	puon. n. M.			
	quon. n. M.			
	sang. n. M.			
	Kin. n. Fl. 2.			
	n. M.			
	n. Pop.			
746.		III, 6. 4.	-11. 57.	37. 24.
747.	cheu.	L. a. 10.	4. 55.	38. 38.
	n. U. King-yang.			
	chi. n. R.			
	ching. n. M.			

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	Kin-chung. *n. U.* Su-cheu.		
	n. U. Su-nan.		
	cing. *n. M.*		
748.	hiang. IV,2.7.	-0. 18.	35. 58.
	hoa. *n. M.*		
749.	X,5.1.	2. 12.	28. 57.
750.	ki. VIII,7.3.	-0. 42.	28. 30.
751.	kiun. XIV,1.2.	-11. 52.	25. 51.
	lien. *n. M.*		
	ma. *n. M.*		
	muen. *n. Peninſ.*		
	na. *n. M.*		
	ning. *n. Lac.*		
	n. U.		
	ping. *n. M.*		
	quei. *n. Lac.*		
752.	tan. IX,6.3.	2. 26.	32. 30.
753.	tang. III,b.18.	-8. 6.	38. 50.
754.	VI,1.6.	-12. 30.	30. 56.
	ting. *n. R.*		
	ui. *n. M.*		
	xa. *n. Fl. 2.*		
	n. Lac.		
	n. Inſul.		
755.	xan. X,a.2.	4. 38.	30. 25.
	xe. *n. Riv.*		
756.	xe-fan. XIV,1.10.	-11. 55.	25. 34.
	xui. *n. Fl.*		
	yao. *n. M.*		
	King. *n. Fl. 3.*		
	n. M. 2.		
757.	I,3.11.	-0. 25.	38. 20.
758.	IX,12.3.	0. 54.	31. 20.
759.	III,4.6.	-9. 10.	37. 6.
760.	XII,8.2.	-7. 55.	22. 18.
761.	cheu. VII,6.1.	-5. 48.	30. 50.

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
762.	King cheu. L.a.6.	3. 8.	40. 10.
	n. U. Xiu-cheu.		
763.	fu. VI,4.2.	-12. 32.	29. 3.
	keu. *n. U.*		
	ki. *n. M.*		
764.	C.1.	7. 40.	38. 0.
765.	ling. VII,14.5.	-4. 40.	30. 55.
	lui. *n. M.*		
	muen. *n. M.*		
766.	VII,14.6.	-5. 48.	31. 30.
767.	ning. X,7.10.	2. 59.	27. 33.
	te. *n. U.*		
768.	tu. I,2.8.	-2. 7.	39. 10.
769.	tung. XV,7.1.	-16. 30.	24. 52.
770.	xan. VII,14.2.	-4. 46.	31. 31.
771.	xang. C.5.	8. 15.	37. 15.
772.	yang. III,1.5.	-8. 13.	35. 57.
773.	7.1.	-9. 6.	37. 27.
774.	yuen. X,7.7.	2. 18.	27. 0.
775.	XIII,3.1.	-9. 46.	25. 2.
	n. U. Ning-po.		
	n. U. Ping-leang.		
776.	yun. I,3.18.	0. 15.	38. 8.
	Kio. *n. F.*		
777.	cheu. I,6.2.	-1. 56.	37. 24.
778.	cing. XV,a.1.	-13. 48.	25. 35.
779.	heu. IV,2.2.	0. 14.	36. 8.
780.	xan. V,8.9.	-3. 17.	33. 40.
781.	yao. II,2.9.	-5. 45.	26. 53.
782.	Kiu. IV,4.12.	1. 39.	35. 54.
783.	VI,3.7.	-9. 57.	31. 5.
784.	cheu. X,6.1.	1. 37.	28. 42.
	chung. *n. Dynaſtia.*		
	n. U. Chang-te.		
785.	cin. XV,f.4.	-17. 24.	27. 1.
786.	kiang. XV,5.10.	-8. 37.	30. 17.

Kiu-

m.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	Kiu-leu. n. M.		
	lieu. n. M.		
7.	lo. I,5.6.	-2. 11.	37.45.
	tho. n. Fl.		
	ting. n. M.		
	to. n. Font.		
	ye. n. M.		
8.	yang. VII,12.6.	-8. 22.	27.50.
9.	ye. IV,2.16.	-0. 26.	36. 5.
0.	yung. IX,2.2.	2. 0.	32. 32.
	Kive. n. Insul.		
	n. M.		
	Kiuen-cheu. n. U.		
	Kiun. n. Inf.		
	n. M. 3.		
1.	VII,3.7.	-6. 30.	33. 13.
	çu. n. Lac.		
2.	cheu. XII, 10.0.	-6. 36.	19.40.
3.	ching. IV,2.17.	-0. 59.	36.24.
4.	Kiung. VI,d.1.	-13. 30.	30. 16.
	cheu. n. U.		
	lai. n. M.		
5.	pu. VI,k.20.	-14. 15.	29. 8.
	yo. n. M.		
	Ko-cung. n. M.		
6.	fan. II,1.21.	-6. 20.	39. 15.
	poi. n. Amn.		
7.	Ku-ching. I,3.14.	-0. 51.	37.56.
8.	gan. I,1.7.	0. 15.	39.30.
9.	yven. III,4.5.	-10. 2.	37. 18.
	Kung. n. F.		
0.	chang. VI,4.10.	-12. 18.	28.44.
	hoa. n. R.		
	ming. n. Inf.		
	que. n. R.		

Num.	NOMENCL. GEOGRAPH.	Long.	Lat.
	L.		
801.	La-çu-ho. XV,11.2.	-15. 34.	27.39.
	no. n. M.		
802.	ye. XV,h.2.	18. 38.	25.29.
	Lai. n. Pop.		
803.	cheu. IV,6.1.	3. 9.	36.57.
804.	gan. IX,c.3.	1. 39.	33. 20.
805.	kiang. VI, c.4.	-13. 52.	30.10.
806.	pin. XIII,2.7.	-9. 53.	24.54.
	fu. n. Fl.		
807.	uu. IV,1.19.	1. 2.	36. 35.
808.	xui. I,2.20.	-1. 16.	39.40.
809.	yang. IV,5.6.	3.40.	36.50.
810.	Lan. III,6.3.	-12.20.	37. 4.
811.	XV,f.3.	-17.26.	27.16.
812.	çang. XV,1.4.	-16.19.	27. 3.
	n. U. Jung-chang.		
	n. Fl.		
813.	jang. V,1.15.	-2. 32.	35. 57.
814.	ki. X,5.2.	2. 9.	29. 8.
815.	kiang. VII,c.7.	-7. 30.	29.20.
	kiu-fu. n. M.		
816.	tien. III, 1.8.	-7. 53.	35. 31.
	tong-fwa. n. munim.		
817.	xan. VII,10.9.	-5. 14.	25.46.
	Lang. n. Amn.		
	n. Lac.		
	cheu. n. U. Pao-ning.		
818.	ki. XIV,3.6.	-10.10.	27.55.
819.	kiu. XV,k.1.	-15. 55.	27.28.
820.	kiung. XV,2.5.	-16.56.	26. 0.
	pon. n. Pagi.		
	quon. n. L.		
	sie. n. M.		
	xe. n. M.		
	Lao. n. M.		

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
821.	Lao-chua.	XV,l.15.	-16.58.	22. 3.
	qvo. *Est* Laos.			
822.	Le.	VI,k.12.	-14.40	26.43.
	Leang.	*n.R.*		
		n. Riv.		
823.	cheu.	III,a.6,	13.30.	38. 5.
824.	hiang.	I,1.4,	-0. 19.	39.40.
825.	sai.	XIV,7.10.	-8. 36.	27. 11.
826.	tang.	III,5.17.	-9. 51.	35.40.
827.	xan.	VI,6.10.	-9. 0.	31.20.
		n. Lac.		
828.	Leao.	II,b.1.	-4. 0.	37.56.
	si.	*n. U.* Jung-ping.		
	tang.	*n. R.*		
	tung.	*n. R.*		
829.	yang.	L. a,1.	5. 33.	39.30.
	Leng-yun.	*n. M.*		
	Leu.	*n. Fl.*		
830.	hia.	IV,5.4.	4. 7.	36.40.
	kia.	*n. M.*		
	Li,	*n. Fl.*		
		n. R.		
831.		III,5.13.	-10.12.	35.47.
	chi.	*n. M.*		
832.	ching.	II,4.7.	-3. 50.	37.20.
833.	cin.	IV,1.29.	1. 30.	37.45.
834.	kiang.	XV,f.1.	-16.58.	26.54.
835.	ling.	VII,8,6.	-4.40.	28. 35.
	mon.	*n. M.*		
836.	ping.	XIV,7,1.	-8. 35.	26.42.
837.	vo.	III,1,9.	-8.40.	35. 28.
	Lie.	*n. M.*		
		n. R.		
	chi.	*n. Insul.*		
838.	pu.	XIII,4,5.	-7.36.	25. 15.
839.	xui.	IX,1.4.	1. 54.	33. 12.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
840.	Lie-yang.	IX,1.3.	2. 15.	32.20.
	Lien.	*n. Amn.*		
		n. Fl. 2.		
		n. Font.		
841.		XII,1.12.	-4.48.	24.55.
842.	cheu.	XII,8 1.	-7. 12.	22. 0.
843.	ching.	XI,6.6.	-0. 28.	25. 34.
	hoa.	*n. Lac.*		
		n. M.		
844.	kiang.	XI,1.5.	2. 59.	26. 11.
	ngan.	*n. U.*		
845.	xan.	XII,1.14.	-4. 58.	24.38.
	yun.	*n. Insul.*		
	yung.	*n. U.*		
	Lieu.	*n. Amn.*		
		n. Fl. 2.		
		n. Lac. 2.		
		n. Torrent.		
846.	cheu.	XIII,2.1.	-8. 42.	25.10.
847.	ching.	XIII,2.4.	-9. 8.	25. 15.
	fan.	*n. Amn.*		
848.	yang.	VII,8.5.	-4. 31.	29. 3.
	Lin.	*n. M.*		
849.		II,5.8.	-6.40.	38. 35.
850.		V.3.4.	-3.40.	3. 7.
851.	cao.	XII,10.3.	-7. 10.	19.48.
852.		III,1.4.	-8. 5.	35.40.
853.	chang.	V,3.3.	-3. 22.	37. 18.
854.	chi.	IV,4.2.	1. 20.	36.56.
		n. U. Ci-nan.		
855.	ching.	I,4.25.	-2. 28.	38. 28.
856.	chuen.	II,c,4.	-4. 8.	56.54.
857.		XIII,1.3.	-7. 50.	26. 7.
858.	cin.	II,2.13.	-7. 11.	36.28.
859.	cing.	IV,3.9.	-0. 52.	37.26.

Lin-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
0.	Lin-gan.	X,1.5.	2. 38.	30 15.
1.		XV,3.1.	-14.19	24. 6.
	ge. *n. Inſ.*			
2.	hoai.	IX,2.2.	0.10.	34. 7.
	n. U. Hoai-gan.			
	hoang. *n. Fl.*			
3.	kiang.	VIII,8.1.	-2. 0.	28. 35
4.	kiu.	IV,4.8.	1. 43.	36. 47
	ling. *n. U.* Jung-cheu.			
5.	ſi.	XV,f.5.	-17.19.	27. 31.
6.	ſiang.	VII,7.2.	-4. 17.	30. 3.
	ſing. *n. U.*			
	tao. *n. U.*			
7.	uu.	VII,10.8.	-4. 50.	25. 54.
8.	xui.	VI,3.10.	-10.16.	30. 49
9.	yao.	III,6.1.	-12. 6.	36. 47.
0.	ye.	IV,1.12.	0. 36.	37. 35.
1.	yeu.	III,2.6.	-1. 10.	36. 40
2.	yu.	V,1.22.	-3. 30.	34. 52.
3.	Ling.	IV,1.16.	-0. 26	37. 46.
4.		VII,10.6.	-4. 56.	26. 52.
	n. M. 2.			
	cing. *n. U.*			
	civen. *n. U.*			
	fung. *n. M.*			
5.	kieu.	II,3.11.	-3. 28.	39. 44
6.	lung.	XV,6.2.	-17.10.	25. 24
7	pao.	V,6.12.	-6. 50.	35. 53
8.	pi.	IX,2.14.	-0. 24.	34. 45
9.	tai.	III,4.7.	-9. 3.	36. 56
0.	xan	XII,8.3.	-7. 15.	23. 0.
1.	xe.	II,5.6.	-6. 30.	28. 20.
2.	xeu.	I,4.4	-3. 6.	38. 50.
3.	xui.	XII,10.11.	-6. 52.	18. 24
	yang. *n. Coll.*			
4.	Lio-yang.	III.3.9.	-10. 6.	34. 54.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
885.	Liu-cheu.	VI,e.1.	-11. 27.	29. 14.
	kiang. *n. Fl.*			
886.	xun.	I.b.2.	4. 37.	38. 30.
887.	yang.	VII,10.3.	-4. 47.	27. 18.
	Lo. *n. Amn. 2.*			
	n. Fl.			
	n. M.			
888.		I,8.5.	1. 18.	39. 40.
889.	chang.	XII,2.2.	-4. 7.	25. 7.
	cheu. *n. M.*			
	n. U. Nien-cheu. Ping-lo.			
	chi. *n. Lac.*			
890.		VI,2.8.	-11. 50.	30. 40
891.	ching.	XIII,2.3.	-9. 26.	25. 27.
892.		I,4.6.	-2. 16.	38. 36.
893.	chuen.	XIII,5.9.	-7. 38.	22. 54.
	chung. *n. M.*			
894.	cing.	X,11.3.	4. 28.	22. 49.
	co. *n. M.*			
895.		XV,10.2.	-15. 56.	24. 37.
896.	çu.	XV,1.9.	-14. 46	24. 59.
	cung. *n. M.*			
897.		XV,3.18.	-14. 30.	23. 28.
898.	fan.	XIV,1.12.	-11. 24.	25. 35.
	feu. *n. Fl.*			
	n. M. 2.			
899.	fung.	XV,1.10.	-14. 57.	24. 43.
900.	gan.	IV,4.5.	1. 43.	37. 14.
901.		IX,9.6.	-0. 57.	32. 38.
902.		VIII,7.5.	-1. 46.	28. 2.
903.	hiung.	XV,2.6.	-13. 36.	24. 57.
904.	ho.	IX,1.7.	1. 45.	32. 50.
905.	hoei.	XII,10.7.	-6. 23.	19. 20.
	hu. *n. Lac.*			
	keu. *n. Pontis.*			

Lo.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
906.	Lo-keu.	XIV, e. 25.	-12.50.	27.20.
907.	kiang.	VI, 1. 26.	-12.40	31. 12.
908.	kiven.	XV, d. 4.	-14.46	25. 39.
909.	leang.	XV, a. 4.	-13. 51.	25. 6.
910.	ling.	IV, 1. 26.	-0.46.	37.50.
	lo.	*n. M. 2.*		
	ni.	*n. M.*		
911.	pi.	XIII, 8. 22.	-12. 5.	23. 20.
912.	pie.	XV, g. 2.	-15. 20.	23. 53.
	ping.	*n. M.*		
913.		II, 1. 15.	-10.35.	26. 30.
914.		VIII, 2. 3.	-0. 8.	29. 33.
915.		XIV, 8. 10.	-3. 40.	38. 34.
916.		XIV, e. 9.	-10. 33.	27. 19.
	pu.	*n. M.*		
917.	tien.	VII, 5. 2.	-2. 25.	31. 41.
918.	ting.	I, 8. 6.	1, 30.	39. 35.
919.		XII, 2. 1.	-5. 9.	23. 25.
	tung.	*n. Munim.*		
920.		XIV, 8. 8.	-19.10.	26. 5.
921.	xan.	V, 8. 8.	-3. 0.	33. 21.
	xui.	*n. Lac.*		
	yang.	*n. Fl.*		
		n. M.		
		n. Pont.		
922.		XIII, 8. 9.	-11. 35.	23. 16.
923.	ye.	V, 2. 3.	-1. 44.	34. 54.
	yo.	*n. M.*		
	yu.	*n. F.*		
924.	yuen.	XI, 1. 6.	3. 16	26. 20.
	Lu.	*n. Fl. 2.*		
		n. Ins.		
		n. M. 2.		
		n. R.		
	Lucapar.	*n. Insul.*		
925.	Lu-cheu.	IX, 9. 1.	-0. 8.	33. 4.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
926.	Lu-ching.	II, 4. 5.	-4. 10.	37. 13.
	cing.	*n. U.* Liu-cheu.		
	cu.	*n. Lac.*		
	çu.	*n. Lac.*		
927.	fan.	XIV, 1. 17.	-11. 9.	25. 23.
928.	gan.	II, 4. 1.	-4. 20.	37. 13.
	keu.	*n. Fl.* San-kan.		
	ki.	*n. M.*		
		n. U. Xin-cheu.		
929.		VII, 12. 2.	-7. 40.	28. 52.
930.		VIII, 6. 5.	-1. 10.	27. 43.
931.	kiang.	XV, h. 7.	-18. 15.	25. 21.
932.		IX, 9. 3.	-0. 2.	31. 58.
933.		XV, h. 3.	-17. 56.	24. 49
		n. U. Lu-cheu.		
934.	nan.	XV, 5. 5.	-13. 49.	24. 31.
	po.	*n. Amn.*		
	quei.	*n. R.*		
935.	xan.	V, 6. 14	-6. 28.	35. 4.
936.		V, a 2.	-5. 35.	34. 45.
937.		VI, f. 4.	-14. 33.	30. 46.
938.		XIV, 1. 16.	-11. 40.	25. 30.
	yeu.	*n. Riv.*		
	yven.	*n. Amn.*		
	Lui.	*n. Lac.*		
939.	cheu.	XII, 9. 1.	-6. 20.	28. 58.
	cung.	*n. Catadupa.*		
	Lung.	*n. Collis.*		
		n. Fl.		
		n. M. 2.		
		n. Torrent.		
940.		III, 2. 7.	-9. 45.	36. 25.
941.		XIII, 8. 21.	-12. 51.	23. 12.
942.		— 11. 3.	-11. 9.	24. 16.
943.	chuen.	XII, 4. 5.	-2. 31.	23. 45.
944.		XV, m. 1.	-18. 28.	24. 16.

Lung-

.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Lu-ching. *n. U.* Lieu-cheu.				Lung-cie. *n. M.*		
5.	cing. II,4.5.	-4.10.	37.13.		cing. *n. Coll.*		
	cu. *n. Lac.*			964.	civen. VIII,9.6.	-3.11.	27.0.
	çu. *n. Lac.*			965.	X,7.6.	2.19.	27.19.
6.	fan. XIV,1.7.	-11.9.	25.23.	966.	XIV,5.3.	-9.55.	28.25.
7.	gan. II,4.1.	-4.20.	37.13.		*n. M. 2.*		
	keu. *n. Fl.* San-kan.			967.	gan. VI,7.1.	-12.10.	32.45.
	ki. *n. M.*			968.	XIII,7.2.	-10.51.	23.20.
	n. U. Xin-cheu.				hing. *n. Fani.*		
8.	VII,12.2.	-7.40.	28.52.		*n. U.* Nau-chang.		
9.	VIII,6.5.	-1.10.	27.43.		hu. *n. F.*		
0.	kiang. XV,h.7.	-18.15.	25.21.	969.	li. XIV,7.15.	-8.56.	27.9.
1.	IX,9.3.	-0.2.	31.58.	970.	XIV,c.10.	-11.9.	26.27.
2.	XV,h.3.	-17.56.	24.49.		ma. *n. Insul.*		
	n. U. Lu-cheu.				muen. *n. M. 2.*		
3.	nan. XV,5.5.	-13.49.	24.31.		*n. Fl. 3.*		
	po. *n. Amn.*			971.	I,d.5.	-1.29.	40.5.
	quei. *n. R.*			672.	XII,1.10.	-3.10.	23.35.
4.	xan. V,a.2.	-5.35.	34.45.	973.	nan. VIII,12.9.	-2.18.	25.8.
5.	VI,f.4.	-14.33.	30.46.		nien. *n. M.*		
6.	XIV,1.16.	-11.40.	25.30.	974.	XI,3.3.	-0.35.	24.52.
7.	xi. V,6.14.	-6.28.	35.4.	975.	ping. I,4.23.	-2.6.	38.15.
	yeu. *n. Riv.*				si. *n. U.* Lin-yao.		
	yuen. *n. Amn.*			976.	te. III,4.9.	-10.13.	37.10.
	Lui. *n. Lac.*				xeu. *n. M.*		
8.	cheu. XII,9.1.	-6.20.	28.58.	977.	yang. VII,11.3.	-5.52.	29.32.
	cung. *n. Catadupa.*			978.	yeu. X,6.2.	-1.48.	28.54.
	Lung. *n. Collis.*			979.	yng. XIII,8.25.	-11.56.	23.42.
	n. Fl.			980.	yo. VI,k.25.	-15.26.	27.24.
	n. M. 2.				Ly. *n. Fl.*		
	n. Torrent.				*n. M.*		
9.	III,2.7.	-9.45.	36.25.		*n. R.*		
0.	XIII,8.21.	-12.51.	23.12.	981.	I,2.11.	-1.26.	39.5.
51.	II.3.	-11.9.	24.16.	982.	XIII,b.2.	-12.27.	24.17.
52.	chuen. XII,4.5.	-2.31.	23.45.	983.	VI,k.6.	-14.15.	29.45.
53.	XV,m.1.	-18.28.	24.16.	984.	po. XIII,3.7.	-10.25.	24.25.

Ly-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Ly-tang.	n.M.		
	M.			
985.	Ma-cao.	XII,1.16.	-3. 10.	22. 19.
986.	ching.	VII,5.3.	-3. 10.	31. 38.
	cie.	n.M.		
	cu.	n.M.		
987.	çu.	VI,k.21.	-15.40	27.44
	gan.	n.M.		
988.	ho.	XIV,8.3.	-9. 58.	26. 31.
	hu.	n.Lac.		
989.		VI,8.1.	-13.19.	29. 5.
	kao.	n.U.		
990.	lung.	XV,a.5.	-13.50.	25. 44
991.	ny.	XIV,3.5.	-10.40	27.50.
	nyen.	n.Pop.		
	tang.	n.M.		
992.	uan.	IV,a.8.	3. 14.	36. 2.
993.	yang.	VII,12.7.	-8. 18.	28. 23.
994.	ye.	II,3.7.	-5. 0.	39. 50.
995.		II,d.4.	-5. 10.	40. 0.
996.	Mang-xi.	XV,m.7.	-18.10.	23. 51.
	Mao.	n.M.		
		n.R.		
	cheu.	n.U.		
	Me.	n.R.		
	kiang.	n.Amn.		
	ſon.	n.Fl.		
997.	Men-chang.	XV,l.8.	-16.50.	23. 32.
998.	Meng.	V,5.5.	-4. 50.	36. 4.
999.	cin.	V,6.4.	-4. 50.	35. 50.
1000.	co.	XV,l.7.	-19. 6.	22. 0.
1001.	king.	XV,l.2.	-17.39.	23. 17.
1002.	li.	XV,l.4.	-18. 5.	24. 3.
1003.	lien.	XV,l.3.	-17. 25.	23. 16.
	muen.	n.M.		
	po.	n.M.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
1004	Meng-tien.	XV,l.6.	-18.48.	22. 8.
1005.	ting.	XV,l.5.	-18. 5.	24. 29.
1006.	yang.	XV,l.1.	-17.55.	23. 6.
1007.	Mi-che.	III,8.15.	-7. 41.	38. 40.
	cheu.	n.U. Xui-cheu.		
1008.	ço.	III,b.23.	-7. 6.	39. 40
	dag.	n.R.		
1009.	le.	XV,9.3.	-13.46.	24. 12.
1010.	tien.	XV,l.14.	-18.42.	23. 17.
1011.	Miao-min.	XIV,5.2.	-9. 53.	27. 58.
1012.	Mie.	V,1.29.	-4. 4.	35. 26.
		n.Lac.		
	lo.	n.Amn.		
1013.	yun.	I,1.5.	0. 28.	40. 5.
	Mien.	n.R.		
1014.		III,3.7.	-10. 6.	34. 45.
1015.		VI,1.24.	-12. 5.	31. 40.
1016.		XV,l.9.	-19. 19.	23. 3.
1017.	chi.	V,6.9.	5. 50.	35. 48.
1018.	cho.	VI,1.22.	-12. 55.	31. 13.
	kiang.	n.M.		
	ping.	n.M.		
1019.	yang.	VII,14.4.	-4. 56.	30. 40
1020.	Mieu.	VI,1.27.	-13. 42.	31. 40.
	Min.	n.Fl.		
		n.M.		
		n.R.		
1021.	cheu.	III,a.5.	-12. 6.	36. 0.
1022.	cing.	XI,1.3.	1. 53.	26. 2.
	fung.	n.M.		
	kiang.	n.Fl.		
	ja-zeen.	n.U.		
	Ming.	n.Fl.		
		n.Lac.		
	cheu.	n.U. Ning-po.		
1023.	xa.	III,b.14.	-11. 0.	38. 33.

Ming-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
1024.	Ming-xan.	VI, f. 2.	-13. 58.	30. 31.
	xe.	*n. M.*		
1025.	yng.	XIII, 8. 12.	-12. 35.	23. 26.
	yo.	*n. Font.*		
		n. Torrent.		
	yue.	*n. Lac.*		
		n. M.		
	Mo-cang.	*n. M.*		
	ce.	*n. M.*		
	cing.	*n. M.*		
	hi.	*n. M.*		
1026.	hiang.	XIV, 1. 19.	-11. 30.	25. 26.
	ling. *n. U.* Kiang-ning.			
		n. M.		
	ma.	*n. Stagni.*		
	nien.	*n. Coll.*		
1027.	pang.	XV, k. 4.	-18. 21.	22. 51.
1028.	qua.	XIV, 1. 3.	-11. 45.	25. 37.
	sa-le.	*n. Fl.*		
	tien.	*n. M.*		
	yam.	*n. Pagi.*		
1929.	yang.	IX, 8. 5.	2. 10.	34. 40.
		n. M.		
	ye.	*n. M.*		
	Mong-ley.	*n. R.*		
1030.	Mu-yo.	XIV, b. 2.	-12. 50.	25. 5.
1931.	Mui.	III, 2. 5.	-9. 9.	35. 59.
1032.	cheu.	VI, b. 1.	-12. 42.	30. 18.
1933.	hoa.	XI, b. 4.	3. 21.	25. 52.
	lin.	*n. M.*		
	Mung.	*n. M. 2.*		
		n. R.		
1034.	ching.	IX, 2. 9.	-0. 35.	34. 12.
1035.	çu.	XV, 3. 10.	-13. 56.	23. 35.
1036.	hoa.	XV, 6. 1.	-16. 38.	25. 23.
	lo.	*n. M. 2.*		
1037.	yang.	XV, 1. 13.	-19. 4.	23. 17.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
1038.	Mung-yn.	IV, 4. 11.	1. 27.	36. 3.
	Muon.	*n. Riv.*		
1039.	ching.	I, 2. 2.	-1. 51.	39. 28.
	Murus Tataricus. Vid. *Van-li-ching.*			
	N.			
1040.	Na-ki.	VI, e. 2.	-11. 4.	29. 12.
1041.	leu.	XV, 3. 11.	-14. 25.	23. 19.
	lo.	*n. M.*		
	Nan.	*n. Lac.*		
		n. M. 4.		
1042.		X, 2. 17.	4. 6.	27. 20.
	chan.	*n. U.*		
1043.	chang.	VII, 3. 3.	-5. 48.	32. 9.
1044.		VIII, 1. 1.	-1. 36.	29. 13.
	chao.	*n.* R. Mung.		
1045.		V, 7. 6.	-5. 35.	34. 0.
1046.	chuen.	VI, 5. 9.	-0. 50.	30. 50.
1047.		XIII, 3. 6.	-10. 47.	24. 33.
	chum.	*n. U.*		
1048.	cing.	XI, 3. 4.	0. 34.	24. 39.
1049.	cung.	I, 4. 13.	-1. 39.	37. 56.
	fung. *n. U.* ching-yang.			
1050.		VIII, 6. 3.	-0. 49.	27. 42.
1051.	gan.	VIII, 13. 1.	-3. 3.	25. 49.
1052.		XI, 2. 2.	-2. 29.	25. 14.
1053.		XV, 4. 6.	-15. 12.	24. 55.
	gao.	*n. R.*		
1054.	ho.	I, 5. 3.	-2. 53.	37. 48.
	hoa.	*n. M.*		
	hung.	*n. U.*		
	ive.	*n. R.*		
1055.	kang.	VIII, 4. 1.	-1. 13.	30. 2.
1056.		VIII, 13. 2.	-2. 49.	25. 56.
	ke.	*n. U.* Xun-king.		
	ki.	*n. M.*		

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
1057.	Nan-ki.	VI,4.4.	-11.47.	29. 7.
	n. U. Siu-cheu.			
1058.	kiang.	VI,2.10.	-11. 35.	31. 55.
	kien. n. U. Jen-ping.			
	kin. n. M.			
	king. n. R.			
1059.		IX,1.1.	1. 26.	32.40.
	n. U. Cai-fung.			
	kiun. n. U. Te-gan.			
1060.	ling.	IX,12.6.	0.40.	31.54.
1061.	lo.	I,7.3.	-2. 0.	36. 31.
	min. n. M.			
	mo. n. Riv.			
1062.	ning.	XIII,7.1.	-9. 30.	23.40.
1063.	pi.	I,3.16.	0.20.	38.20.
1064.	pu.	VI,2.3.	-11. 1.	31. 38.
	quin. V. Kiang-ning.			
	tai. n. Fani.			
1065.	tien.	XV,l.17.	-18.43.	26. 8.
	uang. n. Lac.			
	n. M.			
	xan. n. M.			
	yang. n. U.			
1066.	yang.	V,7.1.	-5. 15.	33. 35.
	yu. n. U. Tai-ping.			
1067.	Nang-iung.	XII,3.1.	-3. 10.	25. 32.
1068.	nei.	VII,c.4.	-7. 53.	30.10.
	Ney-ne-miao. n. Pagi.			
	Ni. n. M.			
	kium. n. U.			
	Niang. n. M.			
1069.	Nien-cheu.	X,4.1.	2. 24.	29. 33.
	cung. n. M.			
1070.	Nieu-ki.	XV,m.6.	-16. 3.	23. 30.
	xeu. n. M.			
	Nin. n. Fl.			
	co-ta. n. R.			

Num.	NOMENCL. GEOGRAPH.		Long.	Lat.
1071.	Nin-que.	IX,12.2.	1. 13.	31. 9.
1072.	Ning.	III,7.4.	-8. 54.	37. 5.
1073.		VIII,1.6.	-2. 59.	29. 11.
1074		XV,3.5.	-14. 0.	24.10.
1075.	cin.	I,3.10.	0. 3.	38. 0.
1076.	çin.	I,4.27.	-2. 14.	38. 23.
1077.	cing.	IV,a.1.	4.55.	36. 18.
1078.	co.	XIV,d.2.	-12. 16.	25. 25.
1079.	ha	IV,5.7.	4.40.	37. 4.
1080.		X,10.5.	5. 18.	29. 3.
1081.		X,a.5.	5. 28.	29. 10.
1082.	hia.	III,b.6.	-10.20	38.50.
1083.	hia-chung.	III,b.7.	-11. 10.	38.40.
1084.	hing.	II,5.5.	-10.45.	38. 10.
1085.		VII,8.4.	-5. 22.	29. 11.
	hoa. n. M.			
1086.		XI,6.2.	-0.44.	26.30.
1087.	kiang.	III,3.8.	-10. 3.	35. 13.
1088.	ling.	V,2.2.	-1. 46.	35. 11.
1089.	po.	X,9.1.	4.46.	29.40
1090.		VI,j.2.	-14.42	28,50.
1091.	que.	IX,12.1.	1. 0.	31. 40.
1092.	te.	XI,a.3.	3. 34.	26. 32.
1093.	tu.	VIII,12.7.	-1. 20.	27. 10.
1094.	yang.	IV,2.3.	0.16.	36.30.
1095.		XI,3.10.	1. 15.	24.56.
1096.	yuen.	III,5.6.	-10.58.	36. 38.
1097.		I,a.5.	2. 38.	40.26
1098.		I,a 8.	2. 55.	40.13.
1099.		VII,13.5.	-5. 30.	26. 5.
	Niu-gin.			
	he. n. M.			
	Nu. n. Fl. Lu.			
1100.	Nui-hiang.	V,7.8.	-6. 27.	34. 2.
1102.	hoang.	I,7.6.	-2. 36.	30. 6.
1103.	kiang.	VI,1,11.	-11. 58.	38. 0.

Nin-

	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
4.	Nui-kieu. I,5.8.	-3. 10.	38. 0.
	qua. *n. Idol. & M.*		
	Nung-chiao. *n. R.*		
	O.		
5.	O-kia. XV,4.5.	-15. 17.	24.24.
	lan-ka. *Est* Hollandia.		
	lun. *n. M.*		
6.	mi. XV,3.4.	-13.57.	24. 2.
	tun-lao. *Est* Quen-lun.		
	Oo. *Ubi nunc* Tung-ping. *R.*		
	P.		
	Pa. *n. Fl. 3.*		
	n. R. Su chuen.		
7.	I,1.17.	0.14.	39.20.
8.	VI,2.5.	-10.25.	32. 0.
9.	cheu. XIV,7.6.	-8. 41.	26.55.
	cio. *n. M.*		
	go-des. *n. M.*		
	ling. *n. U.* Jo-cheu.		
	lung. *n. M.*		
0.	pe. XV,1.10.	-18.30.	22. 0.
1.	ping. XIV,e.4.	-10.46	26. 23.
	quin. *v.* Xun-tien.		
	si. *n. U.* Pao-ning.		
2.	tung. VII,6.13.	-7. 30.	30.59.
	Pakka. *n. Insf.*		
	Pang-cheu. *n. U.* Jang-cheu.		
	Pangerang. *n.* Bay.		
3.	ti. XIII,3.9.	-10.14.	24.27.
4.	yui. XIV,8.5.	-10.18.	26. 13.
	Pao. *n. M. 3.*		
4.	VI,1.30.	-14. 0.	31. 28.
	cai. *n. M.*		
	cheu. *n. U.* Pao-ting.		
5.	cing. VII,c 3.	-8. 8.	29. 5.
6.	ching. III,3.2.	-10. 0.	34.30.

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Pao-fung. *n. M.*		
1117.	V,a.4.	-4.46.	34.36.
1118.	gan. I,b.3.	-1. 0.	40.10.
1119.	III,8.5.	-8. 29.	38. 2.
	ing. *n. U.*		
1120.	kang. VII,15.7.	-6. 26.	32.36.
1121.	ki. III,2.3.	-9. 28.	36. 9.
1122.	king. VII,9.1.	-6. 5.	27.43.
1123.	ning. VI,2.1.	-11. 0.	31. 53.
1124.	te. II,1.24.	-6. 36.	39. 32.
1125.	ti. I,1.14.	-0.36.	39.27.
1126.	ting. I,1.20.	0. 0.	39.20.
1127.	I,2.1.	-1. 46	39.20.
	uu. *n. U.* Kin-hoa.		
1128.	xan. XV,f.2.	-16.45.	27. 9.
1129.	yng. IX,7.6.	2. 14.	38. 8.
1130.	Pe. *n. Lac.*		
	I,2.19.	-1. 30.	39.36.
	chang. *n. M. 3.*		
	che-li. *n. R.*		
1131.	cho. III,b.20.	-9. 28	38. 16.
	co. *n. M.*		
	cui. *n. M.*		
	feu. *n. M.*		
	fuen. *n. R.*		
	gao. *n. R.*		
	n. U. Xao-cheu.		
	hai. *n. U.* Cing-cheu.		
	hiai. *n. Lac.*		
1132.	hiang. I,4.22.	-2. 20.	38. 5.
1133.	ho. III,3.15.	-7.44.	33.50.
	hoa. *n. M.*		
	n. Insul. 3.		
	ki. *n. M.*		
	king. *Est* Xun-tien.		
	Pekkinsa. *n. Pagi.*		

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Pe-li.	*n. Insul.*		
1134.	lieu.	XIII,5.8.	-7.40.	23.35.
	lo.	*n. M.*		
	lu.	*n. Fl.*		
		n. Insul.		
	mung.	*n. M.*		
	pao.	*n. Lac.*		
		n. M.		
	ping.	*n. M.*		
	puon.	*n. Fl.*		
	quey.	*n. Ins.*		
	quin.	*v.* Xun-tien.		
	teng.	*n. M.*		
	ti.	*n. U.* King-yang.		
	tie.	*n. U.* Tai-tung.		
	xa.	*n. Lac.*		
	xe.	*n. Fl.*		
		n. M. 2.		
1135.	xing.	XV,2.1.	-16.8.	26.44.
1136.	xui.	III,1.16.	-7.56.	36.36.
	yen-cing.	*n. Put.*		
	yo.	*n. M.*		
	yun.	*n. Fani.*		
		n. Lac.		
		n. M.		
1137.	Peng.	VI,1.13	-12.49.	31.45.
	çe.	*n. U.* Nan-kang.		
1138.		VIII,5.5.	-0.54.	30.43.
	li.	*v.* Po-yang.		
1139.	xan.	VI,b.2.	-12.56.	30.20.
1140.	xui.	VI,5.20.	-9.30.	29.57.
	Pergumi.	*n. R. Formos.*		
	kusi.	*n. R. Formos.*		
1141.	Pi.	VI,1.9.	-13.15.	30.46.
1142.		IX,8.8.	0.46.	35.6.
1143.	cie.	XIV,e.13.	-13.6.	26.30.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Pi-lin.	*n. R.*		
	na-ba.	*n. R.*		
	pa.	*n. Insul. 3.*		
		n. Mont.		
	sang.	*n. Ins.*		
	sie.	*n. M.*		
	Piao-lo.	*n. M.*		
	Pie.	*n. Amn.*		
		n. Fl.		
		n. M.		
1144	xan.	VI,5.14.	-10.57.	29.55.
	xe.	*n. Lac.*		
1145.	yang.	L.b.10.	5.47.	38.44
1146.		V,7.4.	-4.15.	33.57.
	Pien.	*n. Amn.*		
		n. Lac.		
	cheu	*n. U.* Cai-fung.		
	leang.	*n. U.* Cai-fung.		
1147.	xiao.	XIV,4.4.	-9.30.	27.20.
	Pin.	*n. M.*		
1148.		IV,1.28.	1.22.	37.40
1149.		XIII,2.10.	-9.3.	24.21.
	cheu.	*n. U.* Chin-ting.		
1150.	chuen.	XV,2.6.	-17.10.	25.43.
	yang.	*n. U.* Ping-yang.		
	Ping.	*n. Fl.*		
1151.	ciang.	XIII,9.5.	-12.17.	23.6.
1152.	chai.	VI,k.7.	-9.36.	29.16.
1153.		XIV,6.8.	-8.58.	28.23.
1154.	cheu.	XIV,8.7.	10.44	26.2.
	chieu.	*n. U.* Jung-ping		
1155.	fa.	XIV,1.18.	-11.57.	26.0.
1156.	gan.	C.3.	6.50.	39.0.
1157.	hiang.	I,5.4.	-2.44.	37.37.
1158.		VIII,11.3.	-3.46.	28.28.
1159.	ho.	XI,3.7.	0.7.	24.37.

Ping-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
1160.	Ping-hu.	X,2.4.	4.20.	30.54.
1161.	ko.	I,1.25.	0.26.	39.55.
1162.	jao.	II,5.3.	-5.36.	38.10.
1163.	kiang.	VII,7.4.	-4.20.	29.15.
	n.U.Su-cheu.			
	king. n.U.			
1164.	lang.	XIV,8.6.	-10.30.	26.13.
1165.	leang.	III,4.1.	-9.41.	37.12.
	n.M.			
	li. v.Po-yang.			
1166.		III,3.11.	-7.58.	33.57.
1167.	lo.	II,2.22.	-6.31.	36.10.
1168.		III,c.4.	-11.40.	35.12.
1169.		XIII,4.1.	-7.0.	25.29.
1170.	lu.	III,b.13.	-10.10.	36.0.
1171.		II,d.11.	-5.50.	40.15.
1172.	nan.	XIII,6.2.	-7.36.	24.5.
1173.		XIV,6.7.	-9.20.	28.48.
	n.U.Tai-ping.			
1174.	pa.	XIV,e.17.	-10.14.	27.9.
1175.	sa.	XIV,e.11.	-10.59.	26.0.
	tai. n.M.			
1176.	teu.	XIV,6.6.	-9.5.	28.40.
1177.	ting.	XIV,8.11.	-10.20.	26.26.
1178.		II,1.14.	-3.55.	38.15.
	tu. n.M.			
1179.		IV,6.2.	2.58.	36.26.
1180.	xan.	I,4.8.	-3.24.	38.33.
1181.	xun.	II,4.8.	-3.55.	36.56.
1182.	yang.	II,2.1.	-5.58.	37.19.
1183.		III,e.8.	-9.29.	36.25.
1184.		X,11.4.	4.4.	27.10.
1185.	yu.	IV,2.21.	0.25.	36.25.
1186.	yue.	XIV,e.7.	-10.32.	27.0.
1187.	yuen.	IV,1.22.	0.0.	37.28.
1188.		XII,5.10.	0.30.	24.20.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Po. n.Fl.			
1189.		IV,3.15.	-1.24.	36.28.
1190.		VI,1.6.	-11.50.	27.35.
	ceu. n.Pagi.			
	cheu. n.U.Tung-chang			
	chung. n.M.			
1191.	hing.	IV,4.3.	1.32.	37.10.
1192.	lo.	XII,4.2.	-2.48.	23.29.
	lung. n.M.			
	nan. n.M.			
1193.	pe.	XIII,5.7.	-7.56.	22.53.
1194.	ping.	IV,3.3.	-0.16.	37.5.
	n.U.Tung-chang.			
	vo. n.M.			
	yang. n.Lac.2.			
	ye. n.M.			
	ye.	I,2.7.	-1.42.	39.0.
1195.	Poe-yan. n.U.			
1196.	Poi.	IX,d.5.	-0.14.	35.26.
	hai. n.U.Ho-kien.			
	Poon-tun. v.Puon-tun.			
1197.	Pu.	II,2.11.	-6.40.	37.25.
1198.		- 12.	-7.28.	36.29.
1199.	ching.	III,1.21.	-7.46.	36.0.
1200.		XI,4.4.	1.12.	27.47.
1201.	gan.	XIV,a.1.	-13.5.	25.25.
1202.	ho.	I.b.6.	4.5.	39.48.
1203.	ki.	VII,1.4.	-5.42.	29.50.
1204.	kiang.	VI,d.3.	-13.10.	30.17.
1205.	kive.	III,b.22.	-10.10.	38.15.
1206.	mnen.	XI,b.1.	4.25.	27.0.
1207.	ning.	XII,5.9.	-0.30.	23.40.
1208.	tai.	IV,1.31.	-1.30.	37.32.
	tien. n.Lac.			
	n.R.			
1209.	ting.	XIV,c.1.	-12.7.	26.4.
	Puen-sive. n.F.			

Pung.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Pung-cio. *n. M.*			
1210.	lai.	IV,2.11.	3.50.	37.10.
	Puon. *n. Fl.*			
	n. M. 2.			
	chang. *n. M.*			
	kiang. *n. M.*			
	quen. *n. M.*			
1211.	tun.	X,2.9.	5. 6.	28.10.
	Q.			
1212.	Qua-che.	IX,7.11.	2.29.	32. 53.
	Quan. *n. M.*			
1213.	chang.	VIII.6.4.	-1. 9.	27. 31.
	cy. *n. Pont.*			
	so. *n. M.*			
	to. *n. U.*			
	ton-lu. *n. Pagi.*			
1214.	Quang.	V,8.10.	-1. 50.	33. 20.
1215.	çe.	IX,8.2.	-0. 15.	27.24.
1216.	chang.	II,3.10.	-3. 30.	39. 57.
1217.	cheu.	XII,1.1.	-4. 2.	23. 15.
	chung. *n. U.* Si-gan.			
1218.	çung.	I,5.5.	-2. 30.	37.50.
1219.	gan.	VI,3.6.	-10.14.	31. 0.
	han. *n. U.* Ching-tu.			
	ho. *n. Lac.*			
1220.	hoa.	VII,3.6.	-6. 3.	32. 58.
	liu. *n. M.*			
1221.	ling.	II,3.9.	3. 6.	39.50.
1222.	nan.	XV,8.1.	-13. 25.	24. 0.
1223.	ning.	L.a.4.	4. 4.	39.44.
1224.		L.b.7.	2. 33.	40.4.
1225.		XII,6.9.	-5. 0.	23. 55.
1226.	ning-chung.	L.c.3.	4. 5.	40. 2.
1227.	nin-ço.	L.c.4.	3. 50.	40.14.
1228.	ning-heu-tun.	L.c.6.	3. 53.	39.44.
1229.	ning-yeu.	L,c.5.	4.23.	39.57.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Quang-ning-yeu-tun.			
1230.		L,c.7.	4. 33.	39. 40.
1231.	ping.	I,6.1.	-2. 34.	37. 25.
1232.		I,6.6.	-2. 30.	37. 0.
1233.	si.	XV,9.1.	-13. 35.	24.14.
1234.	sin.	VIII,3.1.	0. 21.	28. 36.
1235.	te.	IX,2.1.	1. 50.	31. 32.
1236.	tung.	XV,4.2.	-15.19.	24.43.
	uu. *n. U.*			
1237.	xan.	V,8.11.	-2. 2.	33. 13.
	yang. *n. U.* Xun-tien.			
1238.	yven.	VI,2.4.	-10.53.	32. 34.
1239.	Que.	I,1.26.	0.15.	39.40.
	lang. *n. U.*			
	Quei. *n. Fl.*			
	n. M.			
	n. R.			
1240.		VI,1.29.	-13.55.	31.40.
1241.		VII,6.11.	-8. 39.	23.42.
1242.		XIII,6.3.	-1. 12.	31. 0.
1243.	cheu.	VI,6.1.	-8. 3.	31. 3.
	n. U. Guei-hoei.			
	n. R.			
1244.	choa.	XV,1.6.	-14.20.	25. 10.
	çung. *n. Monast.*			
1245.	hoa.	XI,6.7.	-0. 20.	26. 31.
1246.	ki.	VIII,3.4.	-0. 19.	28. 41.
	kive. *n. M.*			
1247.	lin.	XIII,1.1.	-7. 32.	25.54.
	lung. *n. M.*			
	muen. *n. M.*			
1248.	te.	V,2.1.	-1. 32.	35. 10.
1249.		XIII,11.4.	-11. 0.	23.50.
1250.	tung.	VII,b.6.	-4. 5.	26.29.
1251.	xun.	XIII,10.5.	-12. 14.	23. 50.
	yang. *n. U.* Heng-cheu.			

Quei-

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
2.	Quci-yang. VII,10. 7.	-4. 53.	26. 27.
3.	XIV,1.1.	-11.46.	26. 0.
4.	VII,b. 5.	-4. 6.	27. 32.
	yu. n.F.		
	n.M.		
5.	yuen. XV,m.2.	-16.55.	24.20.
	Quen. n.M.		
	lun. n.M.		
	lung. n.M.		
	ming. n.Lac.2.		
	ny. n.Pop.		
	ſo. n.M.		
	thung. n.Fl.		
	tung. n.Fl.		
6.	xan. IX,3.2.	3. 57.	32. 0.
7.	yang. XV,1.11.	-14.30.	24. 38.
8.	Quo. X,2.4.	6. 6.	29. 30.
	nin. n.Idol.		
	n.Putei.		
9.	Quon. VI,1.12.	-13. 34.	30. 55.
0.	ching. IV,3.17.	-1. 37.	36.34.
	muen. n.M.		
1.	tao. IV,3.10.	-1. 33.	37. 10.
2.	yang. XIII,1.9.	-6. 36.	26. 0.
	S.		
	Sa-hu. n.Pagi.		
	pat. n.R.		
	ping. n.U.		
	San. n.M.		
	chuen. n.U.Hoai-king.		
	Eſt Ho-nan.		
	n.U.Ju-ning.		
3.	gin. VIII,2.6.	-0. 28.	29. 0.
4.	go. VI,a.7.	-11. 45.	30. 30.
5.	ho. I,1.12.	0. 19.	39. 45.
	hoa. n.Inſul.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	San-kan. n.F. Lu-keu.		
1266.	kiu. VI,5.6.	-11. 30.	30. 35.
	mao. n.R.		
1267.	pao. XV,1.12.	-14.40.	24. 25.
1268.	ping. VII,c.8.	-8. 27.	29. 43.
	ſian-wey. n.U.		
1269.	ti-hiung. XV,1.11.	-18. 0.	22. 8.
1270.	uan. I,b.11.	-6. 5.	39. 20.
	wan. n.Pagi.		
1271.	xan. IV,a.5.	3. 25.	36. 6.
1272.	xui. XII,1.11.	-3. 56.	23. 33.
	xuen. n.U.		
1273.	III,1.26.	-7. 58.	36. 15.
	n.U.Hoai-king.		
	yuum. n.U.		
	Sang-lo. n.Inſ.		
	n.U.		
	pu. n.M.		
	ſwa. n.U.		
	won-hab. n.M.		
	yun. n.U.		
	Sao-tau. n.R.		
1274.	Se-muen. III,b.17.	-6. 36.	40. 0.
	ngan. n.U.		
1275.	Seng-guei. III,b.16.	-10. 0.	38. 56.
1276.	ki. XIV,6.2.	-9. 15.	28. 22.
	Sen-ting. n.Riv.		
	Seu-yo. n.F.		
	Si. n.F.		
	n.Lac.7.		
	n.M.3.		
	fan. n.R.		
1277.	gan. III,1.1.	-8. 18.	35. 50.
1278.	hiang. III,3.5.	-9. 12.	34. 0.
1279.	ho. III,5.8.	-10.30.	36. 2.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Si-hoa. *n. M.*			
1280.		V,1.18.	-2. 50.	34. 51.
	kc. *n. M.*			
1281.		VI,3.2.	-11. 3.	31. 15.
	king. *n. U.* Ho-nan.			
	lo. *n. U.* Hoang-cheu			
	meu. *n. M.*			
1282.	ning.	III,b.3.	-14. 6.	37. 20.
1283.		X,a.13.	4. 30.	27. 32.
1284.		XII,a.3.	-5. 29.	2[illegible]. 23.
1285.		XIII,7.6.	10. 13.	23. 30.
1286.	pao.	XIV,d.3.	-12. 24.	25. 37.
1287.	ping.	V,8.3.	-3. 29.	34. 13.
1288		XIII,9.8.	-12. 0.	22. 48.
	tam. *n. U.*			
	ul. *n. Lac.*			
1289.	xan.	XIV,7.8.	-8. 34.	26. 27.
	zan. *n. R.*			
	Siang. *n. Fl.* 2.			
	n. M. 4.			
1290.		XIII,2.8.	-8. 21.	25. 2.
1291.	ching.	V,1.23	-3. 47.	34. 53.
1292.	heng.	II,4.4.	-4. 29.	37. 20.
1293.	hiang.	VII,8.8.	-5. 19.	28. 32.
1294.	ling.	II,2.2.	-6. 7.	37. 12.
	pu. *n. Pagi.*			
	que. *n. U.* Xun-te.			
1295.	tan.	VII,8.2.	-[illegible]. 3.	28. 30.
1296.	xan.	X,9.5.	6. 0.	29. 18.
1297.	yang.	VII,3.1.	-5. 33.	32. 28.
1298.	yn.	VII,8.3.	5. 5.	29. 13.
	Siao. *n. Amn.*			
1299		IX,d.2.	-0. 13.	34. 51.
	cu. *n. M. 2.*			
1300	ching.	IV,a.15.	1. 54.	37. 35.
1301.	fan.	XIV,1.14.	-11. 2.	25. 32.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Siao-gin.			
	lung. *n. M.*			
1302.	fan.	XIV,1.11.	-11. 15.	25. 30.
1303.	ping-sa.	XIV,c.3.	-10. 59.	26. 24.
1304.	xan.	X,8.2.	3. 16.	30. 13.
	ye. *n. M.*			
	Sie. *n. M.*			
1305.		V,8.13.	-2. 15.	33. 30.
1306.	go.	XV,3.9.	-14. 43.	24. 15.
	Sien. *n. Fl.*			
	hoa. *n. M.*			
1307.	kiu.	X,10.4.	4. 6.	28. 42.
1308.	lieu.	XI,7.2.	2. 10.	25. 28.
	nien. *n. M.*			
	ye. *n. M.*			
	Sieu. *n. M.*			
	cao. *n. M.*			
1309.	gin.	XIII,4.6.	-8. 1.	25. 12.
	lin. *n. M.*			
	ling. *n. M.*			
1310.	uu.	V,5.3.	-4. 6.	36. 16.
	xan. *n. U.* Lin-gan.			
	Sin. *n. M.*			
1311.		II,a.1.	-4. 50.	37. 40.
1312.		IV,3.6.	-1. 6.	36. 44.
1313.	cin.	VI,1.19.	-12. 35.	30. 24.
1314.	çai.	V,8.4.	-2. 29.	33. 41.
1315.	chang.	VIII,10.3.	-2. 40.	28. 49.
1316.		X,8.7.	3. 56.	29. 6.
	cheu. *n. U.* Quan-sin.			
1317.	ching.	I,2.5.	-0. 46.	39. 20.
1318.		IV,1.5.	1. 16.	37. 10.
1319.		V,1.27.	-3. 40.	35. 26.
1320.		VIII,6.2.	-0. 20.	27. 55.
1321.		X,1.7	2. 42.	30. 2.
1322.	fan.	VI,1.4	-13. 13.	30. 56.

Sin-fung.

	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
3.	Sin-fung.	VIII,12.3.	-2. 12.	25. 55.	1346.	Sin-yang.	III,3 13.	-7. 54.	34. 5.
	gan.	n. Fl.			1347.		V,8.7.	-3. 22.	33. 20.
3.		I,2.18.	-1. 8.	30. 25.	1348.	ye.	V,7.9.	-5. 25.	33. 55.
4.		V,6.8	-5. 24	35. 52.	1349.	yu.	VIII,8.3.	-2. 22.	28. 39.
5.		XII,1.15	-3. 49.	22.40.		Sing-cieu.	n. Mar.		
	gan.	n. U. Kiu-cheu				le.	n. U.		
6.	hiang.	V,4.3.	-3. 39.	36.26.	1350.	Siu-cheu.	VI,4.1.	-12.26.	29. 13.
7.	hin.	XV,5.4.	-14.17.	24.34.	1351.		IX,d.1.	0. 3	35. 3.
8.	hing.	XII,6.3.	-4. 55.	26. 6.	1352.	keu.	II,1.6.	-5. 0.	38. 17.
9.	ho.	I,4.14	-1. 56.	38. 6.	1353.	ven.	XII,9 3.	-7. 3.	20. 40
0.		X,a.7.	5. 29.	28. 30.			n. U. Lui-cheu.		
1.	hoa.	VII,9.2	-6. 0.	28. 23.		vu.	n. M.		
2.		XIV,7.12.	-8. 56.	27. 18.		Sive.	n. M. 3.		
3.		XV,1.2.	-14. 55.	24. 5.	1354.	Siven.	I,a.1.	-1. 30.	40.30
4.	hoei.	XII,1.16.	4. 18.	22. 30.	1355.	ping.	X,7.9.	2. 41.	28. 25.
5.	iven.	II,a.2.	-5. 10.	37.30.	1356.	Siun.	I,7.7.	-3. 0.	36.30.
	ki-cien.	n. U.			1357.	So.	II,3.6.	-5. 14	39.43.
	kien.	n. U.			1358.		IX,2.13.	0. 0.	34.36.
6.	kin.	VIII,8.2.	-2. 5.	28. 23.		cien.	n. U.		
	ko-cien.	n. U.			1359.	civen.	IX,8.9.	1. 6.	34.55.
	kre-ſi-mo.	n. Pagi.			1360.	cheu.	III,a.1.	-16.55.	28.48.
	kſieu.	n. U.			1361.	chung.	XV,l.12.	-18. 16.	21. 58.
	lo.	n. F.			1362.	mui.	VI,c.2.	-13. 12.	29. 53.
7.		I,4.11.	-2. 23.	38. 50.	1363.	ning.	I,3.4.	-0. 52.	39. 0.
8.	ning.	VI,6.9.	-9. 32.	31.47.	1364.	ſung.	IX,10,5.	-1. 17.	31. 3.
9.		VII,9.5.	-6. 28.	27. 0.		thia.	n. U.		
0.		XII,1 8.	-4. 39.	22. 15.		Su.	n. Amn. 2.		
1.	ping.	XV,3.6.	-14.25.	23.42.	1365.		IX,2.10,	1. 15.	34. 3.
2.	tai.	IV,1.8.	1. 15.	36. 19.		çu.	n. M.		
	te.	n. U. Xun-te.				cung.	n. M.		
	tien.	n. U.			1366.	çung.	XV, 9.2.	-13.40.	24. 0.
	tu.	n. R.				chem.	n. U.		
3.		VI,1.5	-13. 2.	30. 55.		chen.	n. U.		
		n. U. Pao-ting.			1367.	cheu.	IX,3.1.	3. 30.	31. 52
4.	xui.	II,c.5.	-5. 14.	36.56.	1368.		XIII,9.6.	-11. 53.	23. 8.
5.	y.	XII,7.13.	-5. 41.	23. 13.	1369.		XIV,2.1.	-9. 2.	27. 53.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Su-cheu.	*n. R.*		
		n. U.		
		n. U. Su-nan.		
1371.	ching.	XIII,8.8.	-12. 6.	23. 30.
1372.		b.1.	-12.25.	24. 6.
	chuen.	*n. R.*		
	chung.	*n. M.*		
1373.	gen.	XIII,3.3.	-10. 21.	25. 5.
1374.	hoei.	XII,6.2.	-4. 40.	23. 45.
	kiung.	*n. M.*		
1375.	lim.	XIII,9.9.	-12. 5.	22. 30.
1376.	ming.	XIII,9.2.	-12. 14.	22. 57
1377.		XIII,9.1.	-12. 7.	23. 8.
		n. M.		
		n. U. Tai-ping.		
1378.	nan.	XIV,3.1.	-10.20.	27.59.
1379.	to.	XV,3.16.	-14.40.	23. 33.
1380.	tung.	XIII,8.10.	-11. 45.	23. 13.
	vang.	*n. M.*		
1381.	xui.	IV,2.27.	0.40.	36. 0.
1382.		V,1.33.	-4. 8.	35. 34.
	Sui.	*n. M.*		
		n. R.		
1383		VII,4.5.	-4. 25.	32. 5
1384	chang.	X,7.5.	2. 6.	27. 52.
1385	gan.	X,4.4.	1. 28.	29. 28.
1386.	ki.	XII,9.2.	-6. 20	22. 18.
1387.	ning.	VI,2.5.	-11. 26.	30. 50.
1388.		VII,2.4.	-7. 0.	27. 35.
1389.	ping.	V,8.5.	-3. 16.	34. 3.
1390.	te.	III.8.14.	-7. 50.	38.14.
	Sun-cheu.	*n. U.*		
1391.	gen.	XIII,2.1.	-10.25.	24. 5.
	iven.	*n. U.* Quei-yang		
	Sung.	*n. Fl.*		
		n. R.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
1392.	Sung-fan.	VI,k.8.	-13.25.	33. 2.
1393.	guei.	VI,k.24.	-15. 5.	27.30.
1394.	ki.	VII,6.5.	-5. 59.	30.40
1395.		XI,4.6.	1 32	26.55.
1396.	kiang.	IX,4.1.	4.30.	31. 10.
1397.	yang.	X,7.4.	2. 30	28. 6.
	Suy-tjeen.	*n. F.*		
	Swa-thia.	*n. U.*		
	tho.	*n. Pagi.*		
	Swan-se-foe.	*n. U.*		
	hoo.	*n. Munim.*		
1398.	Syao-ye.	IV,2.9	5.20.	37. 7.
	T.			
	Ta.	*n. Lac.*		
1399.		VI,6.8.	9. 18.	31. 38.
	ceu.	*n. M.*		
1400	co.	II,1.4.	-4.40.	38. 9.
	cu.	*n. Insul.*		
		n. Mont.		
1401.	ço.	VI,5.4.	-9. 46.	31. 27.
1402.	chang.	VI,6.3.	-8. 3.	31. 42.
	che.	*n. Lac.*		
1403.	ching.	I,1.19.	-0. 6.	39. 0.
1404		XII,b.1.	-1. 5.	24.20
	chu.	*n. U.*		
1405.	cho.	VI,3.8.	-11.10.	30.39.
	fung.	*n. M.*		
	fung-lai.	*n. M.*		
	guei.	*n. M.*		
1406.	heu.	XV,m.5.	-16.56.	24 28
	hi.	*n. M.*		
	hiung.	*n. M.*		
1407	hoa.	XIV,1.4.	-11.45.	25.20.
	hung.	*n. M.*		
	jo-wan.	*n. Insf.*		
	jum.	*n. R.*		

Tai.

SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.	Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
Ta-kiang.	*n. Fl.*				Tai.	*n. Lac.*		
lang.	*n. R.*					*n. M. 2.*		
lao.	*n. M.*			1421.		II, 1. 18.	-4. 45.	39. 22.
li.	XV, 2. 1.	-16. 56.	25. 27.	1422.		IX, 7. 7.	2. 45.	33. 20.
lo.	*n. L.*			1423.	çang.	IX, 3. 6.	4. 15.	32. 13.
	n. M. 2.			1424.	cheu.	X, 10. 1.	4. 25.	28. 38.
	n. Palud.				fu.	*n. M.*		
lung-fan.	XIV, 1. 13.	-11. 44.	25. 44.	1425.	gan.	IV, 1. 17.	0. 43.	36. 36.
ming.	I, 7. 1	-1. 56.	36. 56.	1426.	hing.	IX, 7. 3.	2. 38.	33. 5.
	2.	-1. 56.	36. 44.	1427.	ho.	VIII, 9. 2.	-2. 42.	27. 28.
nien.	*n. M.*			1428.		IX, 2. 16.	-1. 40.	34. 23.
ning.	II, 2. 32.	-7. 22.	37. 25.		hu.	*n. M.*		
	VI, 6. 4.	-8. 20.	31. 45.	1429.		IX, 10. 4.	-1. 26.	31. 36.
pa.	*n. M.*			1430.	kang.	V, 1. 5.	-2. 22.	35. 13.
pe.	*n. M.*				ko.	*n. Il.*		
pien.	*n. M.*				mo.	*n. U.* Kiu-cheu.		
ping-ſa.	XIV, e 12.	-11. 18.	26. 10.		ngan.	*n. U.*		
pu.	XII, 5. 6.	-0. 44.	24. 0.		ngan-cheu.	*n. Pagi.*		
quon.	*n. M.*			1431.	ning.	XI, 8. 3.	-0. 30.	26. 54.
ſy.	*Est* Europa.					*n. R.*		
ta.	*Est* Tataria.					*n. U.* Yen-cheu.		
tien.	XI, 5. 7.	0. 40.	25. 56.		pe.	*n. Lac. 2.*		
tung.	*n. Fl.*					*n. M. 3.*		
tuon.	*n. M.*				ping.	*n. M.*		
von.	*n. R.*			1432.		II, 2. 6.	-6. 4.	36. 55.
xe.	*n. M.*			1433.		VI, 6. 13.	-8. 20.	31. 3.
xun.	III, b. 21.	-9. 48.	38. 16.	1434.		IX, 12. 4.	0. 28.	30. 45.
yuo.	XV, b. 3.	-16. 0.	26. 8.	1435.		IX, 11. 1.	1. 10.	32. 20.
ye.	VI, d. 2.	-13. 36.	36. 32.	1436.		X, 10. 6.	4. 30.	28. 28.
	VII, 1. 9.	-2. 49.	30. 45.	1437.		XIII, 8. 1.	-12. 20.	23. 20.
	n. Lac.			1438.		2.	-12. 20.	23. 28.
yeu.	*n. M.*			1439.		XIV, 4 6.	-8. 58.	27. 40.
yu.	*n. M.*					*n. U.* Lien-cheu.		
yun.	*n. M. 2.*			1440.	tung.	II, 3. 1.	-4. 10.	40. [illegible]
yung.	*n. M.*				wan.	*n. Insul.*		
				1441.	xun.	X, 11. 5.	3. 2.	26. 59.

Num.	SINENSIS	IMPERII	Long.	Lat.
1442	Tai-yven.	II,1.1.	-4. 35.	38. 33.
1443.		2	-5. 0.	38. 28.
		n. U. Fuen-cheu.		
	Tain.	n. M.		
1444	Tan.	IV,2.9.	-0.45.	35. 38.
		n. Amn.		
		n. Fl.		
	chi.	n. M.		
1445.	ching.	IV,2.25.	1. 35.	35. 14.
1446.	ging.	V,3.2.	-3. 20.	36. 52.
	ki.	n. Torrent.		
1447		XIV,7.5.	-8. 36.	27. 2.
1448.	leng.	VI,b.3.	-12.44	30. 0.
1449	tang.	VI,k.17.	-11. 21.	27.54.
	wa.	n. U.		
	yang.	n. Lac.		
		n. U. Tai-ping.		
1450.		IX,6.2.	2.'32.	32.40.
1451.		L.b.12.	4.50.	30.50.
	yu.	n. R.		
		n. U. King-yang.		
	Tang.	n. F.		
		n. M. 2.		
1452.		I,2,6.	-2. 25.	39. 10.
1453.		V,7.3.	-4. 37.	33. 50.
	cie.	n. Canal.		
1454.	chuen.	VI,2.1.	-11. 57.	31. 13.
1455.	ki.	X,5.8.	2. 41.	29. 8.
	ping.	n. M.		
1456.	xan.	IX,d.3.	-0. 30.	35. 6.
1457.	yang.	VII,14.7.	-6. 6.	31. 18.
1458.	ye.	IV,3.2.	-1. 8.	37. 6.
	Tao.	n. Fl.		
		n. Font.		
		n. M.		
		n. Riv.		
	hoa.	n. Insul.		

Num.	NOMENCL.	GEOGR.	Long.	Lat.
1459.	Tao-yven.	VII,11.2	-6. 30.	29.30.
1460.		IX,8.4.	1. 30	34.40
1461.	Tau.	VII,13.3.	-5. 50.	26. 5.
1462.	an-xan.	XIV,6.4.	-8.49.	28. 31.
	jen-jeen.	n. U.		
	Tcien-hia.	n. R.		
1463.	Te.	IV,1.20.	-0. 34.	37.42.
1464.	cing.	X,3.4.	3. 15.	30. 53.
1465.	chang.	VI,k.22.	-15. 18.	28.10.
1466.	gan.	VII,4.1.	-4. 10.	31. 51.
1467.		VIII,5.2.	-1. 50.	30. 2.
1468.	hing.	VIII,2.5	0.10.	29.20
1469.	hoa.	XI,2.3	1. 5.	25.24.
1470.	king.	XII,6.8.	-5. 18.	23. 55.
1471.	ping.	IV,1.21.	0.20.	37.50.
1472.	yang.	VI,1.23.	12.48.	31. 30.
	tong.	n. U.		
	Ten-hay.	n. U.		
1473.	Teng.	IV,2.5.	0. 36.	35.46.
1474		V,7.7.	-5. 42.	33.40.
1475.		XIII,5.2.	-6. 51.	24. 7.
1476	cheu.	IV,5.1.	3. 26.	37.20.
1477	chuen.	XV,2.4	-16. 55.	25.34.
1478.	fung.	V,6.6.	-4. 34.	35. 20.
1479.	heng.	XV,k.2.	-17.30.	25.45.
		n. M.		
	Teu-xu.	n. Insul. 2.		
	Tha-cu.	n. M.		
1480	Than-xan.	I,5.7.	-2. 54.	38. 5.
	Ti-bet.	n. R.		
1481.	ki.	XIV,6.3.	-9. 26.	28.40
	Tiao-puon.	n. M.		
	Tie.	n. Amn.		
		n. Pop.		
	ju.	n. Font.		
1482.	ki.	VI,k.9.	-13. 23.	32. 15.

Tie-

.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
3	Tie-ling.	L.b.1.	5.48.	39.12.
	nyng.	n.M.		
	xe.	n.M.		
	xui.	n.Lac.		
	Tien.	n.Lac.3.		
		n.R.		
	cien-wey.	n.Port.		
4.	cin.	I,c.2.	0.50.	38.52.
5.	civen.	VI,k.5.	-14.19.	30.50.
	çang.	n.M.		
6.	chang.	IX,2.12.	1.52.	33.55.
	cheng.	n.Inſ.		
7.	cheu.	XIII,11.1.	-11.30.	24.11.
	chi.	n.M.2.		
8.	ching.	II,d.8.	-3.32.	40.28.
	cho.	n.M.		
	chung.	n.M.		
	fung.	n.M.		
	go.	n.M.		
	heng.	n.Inſul.		
	hiung.	n.U. Ta-ming		
9.	ho.	XIII,3.2.	-9.41.	25.26.
0.	kia.	VII,c.10.	-7.39.	30.26.
1.	kiang.	VI,5.17.	-9.34.	31.0.
	lao.	n.M.		
	lu.	n.M.		
	mo.	n.M.		
	muen.	n.U.2.		
	muon.	n.Coll.		
2.	pe.	XII,7.2.	-5 25.	22.30.
	ſem.	Pons.		
	ſin.	n.M.		
	ſing.	n.Lac.		
	tai.	n.M.2.		
3.		X,10.2.	4.7.	28.55.
	xeu.	n.M.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Tien-xui.	n.Lac.		
		n.R.		
1494	Tin-ging.	XIV,b.3.	-12.25.	24.42
	Ting.	n.M.		
1495.		I,4.10.	-2.26.	39.0.
1496.	cheu.	XI,6.1.	-0.55.	25.40.
1497.	gan.	XII,10.4.	-6.58.	19.26.
1498.	hai.	X,9.4.	5.18.	30.0.
1499.		X,a.3.	5.38.	29.56.
1500.		XI,b.3.	3.22.	26.10.
1501.	hing.	I,2.4.	-1.52.	39.42.
1502.	leao.	L,b.8.	5.20.	39.44
1503.	nan.	VIII,12.12.	-2.30.	25.20.
	ngan.	n.U.		
1504.	pien.	XV,4.4.	-16.9.	25.18.
1505.	ſang.	II,1.17.	-4.36.	39.0.
1506.	tao.	IV,2.13.	-1.20.	35.56.
1507.	yven.	VI,5.13.	-11.8.	31.0.
1508.		IX,2.4.	0.29.	33.31.
1509.		XV,4.3.	-15.51.	25.23.
	To.	n.Fl.		
		n.Coll.		
	cieu.	n.M.		
	cang.	n.Canal.		
	cheu.	n.M.		
	cheu.	n.Inſ.		
	kabolder.	n.R.		
	kadekal.	n.R.		
1510.	ling.	XIII,8.20.	-11.30.	23.25.
	lo.	n.Fl.		
	ſieu.	n.M.2.		
1511.	xan.	XIV,8.2.	-9.19.	25.55.
		n.Lac.		
	yung.	n.M.		
	Ton-nau.	n.Pagi.		
	quam.	n.U.		

Tong-

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Tong-ling *Est* Tung-ling.			
	siu.	*n. U.*		
	Tow-tjou.	*n. Inf.*		
	Tsi-sang.	*n. U.*		
	Tu.	*n. M.*		
1512.	cang.	XIII,10.3.	-12. 10.	24. 0.
1513.	chang.	VIII,4.2.	-0. 54.	30. 5.
1514.	cho.	XIV,8.1.	-10. 3.	25. 55.
	fan.	*n. R.*		
	gni.	*n. F.*		
	kiao.	*n. M.*		
1515.	kie.	XIII,8.16.	-12. 0.	23. 52.
	lie.	*n. M.*		
1516.	so.	XIV,2.2.	-8. 20.	27. 51.
	ting.	*n. M.*		
	xan.	*n. R.*		
1517.	xun.	L.a.9.	6. 8.	39.56.
	Tun-chang.	*n. U.*		
	geu.	*n. M.*		
	go.	*n. Fani.*		
1518.		IV,2.20.	-0. 12.	36.45.
1519.	guon.	XII,1.3.	-3. 22.	22.50.
1520.	lieu.	II,4.3.	-4. 16.	37.28.
	Tung.	*n. Fl.*		
		n. Lac. 6.		
		n. M. 4.		
		n. R.		
1521.		I,1.11.	0. 8	39.54.
1522.		III,1.12.	-7.40.	36.14.
1523.		XII,b.2.	-1. 22.	24.17.
1524.		X,7.9.	3. 38.	32.58.
1525.	chang.	IV,3.1.	-0. 52.	37. 3.
	cheu.	*n. U.*		
1526.	chi.	X,2.11.	4.57.	27.56.
1527.	ching.	VII,1.7.	-4. 10.	29.39.
1528.		IX,10.2.	0. 0.	31.40.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long	Lat.
1529.	Tung-chuen.	V,9.1	-14. 0.	27.30.
1530.	gan.	I,1.19.	0. 4.	39. 33.
1531.		VII,13.4.	-6. 14.	26. 35.
1532.		XI,2.5.	1. 50.	24.50.
1533.		XII,a.2.	-4. 56.	23. 20.
1534.	gin.	XIV,6.1.	-8. 45.	28.20.
1535.	guei.	III,5.4	-11.20.	36. 52.
1536.	hai.	XV,3.7.	-14.10.	24. 14.
1537.	hiang.	VIII,7.6.	-0. 51.	28. 52.
1538.		X,2.6.	3. 41.	31. 9.
1539.	hiang.	VI,6.12.	-9. 9.	32. 10.
1540.	hiu.	V,1.4.	-2. 50.	35.34.
	hoa.	*n. M.*		
	kia.	*n. U.* Ven-cheu.		
1541.	kiang.	VI,2.7.	-10. 0.	33. 0.
	lai.	*n. U.* Lai-cheu.		
1542.	lan.	XIII,3.8.	-10.58.	24. 5.
1543.	leang.	VI,5.12.	-11. 28.	30. 15.
1544.	lieu.	IX,13.6.	-0. 32.	31. 8.
1545.	ling.	IX,13.3.	0. 30.	31. 45.
1546.	liu.	X,4.3.	2. 35.	29.43.
1547.	lo.	I,2.15.	2. 10.	38.50.
1548.	ming.	I,7.11.	-2. 2.	36. 7.
	muen.	*n. Lac.*		
	ni.	*n. M.*		
	pa.	*n. Cataract.*		
1549.	pe.	V,7.5.	-3. 55.	33.44.
1550.	ping.	IV,2.18.	-0. 5	36.34.
1551.	quang.	I,3.13.	0. 0.	38.10.
	quon.	*n. Inf.*		
		n. M. 2.		
1552.		III,1.27.	-7. 59.	36.39.
	tam.	*n. Il.*		
1553.	tao.	VII,a.3.	-7. 16.	27.30.
	ting.	*n. Lac. 3.*		
		n. Inf.		

Tung-

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
	Tung-ting. *n.M.* 2.		
	tu. *n.U.* Ho nan.		
1554.	xan. VII,1.10.	-3. 10.	30. 13.
1555.	XI,b.11.	0. 57.	24. 15.
1556.	xing. II,d.14.	-6. 0.	39. 56.
	yai. *n.M.*		
	yang. *n.M.*		
	n.U,Ho-kien		
1557.	X,5.3.	3. 12	29. 15.
	U.		
	U. *n.Lac.*		
	n.R.		
	bakka. *n.Pagi.*		
	cien-jen *n.Pag.*		
	cin. *n.U.*		
	ching. *n.U.*Hu-cheu.		
	chung. *n.M.*		
	fu. *Est* Uu-hu.		
	heu. *n.Lac.*		
1558.	ho. IX,2.5.	0.43.	34.10.
	hoa. *n.M.* 2.		
	hoang. *n.M.*		
	kia-kon. *n.U.*		
1559.	kiang. IX,3.4.	3. 30.	31. 34.
1560.	kiao. I,3.12.	-0. 18.	38. 0
	lao. *n.M.*		
1561.	lo. XIV,6.5	-9. 36.	28. 35.
	lum. *n.M.*3.		
	ma. *n.M.*		
	mong. *n.M.*		
	muen. *n.M.*		
1562.	mung. VI,4.2.	-13. 44	27.45.
1563.	pao. III,8.17.	7. 26.	38. 38.
	pung. *n.Castell.*		
	puu. *n.Castell.*		
1564.	ſa. VI,9.3.	-13.27.	27. 12.

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
1565.	U-ſa. XIV,e.19.	-13.50.	26.35.
	ſu-cang. *n.R.*		
	ſung. *n.F.*		
1566.	tai. II,1.19.	-4.20.	39. 9.
	n.Coll.		
	n.R.		
1567.	tu. VIII,1.22.	-1. 50.	25.50.
	tung. *n.M.* 2.		
	xe. *n.M.*		
1568.	Va-lu. XV,11.5.	-16.38.	27.49.
1569.	tien. XIV,e,27.	-13.36.	26.42.
	tu. *n.M.*		
1570.	Van. VI,6.6.	-8. 42.	31. 0.
1571.	XII,10.10.	-6. 23.	18. 52.
	n.R.		
1572.	civen. II,2.16.	-7. 0.	36. 28.
1573	I,d.7.	-2. 36.	40.25.
1574.	I,d 8.	-1. 56.	40.29.
1575.	çai. VIII,11.4.	-3. 3.	28 42.
1576.	ching. XIII,8.5	-11.44.	23. 25.
1577.	gan. VIII,9.7.	-2. 48.	27. 8.
1578.	XI,b.7.	3. 34.	25. 29.
	guo. *n.M.*		
	hu. *n.M.*		
	king. *n.Lac.*		
	li-ching. *Sic dicitur* Murus Sin.		
1579.	nien. VIII,2.7.	-0. 22.	29. 14.
	nun-gam. *n.U.*		
	ſui. *n.Lac.* 2.		
	ſung. *n.M.*		
1580.	tien. XV,m.3.	-17.36.	24. 31.
	xing. *n.M.*		
	yang. *n.M.*		
1581	Vang-hiang. IX,10.6.	-1. 0.	31. 15.
1582.	lin. II,d.5.	-5. 25.	40.28.

Num.	SINENSIS IMPERII	Long.	Lat.
1583.	Vang-lung. XV,3.13.	-14. 5.	23. 34.
	fung. *n.M.*		
	Ven. *n. Amn.*		
	n. Fl.		
	n. Font.		
1584.	III, 5.15.	-12.14.	34.40
1585.	V, 5.6.	-3. 23.	36. 7.
1586.	chang. XI,11.10.	-6. 20.	19.20.
1587.	cheu. X, 11.1.	4. 4.	27. 38.
1588.	chuen. VI, 1.28.	-13.36.	31. 22.
1589.	gan. I, 1.18.	0. 6.	39. 5.
1590.	hi. II,2.21.	-6. 16.	36. 30.
1591.	kiang. VI, 1.3.	-12. 55.	30.45.
	pi. *n. M. 2.*		
1592.	teng. IV,5.8.	4. 51.	36. 57.
1593.	xang. IV,2.19.	-0. 10.	36.20.
1594.	xui. II,1.9.	-5. 47.	38. 25.
	Vi. *n. Amn.*		
	n. F.		
1595.	IV, 6.3	2. 6.	36. 50.
	ki. *n. M.*		
	ly. *n. M.*		
1596.	mao. XV, 9. 4.	-13. 25.	23. 29.
	Un-cung. *n. M.*		
1597.	Ung-yuen. XII, 2.5.	-3. 15.	24. 28.
	Vo. *n. Fl.*		
	n. Lac.		
	cheu. *n. M.*		
	Von. *n. Fl.*		
	xa. *n. F.*		
	Uu. *n Amn.*		
	n. Fl.		
1598.	cing. I, 1.13.	0. 25.	39. 25.
1599.	XIII, 6.4.	-8. 21.	23. 33.
1600.	cung. III, 1.31.	-8. 51.	36. 9.
1601.	civen. XIII, 2.9.	-8. 9.	24.40

Num.	NOMENCL. GEOGR.	Long.	Lat.
	Uu-chang. *n. M.*		
1602.	VII, 1.2	-2. 41.	31. 0.
1603.	I. 1.	-3. 16.	31. 0.
1604.	5.4.	-7. 0	27.10.
1605.	che. V, 5.4.	-4. 12.	36. 8.
1606.	cheu. VIII, 7.1.	-1. 7.	28.42.
1607.	ching. IV, 3.14.	-0. 41.	37. 36.
1608.	chuen. XIV,3.2.	-10.41.	28. 38.
1609.	XII, 7.5.	-5. 45.	21. 37.
1610.	gan. V, 3.6.	-3. 42.	37. 32.
1611.	guei. IX,9.4.	-0. 28.	32. 4.
1612.	hiang. II, 2.3.	-4.46.	37.52.
1613.	hu. IX,11.2.	0.57.	32. 16.
1614.	kang. X,3.6.	2. 37.	30.49.
1615.	kiang. I,4.20.	-1. 6.	38. 36.
1616.	kie. I,4.7.	-2. 13.	30.45.
	ku. *al.* U-fu.		
	lin-man. *n. Populi.*		
1617.	lung. VI,5.19.	-10. 4.	30. 0.
1618.	ming. I,8.3.	1. 50.	39.57.
1619.	d.1.	-3. 6.	40.50
1620.	VIII, 1.17.	-2. 20.	29. 43.
1621.	ping. XI, 6.4.	-1. 35.	25. 10.
1622.	fie. IX, 5.2.	3. 5.	32. 30.
	tang. *n. M. 2.*		
	te. *n. II.* Nan-ning.		
	ting. *n. Amn.*		
1623.	IV, 1.23	1. 0.	37.44
1624.	XV, d.1	-14.59.	25. 27.
	tu. *n. M.*		
	y. *n. M.*		
1625.	X, 5.6.	2. 4.	28.41.
1626.	yang. V, 7.12.	-3. 35.	34. 23.
1627.	ye. I, 4.16.	-1. 18	38.20.
1628.	yuen. IX, 14.3.	0. 41.	29.30.
1629.	XIII, 2.2.	-10.30.	23. 52.

Uui.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Uui-xan. *n. U.*			
	X.			
o.	Xa.	XI,5.3	0. 35.	26.20.
31.	cheu.	III,a.2.	-15.24.	38.40.
2.	ho.	I,5.7	-3. 10.	37. 35.
	hu. *n. Lac.*			
	le. *n. Fl. v.* Mo-ſa-le.			
	muen. *n. Inſul.*			
3.	nin.	II,3.5.	-4.20.	39. 52.
4.	Xan-cheu.	III,a.3.	-15. 4.	38. 28
	hu. *n. Inſ.*			
	king. *n. U.*			
	ſi. *n. R.*			
	tang. *n. U.* Lu-gan.			
	tſui. *n. U.*			
	tung. *n. R.*			
5.	xui.	III,1.35.	-8. 24.	36.42.
6	yang.	III,1.23.	-7. 30.	35. 1.
	Xang. *n. Lac.*			
	n. M.			
7.		III,1.10.	-7. 34.	35. 10.
8	cai.	V,8.2.	-2. 59.	34. 13.
9.	cao.	VIII,10.2.	-2. 23.	28.47.
o.	cin.	VII,15.4.	-7. 9.	33.40.
1.	ching.	V,8.14.	-2. 0.	33.46.
2.	hai.	I,c.2.	2. 18.	39.30.
3.		IX,4.2.	4.49.	31. 32.
4	hang.	XI,6.3.	-1. 2.	25. 8.
5	hia.	XIII,8.13.	-12.48.	23. 23.
6.	ho.	IV,1.27.	0. 53.	37. 33.
	jao. *n. Fl.*			
7.	ki.	VII,c.6.	-7. 10.	29.50.
	kieu. *n. U.* Quei-te			
8.	lin.	XIII,2.12.	9. 25.	24. 5.
9.		II.2.	-11. 10.	23. 43.
o.		c.1	-12.47.	25. 37.

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
	Xang-lu. *n. Amn.*			
1651.	ma-kiao.	XIV,1.15.	-11. 3.	25.45.
1652.	nan.	III,1.24.	-7.45.	35. 0.
1653.	ſu.	XIII,7.5.	-11.30.	23. 3.
1654.	tang.	XIV,e.28.	-13.48.	26.12.
	tao. *n. U.*			
	tung. *n. R.*			
1655.	xe.	XIII,9.3.	-12. 15.	22.40.
1656.	xui.	V,1.17.	-2. 39.	34.41.
1657.	yeu.	VIII,13.3.	-3. 0.	26. 15.
1658.	yu.	X,8.5	4. 12.	29.56.
	yung. *n. Amn.*			
1659.	Xao-cheu.	XII,2.1.	-3. 42.	24.42.
1660.	hing.	X,8.1.	3. 30.	30.16.
1661.	nu.	XI,8.1	-0. 27.	27. 10.
	Xe. *n. Fl.*			
1662.		V,3.7.	-4. 0.	37.40
1663.		XI,b.5.	3. 28.	25. 50.
	ceng. *n. M.*			
1664.	cie.	IV,k.15.	-9. 13.	30.10.
1665.	cien.	XIV,5.1.	-9. 42.	27.55.
1666.	civen.	III,3.12.	-8. 21.	34. 0.
1667.		VI,7.3.	-12.30.	32.34.
	cu. *n. M.*			
1668.	chin.	IV,a.13.	3. 45	37.24.
	ching. *n. M.*			
1669.		V,2.9.	-2. 4	35. 12.
1670.		VIII,12.10.	-1. 10.	25.30.
1671.		XII,7.6.	-5. 58.	28.40
	chung. *n. M.*			
	fang.	VI,12.1.	-12. 48	31. 0.
	hiang. *n. M.*			
1672.	ho. *n. Lac.*			
	hung. *n. M.*			
1673.		VI,a.2.	-11. 16.	31. 12.
	leang. *n. Fl.*			

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Xe-leu.	*n.M.*		
1674.		II, 2. 33.	-7. 20.	38. 3.
	muen.	*n. Fl.*		
		n.M. 2.		
1675.		VII, 7. 6.	-5. 56.	30. 17.
	nieu.	*n.M.*		
	pao.	*n.M.*		
	pa-tan.	*n. Scopuli.*		
	pi.	*n.M.*		
	ping.	*n.M.*		
1676.		XV, 3. 3.	-14. 28.	24. 0.
1677.	quei.	VI, k. 3.	-8. 44.	29. 38.
1678.	tai.	IX, 13. 4.	0. 40.	31. 3.
1679.	tie.	X, a. 8.	5. 26.	28. 14.
1680.	tu.	III, b. 11.	-12. 57.	37. 55.
	tung.	*n.M.*		
	ul.	*n. Munim.*		
1681.	xeu.	VI, 6. 3.	-5. 30.	30. 26.
	yen.	*n.M.*		
1682.	Xen.	V, 6. 11.	-6. 30.	35. 53.
1683.		XV, c. 3.	-16. 35.	26. 48.
1684.	ki.	VII, 12. 3.	-8. 0.	28. 38.
	si.	*n.R.*		
	Xeu.	*n.M.*		
1685.		VII, 8. 9.	-4. 20.	28. 38.
1686.		IX, 2. 7.	-0. 31.	33. 32.
1687.	chang.	IV, 2. 23.	-0. 34.	36. 40.
1688.		X, 4. 5.	1. 59.	29. 28.
1689.	hiang.	V, 6. 13.	-7. 20.	35. 56.
1690.	ling.	XIV, c. 3.	-12. 7.	25. 23.
1691.	ning.	XI, 4. 7.	2. 27.	26. 35.
1692.	quang.	IV, 4. 6.	2. 0.	37. 4.
	yang.	*n.M.*		
1693.		II, 1. 10.	-4. 20.	38. 39.
1694.	Xi.	VII, c. 1.	-8. 0.	29. 38.
	fung.	*n.M.*		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long	Lat.
1695.	Xi-hing.	XII, 3. 2.	-3. 2[illegible].	8. 8.
1696.	ki.	XIV, 2. 3.	-8. 46.	27. 14.
1697.	kien.	XIV, 4. 2.	-9. 35.	27. 50.
1698.	lien.	XII, 8. 4.	-6. 50.	22. 20.
	pi.	*n.M.*		
1699.	tien.	XV, h. 6.	-17. 46.	24. 37.
1700.	yung.	VII, c. 5.	-7. 26.	29. 45.
	Xieu-lung.	*n.F.*		
	Xin.	*n. Amn.*		
		n. Mont. 2.		
		n. Riv.		
1701.		I, 4. 28.	-1. 28.	38. 30.
	cao.	*n.M.*		
1702.	çe.	I, 2. 14.	-1. 54.	38. 44.
1703.	cheu.	VII, 12. 1.	-6. 35.	29. 6.
	gung.	*n.M.*		
1704.	kieu.	V, 1. 20.	-2. 0.	34. 16.
1705.	mo.	III, 8. 18.	6. 50.	39. 20.
	pe.	*n. U.* Nan-yang.		
	tang.	*n.M.*		
1706.	Xing.	X, 8. 6.	3. 40.	29. 22.
	lung.	*n. Insul.*		
	xui.	*n.F.*		
	Xo.	*n. Fl.*		
		n.R.		
1707.	pu.	VII, 12. 4.	-6. 26.	28. 45.
1708.	Xoang-lieu.	VI, 1. 2.	-13. 7.	30. 34.
1709.	Xu-ching.	IX, 9. 2.	-0. 30.	32. 35.
1710.	Xui-chang.	VIII, 5. 3.	-1. 56.	30. 20.
1711.	cheu.	VIII, 10. 1.	-2. 12.	28. 52.
	cheu.	*n. U.* Chao-king.		
1712.	gan.	X, 11. 2.	3. 49.	27. 20.
		n. U. Ven-cheu.		
1713.	kin.	VIII, 12. 8.	-1. 10.	27. 0.
1714.	te-kiang.	XIV, 3. 4.	-10. 20.	28. 34.
1715.	tung.	XIV, e. 24.	-12. 37.	27. 20.

Xun.

Num.	SINENSIS IMPERII			Long.	Lat.
	Xun.	*n. Lac.*			
716.	chang.		XI,5.5.	0. 29.	26. 45.
717.	gan.		X,4.2.	1. 53.	29.48.
1718	hoa.		III,1.34.	-8. 10.	36.45.
1719.	king.		VI,3.1.	-10.40	31. 17.
1720.	ning.		XV,12.1.	-17.18.	24.46.
1721.	te.		I,5.1.	-3. 7.	37.50.
1722.			XII,1.2.	-4. 16.	23. 12.
1723.	tien. *Est* Peking.		I,1.1.	0. 0.	40. 0.
1724.	y.		I,1.2.	0. 9.	40.12.
		Y.			
	Y.	*n. Amn.*			
		n. Coll.			
		n. Fl.			
		n. M.			
1725.			IV,2.24.	1. 22.	35. 28.
	ceng.	*n. M.*			
1726.	chang.		VII,b.3.	-4. 30.	26. 10.
1727.	cheu.		L.a.2.	2. 32.	40.14
1728.	chin.		IX,7 2.	2. 3.	32. 56.
1729.	chuen.		III,8.6.	-7. 56.	37. 2.
1730.	hoang.		VIII,7.4.	-1. 10.	28.10.
	ki.	*n. M.*			
1731.	kiun		III,8.13.	-8. 0.	36.50.
	lao.	*n. F.*			
1732.	leang.		XV,1.3.	-14.20.	25. 30.
		n. Lac.			
1733.	lung.		VI,3.5.	-10.26.	31.40.
1734.	muen.		XV,1.13.	-14.50	24.35.
1735.	ning.		XIII,1.7.	-8. 0.	26. 0.
1736.	xi.		II,2.15.	-6.49.	36.38.
1737.	xui.		IV,4.13	1.40.	36.14.
1738.	yang.		V,6.5.	-5. 30.	35. 2.
1739.			V,a.5.	-5. 6.	35. 13.
1740.	Ya-cheu.		VI,f.1.	14. 14.	30.38.

Num.	NOMENCL. GEOGR.			Long.	Lat.
	Ya-lo.	*n. Fl.*			
	poi.	*n. Stagni.*			
	Yai-muen.	*n. Insul.*			
	zan.	*n. U.*			
1741	Yang.		III,3.4.	-9. 29.	34.14.
	oo.	*n. U.* Li-ping.			
	çu-kiang.	*n. Fl.*			
1742.	çung.		XV,5.3.	-15. 5.	24.45
1743.	cheu.		IX,7.1.	-5. 3.	33. 6.
1744	chun.		XII,6.4.	2. 15.	22.50.
1745.	kiang.		XII,6.5.	-4.50.	22. 0.
	kiu.	*n. M.*			
1746.	li.		XIII,8.4.	-11. 53	23. 30.
	pao.	*n. M.*			
	ping.	*n. U.* Ta-ming.			
1747	ſin.		IV,1.24.	1. 12.	37.50.
1748.	ſo.		XIII,1.4.	-7. 10.	25. 33.
1749.	y.		XIV,e.8.	-10.12.	26.46
	Yao.	*n. Propugnaculi.*			
1750.			III,1.25.	-8. 5.	36. 21.
1751.			XV,b.2.	-15. 31.	25. 55.
1752.	cheu.		III,a.4.	-12.50.	35.48.
		n. U. Ta-li.			
		n. U. Yao-gan.			
1753.	gan.		XV,b.1.	15.50.	26. 3.
1754.	Yay.		XII,10.12.	-8. 1	18. 13.
	Ye.	*n. M.*			
1755.			IV,2.6.	1. 2.	35. 33.
1756.			V,7.13.	-4. 12.	34.41.
1757.	ço.		XV,a.2.	-13.28.	29. 19.
	cheu.	*n. U.* çu-hiung.			
		n. U. Jun-nan.			
		n. U. Ta-li.			
	king.	*v.* Yen-king.			
	lang.	*n. R.*			
1758.	mui.		VI,k.4.	-10.21.	29. 55.

Num.	SINENSIS IMPERII		Long.	Lat.
	Yen.	n. Lac.		
		n. R.		
1759.	cheu.	IV,2.1.	0.'15.	36. 18.
		n, U. Lin-yao.		
	chi.	n. Lac. 2,		
	king.	n. M.		
1760.		I,b.1.	-0. 23.	40.20
	pim.	n. U.		
	fu.	n. U.		
	tang.	n. M.		
	Yeu.	n. Fl.		
		n. Riv.		
1761.	ki.	XI,5. 4.	1. 26.	25.56
1762.	yang.	VI,k.2.	-8. 30.	29.24
	Yive:	n. R.		
	Yng-la-ki.	n. U.		
	Yo.	n. Fl.		
	civen.	n. M.		
	cheu.	n. M.		
1763.		VII,7.1.	-4.40.	30. 5.
	hoa.	n. M.		
	hoan.	n. Insul.		
1764.	jang.	II,2.7.	-5. 30.	37. 35.
	lo.	n. M.		
	lin.	n. U. Nan-ning.		
1765.	ling.	XIII,5.6.	-7.40.	23. 5.
	lung.	n. Stagni.		
	xan.	n. F.		
	yang.	n. M.		
	Yon-ju.	n. M.		
	Yu.	n. Amnis.		
		n. M. 3.		
		n. Vall.		

Num.	NOMENCL. GEOGR.		Long.	Lat.
1766.	Yu.	I,d.9.	2. 0.	39. 33.
1767.		II,1.11.	-3. 50.	38. 45.
1768.		V,7.11.	-4.34.	34.20.
1769.		X,5 4.	2. 59.	29.14.
1770.	cien.	X,1.6.	2. 10.	30.22.
1771.	chin.	III,2.4.	-10 49	34.10.
1772.	kan.	VIII,2.2.	-0. 30.	29.26.
	leang.	n. M.		
1773.	lin.	III,b.9.	-7. 30.	39.20.
	pi.	n. R.		
1774.	tai.	IV,2.8.	0. 0.	35. 50.
	Yue.	n. R.		
	vang.	n. M.		
1775.	sui.	VI,i.3.	-14.45	29. 6.
	Yuen.	n. Amn. 2.		
		n. Riv.		
		n. Torrent.		
1776.	ko.	II,2.29.	5. 32.	36. 9.
1777.	meu.	XV,d.3.	-15. 6.	25. 52.
1778.	xi.	I,4.30.	-2. 40.	38.26.
	Yun-chim.	n. U.		
	nan.	n. R.		
	Yung.	n. Fl.		
1779.		XIII,2.6.	-9. 16	25. 45.
1780.		5. 3.	7. 33	23. 25.
1781.	hiang.	XIII,7.4.	-9.16.	23. 32.
	hing.	n. U. Si-gan.		
1782.	ho.	II,2.14.	-7. 12.	36.47.
1783.		- - 34.	-7. 20.	37.44.
	yang.	n. U.		
	Z.			
	Zi.	n. Fl.		
	Zu.	n. R.		

(o)

Histo-

Historiola de SINIS, è Libellô Geographicô Armenicè editô Sub Præsulatu [1] JACOBI, Catholici Ecmiazenensis, Latinè versa ab A. M. G.

Cin & *Magin* [2] termille & octingentæ sunt urbes. Aut [3] multo magis provinciæ. Incolæ omnes *Idololatræ* sunt. Tellus ipsa [4] sicculenta est. Atqui non ita gratos habent, qui non [5] sui sunt generis. *Rex eorum* multas alit [6] feras & equitatum ingentem. Amant [7] *Christianos*. Eosque benè excipiunt. Et hoc inde [8] ab *Alexandri* Regis temporibus. Quin ergà [9] *populares* valdè blandi sunt, affabiles & liberrimi animi. [10] *Græcos* morosè amant. [11] Ibidem folia sunt, quæ *Indi* edunt. Ea [12] *Tembul* nomine vocant. Horum decoctum & jusculum, tale est. Quod sanitatem dat. Estque valdè gratum & [13] rubeum. Appellant id [14] *zzuzzr*, Arborem [15] *Mu-ssan* vocant. Folia [16] quinque cubitorum sunt. Ajunt incolæ, quòd hujus generis foliis [17] *Adam* se operuerit, cum Paradiso ejiceretur. Indi Sacerdotes illos [18] *Bahrama* vocant. Et *Idola* [19] *Tien.*

No

Notæ.

1. *Gin & Magin.* Phrasi *Indicâ*. Vid. *Comm. Alphabet.* in *Sina*.
2. *Termille & octingentæ urbes.* Vid. *ib.* in *Urbes*.
3. *Multomagis provinciæ.* Et quasi una urbs. Vid *Chataj*. 33. b.
4. *Succulenta.* Aquis per canales quaquaversum derivatis. Vid. *ib.* p. 29 b. 30. a. 35. b. 84. a.
5. *Non sui generis.* Hinc *Rufus Festus*: inhospita Seres arva habitant. Vid. *Chataj*. 57. a.
6. *Feras.* Hoc est, Elephantes, aulæ custodes. Vid. *Trig.* 466. De *equitatu* magnificè recentiores.
7. *Christianos.* Vid. *Observ. Sin.* p 12. f.
8. *Ab Alexandri temporibus.* *Magni* ut puto. Sed nondum, in vulgus noto *Christianorum nomine*, *Act.* XI, 26. Sic, ut *Judæos* quoque hôc nomine comprehendere videatur autor. Vid. *Trig.* p. 131. Confer. *Horn.* Arc. N. p. 434.
9. *Erga Populares.* Vid. *Trig.* p. 72.
10. *Græcos. Rumæos.* Sic in Oriente *Græci* dicuntur. Imò quivis *Europæi.* Origo vocis, *nova Roma*, & *imperium Orientale.*
11. *Ibidem.* Sed non nascuntur illa folia in Sinis, teste *Lindsch.* c. 6. Aut certè sine fructu in boreali parte. *Boym.* n. B.
12. *Tembul* vel *Tambul*, rectius secundum *Paludanum*. Vid. *Avicenn.* Can. II, 287. Arbor ipsa *Betela* & *Betra* dicitur. Quæ non nisi *folia* producit. *Lindsch.* Ea cum *Arecca* fructu parantur ab Indis, ut quotidiano, si non continuo, sint usui. Admixtis etiam aliis & in varias formas. Vid. *Lindsch.* l. c. *Plemp.* ad *Avic.* l. c. An *folium Betela* & *folium Indicum* seu *Malabathrum* veterum sit, vid. ib. *Bauhin.* Pin. XI, 3. 410. *Lindsch.* c. 83. *Salmas.* Exerc. Plin.
13. *Rubeum.* Hinc *Proverbium Sinarum.* *Cælum sine nive, arbores semper virides, incolæ sanguinem spuentes.* Quod de *Cantonensibus* dicitur, vid. *Martin.* Atl. p. 103. a. & auctores citatos. Confer. *Boym.* Flor. Sin. in *Pim-lam.* *Trig.* p. 11. Henr. van *Rheede* Hort. Malab. p. 10. Maximè v. Garç. ab *Orto*.
14. *Zzuzzr.* Non *Sinicè*, sed *Malaicè*. *Siri sc.*
15. *Musan.* Musa *Acostæ.* Vid. *Bauhin.* Pin. 507. Sinicè *Pa-cyao-xu.*
16. *Quinq; cubitorum.* Vid Gabr. *Sionit.* de Urb. Or. p. 55.
17. *Adam.* Vid. *Kircher.* Chin. ill. 187. *Roger.* 15. 17.
18. *Bahrama.* Hoc est, *Brachmanes.* Voce *Indicâ.* Sicuti eosdem Sinensium Sacrificulos *Bonzios* vocant, voce *Japanicâ*
19. *Tieu.* voce *Persicâ.* ديو *Dieu* n. Persicè *Dæmon* est. Vid. *Abdall.* p. 16. *Notas* ad Aziz. n. 24.



BASILICON SINENSE,

Seu

PRIMORUM HOMINUM,
REGUM &
IMPERATORUM

SINENSIUM

SERIES,
NOMINA,
COGNOMINA,
ÆTAS,
RES quædam GESTÆ,
ALIAQUE,
Ab exordio ad noſtra usque tempora.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
		o Tain, *Sinarum Protoplasta.*				
1. Puoncu.	1. *Puên-cù.*	1. Panzone. & Panzona.				
2. Thien-hoang. *cum* Successoribus. XIII.	2. *Tien-hoâng-tí.* Fratres ejus XIII.	2. Tanom. *cum* Fratribus. XIII.				
3.						
5.						
4.						
6.						
7.						
8.						
9.						
10.						
11.						
12.						
13.						
14.						
15.						
16. Ti-hoang. *cum* Success. XI.	3. *Ti-hoâng-tí.* & Fr. XI.	3. Tejencom. *cum* Fil. XII.				
17.						
18.						
19.						
20.						
21.						
22.						
23.						
24.						

COGNOMINA,
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

ad
Numeros Abdallæ.
* * * *
* *
A. DUCES.

1.

Ban-co. *Tungk.*
Pankum. *Wriche.*
Panſon. *Matelief.*
Adaa & Bazagon. *Pint.*
Conjuges Protoplaſti. *Mend.*

Poſt diluvium in Sinas venit. H. S. 7.

2.

Panzonis & Tainis Creatura. M.

Invenit *Cyclum Sexagenarium* ejusque *Notas*. H. S. 7.

Nomina creaturis *impoſuit*. M. 43.

Quos Martinius *Succeſſores* vocat, & reliqui *Fratres*, hi *capita familiarum* fuiſſe videntur, qui *eôdem tempore* ſuas ſinguli familias rexerint, non alii aliis ſucceſſerint, *Martinio* ipſo ita conjecturam faciente, p. 7.

3.

Aſtronomus. Qui *diem noctemq;* ſuis inſigniit *nominibus*. *Menſem* quoque *triginta dierum* ſpatio terminavit. H. S. 8.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
25.						
26.						
27.						
28. Gin-hoang.	4. *Zin-hoâng-ti.*	4. Tuuncom. F.				
cum		*primog.*				
Success. IX.		cum				
29.		*Filiis* IX.				
30.						
31.						
32.						
33.						
34.						
35.						
36.						
37.						
38.						
39.						
	5. U-lu-gi.	1. Lotzitzam.				
	6. Dex-ti-gi.	2. Azalan. F.				
	7. Che-chun-gi.	1. Atzion.				
	8. Len-len-gi.					
40 Ye.	9. Seu-min-gi.	Usao.				
41. Sui.	10. Xu-zen-gi.	Huntzui.				
* * *	II.	* * *				
1. Fohi.	11. *Fo-hi.*	11. Ochieutej.		115.	2952.	125. Lamechi.
	12. Ni-va-xi, *Sor.*					
	13. Cun-cun-ti.					
	14. Tai-tan-ti.					
	15. Ven-chun-ti.					

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

A *Prima Creatione* ad *extinctos primos homines* numerant Sinæ *annos* 90000. M. 44. pr.

5.
Deuteroplastus. Cornutus. M. 44.
6.
Vixit annos 900. M. 44.
7.
Parthenias. Natus in *Truchin*, Provinciæ *Scianton*. M. 44.
Vixit annos 800. Cœli & Lutimæ F. Matrem *Lintion* vocat Wricht.
9.
Inventor *ædium* struendarum. M. 44.
Ciborum quoque è *carnibus*. M. 44. Abd. 14. Artisque *vestiaria*.
10.
Inventor *ignis*. Ut & utendorum *nodorum funalium* in *commerciis*, nondum invento usu *Literarum*. M. & H. S.

B. REGES.

11.
Mater ejus, *Hautzibon*. M. 45.
Primus *Tien-çù*. *Parthenias*. M. 45. H. S. 11.
Instituit *matrimonium*.
Invenit etiam *Instrumenta Musica*.
Regia, natale solum. H. S. 11.
Vixit anno 300. post diluvium, *Semed*.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Cozancorum.
	16. Gjun-ba-jec.					
	17. Ou-li-ti.					
	18. Bi-len-ti.					
	19. Hai-xu-ti.					
	20. Sun-ju-ti.					
	21. Chun-dun-ti					
	22. Chu-bang-ti.					
	23. Gu-nen-ti.					
	24. Gu-xen.					
	25. Hem-gan-ti.					
	26. Wach-wa-ti					
	III.					
2. Xin-nung.	27. Xin-nun.	12. Ezonlom. F.		140.	2837.	59. Noz.
	28. Vi-					
	29. ching.					
	30. Dilemvi.					
	31. Sing-vi.					
	32 Hai-vi.					
	33. Lai-vi.					
	34. Nai-vi.					
	IV.					
3. Hoang-ti.	35. Xen-ven.	1. Vitei.		100.	2697.	199. Noz.
	36.					
	37.					
	38.					
	39.					
	40.					
	41.					
	42.					
	43.					
	44.					

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

27.
Bua-than-ou, Tungk, Quod est q. d. *Spiritalis avus*. Idem *Sinicè* significat *Xin-nung* H. S. 13.

Inventor Medicina. M. 45. H. S. 13.

Ut & *Astrologia*. *Iudiciaria* imprimis. M.

Sic & *Agricultura*. H. S. 13. M. 45. Abd. 15.

Venenatas herbas septem fine noxa deglutiit. M.

Vixit annos 400. M.

35.
Hic incipiunt Cycli annorum Sinici. H. S. 14. f.

Sinarum Rex primus. M. 45. f.

Nunquam mortuus, sed *Xin-sien*. H. S. 18.

Ab eô omnes Sinarum Reges *Hoangti* appellantur. H. S. 18.

Longus *Cubitos* Sinicos *novem*. M. 64.

Termini h. t. Imp. Sinici. Mare Eoum, Tataria Vetus, & Kiang fl.

Series & Nomina secundum				Ætas		
Martin.	Abdall.	Mendoz.	MS. Sin.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante Christ.	anno Cataneorum.
	45.					
	46.					
	47.					
	48.					
	49.					
	50.					
	51.					
	52.					
	V.					
4. Xaohao. F.	53. *Xao-hao.*			84.	2597.	299. Noæ.
	54.					
	55.					
	56.					
	57.					
	58.					
	59.					
	60.					
	16.					
	62.					
	VI.					
5. Chuenhio. Secundi è Fr. nep.	73. *Chuen.*			78.	2513.	383. Noæ.
	64.					
	65.					
	66.					
	67.					
	68.					
	69.					
	70.					
	71.					
	72.					

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

52.
Hi omnes, *octodecim* numero, de *Hoangtii* genere erant.

53.
Parthenias. Ei successerunt *decem* de genere ipsius.

63.
De prosapiâ *Xinnungi*. Ei successerunt *novem* sui generis. Regia, *Poyang*, H. S. 21.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
	VII.					
6. Co.	73. *Co.*			78.	2435.	461. Noæ.
Quarti nepos.	74.					
	75.					
	76.					
	77.					
* Che, F.	78.					
	79.					
	80.					
	81.					
	VIII.					
7. Yao. Sexti, F.	82. *Yau.*			99.	2357.	539. Noæ.
	IX.					
8. Xun.	83. *Xun.*			51.	2258.	638. Noæ.
I. HIAA.	X.					
1. Yu.	84. *Yu.*	32.		10.	2207.	689. Noæ.
2. Khi. F.	85.	33.		9.	2197.	699. Noæ.
3. Tai-kang. F.	86.	34.		29.	2188.	708. Noæ.
4. Chum-kiang. Fr.	87.	35.		13.	2159.	737. Noæ.
5. Siang. F.	88.	36.		27.	2146.	750. Noæ.
Interregnum.				40		
6. Xao-kung. F.	89.	37.		22.	2079.	817. Noæ.
7. Chu. F.	90.	38.		17.	2057.	839. Noæ.
8. Hoai. F.	91.	39.		26.	2040.	856. Noæ.
9. Mang. F.	92.	40.		18.	2014.	882. Noæ.
10. I. Fil.	93.	41.		16.	1996.	900. Noæ.
11. Pu-kiang. F.	94.	42.		59.	1980	22. æt. Abr.
12. Kung. Fr.	95.	43.		21.	1921.	81. Abrah.

CO GNOMINA.
Unà cum

VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

73.

Huic successerunt *Octo* sui generis.

Inventor *Campanarum*, *Malarum*.

Regia, *Yensu*. H. S. 23.

82.

De Prosapia *Xinnungi*. Abd. 20.

Exemplum Regum, autore *Confutio*. H. S. 25.

A Yao ad ultimum Taimingarum Reges numerantur 234. *Dot*. 76. Anni 4700. *Grub*. Resp. No. 25. Regia, *Cinchen*. H. S. 24. Et *Pingyang*. A. 30. b.

83.

Geminam *pupillam* in utroque *oculo* habebat. H. S. 31. Abd 23.

Successit *Yao* vivo, qui præterito filio ipsum elegerat. H. S. & Abd. ll. cc.

Tatari in Sinas irruunt. H. S. 32.

C. IMPERATORES.

I. HIAÆ.

Summa *Regum*, 17.
annorum, 441. H. S. 34.

Hia, Yui patria. A. 31. a. pr.

Inde *Hiaa*, Yui Dynastia.

Hæc prima *hæreditaria*.

Prima *Martinio*, *Nieuhofio*, aliis.

83.

Divisit imperium in *Provincias Novem*. H. S. 36.

84.

Yu, Quenii filius. Aquarum per canales deducendarum supremus artifex.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit anno ante CHRIST.	regnare anno Coætaneorum.
13. Kin. F.	96.	44.		21.	1900.	102. Abr.
14. Cung-kia. Undecimi. F.	97.	45.		31.	1879.	123. Abr.
15. Ca. F.	98.	46.		11.	1848.	154. Abr.
16. Fa. F.	99.	47.		19.	1837.	66. Isaaci.
17. Kie. F.	100.	48.		52.	1818.	85. Isaaci.
II. XANGA.	XI.					
1. Tang.	101. *Tang.*	49.		13.	1766.	76. Jacobi.
2. Tai-kiao. Nep.	102.	50.		33.	1753.	89. Jacobi.
3. Vo-ting. F.	103.	51.		29.	1720.	122. Jacobi.
4. Tai-keng. F.	104.	52.		25.	1691.	60. Josephi
5. Siao-kiau. Fr.	105.	53.		17.	1666.	85. Joseph.
6. Yun-gieu. Germ.	106.	54.		12.	1649.	102. Josep.
7. Ta-yu. Germ.	107.	55.		75.	1637.	291. *Servitutis.*
8. Chun-gting. F.	108.	56.		13.	1562.	15. Mosis.
9. Vai-gni. Fr.	189.	57.		15.	1549.	28. Mosis.
10. Hotankia. Fr.	110.	58.		9	1534.	43. Mosis.
11. Zu-jeu. F.	111.	59.		19.	1525.	52. Mosis.
12. Zu-sing. F.	112.	60.		16.	1506.	71. Mosis.
13. Vo-kiau.	113.	61.		25.	1490.	87. Mosis.
14 Zu-ting. Nep.	114.	62.		32.	1465.	112. Mosis.
15. Nan-keng. F. Decimi tert.	115.	63.		25.	1433.	25. Josuæ.
16. Yangkiau. Fr.	116.	64.		7.	1408	11. Ehudi.
17. Puon-keng. Fr.	17.	65.		28.	1401.	18. Ehudi.
18. Siao-sing. F.	118.	66.		21.	1373.	46 Ehudi.
19. Siao-ye. Fil.	119.	67.		28.	1352.	67. Ehudi.
20. Uu-ting. F.	120.	68.		59.	1324.	15. Samgaris.

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

I.

II. XANGÆ.
Summa *Regum*, 28.
annorum. 643. H. S. 61.

101.
De Prosapiâ regis 73.
Ei successerunt *viginti novem* personæ de genere ipsius.

110.
Regia, *Siang*.

120.
Sub hoc *Provinciæ* quædam *Occidentales* Sinis ultrò se subjiciunt.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cœpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
21. Zu-keng.	121.	69.		7.	1265.	34. Gideonis.
22. Zukian. Fr.	122.	70.		33.	1258.	1. Abimelechi.
23. Lin-sin. F.	123.	71.		6.	1225.	8. Jairi.
24. King ting Fr.	124.	72.		21.	1219.	14. Jairi.
25. Uu-xeu. F.	125.	73.		4.	1198.	13. *Interreg.*
26. Tai-ting. F.	126.	74.		3.	1194.	17. *Interr.*
27. Ti-yeu. F.	127.	75.		37.	1191.	2 Jephthæ.
28. Che. F.	128.	76.		33.	1154.	8. Simsonis
29.	129.	77.				
30.	130.	78.				
III. CHEVA.	XII.					
1. Fa.	131. *Fa.*	79.		7.	1122.	20. Eli.
2. Ching. F.	132. *Ching-vang.*	80.		37.	1115.	27. Eli.
3. Kang F.	133.	81.		22.	1078.	24. Samuel.
4. Chao. F.	134. *Gai-vang.*	82.		51.	1056.	10. Davidis
5. Mo. F.	135. *Mo-vang.*	83.		55.	1001.	21. Salomonis.
6. Cung. F.	136. *Cun-vang.*	84.		12.	946.	17. Asæ.
7. I. F.	137. *Ii-vang.*	85.		25.	934.	25. Asæ.
8. Hiao. Fr.	138. *Hiao-vang.*	86.		15.	909.	13. Josaphati.
	II.					
9. I. Fil.	139. *Ii-vang. II.*	87.		16.	894.	3. Joranis.
10. Li. F.	140. *Li-vang.*	88.		51.	878.	4. Joasi.
11. Siven. F.	141. *Siven-vang.*	89.		46.	827.	15. Amasiæ.
12. Je.	142. *Ja-vang.*	90.		11.	781.	32. Usiæ.
13 Ping.	143. *Ping-vang.*	91.		51.	770.	43. Usiæ.
14. Von. n. *ex* Fr.	144 *Von-vang.*	92.		23.	719.	10. Hiskiæ.
15. Chuang. F.	145 *Chuang-vang*	93.		15.	696.	4. Manassis
16. Li. *è Reg.* Ci.	146. *Li-vang.*	94.		5.	681.	19. Manass.

COGNOMINA
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

125.

Sub hoc *Coloniæ* in *Insulas Orientalis* deductæ.

128.

Bacillorum Cib. inventor. H. S. 77. f.

Ejus uxor, *Takia*. Vivum se cum palatio combussit. A. 132. á. pr.

131.

Changi F. Taipéi. Fr. Regno potitus *Uu* dictus. Hoc est, *Bellator*.

Adit imperium anno *Chei* 22. H.S. 84.

Hic est, qui *Kicio*, Philosopho, Coream cum plenitudine potestatis donavit. Cujus posteri hodieque vivunt.

Idem Sinarum imperium in *quinq.* regna divisit. Suntque *Xensi*, *Zu* (Huquang) *Su Chim* (Honan) *Tui*. Constituit etiam regulos *Ci*, *Guei*, *Lu*, *Yen*.

Taipe, frater primogenitus, fratri regnum de voluntate patris lubens cedit. Condèbat intereà regna duo ultrà *Kiangum* fl. Scil. *Yue* & *V*, circà *Hangcheu* & *Sucheu*. H.S. 48. 118.

III. CHEVÆ.

Summa *Regum*. 37.
annorum. 875. H. S. 86. 92.

134.

Hujus tempore *Xaca* natus est.

140.

Domat populos *Hoaigan* & *Huquang* ultrà *Kiang*.

141.

Literæ Novæ inventæ. *Abd*. 32.
Tatari irrumpunt. Reguli deficiunt.
Bellum civile. Inde quinque regna:
Ci in *Xantung*,
Cin in *Xensi*;
Cyn in *Xansi*.
Guei in *Honan*.
Zu in *Huquang* & *Kiangsi*.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos.	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
17. Hoej.	146. *Hoei-vang.*	95.		25.	67 6.	24. Manaff.
18. Siang.	147. *Siang-vang.*	96.		33.	651.	49. Manaf.
19 Hiang.	148.	97.		6.	618.	25. Josiæ.
20. Quang.	149. *Quang-vang.*	98.		6.	612.	1. Joahasi.
	150. *Cung-vang.*			21.	606.	6. Joakimi.
21. Ting.	151. *Ting-vang.*	99.		14.	585.	24. Nebucadnezar.
22. Kien.	152 *Kien-vang.*	100.		27.	571	38. Neb.
23. Ling.	153. *Ling-vang.*	101.		25.	544.	16. Cyri. in Pers.
24. King. F.	154. *Ta-vang.*	102.		44.	519.	3. Darii Hyst.
25. King. Fr.	155. *King-vang.*	103.		7.	475.	11. Xerxis.
26. Yuen. F.	156.	104.		28.	468.	18. Xerxis.
27. Chin-ting. F.	157. *Chin-ting.*	105.		*(vix M. 3.*		
28. Kiu-cie. F.	158. *Ni-vang.*	106.				
29. Xo-cie. Fr.		107.		*(vix M. 5.*		
30. Ça. F.	159. *Si-vang.*	108.		15.	440.	25. Artax. Longim.
31. Gvei-lie. F.	160 *Dil-vang.*	109.		24.	425.	40. *Ej.*
32. Gan. F.	161. *Gan-vang.*	110.		26.	401.	5. Artax.
33. Lie. F.	162. *Pi-le-vang.*	111.		7.	375.	31. *Ej.*
34. Hien. Fr.	183. *Hien-vang.*	112.		48.	368.	38. *Ej.*
35. Xicin. F.	164. *Xi-cin-vang.*	113.		6.	320.	4. à *morte* Alex. M.
36. Fo. F.	165. *Fo-vang.*	114.		60.	314.	10. *ab eadem*
37. Cheukiun Fr.	Interregnum.	115.		9.	254.	8. Antiochi Thei.

COGNOMINA, Una cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

142. Ie.

De hujus pellice, *Paosua*, vid. ad *Abd*. p. 32. Pao-suæ Filius, *Pe-fo*, in regni successorem eligitur à Patre. *I-kiu*, filius legitimus, ad *Xin* patruum aufugit. Huic, *Ie* bellum movet. *Xin Tataros* in suas trahit partes. Quas cum ipse metueret, *Ikie* sedê regiam transfert in *Sigan* urbem. Reguli Occidentales frustrà ope expectatâ Tataros ipsi expellunt, & loca, quæ occuparant, sibi vendicant. *Cina* cumprimis & *Gueia*. *Je* tandem occiditur.

143. *Ping*.

Relinquit regiam, *Siang*. Reguli plures deficiunt. Ci maxime, *Zu* & *Cyn*. Hæc bella ad ætatem Confutii pertigerunt. Quare ab his regibus incipit.

144. *Von*.

A *Chingo*, Chevarum Regulo, armis superatur. Amissa non recuperans; Residua vix tuetur.

144. *Chuang*.

Cum eo *Kie*, Concubinæ patris filius, de imperio certat. Qui tandem ad regem *Yen* aufugit.

145. *Li*.

Hujus imperium solus *Sui* Regulus detrectat. Eum *Vencung* Rex *Ci* necat. Necem Rex *Lu* ulturus erat. Sed vix suum servabat regnum.

146. *Hoei*.

Tie, gens in *Xansi*, *Hing* urbem obsident. *Uoncung*, rex Ci, Imperatoris nomine, Hostem expellit.

147. *Siang*.

Hoc tempore *duo Imperatores* erant, *Siang* pater & *Xocao* filius. Sed hostes. Filius ope regum *Cin* & *Cyn* trucidatur. *Tie* quoque populus domatur.

148. *Hiang*

Exemplum innocentiæ, sapientiæ, bonitatis & omnium Imperatoris Virtutum.

149. *Quang*.

Quang Sinicè *Clarissimum* notat. *Siang-cung*. *Hiangi*, Frater, *Ling-tungo*, regi *Cin*, surrogatur.

151. *Ting*.

Latinè *Constantem* diceres, *Constantinum* Jesuitæ *Tangting* vocant. *Boym*. Hujus anno tertio nascitur *Lao-tan*, Heresiarcha. H. S. 117.

152. *Kien*.

Hic prima mentio regni U. H. S. 118.
Sinæ ante hæc tempora *Curribus* in bello usi sunt. H. S. 119. 153.

153. *Ling*.

Hujus anno 21. nascitur *Confutius*, Philosophus.
Chusan & *Lichao* fratres Patri in regno U succedere æquè repugnant. H. S. 120.

154. *King*, I.

Huic succedebat *Menguen*.
Sed vix unô mense imperium tenens.

155. *King*, II.

Mengueni frater. Anteà *Cai* dictus. Anno ante Christum 481. KILIN capitur, animal, non sine omine. H. S. 132.

156. *Yuen*.

Primum proscriptionis exemplum in regem *Lu* statuit, H. S. 134.

157. *Chin-ting*.

His Cognomine *Castus* dicebatur.

159.

Anteà *Quei* dictus. Hoc tempore *Mars*, planeta, ad constellationem SIN pervenerat. Sequuntur ANNI BELLORUM trecenti. H. S. 140.

160. *Guei-lie*.

Uusio, Rex *Chao*, *Chisiangi*, regis Cin hostis cæsi, cranium pro poculo usurpat. In extremæ signum vindictæ.

163. *Hien*.

Hic *nudum Imperatoris nomen*, & nil nisi *Imperatoria Vasa* retinet. Vid. H. S. 36. 116. 140. 175. Ejus *anno octavo COMETA* visus est ad Occidentem Sinarum. Hoc tempore *Mentius*, Philosophus, secundus à *Confutio*. Eodem tempore *ALEXANDER MAGNUS Suchuenam*, Sinarum hodiè Provinciam VI. capit, autore *Hornio* Arc. Noæ p. 434. Quod non videtur. Ab Alexandri tamen tempore *Sinas* sub *Sinarum nomine* exteris innotuisse certiùs est. Vid. Not. ad Abdall. p. 37. Florebat etiam tunc *Chungcii* secta, quæ nihil non per latentis injusti suspicionem aversabatur. Et *Hinbingi*, quæ omnia communia haberi volebat. H. S. 158. *Itii* quoque, quæ *parentes prius* quidem quàm alios amabat, sed non *intentius*.

164. *Xi-cin*.

Quinque reges, *Chao*, *Guei*, *Han*, *Yen*, *Zu*, *CINum* ex formidine potentiæ ejus bello adoriuntur. Qui cæsis 30000. pacem petunt. XO & PA, *Dynastia* erant, ubi nunc *Suchuen* est. Dynastæ acre inter se bellum gerunt. Uterque *Cini* auxilia implorat. *Pa* submissionem clientelarem spondet. *Xo* perit. *Guei* exemplo hoc monitus Cino tributarium promittit obsequium. An è vocibus *Xo* & *Pa Sopithis* nomen fit, regis, qui *Alex*. Magno se dedebat, V. *Chataj*. p. 59.

165. *Fo*.

Capitur ab *Hanâ*. Traditurque *Cino*. *Ci* eidem *Cino* se submittit. Qui item regna *Chao*, *Zu*. &c. occupat. *Fo* tandem, & ipse se dedit, traditque Cino residuas, adhuc triginta urbes, militumque 30000. H. S. 193. *Hana* enim ipsum ceperat, & se Cino subjicit.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
	166.					
	167.					
	168.					
	169.					
IV. CINA.	XIII.					
1. Ching.	170. *Ching-vang.*	116. Tzinzom.		37.	246.	1. Seleuci Calliniti.
	XIV.					
2. Ulxi. F.	171. *F.*	Agutzi. F.		3.	209.	16. Antiochi Magni.
3. Ing.	172. *Fr.*			46. *d.*	206.	19. *Ejusd.*
V. HANA.	XV.					
1. Lieupang.	173. *Bang-vang.*			12.	206.	*Eodem.*
	XVI.					
	174. *Han-kao-zu*	118. Anchiosau.				
2. Hoei. F. Ye, *suppositius hæres.*	175. *Xuphidi.*	119. Futei. F.		7.	194.	31. *Ejusd.*
3. Liu-heu. *secundi mater.*	176. Mater.	*Uxor.*		8.	187.	1. Sel. Philopatoris.
4. Ven, *primi filius.*	177. *Phudi.*	*primi filius ex alia uxore.*		23.	179.	9. *Ejusd.*
5. Hiao-king.	178.	Cuntei.		16.	156.	7. Demetrii Soteris
6. Hiaoum. F.	179. *Liu-vang.*	Hantei.		54.	146.	4. Simonis Maccabæi.
7. Hiaochao.	180.	Chiantei.		86.	12.	19. Alex. Jannei.
				7. *m.*	72.	
8. Ho, *patruus.*	181. *Gudi.*					
9. Siven, *sexti nepos.*	182. *Liuvangi.* F.	Ochiantei.		25	73.	5. Alexand. Salom.

COGNOMINA.

Unà cum

VER. LECT. NOMIN.

ut &

MEMORABIL. TEMP.

166. *Chen-kiun.*

Imperio se ultrò abdicat.

D. MONARCHIÆ.

IV. CINÆ.

Summa *Regum* 3.

Annorum 43. H. S. 229. f.

Cina à *Ficio*, equorum magistro, oriundi. H. S. 27. 164.

170. *Ching.*

Aliàs *Xi.* H. S. 195.

Crisnagel. Pint. 166.

Tay. Tung-king.

Centesimus decimus sextus familiæ *Vitai.* M.

Primus *Monarcha.*

Hiaa enim vix extrà Xensi regnabat.

Xanga & *Cheva* cis Kiangum, exceptâ *Xensi*, in *Honan*, *Peking*, *Xan-tung.*

Cina totam Sinam possidebat, suppressis regulis *Chao*, *Guei*, *Han*, *Tem*, *Zu.*

Dynastas item *Cho* & *Ta*, ab Hoangtli sanguine natos domat.

Imperio *exoticas* non minus *terras* adjiciens.

Idem *Muro* Sinas muniit adversùs Tataros, anno ante Christ. 215. H. S. 209. Vid. *Nub.* VI. 9.

Tandem anno imperi 34. *Incendium librorum* instituit, de quô *H. S.* l. c.

Regia, *Hien-yang* in *Xensi.* H. S. 211.

Monarchiam obtinuit anno ante Christum

vel 221.

vel 246.

vel 254. H. S. 193.

Sub hoc primæ in *Iaponiam*, hactenus vacuam, coloniæ.

Sub hoc in *Indias* & *Africam* usque navigatum est.

De ejus *nomine*, *Cina* enim erat, totum Imperium hodieque *Chin* dicitur. Regnavit annos

37. Sec. H. S. 195.

40. Sec. Mend. 66. Vid. Not. ad *Abd.* p. 37.

Nigrum colorem præferebat reliquis. H. S. 212.

Initium anni, prima in Sagittario conjunctio.

Ejus filii, *Ma-yn*, major, & *Huthai*, minor natu erant.

171. *Ul-xi.*

Anteà *Hu-hai.*

Invasit imperium anno æt. 21. Morte multatus ab iis, qui, ipsum elegerant, anno ætat. 24.

Lin-cung, Physiognomus, Lieu-pango imperium prædicit. H. S. 218.

Ul-xi, *Astrologiæ* deditus, successorem ex austrô provinciæ *Xensi* sibi instare prænovisse scribitur. Is *Lieu-pang* erat.

V. HANÆ.

Summa *Regum* 30.

Annorum 460. & amplius. H. S. 276.

Ante *Hanam* Sinæ nil nisi *Xang-ti* venerabantur. Deum valde probabiliter sic vocantes. Cumque Hanæ etiam in Junnane & ad Occidentem sitis terris rerum potirentur, devictæque gentis sacra ac ritus suscepissent, prima *Idololatriæ* Xacanæ, quam Vejovi *Fe* faciunt, notitia è finibus montis *Ki yo* ad Sinas pervenit. A. 124. b.

173.

Aliàs *Cao-zu.* H. S. 250.

Han-cao-zu. Abd.

Designatus à patre Rex Sinarum. M.

175. *Hoei.*

Sororem uterinam Regi *Tanyu* nuptum dat.

175.

Regn. ann. 18. M.

Nan-yue Sinarum imperio accedit.

176. *Ven.*

Aliàs *Hiungi* regni *Tai* Rex secundus.

Sub hoc *papyrus* inventa.

Litera & *Libri* reviviscunt.

177.

Regn. ann. 16. m. 8. M.

178. *Hiao-u.*

Hic *Tataros* coërcet.

Indos ad *Bengalam* usque sibi subjicit. A. 55. 124. a.

Condit urbem *Techeu. ib.*

Coss. Metello & Afranio Indi tempestatibus maris abrepti navei in Germaniam veniunt. Cornel. *Nepos* ap. *Plin.* & *Melam.* Vid. *Horn.* Orig. Amer. 13. H. S. 321.

180.

Regn. an. 13. M.

182. *Siven.*

Aliàs *Ping.* H. S. 336.

Regn. ann. 25. m. 3. M.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos.	Cœpit regnare anno ante CHRIST.	anno Coætaneorum.
10. Jven, F.	183. *Vendi.*	Coantei, F.		16.	48.	1. *ante* Jul. Cæsar.
11. Ching, F.	184. *Gendi.*	Tzentzei, F.		26.	32.	12. Augusti
12. Ngai, **nep. ex fratre.*	185. *Aidi.*	Autei.		6.	6.	38. *Ejusd.*
					Anno CHRIST.	
* Hic desinit *Martinius.*	186. *Bendi.*	Pintatei.		5.	1.	44. *Ejusd.*
	XVII.			15.	6.	49. *Ejusd.*
	187. Nep.					
	XVIII.					
	188.					
	189.					
	XIX.					
	190. *Hu-han.*	Huihannon. Fr.				
18. Quang-uu-ti.	191. *Hanmendi.*	F.		32.	25.	12. Tiberii.
19. Ming.	192. *Haidi.*	Bemtei. F.		18.	56.	7. Neronis
20.	193. *Hvari.*	Untei. F.		13.	73.	5. Vespasianis.
21.	194. *Chang-vai.*	Otei.		16.	85.	5. Domitiani.
22.	195. *Handi.*	Jantei. F.		8. m.		
23.	196. *Pu-xang.*	Antei. F.		19.	101.	5. Trajani.
24.	197. *Gungdi.*	Tantei. F.		int. m. 3.		
25.	198. *Gebgi.*	Chitei, Fr.		1.	120.	4. Hadriani.
26.	199. *Xenidi.*	Quantei. Fr.		21.	121.	5. *Ejusd.*
	200.					
27.	201. *Su-hing-sang*	Lintei.		22.	141.	4. Anton. Pii.
	XX.					
28.	202.	Jantei, II.		31.	162.	2. Aurelii.

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

183. *Iven.*
Aliàs *Hie.* H. S. 346.
Regn. ann. 16. m. 2. M.
184. *Ching.*
Regn. ann. 26. m. 4. M.
185. *Ngai.*
Ngai-ti. Gab. 145.
Bua Hán Aide. Tungk.
Hujus *anno sexto* natus est D. N. JESUS CHRISTUS. H. S. 361.

190. *Quang-uu-ti.*
Hujus *anno septimo* ECLIPSIS inusitata observata est. V. *Comm. Alphab.* p. 24. b.
191. *Han-min-thi.*
Vid. *Comment. Alph.* p. 70. a.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno CHRIST.	anno Coætaneorum.
	203.	Laupi. *nep. ex Fr.*				
	204.	Cuitei. F.				
	205.					
	206.					
	207.					
	XXI.					
VI.CYNA.	208. *San-phu-di.*	1. Chiambutei, Fontei. F.		41.	246.	12. Gallieni
	209. *Getbirsen.*	2.				
	210.	3.				
	211.	4.				
	212.	5.				
	213.	6.				
	214.	7.				
	215.	8.				
	216.	9.				
	217.	10.				
	218.	11.				
	219.	12.				
	220.	13.				
	221.	14.				
	222.	15.			429.	4. Valentiani III.
	223.	16. Chiontei.				
	XXII.					
	224.	1. Tzou.				
	225.	2.				
	226.	3.				
	227.	4.				
	228.	5.				
	229.	6.				

COGNOMINA
Unà cum

VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

VI. CYNÆ.

Summa *Regum*
Annorum. 155.
Horn. Arc. Noæ.
Vossius de æt. Mundi 47.
N-hof. 390. b.

208.

Regnavit annos
25. Solus;
16. cum filio.

U-TAI
h. e.
Quinque Reges.
v.
Not ad *Abdall.*
p. 45.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno CHRIST.	anno Goætaneorum.
	230.	7.				
	231.	8.				
	232.	9. Sotei.				
	233.	1. Cotei.			490.	17. *Zenonis* Isaurici.
	234.	2.				
	235.	3.				
	236.	4.				
	237.	5.				
	238.	6. Otan.				
	239.	1. Dian.			513.	23. *Anastasii* Dicori.
	240.	2,				
	241.	3.				
	242.	4.				
	243.	5.				
	244.	1. Tim.			568.	4. *Justin.* Jun.
	245.	2.				
	246.	3.				
	247.	4.				
	248.	5.				
	249.	6.				
	XXIII.					
	250. *Sui.*	1. Tzui.			598	16. Tib. *Maurit.*
	251.	2.				
	252.	3.				
VII. TANGA.	XXIV.		TANG.			
	253. *Kao-çu.*	1. Tonco.	1. *Kaō-çù.*	9	618.	7. *Heraclii.*
	254.	2.	2. *Tái-çuñg.* F.	34	627.	16. Ejusd.
	255.	3.	3. *Kaō-çuñg.* F.	31.	641.	1. *Constantini* IV.
	256.	4.	4. *Vù-heú.*	21.	675.	8. *Constantini* Pog.

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

VII. TANGÆ.

Summa *Regum*, 21. Abd.
annorum 294. M.

253. *Kaō-çù.*

Al. *Lì.* Et *yuen.*

254. *Tái-çung.*

Al. *Xi-min.*

Meminit hujus *Monumentum* illud *Sinicum*, quod *Kircherus* in *Chinâ Illustratâ* edidit. Diciturque ejus tempore *O-lo-puen* doctrinam Christianam Sinis ab *Occidente* intulisse. (Col. VIII. 39.) Idque anno Christi 636. Uti quidem Interpretes statuunt. Fuisset hoc Cycli Sin. LVI. anno 33. *Ping-xin* dicto.

255. *Kaō-çung.*

Monum. Sin. XIII. 24. XXV. 30. Interpretes referunt ejus acta pro Christianis ad annum Christi 651.

256. *Vû-héu.*

Al. *Kung.*

Xim-lie, Sec. Kirch. p. 40. b. Vid. *Mon. Sin.* XIV. 9. Interpretes ponunt annum Christi 699.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno CHRIST.	anno Coætaneorum.
	257.	5.	5. *Chuñg-çuñg.* tertii. F.	5.	695.	12. *Justiniani* II.
	258.	6.	6. *Júi-çuñg.*	3.	700.	17. Ej.
	259.	7.	7. *Hivên-çuñg.* F.	45.	703.	70. Ej.
	260.	8.	8. *Só-çuñg.* F.	17.	748.	9. *Constantini* VI. *Porphyrog.*
	261.	9.	9. *Tái-çuñg.* F.	18.	765.	25. *Ejusd.*
	262.	10.	10. *Té-çuñg.*	15.	783.	4. *Irenes.*
	263.	11.	11. *Xún-çuñg.* F.	8mi.	798.	19. *Ejusd.*
	264.	12.	12. *Hivên-çuñg.* F.	16.	799.	20. *Ejusd.*
	265.	13.	13. *Mó-çuñg.* F.	4.	815.	4. Lud. *Pii.*
	266.	14.	14. *King-çuñg.* F.	7.	819.	6. *Ejusd.*
	267.	15.	15. *Vên-çuñg.* Fr. min.	14.	826.	9. *Ejusd.*
	268.	16.	16. *Vû-tí* 13.^{ii} Fil.	7.	840.	1. Lotharii.
	269.	17.	17. *Suen-çuñg.* 12^{mi} Fil.	13.	847.	8. *Ejusd.*
	270.	18.	18. *Y-çung.* F.	15.	860.	6. Lud. II.
	271.	19.	19. *Hí-çuñg.* F.	15.	875	1. Caroli II.
	272.	20.	20. *Cháo-çuñg.* Fr. min.	17.	890.	4. Arnulphi.
	273.	21.	21. *Gãi-çuñg.* F.	2.	907.	4. Berengarii.
	274.	22.				
		23. Troncon.				

COGNOMINA.
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

258. *Iun-ςuñg.*

AL. *Tán.*

259. *Hivén-ςuñg.*

Monum. Sin. XIV. 51. Interpretes ponunt annum Christi 719.

260. *Sŏ-ςuñg.*

Monum. Sin. XVII. 41. XXII. 5. XXVI. 34. Interpretes ponunt annum Chr. 757.

261. *Tái-ςuñg.*

Monum. Sin. XVIII. 16. XXVII. 7. Interpretes ponunt annum Chr. 764.

264. *Hivén-ςuñg.*

Si hic est, qui in *Monumento Sinico* KIEN-CHUNG dicitur, sed longè aliis Characteribus notatur, benè est.

Meminit ejus *Monumentum* Col. XXVII. 39. XXVIII. 34. Traditurque *anno* hujus Regis altero, *die* 7. *Mensis* Autumnalis, idque die *Dominicâ*, Lapidem illum erectum esse.

Hoc Interpretes ad *annum Christi* 782. referunt. Porrò Monumentum illud anno *Seleucidarum* 1092. scriptum est, uti *additamentum Syriacum* docet. Is verò annus est annus Christi 780.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno CHRIST.	anno Coætaneorum.
		207. Bausa, *cænobialis mulier.* (*Tonconis noverca*; *Tronconis* uxor.		41.	706.	22. Justiniani II.
	XXV.					
V.	275. *Len-tain.*	1. Tautzon. F.		120. cum *posteris.*	747.	7. Constantini VI. *Porphyrogeniti.*
	276. *Jogi.* F.	2.				
	277. Fr.	3.				
	XXVI.	4.				
	278. *Ten-chun-zun.*	5.				
		6.				
	279. *Men-zun.*	7.				
	280. *Mundi.*	8. Couchiam.				
B.	281. *Mudi.*	1. Diam.		18. cum *posteris.*	867.	13. Ludovici II.
	282. *Sororis maritus Xudli.*	2.				
C.	XXVII.	1. Outon.		15. cum *posteris.*	885.	7. Caroli III.
	283. *Ten-gau-zu.*	2.				
	284.	3.				
	XXVIII.	4.				
D.	285. *Cheti-Gau-zu.*	1. Outzim.		9. cum *posteris.*	900.	3. Ludovici IV.
		2.				
	286. *Nidi.*	3.				
E.		1. Tozo.		4. cum *posteris.*	909.	6. Berengarii.
		2. Fil.				
	XXIX.					
F.	287. *Naizu. Gudigu.*	1. Anchiu.		10. cum *posteris.*	913.	2. Conradi.
	288. *Hum-xi-zun.*	2.				
	289. *Mem-ti-nim.*	3.				

COGNOMINA.
Unà cum

VAR. LECT. NOMIN.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

HEU-TAI.
h. è.
Posteriores Tyranni.

LEAO,
seu
KARACHATÆI.
Chataiam occupant.
c. a. Christi 800.
Deleti à *Kinis*.
c. a Christi 1009.
Summa *Regum* 9.
annorum 209.
MS. *Sin*.
Ex hisce *Presbyter Iohannes*,
quem vocant.
Vid. *Basil. Sin.* Par. II.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS.		
Martin.	Abdall.	Mendoz.	MS. Sin.	Regnavit annos	Cæpit regnare anno Christ.	anno Coætaneorum.
	XXX.					
VIII. SUNGA. Prior.	290. *Tai-zu.*	1. Zaizon.	1. *Tai-çu.*	17.	923.	5. Henrici *Aucupis.*
	291. *Tai-zun.*	2.	2. *Tai-çuñg.* Fr.	22.	940.	5. Ottonis *Magni.*
	292. *Chin-zun.*	4.	3. *Chin-çuñg.* Fr.	41.	987.	27. *Ejusd.*
	293.	3.	4. *Gin-çung.* F.	25.	962.	5. Ottonis III.
	294. *Jing-zun.*	5.	5. *Yng-çuñg.* Secundi abnepos.	4.	1028.	5. Conradi II.
	295. *Xin-zun.*	6.	6. *Xin-çuñg.* F.	8.	1032.	9. *Ejusd.*
	296. *Ge-zun.*	7.	7. *Ché-çuñg.* F. Ved. Textum.	15.	1040.	2. Henrici III.
	297. *Sun-zun.*	8.	8. *Hoëi-çuñg.* Sexti fratris filius.	25.	1055.	17. *Ejusd.*
	298. *Kum-zun.*	9.	9. *Kiñ-çuñg.* F.	2.	1080.	5. Rudolphi *Svev.*
Posterior.	299. *Kao-zun.*	10.	1. *Kaō-çung.* octavi fratris filius.	36.	* 1123.	18. Henr. V.
	300. *Xao-zun.*	11.	2. *Hiáo-çuñg.* F.	27.	1159.	8. Frider. *Barbar.*
	301. *Quang-zun.*	12.	3. *Quañg-çuñg.* F.	5.	1186.	35. *Ejusd.*
	302. Nîng-zun.	13.	4. *Nin-çuñg.*	30.	1191.	2. Henr. VI
	303. *Ti-zun.*	14.	5. *Li-çuñg.*	40.	1221.	11. Frid. II.
	304. *Tu-zun.*	15.	6. *Tu-çuñg.* F.	10.	1261.	4. *Interr.*
		16.	7. *Kúng-ti.* F.	2.	1271.	14.
		17.	8. *Tuōn-çuñg.* F.	3.	1274.	16.
* *Hic desinit* ABDALLA.	305. *Xu-gu.* *	18. Tepin.	9. *Ti-ping.* Fr.	2.	1276.	3. Rudolph. *Habsp.*

COGNOMINA
Unà cum
VAR. LECT. NOMIN.
una &
MEMORABIL. TEMP.

VIII. SUNGÆ.

SUMMA *Regum*, 18.
annorum, 310. M.

PRIORES & CATHOLICI.
Summa *Regum* 9. Abd.
Annorum 167. MS. Sin.

290. *Tai-çu.*
Erat è posteris *Vitei*. M.
Al. *Quãng-yn.* Et *Quãng-y.*
E terrâ *Chó-kiun.*

292. *Chiñ-çung.*
Aliàs *Tuön-kũng.*
Hujus tempore observatum est, Solstitia ab annis 3342. aut ab anno ante Christum 2338. ad annum Christi nati 1004. gradibus XLII. mutâsse. H. *S.* 24. Gab. 282.

293. *Giñ-çung.*
Al. *Chiñ.*
Interfectus à Prorege.

294. *Ting-çung.*
Al. *çung-xi.*

295. *Xiñ-çung.*
Al. *Chiñ.*

296. *Ché-çung.*
Al. *Sun.*

297. *Hoei-çung.*
Hic & qui sequitur à *Kinis* capti & abducti sunt. MS. SIN. Eo tempore *mulieres barbas gerebant* (inquit autor) & *viri in partu laborabant.*

298. *Kin-çung.*
Hujus tempore *Altunchani* Chatajam occupant. *Abd.* 49. *Sungæ* in *Maginam* concedunt. *Abd.* 50.

POSTERIORES & FUGITIVI.
Summa *Regum* 9.
Annorum 155. *MS. Sin.*

299. *Kao-çung.*
Sungarum *decimus*. A. 86. a. 117. a. f.
A Kinis Sinâ boreali pulsus.
Sedem in *Hang-cheu* figit, anno Christi 1133.

303. *Lì-çung.*
Al. *Tu-lin.*
Sungæ primi nepos XIV.

309. *Ti-ping.*
Hic rebus omninò desperatis è monte Insulæ *Tai-mun*, è regione *Macao*, in mutuo amplexu fidissimi Præfecti in mare sese præcipitem dedit. *A.* 105. b. De eòdem *Venetus* II. 54. Conscensaque navi cum maximo comitatu ad " insulas quasdam inexpugnabiles se recepit, habens se- " cum circiter mille naves. "

KINÆ,
Seu
ALTUNCHANI,
Chataja Domini.
Ex
Abdallâ Beidavæo.
&c.

1. *Taiçung Kuen.*
Ita à *Sinas* dictus.
Aliàs Ōkótá.
& *Huèn-yên*, è linguâ patriâ:
ut & *Altunchan*, à Turcis.
2. *Tai-çung.* F.
3. *Tai-çung* Fu-dan.
4. *He-xun.* Hujus *anno Novo* natus est *Gingis*. *Abd.* 51. Est is annus Christi 1154.
5. *Xe-xun.*
6. *Ling-tai-xun.*
7. *Chin-çun.*
8. *Gitmiali.* Hic & qui sequuntur duo *Xu-gui* contemnei erant. *Abd.* 50.
9. *Xaidixu.*
10. *Sebud.*
Duravit imperium hoc *ann.* 220.
Deletum ab Iuenis. MS. Sin.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cœpit regnare anno CHRIST.	anno Coætaneorum.
IX. YVENA. Tatari *Gingischanida.*	306. *Kaan.*	1. Uzou.	1. *Tá-yuên.*	15.	1278.	5. Rudolphi *Habsp.*
	307.	2.	2. *Tie-mó-ùl.* nep.	9.	1293.	2. Adolphi *Nassov.*
	308.	3.	3. *Vû-çung.* F.	4.	1302.	6. Alberti *Austr.*
	309.	4.	4. *Gîn-çung.* Fr.	9.	1306.	9. *Ejusd.*
	310.		5. *Yng-çung.* F.	3.	1315.	2. Frid. III.
	311.	6.	6. *Ting-tí.*	5.	1318.	5. *Ejusd.*
	312.	7.	7. *Mîng-çung.* Tertii fil.	2	1323.	10. *Ejusd.*
	313.	8.	8. *Vên-çung.*	4.	1325.	12. *Ejusd.*
	314.		9. *Nîng-çung.* Septimi F.	1. *m. ampl.*	1329.	16. *Ejusd.*
	315.	9. Tzintzoum.	10. *Xún-çung-tí.* Fr.	36.	1329.	*Eodem.*
X. TAIMINGA.	316.	1. Hombù.	1. *Hûng-vû.*	31.	1368.	22. Caroli IV.
	317.	2.	2. *Kién-vên.* nep.	4.	1399.	22. Wenceslai.
	318.	3.	3. *Tài-cung.* Primi nep. ex Fr.	22.	1403.	4. Ruperti Palatini.
	319.	4.	4. *Gîn-çung.* F.	1.	1425.	15. Sigism.
	320.	5.	5. *Sueñ-çung.* F.	10.	1426.	16. *Ejusd.*
	321.	6.	6. *Yng-çung.* F.	14.	1438.	26. *Ejusd.*
	322.	7.	7. *King-tái.* Fr.	7.	1450.	11. Frid. V.
	323.	8.	8. *Tiēn-xún.*	8.	1457.	
	324.	9.	9. *Chîng-hoá.*	23.	1465.	26. *Ejusd.*
	325.	10. Hoiyen.	10. *Húng-chí.*	18.	1488.	49. *Ejusd.*
	326.	11.	11. *Chíng-té.*	16.	1506.	14. Maximiliani I.

COGNOMINA.
Unà cum

VAR. LECT. NOM.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

IX. YVENÆ.

Summa *Regum* 9.
Annorum 93. M.

Yvenæ Sungas per annos 73. bello vexabant, donec rerum in Sinis potiti sunt. N-*hof.* 390. b.

306. *Ta-yuen.*

Est hoc familiæ nomen. Q. d. magni *Gingis-chanidæ.*
Proprio nomine *Kubla* dicebatur. De eô multa *Venetus.*
Pró Uzou Mendozæ *Cizou* scribendum est. Quod est *Xi-chù.* Sic *defunctos* vocant *Imperatores*, secundum *Grubetum.* Vel *Conditores* potius novi Imperii. Sinicè *Parentem* aut *avum* familiæ significat.
Al. *Ki-veñ-xi.* & *Chung pié-lie.*
Posterius hoc Sinica nominis *Kubla* redditio est.
Anno Kublæ 18. (h. e. Christi 1281.) *Astronomia* Sinica reformatur. *Interc.* p. 8. Anno sc. non imperii *Sinici*, sed *Tatarici.* Conf. p. 76.

307. *Tie-mo-ul.*

Est ipsissimus *Temur*, Cublæ nepos, de quô *Ven.* II. 18. Neque Sinæ nomen hoc aliter exprimere norunt. Literam R voce *ul* exprimentes. Errat v. *Intorcetta*, qui hunc p. 76. Kublæ filium vocat.
Al. *c'hing-çuñg.*

310. *Yng-çuñg.*

Al. *Xó-tê-lá-pa.*
Quô nomine *filius* quidam *Kublæ* vocabatur. De quô *Ven.* II. 40.

311. *Ting-ti.*

Hic & qui sequuntur in *Chin* quoque rerum potiti sunt. *MS. Sin.* n. 1136.
Aliàs *yè-sun-tie'-mó-ùl.* Estq; hoc idem quod *Esontemur.* *Ven.* II. 40.

313. *Vên-çuñg.*

Aliàs *t'ú-tie'-mó-ùl.*

315. *Xún-çuñg-ti.*

Aliàs *tó'-hoan-tie'-mó-ùl.*

X. TAI-MINGÆ.

Priores undecim regnarunt annos 200. M.
Summa *Regum*, 16.
Annorum 266. Int. 83.

316. *Hung-vú.*

Aliàs *Chañg yuên.*
Et *Tái-chù-kaō-hoañg-ti.* dictus.
Patrium nomen illi *Chù* erat.
Vixit annos 71.
Regiam *Nankingâ* (Kiñ-ling dictâ) *Pekingam* transtulit.

318. *Tái-çuñg.*

Aliàs *Chi'ng-chù-veñ.*
Et *Tai.* Itemque *yum-lo.* &c.
Anteà Rex terræ *yeñ.*
Vixit ann. 65.

319. *Giñ-çuñg-chiñ.*

Aliàs *Kaō-ché* & *Hung-hi.*
Vixit annos 47.

320. *Suén-çuñg-chañg.*

Aliàs *Cheñ-ki.* Et *Suen-té.* *Siuente.* A. 22. b.
Sub hoc, anno Christi 1400. conflagravit *Palatium Regum.* Inde *Cu-tang.* æs quasi *Cyprium.* ibi Vixit ann. 37.

321. *Yng-çung-jui.*

Aliàs *Ki-chiñ.*
Novennis, cum imperium capesseret.

322. *King-tái.*

Aliàs *Ki.*

326. *Ching-te.*

Equo de lapsus periit. M.
Scaliger: Hoyjen regnabat anno 1576.
Ejus mater anno 1581. adhuc vivebat.

SERIES & NOMINA secundum				ÆTAS		
MARTIN.	ABDALL.	MENDOZ.	MS. SIN.	Regnavit annos	Cœpit regnare anno CHRIST.	anno Cœsareorum.
	327.	12. Bonog. Fr.	12. *Lũng-king.*	6.	1568.	5. Max. II.
	328.	13. Wontai Hammion.	13. *Ván-lié.* F.	48.	1573.	10. *Ejusd.*
	329.		14. *Tai-chang.* F.	1. m.	1620.	2. Ferd. II.
	330.		15. *Tien-ki.* F.	7.	1621.	3. *Ejusd.*
	331.		16. *çũg-chin.* FI.	16.	1827.	9. *Ejusd.*
XI. TAICINGA,	332.		1. *Xun-chi.*	20.	E. 1644.	8. Ferdin. III.
Tatari NIUCHANI.	333.		2. *Cãg-hi.*		1666.	9. Leopoldi.

COGNOMINA.
Unà cum

VAR. LECT. NOM.
ut &
MEMORABIL. TEMP.

327. *Lung-king.*
Aliàs *Kiacing*. A. 30. s.
Hoc regnante Tatari murum armatâ manu superabant, ac provinciam *Leao-tung* devastabant. *Ib.*
Scaliger: Bonog regnabat admodum juvenis anno Christi 1580. *Can.* Isag. p. 159. m.

328. *Van-lié.*
Vanlien. H. S. 206.
Tambur & *Tambun* Russis. *Purch. III.* 797. Fortè *Teming* legendum est.
Scaliger: Wontai Hammion regnabat anno 1596.

329.
Kao-yuen-tai-c'hang.

330.
Kai-yuen-tien-Ki.

331. *çung-chin.*
Daibagan, Russis.
Theumchim, Dapp. II. 8. 5.
Oppressus à Tataris seipsum suspendit anno æt. 36.
Ejusdem prosapia, quæ octuagies ferè mille capitum erat, à *Tataris* extincta est. V. *Int.* p. 83.

Post *çung-chin.*
Electi à Sinis Reges.
1. *Licangtzu.* Qui *Xun-vang* & *Tien-xun* dici volebat.
2. *Hung-quang.*
3. *Iung lie.*

XI. TAI-CINGÆ.

332.
Anteà *Zungte.*
Xunghi. H. S. 206.
Bogdi, Russis. Quod forte *Hoang-ti* est, commune Regum Sin. vocabulum.
Xi-chu post mortem dictus. Hoc est, *avus seculorum.*
Habebat filios sex, uxores mille & quingentas circiter. Quarum *quindecim* erant *legitima.* Et ex his una primaria, *ging-fi*, agnomine (q. d. *perfectè volans*,) Altera *Tung-fi* dicitur (q.d. Regina Orientalis) tertia *Si-fi* (q. d. Regina Occidentalis.) Hæc *Gruberus.*
Mortuus *Hai-ganni*, d. 6. *Febr.* 1666. à *Variolis.*
Apud hunc primâ Batavorum Indicorum Legatione defuncti sunt *Peter de Goyer*, & *Iacob de Keyzer.* Anno sc. 1655. & porrò. Id iter enarrat Joh. *Nieuhofius.*

333. *Cang-hi.*
Anteà *Hoei.*
Konchi, Dapp.
Inauguratus die 25. Augusti anno Christi 1666. ætatis XIV. *Gab.* 603. *Interc.* 365.
Hujus Tempore *Batavi* ex *Indiâ* duas expediverunt Legationes in *Sinas.*
Hæc itinera recenset *Dapperus*,
Historiæ lectu dignissimæ.
Una ad Proregem *Singlamong* & ad *Taising Liponi*, Campi ducem. Alteram ad *Imperatorem* ipsum destinata erat.

* * * *
* *
Partis Primæ
BASILICI SINENSIS
FINIS.
SOLI
REGUM REGI
GLORIA.

JOS. JUST. SCALIGER.

Canon. Isagog. p. 327.

VEtustissimam Regum Sinensium Successionem & Dynastias ex *Itinerario Augustinianorum Eremitarum* hîc posuimus, dum ex *nostrorum Argonautarum velificationibus certiora* de illis expectamus: Quùm plenum aleæ sit, de illis aliquid statuere, quæ nobis *per caliginem* duntaxat *nota* sunt.

ANALYTICÆ LITERARIÆ,
Seu
COGNOSCENDARUM INCOGNITARUM
SCRIPTURARUM
ET
LINGUARUM,
EXPERIMENTUM NOVUM.

JOBUS LUDOLPHUS,
ICTUS,
In
EPISTOLA
ad
ANDREAM MÜLLERUM
Greiffenhagium.

* * * * * * * * * * * *

TAndem etiam spero *expositionem mirabilis cujusdam linguæ Æthiopicis literis scriptæ.* Cum enim audiverim ex te, quod etiam *quamlibet ignotam linguam cognoscere & interpretari* valeas, utique mihi ſtupendam & nunquam non laudandam præſtabis operam.

ADDI-

ADDITAMENTUM EPISTOLÆ.

In *Manuſcripto* quodam *Æthiopico* apud Dominum *Caſtellum* in *Anglia*, quod continet *encomium B. Mariæ Virginis*, reperiuntur ſequentia *ignotæ prorſus Linguæ*.

In primo ſtatim folio.

ራዲ፡ ኻንቢ፡ ናምቢ፡ ደምቢ፡
ካባ፡ ቤናኢኻ፡ እንዳሬስዲ፡
ናዩፉ፡ ናዩፉዎ፡ ኻንጀዳኖን፡
ናናዉል፡ እብራዲሆን፡ እንዲን
ካአዉል፡ እንዳዳፋናሮ፡ እም
እምበሬ፡ እርዳን፡ አኹን፡ አብ
ሬስ፡ ሞስ፡ አላንቢሞን፡ አዎል
ባቢ፡ ባትሆ፡ ኻምብ፡ ክርስቶስ፡
ኢየሱስ፡ ባንሾዮስ።

Radi chanbi nambi demby Caba benaicha indaresdi Naiſ neiſro chanjadanōn nanawul ybradibōn yndijn-caawul yndadafnaro ym-ymbēr yrdan achun: ab-rēs mōs alanbymon awol babi batbo chamb Christos Jeſus banſchojos.

Si quid in obſcuris hiſce valeas, Vir Clariſſime, peto exponas mihi, *quæ Lingua ſit*, & *quid ſignificet*.

RESPONSUM.

1. Ne quid absurdè aut temerè aliquando dixisse videar, mentem semper meam nunc quidem ante omnia exponam verbis epistolæ ad P. Athanasium *Kircherum: Incidit*, inquam, *etiam hoc, an, si quis librum offerat ignota anteà lingua & scriptura, qui quam invenire queant, quæ illa Lingua & Scriptura sit, & quis scripturæ sensus? Alii negant. Ego affirmo. Jamque alterum ejus rei specimen dedi ante aliquot annos circa Scripturam Slavonicam & Malabaricam, cum illas scripturas nunquam vidissem, atq; etiamnum Steganographiam parum calleam. Quid videtur?* Hæc aliquando legenda dabam Viro Nobilissimo.

2. *Propositum* verò *Exemplum* minus difficultatis habet. *Literæ* enim quibus scribitur, notæ sunt. *Lingua* facilè sese prodit, quatenus privatô ingeniô non conficta aut interpolata est.

3. Est ergò *pars Orationis Dominicæ*, in *Ægyptiacam* seu *Copticam Linguam* versæ, sed *Charactere Æthiopico* seu *Abessino* in memoratô libellô expressæ.

4. Ut res ad oculum pateat, ecce *Orationem Dominicam Copticè* scriptam &, ut legere ac *pronunciare* convenit, *Latina Charactere* descriptam.

Ⲡⲉⲛⲓⲱⲧ ⲉⲧϧⲉⲛⲛⲓ: ⲫⲏⲟⲩⲓ.
ⲙⲁⲣⲉϥⲧⲟⲩⲃⲟ ⲛϫⲉ ⲡⲉⲕⲣⲁⲛ
ⲙⲁⲣⲉⲥⲓ ⲛϫⲉ ⲧⲉⲕⲙⲉⲧⲟⲩⲣⲟ.
ⲡⲉⲧⲉϩⲛⲁⲕ ⲙⲁⲣⲉϥϣⲱⲡⲓ ⲙ̀ⲫⲣⲏϯ ϧⲉⲛ
ⲧⲫⲉ ⲛⲉⲙ ϩⲓϫⲉⲛ ⲡⲓⲕⲁϩⲓ.
Ⲡⲉⲛⲱⲓⲕ ⲛ̀ⲧⲉ ⲣⲁⲥϯ ⲙⲏⲓϥ ⲛⲁⲛ ⲙ̀ⲫⲟⲟⲩ
ⲟⲩⲟϩ ⲭⲁ ⲛⲏ ⲉⲧⲉⲣⲟⲛ ⲛⲁⲛ ⲉ̀ⲃⲟⲗ ⲙ̀ⲫⲣⲏϯ ϩⲱⲛ
ⲛ̀ⲧⲉⲛ ⲭⲱ ⲉ̀ⲃⲟⲗ ⲛ̀ⲛⲏ ⲉⲧⲉ.
ⲟⲩⲟϩ ⲙ̀ⲡⲉⲣⲧⲉⲛⲉⲛ ⲉϧⲟⲩⲛ ⲉⲡⲓⲣⲁⲥⲙⲟⲥ.
ⲁⲗⲗⲁ ⲛⲁϩⲙⲉⲛ ⲉ̀ⲃⲟⲗ ϧⲉⲛ ⲡⲓⲡⲉⲧϩⲱⲟⲩ.

Banjûd adchân niſaûl,

1. Marafdúvu anſjâbakrân.
2. Maraſì anſjâdakmadúru.
3. Badahnâk maraſſchúbi amib*rádj chân idbenam bisjân bikábi.*
4. *Banóik andaráſchdi mêiſnân amfúu.*
5. *Kaniadarûn nân aûûl, amibrâdi bûn adankû aûûl amniadâuûn dân arúu.*
6. *Anbamnidên achûn ahiasſmûs.*
7. *Allà nabmân aûûl babibadbûu.*

Chân Bichriſtus Isûs banſcheûs.

* * * * * *
* * *

5. Liquet ergò, *fragmentum* illud *Æthiopicum* incipere à dimidiatâ voce *amibrâdi* in *petitione tertiâ* Orationis Dominicæ.
6. Sicque *Æthiopes* etiam *Coptica* ſuis ſcribunt literis. Sicuti & *Arabica*, qui ex iis *Mohammeditæ* ſectæ ſunt.
7. Δοξολογία, quæ *petitiones* ſequi ſolet, neque hic habetur, neque in libris *Evangeliorũ Copticè* verſorum, quos *Bibliotheca Electoralis Brandenburgica* inter alia miræ antiquitatis monumenta promere novit.
8. In locum voculæ *Amen* quæ ſubſtituuntur à *Copticis*, ea *Latinè* redderes: *In Christo Jesu Domino nostro.* Talia *addimenta* in aliis nonnullis Orationis Dominicæ Verſionibus obſervo.
9. Quod *Lectio Æthiopica* à *Copticâ* diſcrepet, non eſt mirum. Variabilis enim eſt pronunciatio *Coptica*. Et Abeſſini Orationem hanc Dominicam non è *Libro* aliquo *Coptico*, & ad *genium literarum*, ſed ex ore pronunciantis utcunque expreſſerunt.
10. Imò poſterior hic ſcriptor nonnullas literas ſive ex oſcitantiâ ſive aliàs depravavit. Id quod eruditi facilè advertent.

SOLI DEO GLORIA.

Index paginarũ editionis *Persicæ.*

2.

[1] COROLLÆ MARGARITARIÆ HISTORICÆ ABDALLÆ, cognom. ABU SAID, BEIDAVÆI) [2] Pars Octava, HISTORIA [3] CHATAICA,

A tempore [4] *Púên-cù*, primi [5] Regis ipsorum, usque ad [6] postremum Regem, quem *Altunchan* [7] appellabant.

HIc est, quem *Gingischan* ejusque [8] Filii bello vexabant. Sunt

NOTÆ INTERPRETIS.

1. *Corolla Margaritaria.* Vid. *Comm. Alph.* in *Abdalla.*

2. *Pars octava.* Vid. *ib.*

3. Chataica. Hoc est. *Sinensis.* Vid. *disquis.* de *Chataja.*

4. *Puên-cù.* Martin. Hist. Sin. p. 3. „Porrò primum hominem, quem agnoscunt Sinæ, Puoncuum nominant. Eum „dicunt è chao tanquam ex ovo natum. „Alii tamen, quod Sinensis notat Historia, „Puoncuum è deserto quodam prodiisse, „natalium ignorationem ultrò fassi. Vid. ad *pag.* 11.

5. *Primi Regis.* An hunc Sinæ *Regem* vocent, hactenus nescio, annalibus ipsorum nunquam visis. Sinas tamen *rexit*, Historiæ Sinensis *Martiniana* fide. p. 7.

Ceterum Sinæ *Regulos*, *Reges* & *Imperatores* accuratè distinguunt, hos *Tiencù*, istos *Vâng*, illos *Vâng-fù* vocantes. vid. *Martin.* H. S. 11. 35.

Imperatores dici cœperunt, qui *Yuum* Hiæ familiæ conditorem sequuntur, & jam non tam *electi* quàm *hæreditatis* jure imperium capessebant. *Reges* Sinæ vocant, qui Yuum præcedebant. *Puoncuum* & qui proximè sequebantur *Duces* appellat *Martinius* p. 3. f. 7. ppr. *Dynastas Ricciolus*, Chronol. T. 1.

6. *Postremum Regem.* *Kinârum* scilicet & sublatæ noviter tunc temporis Dynastiæ seu Familiæ Regiæ. Qui tamen Sinæ non erant. Sed è *Tatarorum* genere. Et supervixit Auctor etiam *Sungarum*, verè Sinensium, excidium. Sed hi pro *Regibus* non agnoscebantur. v. *Comm. Alph.* p. 3. b. f. 19. a. f.

Vixit etiam ad ætatem *sexti imperatoris Gingischanici*, Sinarum tunc Domini. Sed horum recensionem *Historiæ parti nonæ* de *Rebus Mogolicis* destinaverat. Ergò autor hic desinit in *anno Christi* 1230. circiter.

7. *Appellabant.* *Communi* videlicet *nomine.* Sicuti *Ptolemæos* vocamus posteriores Ægypti Reges. Vid. *Glossar.* Sacr. p. 49. f. Quare hoc *Gentis* nomen erat, non *personæ.* Vid. *Comm. Alph.* in *Altunchan.*

8. *Et filii ejus.* Hoccota nempe &

Sunt autem Regum Chataicorum 9. triginta sex 10. classes. *Personæ trecentæ & quinque.*

Duravit etiam imperium ipsorum, secundum *Chatajorum* quidem *opinionem* 11. *annos bis & quadragies mille, octingentos septuaginta quinque.*

Ceterum pars isthæc operis 12. *duobus* absolvitur *capitibus.*

Caput Primum.

DEscriptio *Regni Chatai & Rationum illius.* Itemque *Populorum, & opinionum,* quas fovent.

Caput autem hoc *duabus* constat *Sectionibus & unâ præfatione.*

hujus frater. Chatajam, quam tunc *Altunchani* seu *Kinæ* tenebant, primus ipse *Gingis* aggressus est, & partem fratri Utacin legavit. Persequebatur hoc bellum filius Hoccota, præmissis fratribus & filio. Vid. *Malat.* 309.

9. *Triginta sex classes.* Multò pauciores Martinius numerat. Quem plerique hactenus sequuntur. Et Martinius quidem ab *Hiai* demum, quæ *Abdallæ* decima jam dynastia est, incipit. Abdalla verò *conversiones* imperii accuratius observat. Vid *Basilicon* Sin.

10. *Classes.* Vox enim *Arabica* طبقة classem, seriem, ordinem, contignationem, e. g. *domus, calorum, hominum* etc. significat. Hôc locô *Familias Regum* subinde *novas* eo nomine designat autor. Nos *Dynastias* vocare solemus. E. g. *Austriacam, Svevicam, Franconicam, Saxonicam, Carolidarum* in serie *Imperatorum* R. I. *Germanicorum.* Aut *Borboniorum, Valesiorum, Capetingorum, Merovingorum* in serie Regum Galliæ.

11. *Annos* 42875. Infrà p. 50. *ann.* 42885. Altunchani deleti sunt c. a. Christi 1230. Quare Chatajorum Imperium anno 41645. ante Christum natum cæperit; *Puén-cu* v. ante *Fohi* ann. 38693. circiter extiterit. Nugæ! Vid. *Comm. Alph.* p. 5. b.

12. *Duobus capitibus.* Sinæ plerumq; in duas partes distribuere solent libros, non adeò prolixos. Primam *Xang*, i. e. superiorem, posteriorem *hia*, i e. inferiorem partem appellantes. Fortean Abdalla Sinas hic imitatur. Alioquin Arabum & Arabicantium more *Capita* باب

Præfatio Libri.

Ergo Chataji [13] Idololatræ sunt.

Ac patroni tamen [14] *cujuscunq; Religionis.* In [15] *Sectas* complures divisi. [16] Tandem *Athei.*

Funda-

i. e. *portas* vocat, & *sectiones* فصل i. e. *articulos.* Quos Avicenna فن *Fen* vocat.

13. *Idololatræ sunt.* Sed non omnes. Sed non ante receptam Sectam *Xaca* c. a CHRISTI 65. Vid. ad p. 14. *Comm. Alph.* 13. b. De voce *Put-prest*, quam Auctor h. l. usurpat, vid. *not* ad *Aziz.* n: 24. & *Comm. Alph.* 9. b.

14. *Cujuscunque religionis.* Trig. p. 131. de *Saracenis. Imò ad literarum studia & gradus publicos, etiam Magistratus, nullo discrimine admittuntur.* Idem de *Judæo* quodam: *Is jam in Licentiatorum ordinem adscriptus ad solita Doctoratus examina Pequinum advolarat.* De suis quidem ille ipse Trig: p. 314. sic habet: *Sed eximendus hic est mihi complurium error in Europa, qui nostros arbitrantur ad Literatorum in hoc regno gradum adspirare: neq; enim nostri se pro Sinensibus Literatis gerunt, sed Europæis, nemini porro non arridet è Sinis, viros alioqui literatos, ubi fuerint se pro literatis gerere, regionis habitum cultumque imitantes. Quamvis in Cantonensi provincia infame sacrificulorum nomen excutere nondum potuerunt; in cæteris tamen provinciis nostri ab ipsis initiis literatorum nomen & opinionem feliciter ac utiliter induxerunt.* Hactenus ille.

Attamen *Magistratus*, ad quos Literatorum Sinensium proximus gradus est, gesserunt non pauci ex ipsis *Jesuitis*, & fortassis prothymè. v. p. 191. Marcus etiam *Polus Venetus* Vicerex olim erat. II. 57. *Nubiensis* I. 8. de rege *Serindiva* tradit, ipsum aluisse *sedecim consiliarios*, quatuor suæ sectæ, quatuor Christianos, quatuor Moslemannos, quatuor Judæos.

15. *In Sectas complures.* Sunt eæ vel *capitales*, vel *subnatæ.* Capitales tres numero sunt. *Prima* (dignitate, sed postrema tempore) *Confutiana* est. *Vid.* p. 38: Literatorum sc. & Mandarinorum. Altera *sacrificulorum* est, cujus autor *Xaca* v. p. 28. Tertia *Singulatorum.* Cujus autor Lau-çu. v. p. 34. Primam *Politicam*, sequentem *idololatricam*, tertiam *physicam* diceres. Vid. *Chat.* p. 58. & *Comm. Alph.* de *singularum Autoribus*, Confutio, Xaca, Lao-tan. Minores illæ sectæ e. g. Pe-lie-Kiao, perquam multæ sunt, alibi numerandæ. vid. *Comm. Mon. Sin.* p. 50. a.

16. *Tandem athei. An Dei vocabulum* in tota Sinarum lingua extet, vid. in *Comm. Alph.* sub tit. *Deus. An & quomodo* Sinæ Athei sint, ex iis colliges, quæ de varietate atheorum scripserunt Gisbertus *Voetius*, Gerh. J. *Vossius* & alii. Attamen supra aliarum Gentium exem-

Fundamentum prætensionis & demonstrationis eorum, immensa quanta antiquitas mundi est. Ideoque *computus* eorum *chronicus*, quem à *primà*
3. * *creatione* exordiuntur, vehementer excurrit.

Nullo verò tempore Annales eorum in has oras asportati sunt. Ratio, longinqua 17. *locorum distantia*.

Prætereà 18. *Philosophi & Literati* eorum huc non veniunt. Reges etiam hujus terræ 19. opes non appetunt exoticas. Donec

---

pla, forte & supra modum, vitæ ratio in hoc populo commendatur. Apud *Seras lex est*, (inquit Bardesan. Syrus apud Euseb. præp.) *nec occidere, nec fornicari, nec furari, nec adorare simulacra. Inde in illa regione nullum templum conspicitur, nulla meretrix, nulla adultera, nemo fur, nemo homicida*. Vid. Clem. Recogn. IX.

17. *Locorum distantia*. *Isspahane* sc. Persarum hodie Regiâ, *Agram* usque, Indiæ nuper Regiam, iter est 6. mensium.

Ab *Agra* in *Sinas*, iter duorum annorum, sec. Terry. p. 90. aut certè anni & duorum mensium circiter. Vid. *Iter Gruberi* ap. *Kirch*. Chin. ill. 65. Attamen *de Commerciis Sinarum* cum *Exteris* & horum cum illis, etiam olim, non pauci scripserunt. Ex iis, qui in Sinas penetrarunt, fuerunt *Taprobanenses* sec. *Plin*. VI. 22. Russi, sec. Historiam itinerum ap. *Purchass*. *Persæ* sec. *Amm. Marc*. XXIII. 1660.

Sinæ contrà navibus jam olim ad mare usque rubrum pervenerunt, inque Insulam *Madagascar*. Quidni interposita Indiæ loca? Et quæ ipsis ad orientem & meridiem sita sunt. v. Martin, Hist. Sin. 48. 2. 207. 312. Megis. in Madag. p. 20. Quare error est, *omnes ad Seras commeâsse*, hos ad nullos aliò. Ursin. de Ser. p. 380. De viâ à Persis ad *Seras Amm*. Marc. l. c. *Præter vicum, quem* λιθινον πύργον *appellant, iter longissimum patet mercatoribus pervium, ad Seras subinde commeantibus*. *Lapidea* illa *Turris* mons est, qui Consangui dicitur, h. e. *mons lapideus*. Qui quantum Sinis distet, vid. in itiner. Goezii ap. Trig. 610.

Jam si sericum ab ipsis Seribus Persæ habuerunt, quod extra dubium ponitur, in Sinas jam olim penetrarunt. Quod a. *Historia* nihil retulerint, non tam *distantia locorum*, quam difficultati sermonis & Scripturæ Sinicæ imputandum est. Cum scil. *nullo commercio lingua* sed *nutu* emeretur, venderetur. Vid. Plin. l. c. Conf. de *Lapponibus Ziglerus* in *Scandiâ*.

18. *Philosophi & Literati*. *Philosophos* pro *Mandarinis* ponere videtur, & *Literatos* pro iis, quos Sinæ *Kun-cu* vocant, Judæi חכם in ipsis Sinis. vid. Trig. 134. Purch. III. 400. Bern. III. 129.

19. *Opes non appetunt exoticas*.

Donec tempore *Hulagu-chan* magna manus Philoſophorum & Aſtronomorum Chataicorum cum illo huc profecti ſunt.

Ex his [20] *Fu-muen-gi* erat, Vir Philoſophus, *Sing-ſing* cognomento dictus, h.e. Polyhiſtor. Eodem tempore [21] Dominus, *Naſiro'd Dîn*, Tuſo, (urbe *Chorasanæ*,) oriundus de mandato Hulagu-chan [22] *Tabulas Ilchanicas* condidit. Ubi è Polyhiſtore fundamenta *Aſtronomica & Chronologica* illorum [23] tradit.

Erat item alius tempore *Muslimici* Regis, Gazan Hakan dicti. Ejus, qui [24] ſacroſanctam *Chronologiam Gazanicam* conſcribi mandaverat.

Do-

Trig. p. 108. Remotarum regionum *aliam nullam notitiam habuerunt, niſi ſubobſcuram & falſam, quam à quibusdam accipiunt, qui ad regnum ſuum clientelaris obſequii officia delaturi veniunt. Ex advenarum libris quicquam ediſcere Sinas pudet, opinantes omnem ſcientiam apud ſe ſolos reperiri, externos omnes pro illiteratis ac barbaris habent & appellant. Et ſi quando in ſuis ſcriptionibus exterorum incidit mentio, ita de iis agunt, quaſi nihil dubium ſit, eos à brutis nihil admodum diſſidere. Characteres porro omnes, quibus hoc exterorum nomen exponunt, ex animantium ferè literis componuntur, nec ferè eos honeſtiore nomine, quam dæmoniorum dignantur.*

20. *Fu-muen-gi.* Ko-xeu-kingi coætaneus.

21. *Dominus. Hogja*, Titulus Doctorum & Antiſtitum Perſicus. Turcæ inde etiam ludimagiſtros *Hoggias* vocant.

22. *Tabulas Ilchanicas.* V. Gol: add: de Cathajo p. 2. a. 9 a. Comm: Alph: in Ilchan. Naſir. Extant etiamnum hæ tabulæ cum commentariis autoris, aliisque ejusdem ſcriptis. Tabularum *Geographicarum* partem edidit. Joh: *Gravius.* Naſirroddinum verbotenus ferè *Ulugbeiges* recenſuit, vel quiſpiam alius ſub *Ulugbeigis* nomine.

23. *Tradit. A Chatajorum computo initium faciens, ut quod maxime illuſtre tunc Tartarorum imperium eſſet, Gol: l. c.*

24. *Sacroſanctam.* Ceu *Muslimicam*, non *peregrinam* autoris profeſſioni, qualis *Ilchanica* erat. Ab homine ſc. *Chriſtiano* ſic dicta.

Dominus videlicet [25] Rexido'd Din, [26] Vezirius, è Philoſophis Chatajorum, *Litagi & Mekſun* nomine.

[27] Hi duo *Medicinam*, *Aſtronomiam & Chronologiam*, ſive etiam *Hiſtoriam temporum*, apprimè tra-
4. ctarunt & ſcriptis * propagarunt.

Iidem quoſdam Chatajorum libros ſecum aſportantes, ſua ex illorum principiis comprobant.

Hiſtoria enim Chatajorum & numeratio annorum & *Cycli* ſummæ ſunt auctoritatis.

Sed quantum ad *Annales*, *nomina Regum* ibidem per [29] *Capita* explicantur.

Fundamentum verò Hiſtoriarum iis nititur. Et in hunc usque diem inter Chatajos celebrantur. Ceu quibus plenam fidem adhibent.

Liber eſt, cui vertendo *tres Philoſophi* operam impenderunt. Unius nomen *Fu-bin Chu-xang erat*. *Fu-bin* proprium illius nomen erat, *Chu-xàng* cognomen. Quod *Bach-xi* ſignificat. Hic ex urbe [30] *Tai-Gan-cheu* erat. Alterius nomen *Xen-gu Chu-*

xang

25. *Rexido d' Din.* Hic incipit M.S. alterum.

26. *Veſirius.* Colaus. Hoc eſt, magnus regni conſiliarius & imperatoris (ſi vocis etymon ſpectes) *auxiliator* Tametſi *Sacracenus* eſſet, ut è *nomine liquet*.

27. *Hi duo. Naſiro' d Din* & *Rexido' d Din.*

28. *Litagi & Mekſun.* Colai enim non unius ſunt generis. Suisque diſtinguntur nominibus.

29. *Per capita.* Ea conſtituunt *tituli claſſium* ſeu Familiarum regiarum.

30, *Tai-gan-cheu.* Eſt municipium urbis primæ, Provinciæ quartæ, *Xantung* dictæ. Sed dixerim ferè, famoſam intelligi urbem, Hangcheu vulgò

xang erat. Eratque ex urbe *Kin-hoa.* Tertii nomen *Xen-chun Chu-xang*, ex urbe [31] *Leao-gin.*

Hi tres *annariam rationem è libris antiquis* * seligebant. *Literati* verò Chatajorum omnes præviâ accuratâ collatione Scriptorum hæc ipsa testimoniis militantibus comprobabant. Et nihil in harum rerum testimonium scriptum est, quod in libris antiquis non contineatur, & iis non consonet. 5.

Post illa Philosophus alius recensionem novam instituit.

Dehinc secundum calculum suum ex hoc libro *Apographa*, uti convenit, faciunt. In quibus nihil interversum est.

Hinc est, quod præ optimis libers talis valeat, ceu qui integer sit & sincerus.

Scriptura quidem [32] *mirificè elegans* est. Præterea verò neque absurda aut mutationes aut corruptelæ hîc non habentur.

Mirum ergo in modum hi tres viri interpretationem suam perfecerunt integram.

Omnes-

appellatam, & aliquando *Tai-hàng-cheu*, hoc est, magnam illam Hang-cheu. Veluti hæc nostra urbs *magnum Berlinum* nonnunquam vocari auditum est. Estque civitas alia, quæ *parva Hàng-cheu* dicitur.

31. *Leao-gin.* Quæ illa sit, nondum invenio.

32. *Mirificè elegans.* Calligraphia enim à Sinis magni fit. Ut vel ob solos non satis elegantes Notarum ductus Candidati repulsam passi sint. Vid. *Semed.*

Omnes item libri, qui ſecundum illos eduntur, elegantiſſimè ſcripti ſunt,

Ita, ut 33 ſingulas paginas hujus libri *charactere* eleganti in *tabulas* ſcribant.

Omnes etiam Sapientes ſummâ cum obſervantiâ ſcripta conferunt. Quæ charactere ſuo in *dorſo tabulæ* confirmant.

6. * Poſteâ *Sculptoribus* omnium præſtantiſſimis ſculpenda dant. Cumq;

33. *Singulas paginas in tabulas.* Trig: p. 21. *Typographia apud Sinas antiquior eſt aliquanto uſus, quàm apud Europæos. Nam à quinque retrò ſeculis certum eſt, ab iis uſu receptam, neque deſunt, qui aſſerant, prius ea Sinas fuiſſe uſos, quam in hanc mortalitatem immortalis ſeſe Deus abjeciſſet. Verum à noſtra differt non parum, quæ hieroglyphicis eorum characteribus ob multitudinem eſſet perdifficilis, quanquam hodie in brevi aliqua, characteres tabula lævi ac enodi è pyro ferè malove vel zizypho, inſculpunt. In hac tabula exſcriptum folium, ſed univerſum leviter conglutinant, inde magno artificio, jam ſiccam papyrum ita eradunt, ut non niſi in tenuiſſima facie transparentes characteres remanere videantur, tum ſtylis ferreis ita tabulam illam exſculpunt, ut ſola characterum vel picturæ lineamenta emineant. Deinde incredibili facilitate, ac celeritate folià de arbitratu imprimunt, eaque ſæpe typographus unus, die uno, quingenta ſupra mille expedit.*

In inſculpendis quoque tabulis ita expediti ſunt, ut nihilo plus mihi videantur temporis in ſculpenda, quam noſtri componenda una emendandaque conſumere. Hæc excudendi ratio ad Sinicos characteres ferè grandiuſculos accommodatior eſt, quam ad noſtros; neque enim è tenuiſſimis noſtris elementis exſculpi lignea tabula commodè poſſe mihi videntur. Cæterum unum eſt in hac re mirè commodum; cum enim tabulæ ſemel inſculptæ, domi aſſerventur, quoties libuerit, licet aliquid detrahere vel addere, non unum ſolum verbulum, ſed periodos etiam integras, dum tabulæ nonnihil ſarciuntur; neque cogitur typographus vel autor cum primum excudit, ſimul ac ſemel ingentem librorum multitudinem typis edere ſed, quoties voluerit, aut opus fuerit, volumina pro arbitratu plura pauciorave excuduntur. Quod nobis ſæpe contigit, nam libros de rebus ad noſtram religionem ſpectantibus, ſcientiisque Europæis Sinicè à noſtris editos, domi excudimus, domeſticorum famulorum operâ. Tanta igitur hujus Typographiæ facilitas eſt, ut, qui ſemel viderit, mox ad idem audendum ſe accingat. Ex hac commoditate naſcitur tanta Sinenſium li-

Cumque omnes paginas libri juxta præscriptam idéam ad finem perduxerunt, singulis 34 *foliis numerum* adscribunt.

Has tabulas, velut formulam officinæ monetariæ, in loculis sub sigillô oculatorum & fidelissimorum Commissariorum deponunt, inque *Bibliothecas* reponunt. Ideoque 35 *insigniis* muniunt.

Si quis apographum hujus libri desideret, ante omnia Collegium hoc adit. Datque certam pecuniæ summam custodibus. Hi tabulas istas afferunt, ac *sigillum aureum* apographi chartis imprimunt, sicque tradunt. Hac ratione fieri non potest, ut exempla libri plus aut minus contineant. Quin fide dignissima sint.

*Explicatio * Historiæ ipsorum sequitur.* 7.
36. *Fidem videns inveniet.*

brorum multitudo ac vilitas, quantam non facile est ei, qui non viderit, explicare.

34. *Foliis numerum.* Neque *solos numeros*, sed *librorum titulos* quoque; illos *inferne*, hos *superne*. Inque *medio* numeros *partium operis* alicujus. Verbi gratia, est mihi *Mentii* Philosophi opusculum, ubi in *summitate* plicarum cujusvis folii legitur: *Su-xu-ching-vén*, hoc est, *Tetrabibli pars prima; In medio: Meng-çu-xang-ù-kuen*, hoc est, *partis prioris Scriptorum Mentii volumen quintum*; interius: *ſu-xe-lh*, *ſu-xe ſan*, *ſu-xe-ſu* &c. Hoc est, folium 42. 43. 44.

35. *Insigniis muniunt.* Ejusmodi *aposphragismata* passim videre est, sive in *frontispicio* libri, sive in *coronide*.

36. *Fidem videns.* Proverbium, ut videtur, Arabicum.

SECTIO PRIMA.

Chronologia Chataica.

Epocha Chataica absolvitur [37] *tribus Cyclis*. Quorum quilibet *proprium nomen* habet.

Cyclus primus *Xang-vên dicitur*, alter *Chúng-ven*, tertius *Hiá-ven*.

Cyclus maximus 10000. annos complectitur. Hanc Periodum *Vàn* vocant.

Quilibet Cyclus *major* habet *tres* cyclos *minores*.

Quilibet Cyclus minor *60. annos*.

Quilibet *annus* habet [38] *nomen* suum proprium.

Etsi Periodus prolixa est, coacervatio tamen computi commodior est. Et principium, quod illi fingunt, æquè ac postremum, notum & manifestum est usque ad hoc tempus. [39] Annum nempe *Hegiræ 717*. Cui convenit annus [40] *Ting-su*. [41] Turcista-

37. *Tribus Cyclis*. Vid. *Ulugbeigis* Epochas ex editione *Gravii*. p. 46. 50. Conf. *Gol.* add. de Catayo. p. 4. Disqu. de Chataja p. 41.

38. *Nomen proprium*. Ahmed *Arabsj*. Hist. Tamerl. p. 435. *Gol.* de Cat. p. 7. *Disquis.* de Chataj. p. 47. *Chron.* T. I. p. 96. *Comm.* *Alph.* p. 81. b.

39. *Anno Hegiræ 717.* Hoc est, *anno Christi* 1317.

40. *Ting-su*. Nomen anni. Vid. Chataj. p. 54.

41. *Turcistanis*. Non est in textu. Sed *jilan jil* voces merè *Turcica* sunt. Uti & *Dunguz jil*, quod mox sequitur. Turcistanorum Chronologia commen-

cistanis *Iilan jil dictus*, *id est*, [42] *annus Serpentis*. *Quartus* videlicet & *quinquagesimus* Cycli *Xang-ven*.

Isque post absolutas Periodos, *Van* dictas, [43] *octies mille octingentas sexaginta tres*, annus * *nouies millesimus septingentesimus* [44] *octuagesimus quintus*. 8.

Summa annorum 88639785.

Et ab hoc, quod memini, principio ad eum annum, quô Gingis-chan populos sibi subjecit & imperium ejus manifestè stabilitum est, [45] annum videlicet *Quèi hài*, Turcistanis *Dunjuz jil* dictum, id est, annum *Porci*, annum verò *Hegiræ* 599. sunt [46] anni 88639667.

SECTIO II.

Descriptio terrarum

Chatajæ,

Regnorum sc. Populorumque commemoratorum. Quot nempe & quæ partes Regionis hujus valdè amplæ sint.

NOmina harum terrarum [47]. varia sunt.

Sicuti

datur, etiam præ Sinicâ, ab *Ulugbeige* p. 49. Sunt hi *Sacraceni*, de quibus *Trig.* p. 130. & hic ad p. 10. vid. *Comm. Alph.*

42. *Annus Serpentis*. vid. *Chatai*. p. 47.

43. *Octies mille*. Ita jam supra *Puonæuum* annos numerant 88596712. vid. *Comm. Alph. 6.*

44. *Octuagesimus quintus*. Leg. *tricesimus quartus*. Sic & in *lineâ* mox sequente.

45. *Annum Quèi hài*. Hoc est, *annum Christi 1203*.

46. *Anni 9667*. Leg. 9620.

47. *Nomina varia* sunt. Trig. p. 5

Sicuti & in *medio regnorum* illorum magnæ provinciæ, ſpectatu dignæ, ſunt.

Ubi pro viciſſitudine temporum *Regiæ* Imperatorum fuerunt.

9. Terram hanc in linguâ * ſuâ *Han*, *Cheu*, *Chum-Kue* vocant. 48. Mogoles *Gau-Kut*, Indi *Gin*, Nos *Chatai*.

Eſt ibi ad *orientem* terra, quæ ad *Auſtrum* deflectit. Hanc Sinæ *Manzi* vocant. Mogoles Nigias. Indi. *Mebagin* Hoc eſt, *China magna*. Alii *Magin*.

Ceterum Regio *Gin è denis* terræ *Magin* eſt, quam inde denominant.

Dn. *Rexido 'd Din*, Vezirius ille ſupra laudatus, terris *Hing-ping-xang* oriundus, fidem facit, regnum *Magin* quotannis 49. *nongentos* *Tu-*

Eſt apud eos in more ab omni memoria poſitum, ut quoties imperandi jus ex una familia in aliam, pro humanarum rerum viciſſitudine, tranſit, ipſum quoque regnum novo nomine, ab eo, qui regnare occipit, inſigniatur, quod qui facit, ſpecioſum aliquem regno titulum pro arbitratu imponit. Ita olim Than appellari legimus, quod ſine termino latum ſonat, alias Yu, ac ſi quietem voces, deinde Hia, quod idem eſt, ac ſi magnum dicas, poſtea Sciam, qua vox ornatum innuit. Tum Cheu, hoc eſt, perfectum. Han verò lacteam in cælo viam ſignat, aliaque permulta. Ex quo vero hæc ipſa familia, penes quam hodie regnandi jus eſt, qua Ciu dicitur, regnum univerſum Min, id eſt, claritatis nomine, inſignitur, cui tamen hodie ſyllabam Ta adjunxerunt, & Ta-min, i. e. magnæ claritatis regnum appellant.

48. *Mogoles. Gingiſchanidas* puta, ſeu, ut Sinæ loquuntur, *Yvenidas*. Hi *Turciſtanicè* loquebantur, ut è *Gloſſario Mogolico* non nemo colligit. Vel *Turciſtani* potius voces quaſdam à Mogolibus mutuati ſunt. Id quod è *Nomenclatore Mogolico mihi liquet.*

49. *Nongentas myriades.* In eandem ſententiam *M. P. Venetus* II. 65. *Exigit Cham magnus* (*Kubla*) *ſingulis annis*

[50] *Tumanos* ſeu *Myriades* in rationes Imperatoris conferre. Metropolis, quam [51] *Quinſai* vocant, [52] decem *paraſangis* patet. In hac urbe [53] *tria palatia* ſunt. Omnes verò domus [54] *tres* habent *contignationes.* Ibidem *tria* prægrandia [55] *templa Mohammedica*

---

de ſale, quod paratur in urbe Quinſai & terminis ejus, myriades octoginta aureorum. De rebus etiam aliis, præſertim mercibus, tantam recipit vim pecuniæ, ut vix numerari poſſit. Habet provincia maximam copiam ſacchari & aliarum multarum ſpecierum aromaticarum. Recipit autem magnus Cham de centum menſuris aromatum, tres & dimidiam. Idem facit de reliquis mercatorum bonis. De vino quoque quod ex riſo & aromatibus conficiunt, non parvum habet emolumentum. Similiter ab artificibus, præſertim duodecim generum, habet commodum ſuum. De ſerico autem, cujus in provincia Mangi maxima eſt copia, de centum ulnis decem exigit. Ego Marcus ſemel audivi, computum fieri ſingulorum redituum, qui magno Cham penduntur annuatim in regno Quinſai, quod eſt nona pars provinciæ Mangi, adſcenditque ſumma omnium, ſale tamen excepto, ad quindecim millia millium aureorum, & ſexcenta millia.

50. *Tumanos.* Vid. *Comm. Alph.* p. 25. b. f.

51. *Quinſai.* Ita lego pro خنساي Et procul dubio خنساي *ſcriptum fuit.* Vid. *Comm. Alph.*

52. *Decem paraſangis. Venet. II, 63. Centum circiter milliaribus. Italicis* ſcilicet *Paraſanga* tria milliaria Italica facit ſec. *Ramuſ.* Sicque decem Paraſangæ triginta ſunt milliaria. Quod ſi *ſuburbiorum ambitum* annumeres, *centum milliarium numerum excedet,* autore *Martinio* Atl. p. 64. b. f. Videtur etiam Paraſanga latiùs intelligenda eſſe, quia ſolum Palatium ambitu XL milliarium eſt, eodem *Veneto* teſte. Vid *Comm. Alph.* p. 46. a.

53. *Tria Palatia.* Erat ex iis *Facfurinum,* de quo Ven. II. 64. Conf. II 35. de *Sindinfu.*

54. *Tres Contignationes. Martin. Atl.* p. 5. a. Plures contignationes non amant, ut ſummum una ſubinde additur. Quippe gradus ſcalasque aſcendere laborioſum putant. Vid. *Trig.* 15. *Nieuhof.* p. II. 119. 259.

55. *Templa Mohammedica.* Trig. p. 130. *Saracenis plena ſunt omnia. Nam liberorum ſerie in eam multitudinem excreverunt, ut hodie permulta familiarum millia numerentur in ſingulas*

10. *dica* sunt, * diebus *Veneris* Musulmannis oppleta. *Civium* verò tantus est *numerus*, ut alter alterum non nôrit præ mirandâ amplitudine urbis.

Est porrò alia Regio [56] ad *Austrum*, quâ *occidentem* vergit. Eam Sinæ *Dai-le-ju-mi* vocant. Mogoles *Kara-Gang*. Indi *Gendeber*. Nos [57] *Kandabar*. Sitam [58] inter *Indiam & Tebet*. Ibi [59] pars hominum *atri*, pars *albi* sunt.

Posteriores hi à Mogolibus *Gïgan Gäng* vocantur.

Ad *Septentrionem* Chatajæ Populi [60] *ruricolæ* sunt. Hi vocantur *Giden*; à Mogolibus [61] *Kara Chatai*. Quorum regio [62] campis *Mogolum* confinis est.

Et

---

ferè provincias & primarias quasque urbes dispersa. In his templa sua habent magno sumptu exstructa, in quibus preces statas recitant, liberos circumcidunt, & alios ritus suos peragunt.

56. *Ad Austrum qua occidentem.* Hoc est, ad *Africum*, seu *Notolibycum*. Germ. Südwest.

57. *Kandahar*. Lege *Kasgar*. V. *pag. sequ.* & *Comm. Alph. in Kasgar*. Sed tamen adhuc hæreo. Suspicabar olim regionem *Laos* hîc designari; Sicque *Dai-leao-mi* legendum esse. Et annon regnum *Annam* intelligi queat? Id enim *Karantsche* Russis dicitur, qui *Mogolicas* appellationes sequi solent. Adeò *Karagang* & *Karantsche* valde sibi vicina sunt vocabula. Sed obest etiam huic conjecturæ, quod regnum, de quo *Abdalla* hîc agit, ad *Africum Chataja*, (propriè dictæ puta,) situm sit, quodq; *inter Indiam & Tebet*. Attamen pro hac suspicione facit vicinia *populi*, qui *dentes auro muniebat*. An verò *Karagang & Gigan-gang à Gange* fluvio nomen sortiti sunt?

Fallor, an verba illa: *Indi Gendehar, nos Kandahar*, expungenda sunt?

58. *Inter Indiam & Tebet.* Secundum *Nasiroddini* Tabulas *Tebeta* ad gradum *latitudinis* 40. sita est, *Kandahar* Indiæ ad 33. *Kasgar ad 44.*

59. *Pars atri, pars albi.* Vid. *Bernier.*

60. *Ruricola.*

61. *Karachatai.* Vid. ad. p. 74.

62. *Campis Mogolum confinis.* Malatj

Et ex hoc populo vir quondam exibat, qui *Chatajam* armis occupavit, & Rex eorum factus est. Et ê prosapia ejus aliquot posteri sat diu regnarunt. Nomen ejus *Hauligi*, *Aga*.

Conterminus est hisce alius * ruricola populus. Quem Chataji *Niu-che* vocant. Mogolibus verò aliisque populis *Hurge* dictum. Ex his vir exiit, cui *Hu-ônyen Agudai* nomen erat; *Dai-gim* agnomen. II.

Hic Regnum *Chatai* Regibus *Kara-Chatai* eripuit. Mogoles *Akudam* vocant.

Et *Altunchan*, qui tempore *Gingischani* fuit, ac tempore *Octai-Kaan* filii ejus sublatus est. Hic ipse *Daigim* erat.

63. Inter *Chatajam & Kara-Gang*, 64. terrarum ampli sunt tractus. Singulæque *Regibus* suis gaudent. Ex his omnibus regio est, ubi consuetudine recepta 65. *dentes aureis thecis muniunt*. Quas edentes removent.

Omnes verò Provinciæ illæ hoc tempore 66. *Il-Kaani* sunt.

CA-

p. 283. *Eodem anno* (*Hegiræ* 909. *Christi* 1209.) *Zingizchan in potestatem suam redegit regiones Karachataja. Fuit autem regionum Igur* (*quæ Turcarum numerosa gens sunt*) *Princeps imperio Regis. Chataorum subditus.*

63. *Inter Chatajam & Kara-gang.* Vid. *Itinera* per *Tatariam* in *Sinas*. Benedicti sc. *Goezii* apud Trig. p. 604. *Jenkinsonii* ap. *Thevenot*. &c. Confer. *Bernier* III. 124.

64. *Terrarum ampli tractus.* Eos in *Mappa Tataria* describo.

65. *Dentes aureis thecis.* Vid. *Comm. Alph.* in *Kin-cih*.

66. *Il-Kaani.* Vid. *Comm. Alph.* p. 32.

CAPUT ALTERUM.

Regum Chatajorum XXXVI. sunt *Classes.*

CLASSIS I.

Rex *primus* [67] *Puen-çu* erat.

Ab eo Chataji [68] *Historiam temporis* incipiunt. Ejus tempore [69] neque urbes [70] neque regionum limites erant. Ho-

---

67. *Puén-cù.* Vid. ad p. 1. Mendoz. p. 43. *Il primo errore è, che 'l cielo, la terra & l' acqua siano stati insieme ab eterno & ch' uno, che sta nel cielo, & si domanda Tain, con la gran scienza, c' hebbe, separasse il cielo dalla terra, restando quello in alto & questa descendendo a basso, secondo la sua naturale inclinatione, come pesante & grave, done hora si trova. Questo Tain, come dicono, fece un' huomo & una donna di nulla, che hebbero nome Panzone & Panzona.* An *Panzona* nomen in Sinensium sit libris, equidem nescio. *Panzon* v. *Puen cu* extra dubium est. *Puen* enim *Pan* Lusitani dicunt, etiam in voce *Japan*, quæ est *Ge-puen.* Auctor item *Pan-zon* fortè, & non *Panzon* scripsit. *Puen-cu ergò* PRIMUS HOMO est, communi Sinarum traditione. *Creator, Tain.* Hoc *primum exemplum* esto *Plagii Sinensis.* Cum quo *alia* cohærent *non pauca, Profani* sc. *Scriptores* non habent aliquid *primæva antiquitatis,* quod non *suffurati* sint è *Mosaicis fontibus. Historiâ* tandem in *Fabulas* conversâ & variè luxatâ. Quòd nec mirum est, si quis cogitet, tam *Christianos* quàm *Iudæos*, qui primi *temporis Historiam* è *sacro codice* recensuérunt, non pauca *aliter* retulisse, nec pauca *de suo* aut ex *incerta traditione* addidisse. Vid. *Comm. Alph.* 15. b.

68. *Historiam temporis incipiunt.* Hanc *Sinensium sententiam* in hunc modum proponit *Mendoza* II. 5. *Hanno tuttavia molte false opinioni intorno all' origine & al principio del mondo & alla creatione dell' huomo, alcune delle quali, che si son cavate da i lor medesimi libri & specialmente d' uno intitulato del principio del mondo, si porranno in questo capitolo.*

69. *Neq; urbes.* Prima urbs, *Hanoch. Gen.* IV. 17.

Condita ab *Hanocho*, Caini Filio. *Sulp. Sev.*

Imò à *Caino* ipso. *Moses* l. c.

Homines verò *ut [71] reliqua animantia in agris 12.
oberrabant. [72] *Cibus ijs gramina* erant. [73] *Pudendorum operimentum, folia arborum*. Deficiente calore seu *ignis usu* spiritum fortiter ducebant, aut manus complodebant. Et ex hâc reverberatione aëris temperies resultabat. Sic & vicissim ventum in æstu ciebant pro lubitu.

Eodem tempore quamplures erant *mulieres*. Atqui rationẽ appetentiæ prosequendæ & concubitus nesciebant. Quomodo scilicet [74] *mas & fœmina* conjungerẽtur, ac hæc gravida fieret, posteaq; fœtus prodiret.

Post

Qui de nomine *Filii* nomen ipsi, quod dictum est, fecit. Uti scilicet Ninus Niniven de Ninyæ, filii; *Tamerlanes* Schachroichiam de Schachrochi, filii, nomine appellavit.

Sita in regione NOD, ad *Orientem* Paradisi, *Gen. IV. 16.*

Trans *Tigridem.*

In *Syriâ* ad montem Libanum. *Nauclerus*, autor *Hist. Scholast. Berosus.*

In Arabiâ desertâ. Joseph. I. 3.

In Persiâ, sec. *Heidegg.*

In Græciâ. sec. *Horn. alleg.*

Var. lect.

Hanoch. l. c.

HENOCHIA. *Heidegg. l. c.*

Synon.

Nais. Joseph. l. 3.

Enosa, ab Enoso primogenito. *Joseph.* l. c. Error.

Civitas Cain, Berosus Ann. Hic vid. Anuchta Ptolemæi, sec. Heidegg. Patriarch. 210. 310.

Econtra Argi in Græciâ, *prima* urbs dicitur, ab *Inacho* condita. Vid. ad p. 19.

70. *Neque regionum limites.* Vid. *Boch.* Phal. l. 1. p. 2.

71. *Ut reliqua animantia. Nudi* sc. *domicilii* & *ignis* insueti, in *Victu* rudes, in *Vitâ* simplices. Vid. *Diod. Sic.* l. *Plato in* Politic. *Varr. R. R. Grot.* I. B. P. II. 1. §. 11. V. R. C. 18. H. S. 8. f.

72. *Cibus gramina erant. Gen. I.* 29. II. 5. IX. 3. vid. *Calanum* ap. *Strabonem* XV. 492.

73. *Pudendorum operimentum.* Gen. III. 7. H. S. *de Teo* p. 8. f. *Animalium pellibus nullo artificio paratis ad tegenda corpora ita utebantur, ut tamen maximam partem nudi incederent.*

74. *Mas & fœmina.* Vid. *Prov.* XXX. 19. ubi recentiores non tam *Vestigia actionum*, quàm, *rationem agendi* intelligunt.

Post hunc [75] *Tien-hoang-ti* Rex *secundus* erat. Ejus nomen *Tien* erat, agnomen [76] *Hoang-ti.* Id olim *Regum commune nomen* erat. *Terram* autem *Ty* vocant. Rex ille [77] *corpore* quasi *serpentino* erat.
13. Habebatque [78] *decem* hominum *capita.* * Fratres eis *tredecim* erant. Eadem verô ratione, quâ *Puen-cù* vitam transigebat. Hâc ætate collatis rerum momentis è ramis plantæ cujusdam pulverem parabant & inde [67] nescio quid.

[80] *Di-Hoang-ti*, Rex *tertius*, itidem corpore quasi

75 *Tién-hoang-ti.* Primi hominis creatura. *Mend.* 43. Vid. ib. pl. Hic primus nomina rebus creàtis imposuit. *Mend.* Sed hoc Moses Gen. II. 19. *Adamo* tribuit. *Impositio* ipsa *nominum* nemine non fatente divinum fuit munus. Οὐ φαῦλον, οὐδὲ φαύλων ἀνδρῶν, οὐδὲ τῶν ἐπιτυχόντων. *Non futile, neque futilium, neque quorumvis hominum*, dictitante *Platone in Cratylo* & hujus verbis *Cicerone* Tuscul. 1. Quo autore *Pythagoras* pro summæ sapientiæ opere habuit primam onomatothesiam. Vid. *Boch.* An. Scr. 1. 58. *Heidegg.* Patriarch. IV. 51. *Buxtorf.* Dissert. 10. 16. 25. Ceterum *Tién-hoang-ti* Latinè *Rex calicus* diceretur. Nisi *Tien* h l. *agrum* significat, & ad *Adami* nomen alluditur Sub hoc duce *magnus ille draco occisus fuit, secundum Sinas, qui mundum omnem turbaverat. Quo facto suum quæque res gradū & dignitatem obtinuerit.* H. S. 7..

76. *Hoang-ti, regum commune nomen.* Ita quidem est. Sed derivant hunc *morem* non ab hoc *Tién-hoâng-tio*, Sed ab *Hoangtio, Xinnungi* succcessore. H. S. 18. m. Vid. supra *n.* 7.

77. *Corpore quasi serpentino.* Vid. *Comm. Alph.* in *Serpens.*

78. *Decem hominum capita.* Locutio & hæc Panegyrica. Ejusdem generis, quô *Ennius* usus est: *Tria sibi corda* esse dicens. Quòd sc. *Romanè, Græcè*, & *Oscè* loqueretur. Sic *Turcæ* proverbio ajunt: *Quot quis linguas norit, tot eum sustinere personas hominum*, autore *Postello* ap. *Zwingerum.* p. 1089. a. & *Molnar.* Gramm. Hungar. p. 19.

79. *Nescio quid.* Ego quidem, qui Abdallæ interpretem ago. Vox enim *Arabica Fahme Intellectum* quidem notat. Sed vereor, ne mendum subsit. Neque tamen *Fahhme* legendum putem. Quod *carbonem* significat. Suspicabar aliquando, de herbâ *Cha* sermonem hîc fieri; Sed ejus usus haud antiquus est, autore Trigautio p. 17.

80. *Di-hoang-ti.* Quasi diceres, *rex terrenus.*

quaſi colubrino erat, & capitum decem. Fratres ei undecim erant.

[81] *Zin-hoang-ti*, Rex *quartus*, ſimiliter corpus quaſi anguinum gerebat & novem capita.

Sed & hi omnes iisdem moribus vivebant.

Sequebantur

[82] *Ulugi*, *Deſtigi*, *Chechungi*, *Lenlengi-Soumingi*, *Xu Zengi*.

Hi *ſex* Reges ejuſdem *modi* erant.

Eorum ætate [83] *arbor* quædam *fructifera* extabat. Cujus fructu primi homines veſcebantur. Hi

81. *Zin-hoang-ti* H. S. 8. *Tihoangum undecim alios fuiſſe inſecutos tradunt; de quibus nihil memoriâ dignum, ne nomen quidem invenio. His Ginhoangus ſucceſſit.*

82. *Ulugi* &c. Præterit hos *Martinius*.

83. *Arbor fructifera*. Sumtum hoc è *Geneſ.* II. & III. An v. arborem *vitæ*, ann *ſcientiæ* intelligant, aut quamvis aliam, equidem non aſſequor. De *arbore ſcientiæ* Sinæ ſic ſentiunt, ſiquidem genuinum eſt, quod ex ore *Grepi* cujuſdam *Pintus* refert. p. m. 313. Die Natur hat keine andere Erſchaffung gehabt / als welche aus dem Willen des Schöpffers gekommen / und erwachſen iſt / als der auff eine gewiſſe Zeit in ſeinem Göttlichen Verſtand ſolches beſchloſſen / und es hernach den Inwohnern deß Himmels / die zuvorn durch ſeine oberſte Macht geſchaffen / geoffenbahret hat. Und ſo man denen hievon verhandenen Schrifften glauben will / ſo iſt die Welt vor zwey und achtzig tauſend Monaten aus der Tieffe des Waſſers ans Licht gebracht. In derſelben ſchuff GOtt einen ſchönen Garten / und ſtellete darein einen Menſchen / Nahmens Adaa / ſampt ſeiner Frauen Bazagon! Denſelben / ům ſie unter das Joch ſeines Gehorſambs zu bringen / gab er einen harten Befehl / ſie ſolten die Frucht von einem ſonderlichen Baum / Hilafaran genant / nicht anrůhren / dieweil Er Jhm denſelben hätte vorbehalten; Woſern ſie aber davon eſſen würden / wolte er ſie die Strenge ſeiner Gerechtigkeit fühlen laſſen / ſampt ihren Nachkömmlingen. Die groſſe Lupanto, die verſchlingende Schlange vom Hauſe des Rauches / bemerckende / das GOtt durch ſolch Geboth den Menſchen unter ſeinem Gehorſahm bewahren wolte / damit er ihm im Himmel ſolchen belohnen könte / wante ſich zu der Frauen / und ſagte zu ihr woſern ſie und ihr Mann von dieſer Frucht eſſen / würden

Hi calentis aëris tempore [84] ſub *umbra* hujus arboris degebant; frigentis verò in *foraminibus* ejuſdem. Eo-
14. dem tempore [85] *Solis Lunæq;* obſervabant vices. Sed ante hoc tempus, * *ignis uſus* nondum innotuerat. Quin [86] *lignum ligno fricabant*, donec *ignis* exiret. Tunc & primùm [87] *carnes* cruore animantium fuſo, & dorcadum ſeu capreolorum quidem, comedebant. Poſt illa lapidem igne calefactum & carnem dorcadum tamdiu invicem quaſſabant, donec hæc quaſi aſſata eſſet. Et hanc edebant. Ad eum

---

ſie durch dieſes Mitel viel fürtrefflicher den andere Creaturen/und von dieſer ſchweren Natur/damit ſie zuſammen verbunden/ frey werden; In bewegung/ daß ſie in einem Augenblick mit ihren Leichnam ſolten in den Himmel eingehen. Bazagon die Frau/welche ohne das nach der Hoheit begierig war/ aß von dieſer Frucht/ und ließ auch ihr Gemahl davon eſſen/ alſo/ daß beyde dieſer erbärmliche Biß der Straffe des Todes/ dem Schmertzen und Armuth unterwarff: Dann GOtt hat ſie wegen ihres Ungehorſams den Ernſt ſeines Urtheils fühlen laſſen/ſie aus dem Garten getrieben/ darein Er ſie geſetzet/ und alſo die Straff vollzogen/ die Er ihnen gedreuet. Ada/ den Ernſt ſeiner Göttlichen Gerechtigkeit fürchtend/ brachte eine lange Zeit mit Thränen zu/ bis ihm GOtt vergebung ſeiner Sünden ankündigte/ wo er in ſolcher Reu und Buſſe fortfahren würde. Vid. *Chalcid.* ad Timæum, *Clem.* Alex. in Protr. *Plut.* in Alex. *Heſych. Majm.* Mor. Neb. III. 29.

84. *Sub umbrâ.* H. S. 8. Ginhoangum *ſequitur YEUS, qui mortales in montium antris & ſpeluncis in hoc uſque tempus habitantes, mapalia & caſas è ligno ædificare docuit, ut à ſe ferarum injurias defenderent.*

85. *Ignis uſus.* H. S. de *Yeo* l. c. *Neque ignis è ſiliſe ad parandos cibos fovendaque corpora eliciendi uſum callebant.* Non mirum. Nam poſtremis etiam temporibus *Guanches*, Canariæ populus, ignis uſum neſciebant. Vid. *Gomar.* Hiſt. Ind. c. 228. Aluiſe da Ca da *Moſto* c. 8.

86. *Lignum ligno.* Similiter H. S. 9. *de Sujo. Ligno quoque lignum atterendo primus ignem elicuit, ut nos è ſilice ſolemus. Ac velut alter Prometheus flammæ radices & originem aperuit. Eam ignis extundendi artem etiamnum Sinæ in uſu habent, & pro variâ tempeſtate anni ligna varia deligunt, id temporis ad præbendum ignem aptiora. Etſi neque alterum compendium ignorent, chalybe ignem è ſilice petendi. Mendoza* p. 45. idem de *Hantzui* ſuo tradit.

87. *Carnes.* Vid. *Mend.* 44. f. H. S.

eum modum omnes vivebant. Atque 88. *humanitas* inter homines tanta 89. adhuc non erat.

CLASSIS II.

90. FOHI. Rex *undecimus* Chatajæ erat. Cujus tempore 91. humanitas valdè crevit. Ejus ætate 92. *Divinandi* ſcientia uſu eſſe cæpit. Quam Chataij tum temporis 93. *Hui* vocabant. Poſt illa 94. *in libros* relatam. 95. *Matrimonium* etiam. 96. *Nuptiaq;* inſtitutæ ſunt. In-

de *Yeo: Herbis & fructibus ſponte naſcentibus crudisque ferarum carnibus veſcebantur, epoto etiam eorundem ſanguine, cum urgebat ſitis.*

88. *Humanitas*. H. S. p. 7. de *Tien-hoang. Tunc temporis cæleſtis Spiritus ubique diſcernens, paulatim urbanos mores induxit, & abſque magnó labore mortales, alioqui diſciplina capaces, ad humanitatem informavit, &c.*

89. *Adhuc*. H. S. 9. f. *Sed hactenus annos & tempora non adſcripſi: Quippe Sinis quoq; nec injuria dubitata. Nunc quæ ſequuntur ab ipſis pro indubitatis habentur, &c.*

90. *Fohi. Primus Tien-çu, ſeu cæli Filius*. Vid. *Comm. Alph. Idemque Parthenius*. v. H. S. 11. Mendoz. 45.

91. *Humanitas*. V. ſupra. n. 88.

92. *Divinandi ſcientia*. Repetitur hoc de *Fohio* p. 26. Conf. p. 39. Vox *Arabica* فال *Divinationem* utique & *auguria* ſignificat. Quo verò in genere Fohi excelluerit, non invenio. Fortè & illud huc referri poteſt, quod habet H. S. p. 11. *Primus itidem ſexaginta quatuor illas figuras* (p. 6.) *earumque uſum docuit. Quas in draconis è lacu prodeuntis dorſo ſe obſervaſſe ajebat*. Vid. *Ovid*. Metam. de Cadmo.

93. *Hui*. V. *Comm. Alph*. p. 24.

94. Vid. n. 47.

95. *In libros* Hujus farinæ aliquos recenſeo in *Biblioth. Sinic.* (Ea *Fo-hi-lung-xu* dicitur, hoc eſt, *Fohii ſcriptura Draconaria*. Quâ ipſe *Fohi librum de rebus Mathematicis & Aſtrologicis Lung-xu dictum* ſcripſiſſe dicitur. V. ad p. 30. H. S. 12.) *Ref. ad n. 97.*

96. *Nuptiaq; inſtituta*. H. S. in *Fohio* p. 12. f. *Ad hoc uſq; temporis mares inter ac feminas nullum erat ap. Sinas in moribus ac veſte diſcrimen; nulla connubia lege firmata. Sed belluarum more temerè & vagâ libidine jungebantur. Utrinque Fohius diſcrimen invexit. Nam & viros à feminis cultu diſtinxit, & conjugia inſtituit*. p. 45.

Invenit item 97. peculiare *scribendi genus*, 98. *Arithmeticam, Contractus & rationaria.* Pedicas quoque
15. & laqueos 99. *Vini* * *bibitionem*, 100. *Musica* instrumenta, quæ *viginti quinque* Chordarum erant.

Cumque illo tempore sericum non esset, *arundinem* teneram findebant, & instrumentis illis applicabant.

Soror

97. *Peculiare scribendi genus.* H. S. p. 12. *Idem imperator Sinicos characteres reperit, quos loco nodorum adhibuit, sed ipsis nodis intricatiores. In quolibet enim charactere sunt observanda sex; Figura, sonus, usus, significatio, compositio, explicatio. Litera tamen illa à Fohio inventa, ab his, quæ nunc in usu versantur, olim diversa, ad Ægyptiaca Hieroglyphica accedebant, ut figura rem significandam ipso aspectu adhiberet. Exempla* vid. *ibidem.* Alteram *Fo hi* scripturam Vid. ap. *Kirch.* Chin. ill. p. 228.

98. *Arithmeticam. Per notas sc.* Antea n. Nodis res agebatur, Inventore *Sujo. Mend. 45. De Nodis* v. H. S. 16. *Artis* v. *Arithmetica* autor *Li-xe* quidam erat, Hoangtii ætate. De quô H. S. p. 16. pr. *Facili methodo sex genera numeros tractandi complexus, Algebra arcana, regulas falsi aut societatis non attigit. Ea supputandi ratio globulis constat, filo ferreo insertis, cujus quindena vel vicena series è summâ tabulâ deorsum æquali intervallo facta per medium ducta tabellâ ita dividuntur, ut in superiori ordine singula fila duos globulos capiant, quorum singuli quinarium valent. Inferiori verò cujus spatium laxius in altitudinem patet, singula quinos habeant, non ejusdem æstimationis. Quævis enim sparula pro monade tantum putatur. Numerus a. ap. Sinas quoq; sinistram versus more nostrò in numeris crescit. His ergo globulis huc illuc, sursum deorsumq;, sicut usus postulat, permutatis, magnâ facilitate dexteritateq; rationes suas expediunt. Quem computandi modum perquam expeditum, in calculo præsertim sexagenario, non semel optimo successu ipsemet usurpavi, tantoque magis probavi, quod absque calamo & chartarum lituris omnia non aspernando compendio possunt ad calculum revocari. De Peruanorum Funiculis, Quipos dictis, quos literarũ & numerorũ loco usurpant*, Vid. Arn. *Mont. Japan 331. a.*

99. *Vini bibitionem.* Eam posteà Chingus, *Chevarum* secundus, sumoperè extrà sacrificiorũ usum improbavit H. S 92. Prima hujus rei mentio extat Gen. XI. 20.

100. *Musica Instrumenta.* H. S. p. 13. de Fohio: *Musicum Instrumentum adinvenit, triginta sex Chordis instructum.* Heidegg. VI. 13. Gen: IV. 21. *Jubali* Cainitæ Cyaaræ & Organi inventio tribuitur. Et, quod hîc præteritur, Tubalcaino tractandi æris & ferri opificiũ.

101. *Nivaxi ... Regina.* Præterit hoc H. S. Estque exemplum muliebris

Soror ejus [101] *Ni-va-xi* nomine erat. Quæ post ipsum *Regina* constituta est.

Post hanc

(13.) *Gaun Gaunxi*	(14.) Tai tanxi.
(15.) Ven chunxi.	(16) ChunBajek.
(17) Ulixi	(18.) Bilenxi.
(19) Chai xu xi.	(20.) Sun ju xi
(21.) Chun dun xi.	(22.) Chu Bang xi.
(23.) Gunen xi.	(24.) Gau xen.
(25) Hem gan xi.	(26.) VVachwa xi.

imperarunt. Post ad *familiam tertiam* translatum est regnum.

CLASSIS III.

Xin-nung, Rex *vicesimus septimus*. *Corpus* ejus quasi *serpentinum* erat. Habebatque *caput* hominis *unum*. Ejus tempore instrumenta & modi [102] *agricultura* cum *bove* & similibus inventa sunt, ac primùm omnium latum est * [103] *Medicamenta* etiam primus ad- 16.
hibuit,

imperii satis antiquum. Fortè & hic *Ti* pro *xi* legendum est.

102. *Agricultura*. H.S.p. 13. *Sub hoc tempus, cum ingens hominum multitudo, toto disseminata regno, carnibus tantùm ac herbis sponte nascentibus vesceretur; feris propè omnibus absumtis, vix alimenta deinceps suppetebant sustentandæ vitæ necessaria. In eâ rerum penuriâ imperator naturam ferendis ultrò frugibus ad mortalium alimoniam non suffecturam arte cultuque juvit, aratro & reliquâ rusticationi aptâ supellectili primitus inventâ. Ita terra ferro subacta quinque frugum genera, triticum, oryzam, milium, frumentum Indicum, legumina progenuit. Agriculturam* contra secundum *Ægyptios invenisse traditur* Mavigus, aut. *Jul. Polluc.* IV. 7. §. 11. Et *Osiris*, aut. Tibullo I. 7. Et secundum Græcos Triptolemus.

103. *Medicamenta etiam*. H. S.p. 13. *Her-*

hibuit, & *plantarum vires* exploravit. Rationem item
104. *mercandi* invenit. Novum quoq; instrumentum *Musicum quinq;* chordarum. Quod *Ku-puz-gim* vocabant. Post eum

28. *Vai chang*, 29. *Dilem vai*,
30. *Sing vai*, 31. *C'hai vai*.
32. *Lai vai*. 33. *Nai vai*.

regnabant.

Successit *Familia quarta*.

CLASSIS IV.

105. *Xin-sien*, Rex suprà triginta 106. quinque, habebat filios. *Secundogenitus* strenuus literatus & ingeniosus erat. Hoc tempore *Genius* vel *Dæmon* erat, ex iis, qui *Quei* dicuntur.

Ei

barum quoq; vires in expellendis morbis expertus, non in alieno, ut multi solent; sed in suomet corpore periculum fecit, quid in stomacho ad concoquendos cibos aliisque in membris aut morbis efficerent; cui malo creando vel extinguendo sufficerent. Et hoc tanta solertia successuque fecit, ut eum vulgo oculis plusquam lynceis crederent omnia hominum corporumq; arcana perspicere. Fama est, eum unius diei spatio ad sexaginta venenatarum herbarum genera cum totidem earum antidotis distinxisse; quem idcirco Medicorum Principem & auctorem nominant. Ad hæc usq; tempora certè simplicium medicamentorum usum, & vires exinde callent, ab optimis eam in rem libris ita instructi, ut Dioscoride vel Mathiolis non indigeant; Et ne pictore quidem alienigenâ, quando iisdem libris planta ac radices omnes nativis coloribus ac figuris adumbrantur.

104. *Mercandi.* Hujus negotij *inventionem* Mendoza Sujo tribuit.

105. *Xin-sien.* Hic *Hoangti* est. Quem *Xin-Sien* voco, quia *Primus* est, quem Sinæ sic appellant, inque numerum immortalium (id n. est *Xin-sien*,) referunt. Et quia Abdallæ textus *Xen-ven* habet. Quô tamen nomine *Xinnung* superius venit.

106. *Quinque filios.* H. S. p. 18. *Viginti quinque mares genuit, de quibus quatuordecim contracto matrimo-*

Ei *caput* æneum, *frons ferrea* erat. Vorabat a. lapides & arenas. Idem creaturis, hominibus maximè, damni nimium creabat. Quique ei resisteret, non erat.

Rex verò, quem dixi,* septiduum cum Dæmone illo gerebat bellum. 17.

Cumque manum amplius levare non posset, mœrore exinde *melancholico* corripiebatur, inq; somnum solutus *somnium* vidit. Eo tempore *arcus & sagittæ* nondum erant. Ipse verò per somniũ in aulâ *DEI* esse sibi visus est. Viditq; in *Paradiso*, qui sagittam & arcum teneret. Percontabatur: *Quid esset?* Et ὁ δεῖνα utilitatem rei illi exponens, usum quoq; eum docebat. Regi verò in animũ veniebat, hæc arma necessaria esse ad profligendum hostem Dæmonem. Evigilans ergò, cùm figuram mente teneret, ad idéam visorum & sagittas & arcum parabat. Inque prælium cum Dæmone rediens, internecioni eum dabat.

Eodem tempore,[107.] *sericum* & * *telæ* textura non-

nio plures illi nepotes procrearunt, quos vivus adspexit.

106. *Quei.* H.S.p.2. *De Angelis bonis & malis meminere passim, illos Xin, hos Quei vocant.* Vid. *Comm. Alph.* p. 24. a. f. Principem Diabolorum *Tj-tsoe-qui* vocant, autore W*richtio.*

107. *Sericum.* Similiter H. S. 25. *Interea conjugis* partes erant, bombycum educationem, byssi ac SERICI CONFICIENDI RATIONEM reliquas mulieres docere. Etsi enim bombycum soboles & opificium Sinis ante non erant ignota; ars tamen eorum telam pertexendi, ut ferè in rerum omnium initijs contigit, adhuc rudis & sine arte fuit. Illud Sinis honorificum & fidei consentaneum est,

nondum erat. Hominesque *arborum folijs* sese obtegebant. Rex idem *Paradisi* incolas denuo vidit, elegantibus tectos vestimentis. Sciscitatus, quid rei essent, didicit. Expergefactus similia fecit.
18. *Serica* fila nendo, *texendo, consuendo. Idque homines alios docuit.

Ejus ætate vir erat, 108. *Ounan* nomine, Artifex eximius. *Inventor* magnorum operum. *Navium* scilicet, *carpentorum*, *discorum*, aliorumq; instrumentorum *ligneorum*. Idem *urbes* è *ligno* struxit. Itemque *arcas* pro *defunctis* recens fecit. Neq; ante homines sepeliebantur. Rex igitur, ut quisq; de-

---

ab ijs in Asiam & Europam id *genus opificij, ut à fonte dimanasse*. Conf. p. 39. 287.

Sic & *Trigant*. Exp. Chr. l. 2. p. 4.
,, Nihil etiam dubitarim, eandem regio-
,,nem quoque esse SERICAM: Non enim
,,alio in regno ullo ad Orientem, nisi a-
,,pud Sinas, sericum, ejusque vis tanta re-
,,peritur, ut non incolæ solùm universi, o-
,,pulenti æquè prope ac tenues eo induan-
,,tur, sed etiam in finitima omnia regna ex-
,,portetur. Lusitani sanè negotiatores aliâ
,,nullâ merce onerarias suas libentius con-
,,sarcinant, quàm Sinensi serico, quod in
,,Japoniam Indiamque universam distra-
,,hendum immittant. Hispani quoque,
,,Philippinarum Insularum Incolæ, naves
,,suas in novam Hispaniam orbemque il-
,,lum universum onustas Sinensi serico
transmittunt. In Sinarum quoque ANNA-,,
LIBUS reperio operis artificium serici an-,,
nis *ante* Christum natum *bis mille sex-*,,
centis triginta & sex. Et apparet, ex,,
hoc regno in reliquam Asiam, nostram-,,
que Europam, imò & Africam, id ge-,,
nus opificij transmigrâsse. Vid. *Ursin.* de *Seribus* p. 379. *s.*

108. *Ounan*. Chaldæi *Noam* Oannem vocabant. Vel *Otiartem* potius, autore *Alex. Polyhist.* ap. *Cyrill.* libr. 1. adv. Julianû. اونان *Ounan* Mogolicè الثمن est. Hoc est, pretium, aut octava pars, aut الحكم Hoc est, *Philosophus*.

defunctis sepulchrum faceret, mandavit. Et ex universis constitutionibus ejus, quas Mogoles *Jasa* vocant, hæc una erat: Quemcunque de familiâ *regiâ* defunctum septimo die domo efferendum, inq; agro peculiari loco abscondendum; ibidem per septimestre spatium relinquendũ, post illa sepulchro inferendum esse. Altitudo busti regii, tres cubiti. *Emirijs*, quos *Mandarinos* vocant, quinque dies & quinque menses dati sunt. Altitudo verô bustorum bicubitalis. Prætereà [109] *cupressum* aliasque arbores ad caput defuncti plantant. *Vulgo* tres dies & tres menses concessi sunt. Altitudo verò
*bustorum quatuor ulnæ sepalmares. Licetque 19.
ijs *salices* ad caput defuncti plantare.

Rex idem novem [110] *Urbes* struxit. 1. [111] *Vi-cheu* vide-

109. *Cupressum.* Arbor funeralis. Trig. p. 15. *Cedrum quoq; videbis, funestam Sinis arborem. Ea maximè ad Sarcophagos cadaverum utuntur, quæ à Sinis tanti habentur, ut sæpè in funebrem loculum suprà mille aureos non malè collocatos putent. Intercett.* 316. *Reliquum* (sepulturæ) *spatium arboribus, quæ ferè omnes cupressi sunt, conseritur, additurq; murus per circuitum, si libuerit.*

110. *Urbes.* Urbes ante diluvium conditæ.

1. *Hanochia.* V. suprà. n. 69.

2. *Joppe.* Plin. V.13. Solinus, Mela.

3. *Heliopolis* in *Sipparis*, Abyd. ap. Eus. & Cyrill.

4. *Roha* & plures aliæ. De quibus *Malatiensis*: Fertur Hermetem primum (Enochum) centum & octoginta urbes condidisse, quarum minor, Roha. p. 7.

5. *Iconium.* Vid. *Steph.* in *Iconium.*

111. *Vi-cheu.* Ita M.S. *alterum.* Est urbs isthæc in *Pekingensi* territorio,
ad occasum *Regia*,
ad Notapeliotem civitatis *Paogan.*
Locus, quem *Hoangtij rudera* vocant. Traduntque ibi civitatem extitisse, quam Hoangti excitasset.

videlicet 2. *Sing-cheu.* 3. *Ki-cheu.* 4. *Su-cheu.* 5. *Ju-cheu.* 6. *Pin-cheu.* 7. *Lang-cheu.* 8. *Gu-cheu.* 9. *Jang-cheu.* Quas item absolvit. Cumque filij ejus deficerent, ex quibus *octodecim* personæ regnum tenuerunt, id ipsum ad *familiam quintam* translatum est.

CLASSIS V.

XAO-HAO-gem-ten-ti, Rex quinquagesimus tertius.

Hujus, uti tradunt, [112] *nemo pater* erat. Mater verò *lucem* quandam conspecta inde *gravida* facta est, eumque peperit. [113] *Huma*, avis anteà non visa, ejusdem tempore in conspectum venit, ac desuper *Hordæ* illius volitavit. Hoc tempore coeptum est urbes in vicos distribui. Rex ipse ad miraculum *justus* erat, *prudens*, excitati ingenij, etiam *Geometriæ* sciens. Post eum *decem* de genere ipsius Reges imperium tractarunt. Post quos Dynastia ipsorum expiravit.

CLA-

112. *Nemo pater.* Contradicit H. S. Martinij. Ibi enim *Xao-hao Hoangtij filius* dicitur, p. 20.

113. *Avis Huma.* Similiter H. S. p. 20. Aves autē *Xao-hau* ceteris animantibus idcirco prætulit, quod sub initium Imperij *Solis avis* apparuit, cujus adventu felicitatē regno portendi vulgo existimant. quod si hæc avis diu non sit visa, Imperatoriæ familiæ interitum & futuros bellorum motus ominantur. Quænam verò sit hæc avis, non liquet. Ex formâ, quâ eam pingunt, aquilam crederes, nisi plumarum mira & discolor varietas obstaret. *Phœnicem* ut esse suspicer, ejus raritas persuadet. Sinæ *Fung-hoang* vocant.

*CLASSIS VI. 20.

Chuen-Fu-ga, Rex *sexagesimus* tertius,[114] è prosapia regis trigesimi quinti *Xin-sien* erat, Augustus, Eucheta, justus,[115] supplex ergà *Deum O. M.* religiosus ac valde devotus. Ejus tempore optimè vivebatur. Post eum *novem* de genere ejus Reges imperarunt.

CLASSIS VII.

Dai-CO-gas-sing-ti, Rex septuagesimus tertius. Ejus tempore *cunæ, tympana, tintinnabula & campanæ* inventæ sunt. Erat eo tempore Philosophus magnus, *Gi-sun-zi* nomine. Hoc Præceptore utebatur. Magnos in literis profectus faciens. *Libros* etiam componens. Imperium verò post octavum sui generis successorem ad alios transijt.

CLASSIS VIII.

Dio-li-JAO-tang-ti, Rex *octuagesimus secundus*, Patruelis filiorum *Xin-sien*, Regis *trigesimi* quinti.

*Ajunt eum non nisi quatuor mensibus in *utero* matris fuisse. Gerebat palpebras &[116] supercilia 21.

114. *E prosapiâ regis 35. Xaohani* scil. patruelis, Hoangtij è fratre nepos. H. S. 21. Struxit urbem *Pao-ting*. A. 25. b.

115. *Ergà DEUM.* H. S. 21. Omnium primò labefactatam priorum annorum *fato religionem restituit, instaurata Majorum pietate*, ut *unum omnes supremum cæli Imperatorem statis sacrorum ritibus colerent. Additum, ne cui alteri quam Imperatori sacris fas esset operari. Tanti faciebant sua sacrificia, ut sacerdotalem dignitatem, quæ ipsis summa habebatur, non nisi cum sceptro vellent esse conjunctam.*

116. *Supercilia octo colorum.* Similiter H. S. p. 26. *Ceterum Yaum superci-*

lia octo *colorum*. Suntque ab ipso quasi *miracula* edita.

Ejus tempore [117] duo *Angeli* veniebant. Unus in formâ *bovis*; Alter in formâ *Arietis*. Hi ad dextram & sinistram ejus considebant. Quòd si quis *Emiriorum* & *Sacrificulorum*, qui in aulam veniebant, animo ergà Regem malè affecti essent, eum vacca dentibus, aries cornibus corripiebat.

Post illa per intervallum temporis *aries* mortuus est & locô illo, quem occupare solebat, arbor prodijt, cujus altitudo octo ulnarum erat. Cõmodum ejus hoc erat. Singulis mensibus per quindecim dies folia producebat, quæ reliquis quindecim diebus decidebant. Pòst, per aliud temporis intervallum, etiam bos leto dabatur; Rex verò tristitiæ. Quòd hoc sævum aliquid portendere videretur. Sed & bovis loco [118] arbor
22. succrevit, * tres ulnas alta. Vertex ramorum ejus spinæ erant. Veniente malevolô, qui vestem regiã adoraret, arbor alterum ramũ terræ infigebat. Ita Rex ex tempore de adversario certior fiebat. Veniebant etiam *triginta duo* Viri admodum venerabiles è diversis regnis.

Qui

lia vario tincta colore atq; in Iridis modum micantia habuisse invenio.

117. *Duo Angeli*. Angelos esse *Pythagoras* primus tradidit, sec. *Simplic.* in l. de Anima. Id quod non Scripturæ tantum Sacræ contradicit, sed & Sinensium Historiæ. *Yaus* n. annis præter propter 1780. ante Pythagoram vixit.

118 *Arbor*. H.S. 18. de *Hoangtio*: *Miraculi* *speciē habet, quod sequitur. In ejus pala-*

Qui ab ejus ore pendebant. Et multi tum temporis concinnabantur *libri.*

Ceterum ſuper ejus quoq; caput [119.] avis *Huma* ſe demiſit. Hoc eſt, aquila. Quam in linguâ Chatajâ *Gam* vocant. Eam in hoc regno venerantur. Numerus *colorum* ejus 366. ſecundum numerum *Cyclorum* anni.

Erat ei filius unicus, *Tan-gu* nomine. Quem Pater regno haud aptum videbat. Præcavit ergò, ne Rex fieret. Mandans ut homines conſcriberentur ſapientes, prudentes, intelligentes, è quibus aliquem regno præficerent. Ex omnibus ergo tractibus *[119.] *decies mille* juvenes intelligentes & ſapientes & ingenioſos conſcribebant. Sed ex ijs ne unum quidem ingenio ſuo convenientem Rex inveniebat. 23.

Mille ergò alios coëgerunt. Cum ecce Rex ipſe [120.] *ſuffitum* excitaret, *preceſq;* DEO maximo litaret: Quandoquidem ipſi filium aptum regno non dediſſet, & ex decies mille hominibus dignior inventus non eſſet, ut è mille hiſce dignum ſeligeret. Tunc ali-

tij atrio herba creviſſe fertur, cujus ea vis & ingenium, ut ſi quis malus regiam ingrederetur, confeſtim in venientem, prona inſtar heliotropij, ſe obverteret. Quod germen ſi paſſim in hortis aut atrijs magnatum creſceret, quantò plures aulis abſtinerent, qui nunc latentium ſcelerum ſecuri, hujusmodi proditores non timent. V. *Mendoza* p. 65. Qui item de *Hoangtio* loquitur.

119. *Avis Huma.* V. ad p. 19.

120. *Decies mille.* De hôc numero vid. *Comm. Alphab.* 26. 2.

121. *Suffitum & preces.* De *Sacrificijs* Sinarum vid. H. S. 2. m. 35. ppr. 193. m. *Confut.* paſſ.

aliquem oſtendit, *Tu-giſt-jud-ju-ti* nomine. Hic vultu plane Socratico erat. Imò inſtar draconis. Et uterque oculus [121] *duas* habebat *pupillas*. Sed [122] Patriſque matriſque veſtigijs probè inſtiterat. Hunc eligebat. Ipſique [123] vivus regnum tradebat.

CLASSIS IX.

Di-XUN-jud-ju-ti Rex *octuageſimus-tertius*
24. * regnavit annis novem.

Tempore ſuo *quatuor Tyrannos* cepit & internecioni dedit. Sic pax populo reddita. Paravit ſibi buſtum ligneum & figulinum. Ædificavit *decem urbes*. Filium ejus [124] *Yu* quendam nomine, Familiæ *Hia*, regem ipſo vivente deſignarunt.

CLASSIS X.

Hia-Yu-ven. Ejus tempore *per duodecim annos* continuos [125] terribilis *pluvia* fuit. [126] *Diluvij* inſtar.

121. *Duas pupillas.* H. S. pag. 31. de *Xuno: Ferunt eum in quovis oculo geminam pupillam habuiſſe.* Vid. ſeqq.

122. *Patris.* Eum Sinæ *Cu-ſe* vocant. Hoc eſt, *cæcum* & *mutum*. Parentum nequitiam ita exprimentes. H. S. 21.

123. *Vivus regnum tradebat.* H.S. 29. *Yaus tam bono ſucceſſore lætus, elapſo triennio eum imperij conſortem fecit. Quo munere ille vivente Yao ipſos viginti & octo annos magno reip. bono perfunctus eſt.*

124. *Yu quendam.* Similiter H.S. p. 33. *Hoc labore* (canalibus impenſo) *ut & eximijs virtutibus, quibus Yuus excellebat, adeò ſibi Xunū* (Imperatorem) *devinxit, ut ſuiſmet filijs poſthabitis illum in imperij ſocietatem adſciverit. Hoc, quod rarum eſt, annos 17. concordi poteſtate tenuerunt.* V. p. 29. f. & 34. pr.

125. *Terribilis Pluvia.* Similiter H.S. 26. *Aquis enim terra magnam ſui partem caſtigata, ſuccedentibus advenis anguſtior eſſe cæpit. Eas, Autor Sinicus ait, diluvio invectas. Ego malim credere à Noëtica inundatione ſuperſtites in extrema hujus Aſiæ planitie, locisq; depreſſioribus reſediſſe; aut peculiari eluvie Sinas inundatos. Niſi forte à diluvio Noetico aquarum im-*

ſtar. Sic, ut anterior mundus aquam caperet & quamplurimæ creaturæ perirent. Præter aliquos, qui

petu rupti fluviorum alvei, aut aggesto ſabulo repleti, ſtagnandi legem aquis impoſuere, cujus impatientes, extraq; littora ſua effuſæ, omni ex parte Sinarum plana mergerent. Utcunq; ſit, Imperator ad eas in mare derivandas, vel certè ripis & aggeribus coërcendas, Quenum cum amplâ poteſtate præfecit. Is poſtquam *novem ipſis annis nihil effecit, vel quod parum eſſet harum rerum peritus, vel quod illi negotio impares vires ſuas duceret, Imperatoris juſſu capite negligentiæ pœnas dedit. Inde alium operi præfecit, qui peritior, & alterius malo ad dicto parendum intentior, tandem aquis exitum aut alveum fecit. Et quoniam hoc Imperatore de aquarum corrivatione offertur mentio, quas Sinica hiſtoria diluvium vocat, &* EUROPAEI CHRONOLOGI *ex certiori opinione ad hujus Imperatoris tempora Noeticum diluvium reducunt; facilè conceſſerim, omnem gentis hiſtoriam ad hac usq; tempora vel confictam fuiſſe, vel ea narrare, quæ ante Noeticam eluviem contigere, quorum in arcâ fortaſſe ſervata memoria. Nam & alia plura, quæ ad* NOSTRA *etiam* SACRA *ſpectant,* AB OBLIVIONE *& interitu* INIBI VINDICATA *fuiſſe, doctorum virorum eſt opinio. Verùm Sinis hæc talia perſvaſa velle, temerarium foret, ſcriptorum ſuorum fidem, oraculi vicem tuentibus & ab eo, quod ſemel credidere, non dimovendis. Mihi verò religioſum non ſit,* YAUM *hunc noſtrum eundem cum* JANO *dicere, ita nominum & temporum affinitate ſuadente; qui Janus multis Noë fuiſſe creditur. Quanquam multa dein à vero procul remota Sinæ ſuppoſuere. Fatentur enim, ſuæ gentis hiſtoriam* XUNO *poſt* YAUM *imperante, uti & librum* XUKING *dictum, primùm inchoatam, nec cum typo, ſed ſtylo ferreo folijs inciſam. Nondum enim vel ſub Xuno, vel proximis Imperatoribus* TYPOGRAPHIAE *uſus exſtabat. Sed hæc omnia in aliorum judicijs relinquo.*

Pintus iterum *Greporum ſententiam* ſic refert p. 314. Als die Sünde der Menſchen mehr und mehr zugenommen/ habe GOtt den Wolcken des Himmels geboten/ daß ſie ſich ſolten über die Erden durch einen ſtarcken Reegen ergieſſen/ und alles Lebendige erſäuffen/ auſſer einem Gerechten/ und ſeinem Hauß-Geſinde/ welche GOtt in einem groſſen höltzernen Hauſe errettet hätte/ von dem ſeithero alle Menſchen entſproſſen wären. Hæc propius accedunt *Hiſtoria Noachica.* Domus lignea, arca Noæ erat. *Naves* n. majores vulgò *Pan-cung* vocant Sinæ. Hoc eſt, *lignea palatia.* H. S. 312. m.

Similia *Japones* narrant. Omnem ſc. terram diluvio abſorptam eſſe. *Uno* excepto homine, *Deorum hoſpite*, ejusq; familiâ, in ſpecu ſervatis. Inductis etiam regionibus *Niſon, Mangi* & *Legvi.*

Myris, Rex Ægypti, ut intempeſtivam Nili redundationem exciperet, lacum circa Memphim effodit, cujus profunditas 200. cubitorum, magnitudo 360. ſtadiorum erat. *Micr.* H. M. 63.

qui fabricatis [127] *navibus* se committebant, aliosq; qui in [128] *montibus* hærebant. Rex verò apud se cogi-

126. *Diluvij instar*. H. S. p. 3. *De diluvio multa est apud Sinicos Auctores mentio. De illius* origine causâq; *nulla*. Quod *proinde* Noëticum *fuerit*, *an aliud* Sinis peculiare, *quale* Ogygium *olim in* Bæotia, *in* Thessalia Deucalioneum, *nondum liquet. Illud pro certo compertum*, Sinensem *de diluvio* Historiam *non multum à Noetica abesse*, *quippe qua* ter mille circiter annis vulgarem Christi epocham *prægreditur*. Hæc ille. Vid. pag. 21. pr. Et sunt multi, quorum temporibus olim diluvia terras inundasse scribuntur. Præter *Noachicum* scilicet etiã *Ogygis* tempore *Bæotia*, & *Deucalionis* ætate *Thessalia*, & *Xisuthro* vivente *Assyria* cataclysmo perdita est. Vid. *Pindari* IX. Olymp.

de *Deucalioneo* diluvio, Schol.

de *Ogygéo*, Varron. III. de R. R. præf.

de *Xisuthréo*, Alex. Polyh. & Abydenum ap. *Euseb.* & *Cyrill.*

Plato quoq; in Timæo diluvij meminit è *Patenit*, Sacerdotis Ægyptij traditione. V. *Diod.* Sic. *Peruani* itidem memorant, totum g nus hominum aliquando diluvio exstinctum esse; *Septem* tantùm *Incas* in specu *Pacaritambo* evasisse. Ex ijs instauratum esse genus hominum. Vid. Jos. *Acostam*, *Laet.* de orig. Am. 83. 105. *Horn.* ad Sulp. Sever. 15. 2. *Deucalionem* verò à Græcis vocari, qui à *Chaldæis Noe*, *Philo* autor est, l. de Præmijs. *Tzetza* Noam etiam *Dionysum* & *Osiridem* vocari tradit, Chil. I. 335.

Imò est, qui suspicietur, non *Deucalionis* tantùm & *Noa*, sed *Ogygis* quoq; *Xisuthri* & Phoronei, similiumq; forte etiam *Yui* nomen unum idemq; significare, si *Linguarum origines* excutias. *Deucalionem* tamen *Scytham* vocat *Lucianus* l. de Deâ *Syr*. Porrò Scholiastes Pindari l. c. non temerè scripsit, Græcos Noæ Cataclysmum è nostris suffuratos esse. Omnia enim pariant.

Meminerunt profani illi scriptores & *rei* & *circumstantiarum* ferè omnium.

Meminerunt scilicet

Causa, ob quam diluvium sit immissum. Malitiæ enim hominum hoc ipsum tribuunt.

Arca, Apollodorus, Nic. Damasc. Theophil. Antioch. Alex. Polyh. Plutarchus, Lucianus, Berosus.

Autoris, cujus *oraculo* diluviũ prædictũ; *jussu* verò arca fabricata sit. Quem *Saturnum* vocat *Alex*. Polyh. & Abydenus.

Servatarum volucrium, *reptilium*, *jumentorum*. *Alex*. *Polyh*. Lucianus.

Montis, ubi arca resedit. Cordyæum vocat Berosus.

Columba emissa Abyden. & Plat.

Corvi emissi Herrera de Peruan.

Omnium propè hominum deletorum, Lucianus.

Paucorum servatorum, Molo apud Euseb. IX. 19.

Sola *temporis ratio* non convenit.

Deucalion enim & *Phoroneus* ad Mosis ætatem referuntur, &c.

cogitabat: *Hoc meo tempore accidit*, & *creaturæ perierunt*, *non aliâ* (uti velut in *speculo* mihi videor) *de causâ*, *quàm pravorum actorum & cogitationum mearum.* Cœtum ergò hominum residuum convocavit. Et [129.] *canales*, per quos aqua flueret, fecit. Donec aquæ ex singulis locis, * quò sese collegerant, in mare derivaretur & tellus provinciarum exsiccaretur. 25.

Canales n. illi novem, qui in *Chatajâ* fuerant, illô tempore disrupti erant.

Illo tempore *homines* [130.] *quadraginta ulnas longi* erant.

Post

Ceterum *de Diluvio notandum*, *inejus Historiam fermè omnium gentium desinere*, *etiam earum*, *quas diu incognitas Parentum nostrorum ætas notitiæ nostræ tradidit.* Grot. V. R. C. 16. *Dico* etiam, *quicquid narrationum de rebus ante diluvium affertur*, *quod Prophetico sermoni non innititur*, *nudam esse conjecturã atq; opinationem*, *cum nemo sit*, *qui eas memoria prodiderit.* Malat. p. 9.

127. *Navibus.* Unius tantum meminit *Moses.* Eam תיבה *Teba* vocat. Λάρναξ verò dicitur à *Joseph.* l. 4. *Apollodoro*, *Nic.* Damasc. *Plat. l. an* animantia terr. *Polyhist.* & al. quos *Theoph.* Antiochenus laudat, libr. III.

128. *Montibus.* In montibus arca tandem resedit, quâ Noachidæ servati sunt. Sed & *Nicolaus Damascenus* tradit, multos profugos in monte *Baris* servatos esse. Vid. *Schick*, Tar. 26. f.

129. *Canales.* Vid. *Chataj.* p. 29. b. 35. b. 30. a. 84.

130. *Quadraginta ulnas longi. Mendoza* de *Vites* p. 64. pr. *Dicono di lui fra l'altre cose*, *ch'egli era alto di statura nove misure della China*, *le quali*, *essendo ciascuna lunga intorno à doi terzi della vara di Spagna*, *fanno secondo questo calcolo sei vare d'altezza*; *& ch'era largo sette palmi nelle spalle*; *& che fù non men valoriso d'opre*, *che grande di corpo.* Quid 2. *Vara* sit, idem in *Indice* exponit, ubi sic habet: *Vara est un braccio commune da misurare secondo l'uso d'Italia.*

Post hunc regem *sedecim* de genere ejus regnarunt.

CLASSIS XI.

131. *Xang-Tang*, Rex *Centesimus primus.* De Prosapia *Vai-co-gu-sing-ti*, regis septuagesimi tertij.

Hujus tempore 132. *septem annis non pluebat.* Ita *fontes & flumina* exsiccabantur. *Agricultura* frustrà erat. Tum *fames* sequebatur. Rex: *Hæc omnia ait, à peccatis meis oriuntur.* Mandavit ergò, ut ligna

131. *Xang-tang.* Hoc est, *Tangus*, familiæ *Xangæ* conditor.

132. *Septem annis non pluebat.* H. S. p. 60. *Sed ejus pietas ergà subditos in una re omnium maximè enituit. Cùm enim ingens esset toto septennio terræ siccitas, nulla interim de cælo aquâ veniente; itum è superstitione gentis ad* sortem. *Ea sic decrevit, ut unius hominis precibus ac morte cælum omnium vicem placaretur & remollesceret. Quod ubi ad Tangum relatum est,* PLUVIA, *inquit, ut commune bonum populo, cui præsum, à cælo datur. Eam si Fata jubent ab uno pro cunctis exorari; me potissimum instans calamitas manet. Locum omnium tenenti convenit, omnium causam agere. Qui prodesse debet omnibus, nocere nemini potest. In me igitur incumbit culpa factorum; quorum ictum si fas non est vitare, honestum erit pro publica salute vitam meam impendere; Sub hac jejunium sibi indicit, cæsarie unguibusq;, quos promittere apud Sinas non leve nobilitatis signum & ornamentum est, præcisis, nudis pedibus corporeq; cinere terraq; consperso, hac prece se cælo piacularem victimam devovit. Inscitiam aut scelus meum obsecro te supreme cæli Imperator, ne populus luat. Mihi te iratum habeam, modò parcas innocenti patriæ. At si ego fortè malè meos guberno, si domi meæ luxum splendoremq; justo majorem tolero, si adulatoribus alienamq; famam obtrectantibus aurem nimis patientem commodo; meum id crimen est, me cælum ad pœnas deposcat. In hunc ferè modum* lexiis *cœli Dominum obtestabatur, cum repentè ingentibus procellis effusus imber longè lateq; terras summa omnium lætitiâ rigare cœpit.*

gna multa colligerent seq; in pirâ comburerent. Sic enim fore, ut indignatio DEI cesset, & creaturis expiatô delictò parcatur.

Collectis adeò lignis, cùm DEUS seriam pœnitentiam & preces ejus respiceret, misericordiam exercebat, perque septem dies totidemq; noctes pluviam * demittebat. Cùm creaturæ post an- 26.
gustiam sterilitatis & annonariæ caritatis perdiu lætô, ubere & benignô annô fruebantur. Post eum [133] *viginti novem* personæ de prosapiâ ipsius imperarunt.

CLASSIS XII.

[134] *Cheu-Fa-vang*, Rex centesimus trigesimus primus. Pater ejús [135] *Chang-ven*, erat. Vir *Philosophus*, & valdè integer. Sed & *Divinator* erat. Qualis ante ipsum *Fo hi*, familiæ secundæ Rex primus. Hic, Patrem dico, imperii omen pro se habebat. Sed ut erat sapiens, populi desiderio non gere-

133. *Viginti novem.* H S. p. 21. non nisi *viginti septem* numerat.

134. *Cheu-fa.* Hoc est, *Fa*, familiæ novæ, *Cheu* dictæ, conditor.

135. *Chang-ven.* H. S. pag. 78. *Ille* (Cheus) *porrò anno imperij undecimo summos præfectos tres legit --- Changum, Kieum & Coum.* P. 81. *Changus è carcere dimissus ad suam se Dynastiam recepit, fuit ea in provincia Xensi,* CHEVA *dicta. Hic jam pridem à Kilieo patre, quâ viâ virtutem sequeretur, edoctus, modestè in suos, quanquam paucos, dominabatur; legum & juris tenax, pius, majorum natu reverens, qui justitia & æquitate omnes continebat in officio.*

gerebat morem. Attamen filium ejus [136] *Fa* nomine, ſubſtituebant. Hic itidem ſummè erat ſapiens & juſtus. Imo multis paraſangis anteibat patrem. Hoc tempore in urbe, quam ibi locorum [137] *Chan-*
27. *Balic* vocant, [138] *Che-gu*, Rex erat, *Qui ibidem totos LX. annos regnaverat. Triginta quidem in æquitate & juſtitia tranſigens; triginta verò in perverſitate & transgreſſione. [139] Uxor ejus *Ta-ki* erat, quam perditè amabat. Erat item regi Conſiliarius valdè ſtrenuus, *ULI* nomine. Huic mandabat, ut ex omnibus civitatibus pro ſe vinum & victualia multa comportarent, magnumq; [140] palatium ſtrue-

136. *Fa nomine.* H. S. 84. *Fans ergo ad paterni regni gubernacula acceſſit anno vigeſimo & altero, quam Cheus imperare cœpit.*

137. *Chan-balik.* Peking.

138. *Che-gu.* Cheus. H.S. 77.

139. *Uxor Ta-ki.* H. S. 78. *Uxorem habuit Takiam, omnium penè malorum vel authorem, vel adminiſtram. Ea, ut forma cæteras mulieres: ita nequitia anteibat omnes. In cujus gratiam cum nihil non faceret Rex mulieroſus; ex illius arbitrio Præfecti alij officio dejiciebantur, alij necabantur. Totius opes imperii ſuperbiâ luxuq; unius mulieris minores fuiſſe ſcribunt Sinenſes Hiſtorici. Hinc acerbiſſima exactione preſſa gens gemebat.*

140. *Palatium.* H. S. 78. *Inter alia fuit extructa turris, cui nomen à* cervis *inditum è pretioſo marmore rubro Kiung dicto. Portæ lucebant jaſpide, quam Yu vocant, achatæ noſtro non abſimilem, multi apud Sinas pretii. Altitudo turris erat cubitorum mille, latitudo milliaris Italici, ſeptem annorum opus. Sæpe ſuis centum & viginti dierum epulum dedit; Aſſuero in pompa paullò quidem minore, ſed frequentiore, quaſi præludens. Neq; nox juſtitium faciebat luxui: ob eam cauſam Changye, ſive nox larga dicta. Palatium, alioqui Sinis ſeverè clauſum & ſacroſanctum, patuit omnibus, adeò impunè, ut in eo non ſecus ac in foro mercatus inſtituerent. Hinc non merces modò, ſed etiam abominanda quæq; ſcelera eò invecta nonnullis civitatibus Reguliſq; beneficiariis locum ad defectionem aperuere.*

ſtruerent. Cui nomen *Chang-Ye-kiung* faciebat. Hoc eſt, *noctis largæ palatium*. Omnia enim feneſtrarum lumina clauſa tenere ſolebat, ut decumanæ eſſent tenebræ. Multas contrà cereas accendens. Ita interdiu noctuq; vino ſe dabat, dicens: *Hæc juſta nox eſt*. Contrà hunc [141.] *Cheu-vang* deditâ operâ [142.] exercitum magnum ducebat. Quô per famam auditô, alter præ metu [143.] ſe *in ignem* conjecit & combuſſit. Sicq; *Cheu-vang* regnum illud obtinuit.

Succeſſit ei *Ching-vang*, filius. (Huic * *Kang-vang*, 28.

---

141. *Cheu-vang*. Rex prior *Che* dicebatur. Qui ſequitur, *Fa*. Hic familiam *Cheu* inſtituebat. Hinc *Cheu-vang* dicitur. Hoc tempore *Pey* & *Xoci* fratres de regno certabant, non ut id alter alteri præriperet, ſed ut uterq; reſpueret. H. S. 82. f. Confer. *Hiſtoriam Moſis* & leg. Hebr. XI. 24.

142. *Exercitum Magnum*. H. S. p. 84. *Statum regni præclarè Changus ordinaverat, ad inferendum Imperatori bellum magno, ſed occulto militum & armorum paratu. Queîs Faus apud ſe penſitatis, animum ad majora intendit, Cheum imperio pellere, vacuum ipſe invadere cogitans; populi adverſus Imperatorem fretus odio, & rei è ſententiâ gerendæ occaſione.*

143. *Se in ignem*. H. S. p. 185. *Hac victoriâ Fao quaſi per otium partâ, longè alia Imperatori mens erat. Quippe victus à ſuiſmet, qui clàm cum Fao conſpiraverant, præcipiti fugâ regiam urbem petens, cum primum pervenit in palatium, Imperatoris inſignia circumdat ſibi. Mox ignem ſubiiciens tectis, ſeipſum vivus exuſſit, ne in hoſtium veniret manus; digno ſceleribus ſuis exitu, ſe quoq; judice, reperto. Jamq; abſumpta incendio erat pars regia, quæ tota conſediſſet in cinerem, niſi eſſet ignis in tempore ſopitus. Fugâ Imperatoris auditâ Faus non tardiore impetu, quam ille fugiebat, inſequitur. Ingredienti regiam omnium prima ſe offert Takia; quam ſine mora obtruncavit gladio. Ita vacuum adeptus imperium, mox à regulis conſenſu denuò electus, novam domum Imperatricem conſtituit, quam tertiam vocant Sinæ.*

vang, filius.) Huic *Gai-vang*, filius, Rex 134^mus Qui magni nominis & felix erat.

Ex omnibus hujus temporis historijs una hæc est.

Anteà in regnis *Chatai*, *Indiæ* & *Kismir* variæ erant sectæ. Neq; *Propheta* erat, quem sequerentur, religione & legibus instructum.

Imperante verò Rege, quem dixi, 144. *Xecmuni Berchan* quidam erat. Hunc *Indi*, *Kismirani*, *Tibetenses*, *Chataji*, *Tangutani & Iguræi* pro Prophetâ habebant. Et omnes Asseclæ ejus doctrinam ipsius strenuè propagabant. Sic anno 24. regni *Gai-vangi* rumor hujus rei in Chatajam transijt. Xecmuni Berchan verò annos LXXVIII. vixit. Ab ortu ejus in hanc lucem usq; ad hoc tempus, annum videli-
29. cet * *Hegiræ* 717. sunt anni 2339.

HISTORIA nativitatis *Xecmuni Berchan* secundum Chatajor. opinionem hæc est:

145. *Pater* ejus è regno *Kismir* & *Ungluk* erat. Et

144. *Xecmuni Berchan.* Est hic *Xaca.* De quo vid. *Comm. Alphabet.* pag. 47. a. H. S. p. 94. *Anno inde vigesimo septimo* (erat is annus ante Christum natum millesimus vigesimus sextus) *natum esse Xacam tradunt, Indiæ Philosophum, idolorum & transmigrationis ad Sinas autorem: de cujus placitis tum plura memorabo, cum res anni post C. N. sexagesimi quinti venient explicandæ. Hujus n. anni mense decimo penetravit ad Sinas.* Natus ergò fuerit Xaca secundum *Martinium* anno aute Chr. 1026. secundum *Abdallam* v. anno 1022.

145. *Pater ejus.* Alex. de *Rhodes* Catech. Tung-king. pag. 105. *Tribus itaq; millibus circiter annis à creatione mundi, & à confusione linguarum paulò plus quam mille annis, fuit in India quidem Rex nomine* TIMPHAM,

Et è provinciâ quidem *Bukja Pilavi.* *Ting-van* nomine, Rex istius provinciæ, judex & Princeps. Qui 84260. viros in præcipuis civitatibus & provinciâ habebat.

Hic *uxorem* habebat, *Muje Fuchin* dictam. Eam, uti loquuntur, virginem duxerat, sed rem cum eâ non habebat.

Hæc in *horto*, cui *Lem Jebni* nomen erat, sub arbore, quam *Eju-ketzjeb* vocant, dormiens â ventô & luce gravida facta est. Post illa [146] *Costa lateris*

---

qui filium habuit ingenij acuti, sed valdè superbum: is prius quidem uxorem duxit, vicini Regis filiam, ex qua postquam prolem suscepit, unicam filiam, invitâ uxore in eremum secessit solus, cùm esset magicis datus artibus, tum ut sui admirationem pareret, tum ut liberius cum Dæmonibus ageret: duos autem præ cæteris Dæmones habuit magistros Alalam *scilicet &* Calalam, *inter quos ipse medius sedebat, illi docuerunt ipsum prius atheismum, dato ei nomine Thicca.* Idem Lex. Ant. p. 761. *Thicca primus fuit idolorum inventor in Indijs Orientalibus, natus est in ea Indiæ parte, quam Sina* thien truc coac *vocant, patrem habuit tinh phan vuong, matrem mada phu nhèn con lí thien vuong, filius ejus vocabatur ca hau la. Duos habuit diabolos, qui illum artem magicam docuerunt,* Alala *scilicet &* Calala, *in montibus dàn dat ubi primum se recepit, cum reliquit uxorem post aliquot cohabitationis annos & seipsum fecit* Bụt *id est, idolum, suis præstigijs innumeros decipiens usq; ad octuagesimum ætatis annum, quo mortuus est in sylva dicta* Sala, *mille circiter annis ante Christi Domini Nativitatem, tempore Regis Sinarum, dicti* Bua Chu. Conf. *Kirch.* Chin. ill. p. 152. *Bolland.* Vit. Sanct. ad 15. Januar. Froj. ep Indic. 208. *Marinus* della Mission. d. Gjapan. I. 9.10.

146. *Costa lateris dextri. Japones* aliter de hoc suô *Xaca.* Referunt n. matrem per quietem vidisse *elephantem candidum*, qui *per os* ejus primum prodiret, post etiam per *latus sinistrum.* Scilicet *Virgine natum* volunt. Ideoq; *Xaca* dictus fuit, h. e. sine origine & principio, Daniele *Bartolo* teste. Qui addit per somnium hoc marito matris significatum esse, ne de *pudicitiâ uxoris* neq; de legitima nativitate filij dubium foveret.

ris dextri ejus rupta est & infans prodijt. Marito dicenti: *Nosti, me rem tecum non habuisse. Quis ille alter est, è quô gravida facta es?* respondit illa:

30. *In horto, *subter arbore τῇ δεῖνα, ex improviso lux me circumfulsit, egoq; extrà me fui. Neq; novi, quid rei fuerit, è quâ impraegnata fui.* Sed & eô tempore, cùm hic nasceretur, [147.] *novem dracones* ex aëre delapsi sunt, aquam ex ore super eum emittentes [148.] eumq; in pelvi abluentes aureâ. Pòst, [149.] septem passus progressus [150.] vocem emisit infans: [151.] *Me enim DEUS Prophetam misit, donec alij Prophetæ exurgant.* Erat a. valdè speciosus, eloquens, sciens,

147. *Novem Dracones.* Præterit hoc H.S. NOVENARIUS Sinis sacer. Vid. *Comm Mon. Sin.* p.1. *Draco* itidem. Vid. H.S. 11. f. 120. f.

148. *Eumq; in pelvi abluebant.* Similia de *Mohammede, Platone, Mida.* Vid. Roder. Tol. Hist. Ar. c. 1. Val. Max. I. 6. extr. 2. 3. Plin. XI. 14. Aureliano imperium portendebat serpens in pelvi ejus sæpius conspectus, autore *Fulgoso* I. 4.

149 *Septem passus.* Paulò aliter Dan. *Bartolus*: Xacam, *infantem*, cunis exilijsse, erectum stetisse, *septem passus*, ad orientem fecisse, *septem* illa *vestigia* totidem flores produxisse; Postilla Xacam digito osculum fixisse, ac subinnuisse: *se aliquando Monarcham cœli ac terræ fore.*

150. *Vocem emisit infans.* Similia narrantur à *Plin.* XI. 51. *Cœlio* XXIX. 19. *Alex.* III. 15. *Marull.* V. 1. *Sabell.* X. 2. *Fulogos.* VIII. 1. *Bonfin.* II. 1. *Cromer.* IX. *Sigeberto, Reginone, Dodechino, Gagvino.*

151. *Me enim DEUS Prophetam. Arnold.* Montan. Japan. p. 112. 2. Was ferner Xaca für ein Meisterstück seiner Gottesfurcht an seiner Mutter bewiesen / war dieses / daß er sie ermordete. Seine Hände klebeten noch voll Bluts von dieser Mordthat / als er die eine Himmelwerths auffrichtete / und die andere in die Erde steckete / mit überlautem Geschrey: daß weder Himmel noch Erde jemand heiliger / als ihn hätte. Hierauff begab er sich in eine tieffe Höle eines abgelegenen Berges / da er seine Bücher schrieb; und nach dem Zeugnüsse der Sinischen Geschichte / achtzig tausend Lehrlinge unterwiese. Aber aus dieser Anzahl schichtete

sciens, perfectus. Annos,[152] *novendecim* natus in [153] in *montem* quendam abijt, ibiq; quinque annos commoratus est, nihil comedens. Transegit etiam sex alios annos in monte, devotioni vacans. Dein prophetiam professus est. Ac omnes regiones, *Kismir*, *Ungluck* & reliquæ *Indostanis*, ut & *Chataja* [154] *sectam* ejus receperunt, eamq; re ipsâ sequebantur. Porrò *Gai-vango Movang* rex succedebat. Huic

---

Xaca erst fünff hundert ab; darnach auß den fünff hundert/ hundert: und endlich/ aus hundert zehen; denen er zu den tieffesten Geheimnüssen seines neuen Gottesdienstes einen Zugang öffnete. Als er sterben solte/ behändigte er diesen zehen seine Bücher/die er auff diesem abgelegenen Berge entworffen. Und damit niemand jemahls einiges Lehrstücke anfechten möchte; so versiegelte er jedes Buch mit dieser Beyschrifft: Also hat Xaca die Warheit zu Papiere gebracht:

152. *Novendecim annos natus.* *Marino* autore anno ætatis 17. *Adudalam*, regis filiam, uxorem duxit. Exactis matrimonij annis duobus, natâq; filia *Hanlam*, in eremum decessit, ibiq; *quinquennium* exegit, tandemq; intra annuum quadragesimum Idololatriam invexit. Conf. *Rhodes.* Relat. Tungking. I. 19.

153. In *Montem.* Alij *Desertum* vocant. Et hoc *Sian* nomine. Dan. *Bartol.* in vitâ *Xaverij* III. 5.

154. *Sectam ejus.* a. *Decalogum* testamento reliquisse scribitur. Sed *quinq;* ex ijs *præcepta* mentione indigna sunt. *Quinq;* reliquis *homicidia*, *adulteria*, *alieni boni usurpationes*, *mendacia*, deniq; *mæstitia* de irrecuperabilibus prohibita sunt. Conf. de *sex* alijs *benè vivendi Præceptis*, magni apud Sinas habitis, *Spizel.* de lit. Sin. p. 237.

c. Quotidiana sectæ hujus oratio *quinque* verborum est apud *Japones.* Suntq; *Namu*, *Mio*, *Foren*, *Qui*, *Quio.* Eorum recitationem crebram ad salutem consequendam sufficere credunt. *Etsi nemo*, inquit Kircherus, *verborum* istorũ, *utpote ab Indis acceptorum energiam intellexerit.* Chin. ill. 139. b. Ludov. *Gusmanus* in *relationibus Hispan.* non nisi *tria* memorat verba. Ista nempe: *Namu*, *Amida*, *buth.* Eaq; sic interpretatur: *Bienaventurado Amida salva nos.* perinde ut *Tanguthani*: *O Manipe mi humi*: (*O Manipe salva nos*, ap. eundem Kircherum p 71. b. Et è *Brachmanum* instituto viduæ Indicæ igni se dantes: *Rama saltae*) *Rama*, *salva me*, ap. Arn. *Montan.* p. 114. b. Scilicet *Omnes beatè vivere volunt; sed ad pervidendum, quid sit, quod beatam vitam efficiat, caligant.* *Senec.* de vita beatâ

31. Huic * *Emirius* erat, *Zacu* nomine. Qui præclara exequebatur opera. Mandato, exempli gratia, regis, in carpentum se dabat. Quod sex *equi* trahebant, [155] de die *centum parasangas* cursu conficien-

c. 1. Intereà temporis *Bonzij* vulgo nunquam non inculcant paradoxon: *Ichinem Amidabur succumet murioo zai.* Qui Amidæ nomen invocaverit, hic procul dubio salvus erit.

c. Porrò *Bonzij* conciones & disputationes suas non nisi de *Nihilo* habent. Adeò ut vulgus unà cum ipsis tandem non nisi *Nihil, nihil*, clament. Testis est Dan. *Bartolus.* Fallor, an id è secus intellectâ voce *Namu* hausit? Nam Sinæ *Namvu* dicunt. *Vu* verò *nihil* significat. Et *Turca* quoq; ultimam vocis *Allahu* syllabam admodum producunt, *Hu, hu, hu*, clamantes, suum illud *Ekber Allahu* declamantes.

155. *De die centum parasangas.* Coquei Philosophus tempore Regis Fo. ap. *Martin.* H. S. 167. *Rex quidam gaudebat olim inquit, equis plurimum, quos undiq; adductos emebat quantovis pretio. Eaq; propter homines certos è suis subditis in externa dimittebat regna, qui optimos equos quærerent, & in ijs unum præcipuè, quem audierat velocissimum esse atq; ante alios generosum, & intra viginti quatuor horarum spatium mille cursu stadia emetientem. Quo deniq; reperto, sed jam mortuo, ne prorsus vacui redirent domum, aureis quingentis emunt ejus ossa, regiq; afferunt. Miratus ille inscitissimam emptionem, primò irascitur; mox tamen auditô eorum prætextu placari se sinit, hanc facti sui rationem reddentium. Nos, inquiebat unus ex omnibus, nos, o Rex, omni quidem diligentia quæsitum, quem jusseras, equum adeo velocem eundemq; vivum nullum invenimus; scito tamem, vivos ejus indolis ad te brevi adductum iri. Cum enim percrebuerit, te vel ossa tanti emisse; profectò mercatores majoris lucri cupiditate allecti minimè cunctabuntur vivos adducere. Acquievit his dictis rex, eodemq; anno tres emit equos, qui ultrò adducebantur, eadem velocitate, quàm fuit alter, quem frustrà quæsierat.* Sequitur hâc emtione incitatos esse alios, qui ejus indolis vivos equos afferrent mercatum. An Coquei Regem *Mo* in mente habuit? De quo H. S. 94. *Immoderatius tamen aliquanto equos amabat, & currus. --- Quæ res, ut haberet speciem curæ publicæ, placuit obire provincias.* Ibidem de *Venio.* pag. 285. *Memorant eodem tempore adductum esse generosissimum & mira velocitatis equum, qui viginti quatuor horarum spatio quiverit mille Sinica stadia conficere. Quem cum Imperatori obtulissent; tunc ille: Imperij vexilla & insignia, inquit, cum iter facio, me præcedunt; currus & equites sequuntur. Jam si velocissimo insideam equo, famulitium utrumq; vexem necesse est.*

cientes. Sic, ut terrarum conditionem exploraret, & [156.] ultrò citroq; means Regi deferret. [157.] In nostram etiam *Persidem* terrasq; *Iran* venit. Cujus itidem statum & temperiem, quæ ibi est *aëris*, regi aperuit. Ejus tempore vir erat, *Cha-zen* nomine, [158.] *Chimiam* publicè tractabat. Qui *Simiam* quoq; benè callebat. Hâc ratione singulis quasi momentis se in peregrinis scientijs exercebat, novasque introducebat. Idem *Ludum*, ([159.] *Schachicum* nisi fallor) invenit.

Post eum *Co-vang* Rex erat.

Post hunc *Ii-vang*.

Post hunc *Hiao-vang*. Ejus tempore in provinciâ, quam initio regebat, [160.] *caper duobus pedibus* & *lupus quatuor cornibus* natus est.

Post hunc *Ii-vang* alter regnavit.

Post hunc *Li-vang*.

Post

Nam & illos superabo, qui præcedent; quiq; sequentur, multo me minus poterunt assequi. Solus a. si præcedam, quis non videt nec majestatis à me nec securitatis haberi rationem? quæ igitur nec mihi necessaria sunt, & famulis meis insuper molesta, non accipio; edicoq; jam nunc, ne quis in posterum ad me muneris loco quicquam afferat ejus, cui sola raritas pretium facit, usitatis contentum atq; communibus. Conf. *ιπποπαμαν λαν* Ingi H. S. 228.

156. *Ultro citroq;*. Vid. *Venet.* de *Cubla Hemerodromis*, II. 23. deq; *Xaabani*, Sultani Ægyptij, *Schildberg.* cap. 31.

157. *Nostram etiam Persidem.* Vid. *num.* 17.

158. *Chimiam.* Præterit hoc H. S.

159. *Schachicum.* Vid. *Addenda.*

160. *Caper duobus pedibus. Lupus quatuor cornibus.* Vid. *Miscell. Curios.*

Post hunc *Siven-vang* *[161] Rex justus.

32. Hâc ætate per viginti *annos* in provinciâ[162] non *pluebat*. Creaturæ verò in angustiâ erant. Rex apud se ajebat: *Tyrannidem in subditos non exercui. Quare alia peccata hujus rei. Quare*[163] *alioqui pravè egerim*. Ita seipsummet à consortiô voluptatis retraxit. His gestis *pluere* cœpit. Sic ubiq; levamen inventum est. [164] *Inventa* sunt etiam hôc tempore *literæ* novæ seu *Notæ* & *Characteres*, quibus hôc tempore *literarum* vice scribentes utuntur. Quæ [165] è *Notis pensilibus*[166] efformatæ sunt. Nomen *Inventoris*, *Xu-chu* erat.

Je-

161. *Rex justus*. Adil, frequens Abdallæ vocabulum est, quô ipse, uti & Arabes vulgò, de encomio ornandis Regibus utitur. *Propriè* a. *justitiam* & *æquitatem* notat. Sed, *usu* ferente, nullas non *boni Regis virtutes*. *Nobilitatem* fortè rectius dixissem, quemadmodum *Rex nobilissimus* quondam, *Ecclesiastis* sui cap. XI. v. 17. אשריך ארץ שמלכך בן־חורים׃ *Felicem terram, cujus Rex* NOBILIS est. De בן־הורים Vid. not. ad *Conc Fun. Hebd.* II. p. 11. Ceterû de *Sivenij* nobilitate H.S. 100. *Inito principatu majestatis decus & nomen dignis virtutibus illustravit. E disciplinâ Præfectorum majorumq; imitatione tantus Imperator, ut jam nemo* VUM, *nemo* TANGUM *desideraret. Ad justum & legitimum imperium præcipuè Patris* (ob sævitiam pessimè habiti regnoq; expulsi) *exemplo incitabatur*, &c. Attamen sequitur, etiam filium *voluptati* & *tyrannidi* se tandem mancipasse.

162. *Pluvia nulla*. Præterit hoc H. S.

163. *Alioqui pravè*. H. S. 101. *Imperator facilè intelligens, quò collinearet* (regina, à voluptatibus eum novâ arte ad frugem *revocatura*) Hoc enim verò crimen, si quod est, *inquit*, meum est; ad reginam nulla ex parte spectat. *Majore deinde curâ tractavit res Imperij.*

164. *Inventa sunt - - - Notæ*. Præterit hæc H. S.

165. *E Notis pensilibus*. Ita vocat *Sinense scribendi genus*. Quia scilicet *deorsum* scribitur. Ob quam rationem etiam *Persicum scribendi genus* تعليق *Taalik* dicitur.

166. *Efformata sunt*. Sæpius n. *reformata est Sinica scribendi ratio*. V. n. 97.

Je-vang, Rex, sequitur. Qui [167] uxorem valdè formosam habebat, *Pao-su* nomine. Hæc *nunquam ridebat.* Etiam, cùm maritus nihil non tentaret, ut rideret. Nihil enim effecit. Neq; ita *felix* fuit. Eô tempore hujusmodi signum militibus suis dederat, ut accedentibus hostibus (*Tataris*) ignem in monte accenderent, & tympanum pulsarent,
ut hôc factô *Emirij* in * procinctu starent. Erat, 33.
cum Rex ex improvisô & nullâ ferente necessitate rei imperaret, ut sic facerent. Et universi exercitus toties quoties confertim parati aderant. Atqui

167. *Uxorem valdè formosam*, Paosu *nomine.* H. S. 103. *Pao-sua interim Imperatori in delicijs erat; unam rem in eâ tantum ægriùs ferenti, quod nunquam rideret. Itaq; nihil intentatum relinquit, ut monstrosa mulieri risum moveat. Erat ei tunc temporis fortè bellum cum Tartaris ad Occidentem propius colentibus: &* MILITI SIGNUM BELLICUM IGNEM *dederat, quo conspecto ad arma & Imperatoris custodiam concurrerent. Hoc signo ad eliciendum amasiæ risum aliquoties fulgere jusso, adsunt de more milites, arma & ordines parant, ingenti, ut fit, strepitu concursuq; terribiles. Quos semper delusos videns Paosua, in risum deniq; diffusa, magno simul gaudio Imperatorem complevit. Sed hic risus imperio & vita postmodum ei stetit. Delectabat ante alia Paosuam strepitus, quem concerpta per vim holoserica edere solent. Imperator igitur, qui ad illam exhilarandam nihil non faceret, ad ejus arbitrium libidinemq; factus assiduo in* DILACERANDIS HOLOSERICIS, *illa præsente, versabatur. Inter hæc ludicra mittit ad Xinum, qui filium retraherent à fuga. Quo negante, ducturum se Principem, nisi ut regni heres agnosceretur; iratus Imperator arma in eum movet. Xinus impar viribus, at consilio superior, coitâ cum Tartaris societate, noctu repentè advolat ad Imperatoris castra. Datur de more signum. Milites visâ flammâ Imperatorem lusisse, ut ante, oblectare cum Regina, rati, nec periculi quicquam suspicantes, nulla resistendi curâ, omissis armis propè dormientes in hostium venere potestatem. Ita ludibundus Imperator à fratre filioq; oppressus, lusu in serium verso, occiditur.*

qui demirabantur, quòd nullus immineret hostis. Quasi dicturi: *Quid hoc rei est?* Sic tandem *Pao-ſu* ad risum commota est. Et Rex lætus in rei memoriam convivia instituit.

Post duos annos hostes verè adventarunt. Accendentibus illis, qui ad hoc destinati erant, ignes & tympana pulsantibus, Emirij, sibi denuo illudi suspicantes, parati non erant. Hostis itaq; ingressus regem delevit, aufugientibus illis omnibus.

Posteà *Ping-vang* solium *patrium* conscendit. Sed [168] aliam sibi ædificavit *regiam, La-gin* nomine. Ibi residebat.

Post hunc *Von-vang*, *Chuang-vang*, *Livang*, *Hoei-vang*, *Siang-vang*, [169] *Quang-vang*, *Cung-vang*
34. sibi invicem ex ordine successerunt. Dein * *Ting-vang* Rex 151. fuit. Annô ejus altero, *Tai-xang* [170] *Lao-con* natus est, quem hi populi itidem pro *Prophetâ* habent. HI-

168. *Aliam .., regiam.* H. S. 105. *Pingus Regis filius, occisi parentis calamitate doctus, mutatam periculo vitando regiam relinquens*, SIGAN, *atq; in austrum procedens ad* Co *provincia* HONANAE *fluvium in huius extrema Asia Meditullio ferè, constitit.* Quâ v. in urbe, *Martinius* non addit. Addit a. *Abdalla.*

169. *Quang-vang.* Præteritur, qui præcesserat, *Hiang-vang.*

170. *Lao-con.* Similiter H. S. 117. *Anno hujus Imperatoris (Tingi) tertio natus* Lao-tanus *in regno* Zu, *nominatus* Philosophus, *apud Sinas* Epicureæ *Secta autor extitit.* Vid. *Comm. Alphab.* p. 38. Estq; hic ille ipse, qui ap. *Mendoz.* II. 2. *Lao-con Tzantei* dicitur. Cujus proderit verba adjecisse. *Attribuiscono*, inquit, *la creatione di tutte le cosi visibili, & invisibili al cielo, però lo figurano co 'l primo carattere del loro alfabetto, & gl' assegnano un governator delle cose di sopra, chiamato* Lao-con

HISTORIA. *Tai-xang-Lao-con* è 171. terrâ *Zu* erat. 172. Pater *Chan* dicebatur. Hic itidem, uti *Xecmuni Berchan*, 173. è *luce* in conspectum venit 174. sub *prunô*. 175. *Octuaginta annos* in *uterô* matris hæsit.

Tzautei, *che significa vella lingua loco* governatore del grand' Iddio, *& è il primo, che essi adorino dopò il Sole. Dicono, ch' egli è increato & senza principio, & che non ha corpo, ma è puro spirito.*

NOTAE.

a. Facilè credam, *primam Dictionarij Sinici notam* esse 天 quæ *cælum* significat. *Mandarini* tamen *Tien* legunt, non *Guant*, uti idem ille *Mendoza* II. 13. Quem innumeri seqvuntur. Sed sunt quoque, qui alijs *Notis*, alijs *vocibus* primatum tribuant, sicq; in *Sinensium Dictionariô* haberi contendant.

b. Tzautei procul dubio *Tzantei* legendum est. Eritq; *Tai-xang* Abdallæ, & *Xang-ti* Mandarinorum. Vid. *Comm. Alphab.*

171. *E terrâ Zu.* Vid. *Basilic. Sinens.* Part. II.

172. *Pater Chan.* An *Han?* Præterit hoc H. S.

173. *E luce.* H. S. 117. *Idem Philosophus* (Lao tan) *in aliô locô se à cælo creatum profitetur. Rhod.* Cat. III. *Secunda secta ap. Sinas est Lautij* (Lao-tu) *cujusdam, quem etiam cæli & terræ conditorem asserunt ejus asseclæ — Solùm quandam à Lautio acceptam sententiam proferunt, quæ dicit:* Dao, h. e. legem seu viam fecisse unum; unum vecisse duo; duo fecisse tria; tria deniq; fecisse omnia. *Quod si ab illis quæras: unde sit illud* DAO *sive lex, respondent:* Ex nihilo & vacuo, & absq; alio principio esse magnum illud dao, *seu magnam legem.*

174. *Sub pruno.* Præterit hoc H. S. Ex hâc arbore *Cung-chin*, Tamingarum ultimus, se suspendit.

175. *Octuaginta annos.* Similiter H. S. p. 117. *Suprà fidem est, quod de illo scribunt, aut veriùs fabulantur Sinæ: annis octoginta & uno in ventre matris latentem, deinde per latus dextrum in lucem prodijsse. Argumentum fabulæ suffecit numerus novenarius, quem perfectissimum dicunt, qui novies in se ductus octoginta colligit & unum, quo numerô notatur ipsis, quicquid numeris est omnibus absolutum. Cum igitur Loutanus ingenio esset atq; indole supra vulgarem modum excellenti; tanquam naturæ laborasset tot annis in eo perficiendo, hunc numerum excogitavêre.* De numerô *novenariô* Vid. Comm. Mon. Sin. p. I. SENECA ep. 58. *Nam hoc,* inquit, *scis, puto,* PLATONI *diligentiæ suæ beneficio contigisse, quòd natali suo decessit, & annum unum atq; octuagesimum implevit sine ullâ dedu-*

hæsit. Longitudo ejus ulnas quadraginta æquabat & dimidium. Magnâ *fronte*, *capite auribus* ab utroq; humerô pendentibus. E *dextrô latere* matris egressus. Canâ *barbâ* natus. Unde pro eximiô & *sanctô* ab hominibus habitus est. Sicq; Prophetiam ejus lubentes receperunt. Nomen *populi*, qui primi sectæ illius adhæserunt, *Sen-xen* erat.
35. [176.] Post eum *Xecmuni* Berchan annô 148. * natus est. A nativitate ejus ad hoc tempus, annum scilicet 717. *Hegiræ*, sunt [177.] anni 1992.

Post *Tin-vang* sequitur *Kien-vang*.

Post hunc *Ling-vang*.

Hic à matre [178.] *barbatus* nascebatur.

Hôc tempore CONFUTIUS [179.] natus est.

Pater ejus *Xo-leang* erat.

Mater *Gu-xi*. In illâ regione [180.] *mons* ingens erat,

---

ctione. *Ideoq;* MAGI, *qui fortè* ATHENIS *erant, immolaverunt defuncto, amplioris fuisse sortis, quam humanæ rati, quia consummasset perfectissimum numerum, quem novem novies multiplicatum componunt.*

176. *Post eum Xecmuni berchan.* Mendum. *Xecmuni* n. anno 422. *ante Loatanum* natus erat.

177. *Anni* 1992. Legatur: anni 1922.

178. *Barbatus nascebatur.* Similiter H. S. p. 120. de illo ipsô Imperatore: *Lingus Rieni filius cæsarie barbaq; promissa in lucem editus, spiritalis intelligens ex merito dictus. Etsi n. eo imperante, multa inter Rges bella exarserint, remq; publicam variè miscuerint; virtute tamen ac prudentiâ ita imperii statum composuit, ut nihil de imperatoriâ majestate, nihil de provinciis decederet.*

179. CONFUTIUS. Vid. *Comm. Alphab.* p. 11

180. *Mons ... Nigr.* Vid. *Comm. Alphab.* 43. b.

erat, cui *Nigu* nomen est. Hic illô momentô, quô mater eum enixa est, concidebat. Erat autem [181] pilosus toto corpore. [182] *Longitudine* novem ulnarum & dimidiæ. *Latitudo* communis. Quatuor ulnas *amplus*. *Forma* terribilis, uti *Tigridis*, erat. Sed supra modum prudens & ingeniosus. Ideoq; homines maximam partem eum observare cœperant.

Habebat autem [183] ter *mille discipulos*, qui *scholam* ejus frequentabant. Ex ijs *LXXII. erant, qui 36.
ad regias dignitates pervenerunt.

Pôst *Tai-xang-Laocon* intervallô quinquaginta quinq; annorum natus est.

Vixitq; annos LXXIII.

Ling-vango, succedebat *Tavang*, *King-vang*, *Chinvang*, *Tin-vang*, *Nivang Sivang*, *Dilvang*, *Gan-vvang*, ...*vang*, *Pile-vvang*, *Hien-vang*, *Xi-cinvang*, *Ten-vang*.

Sub [184] *Tenvango* regnum bello depopulatum est,

---

181. *Pilosus totô corpore.* Ut *Esavus.*

182. *Longitudine novem ulnarũ.* Vid. ad p. 25.

183. *Ter mille discipulos.* Similiter H. S. p. 123. *Tria millia discipulorum habuisse scribunt. Ex his septuaginta duos exquisitissima doctrina; duodecim verò lectissimos philosophos, id est, omnibus doctrinis instructissimos, inter quos familiam ducebat.* YENHOEIUS, *ab ea re maximè atq; ante alios omnes dilectus Confutio.*

184. *Ten-vang.* Hujus Martiniana Historia Sinensis non meminit, quod sciam. Fortean *Ten-vang* è gente *Tien* erat, de quâ H. S. 139. Illa certè Imperio

est, & [185] *quinq; partes* urbium præstantissimarum in manus hostium venerunt. Posteà, cum inimicorum confluxui nemo resisteret, avulsum regnum in [186] *quatuordecim partes* sortitò distributum est, quæ singulæ sub singulis regibus erant.

Postea multô vertente tempore [187] *septem reges* exorti sunt, qui quatuordecim illas partes invaserunt, easq; inter se itidem diviserunt.

Pars in *communione* manentes, pars *seorsim*.

37. *Duravit autem Imperium duarum harum *Taïfarum* 12. annos. Et hæ duæ *Taifæ* imperium

CLASSIS XIII. constituebant.

Post hos *Xen-vang*, unus ex Regibus illis *septem*, *Ching-*(vel *Xi-*)*vang* nomine, ad potentiam venit, regnumq; *sex* alteris regibus eripuit, qui patris ejus socii erant. Ita [188] totum regnum occupavit.

Duo

---

dudum gravis erat. An verò *Fo-Vang* pro *Ten-Vang* legendum est? فو pro تن

185. *Quinque partes*. H. S. de *Cai* tempore p. 139. *Nam præcipuis præfecturis per filios suos ac nepotes occupatis, ipsa* (gens TIEN) *totum mox regnum invasit, solo nomine regi relicto*. Sequentium regum tempore non melius rem imperii successisse, ibidem porrò memoratur.

186. *Quatuordecim partes*. Totidem scilicet *Reguli* suam sibi Imperii partem vendicaverunt. Quod aliàs sæpè factum est.

187. *Septem Reges*. Annumerato nempe *Cino*. Reliqui erant *Chyrpe*, *Han*, *Chao*, *Quei*. *Duobus* rebellionis ducibus, extinctis. H. S. 137. Vel erant: *Ci*, *Cin*, *Chao*, *Han*, *Quei*, *Lu*, *Zu*.

188. *Totumq; regnum*. Primus scilicet Monarcha. Non possum, quin è *Panticul.i annalium Sinensium*, vel *epitoma* eorum, annectam, quod sequitur. Scribit auctor, priores *tres familias* regi-

Duo filij ejus, *Ze-xi-Hu-bai*, & *Sa-mi-xi-zen*

CLASSIS XIV. erant.

CLASSIS. XV.

Bang-vang. Rex 173. Fortissimus ille erat, & robore 189. *novem boves* æquans. Bellô motô *Sa-mi-xi-zenium* 190. occidebat, & Rex factus est.

CLASSIS XVI.

191. *Han-Cao-zu* valdè animosus, facie & intellectu *serpentinô* erat. Gravi decumbens morbô audiebat in monte 192. albos esse serpentes, qui homini

---

as (*Hiaam, Xangam* & *Checam*) annos 1969. regnasse; *tertiam* verò desiisse annô *Gin-cù*, hoc est, cycli (tunc temp. 41.) quadragessimô nonô, adeoq; annô ante Christum 204. Postquam durasset annos 873. ab annô *Ki-yen* (h. e. cycli. 27. 46. adeoq; annô ante Christum 1092. Qua ratione *Hiaa* annô ante Christum 228. cœpisset, h. e. annô decimô *Heberi*, eoq; 76. post *diluvium.* Facit hoc pro *Veritate Hebraicâ.* Et observo hîc, *Martinium* in *numeris* à *Sinensium Historiâ* discedere, vel certè ab *editione* illâ, unde particula est, quam dixi. Ab eôdem *Chingè* CINARUM prosapiâ Sinarum Monarchâ, *Sinarum Imperium* hodieq; id nominis gerit ap. exteros. Nam *domi* novô subinde Nomine venit. Exteri v. *Sinas* appellant, quia sub Cinis primum innotuit, tam per *Alexandri expeditionem* (de quô vid. *Horn.* in Arc. Noæ p. 434. quàm per *Chingi* progressus (de quibus in *Basilicô Sinensi*) Vid. H. S. 195. f. *A.* 37. b. *Trig.* p. 5. Primi, qui hanc terram *Sinas* vocarunt, sunt *Indi.* Abd. p. 9. Indos secuti sunt olim *Græci*, post *Hebræi*, tandem *Lusitani*, Lusitanos *Europæi* reliqui. Adde *Comm. Alphab.* Et observa jam, quid *Armenus* velit, cum *Alexandri meminit* in *Geogr.* de SINIS.

189. *Novem boves.* Superabat ergò *Milonem Crotoniatam.*

190. *Occidebat.* H. S. 229. *Imperator* (Ingus) in urbem se *recepit. Sed ubi se ab omnibus destitutum videt, victoris arbitrio se permisit.* Vid. pag. 230.

191. *Han-Cao-zu.* Hoc est, *Cao-zu*, novæ *Hanarum* familiæ Conditor.

172. *In monte albos serpentes.* H. S. 218. de Lieupango: *Turbatus Imperato-*

58. minibus * noxam facerent. Cum decem ergô personis abijt eosq; internecioni dedit. Inde magnum nomen adeptus. Et regnum ipsum. Dicitur [193] *septuagies prælio se commisisse*. Erant illi tres Præfecti magno æstimati. [194] *Chang-leang*, *Colaus* ipsius erat. [195] *Fan-Yu-ai*, Vesirius. [196] *Han-sinius*, *campi Dux*.

Posteà *Xu-phi-di* rex factus est. Ejus tempore homo prodijt, *Gujekun* nomine *Gi-zud*. Cumq; Rex abijsset, [197] Mater ejus, *Liu* Tangu *beu* nomine, suc-

---

ris (Ulxij) *adventu Poi lacus altissimos montes fugâ petiit, ibiq; latitantem filii, fratres, omnesq; consanguinei sunt secuti. Exceperat eos aliquando convivió; è quô sub noctem surgens per opaca montis inambulans cum convivis inusitata magnitudinis serpentem obviàm habuit, quem strictô ense duas dissectum in partes necat. Memorant subinde, serpentem ab anu quæsitum; quem cùm occisum reperiret, ita plorasse.* Heu! filius meus, cui debebatur imperium, in album serpentem mutatus est! ah non amplius eum video. Quid dicam? non ab alio profectò, quam à rubrô dracone interfectus est; ab illo nempe, cui fata destinant imperium altiori vi, quam filio meo. Huic qui mortem obtulit, is sine dubiô Imperator fuit.

193. *Septuagies prælio se commisisse*. H. S. 262. m. *Pugnavi septuagies, semper invictus. Et nunc octo & viginti lepores timeam?*

194. *Chang-leang*. H. S. 221. 266.

195. *Fan-Yu-ai*. H. S. 231.

196. *Han-sinius*. H. S. 239.

197. *Mater successit*. H. S. 380. Discrepant hîc Epitomatores Historiæ Sinensis. *Lieupang* enim & *Kaoçu* unus idemq; est, secundùm H. S. 330. Planè verò alij sec. *Abdallam*. *Mendoza* totam inde à *Tzintzomo* Historiam his verbis enarrat; *L' ultimo Re* della descendenza *del valoroso Vitei, si chiamò Tzintzom, & fù quello, ch' essendo infestato, & combattuto in molte parti dal Re di Tartaria, fece la muraglia, ch' io ho predetto; & percioche vi faceva andar a lavorare la terza parte de i vassalli, & molti vi morivano, non meno per la lunghezza del viaggio, che per la diversità della temperatura dell' aria, ch' è fra l' uno, & l' altero di quei paesi, si fece inimico tutto il Regno, il qual perciò gli si congiurò contra per ammazzarlo, come fece poi, anno quarantesimo del suo Regno, con la morte anco d' Agutzi figlivólo, & successor suo. Morto l' uno, & l' altro, i*

succeſſit, voluitque, ut de familiâ ipſius regem deſignarent. *Emirij* nolentes bellô petiti ſunt. Cùm Tatarorum tria millia occiſi ſunt. Sic *Xuphidi* frater, *Phudi*, ſucceſſit. Ejus tempore, ut ferunt, è latere *maris Orientalis herba* innotuit, cujus uſu [198] diutiſſimè * viveretur. Tametſi potius ſtupefaciat. 39.
Dicebatur etiam, homines ita *Angelos* fieri.

Rex verò impenſè huic herbæ deditus erat. Habebat [199] *Aſtronomum* valdè expeditum *Kung-xu* nomine. Hunc nave ſtructâ mittebat allatum ejusmodi

---

Chini fecero Re Anchiosan, huomo di grand' ingegno, & di notabil valore, il qual tenne il Regno dodici anni. A lui succedette il figliuolo Futei, che regnò sett' anni, ma morendo molto giovane, il Regno venne in man della moglie, ch' era della medesima casa, & lo governò diciott' anni con mirabil prudenza, & mancando senza posterità tornò il governo ad un' altro figliuolo sedici, & otto mesi, e'l figliuolo Huntei cinquantaquattro.

198. *Diutiſſimè viveretur.* H.S. 290. de *Venio*: *Ceterum hic Imperator nunquam se moriturum sibi penitus persuaserat, à quôdam impostore deceptus.* H. S. 310. de *Hiaovo*: *Interim tamen Imperator ab impostoribus deceptus, in terris æternæ vitæ præcepta sectabatur. Illi namq; CHIM CA pergebant arte se non modò aurum atq; argentum facturos polliceri, sed & medicinam illam, quâ sumptâ viveret æternùm & in XINSIEN, ut vocant, mutaretur. Amabat impensè res raras & exquisitas; quæq; curiosa paſcunt ingenia, ijs plerumq; delectabatur. Unde illis impostoribus aures dedit, maximè cum id promitterent, quod unum ad felicitatis apicem Imperatores Sinici sibi deesse credebant. Hinc titulus ille, quo præcipuè gaudent & ab omnibus vocantur, VAN SAN SUI, quod decem annorum millia significat. Hoc titulô perpetuò cum inter loquendum, tum scriptô appellatur.*

199. *Aſtronomum.* Præterit hoc H. S. De *Aſtronomia Sinenſium* Vid *Comm. Alphab.* p. 6. Ex antiquiſſimis Aſtronomis *Chencungus* erat, qui anno ante Chriſtum 1110. (non 2120.) vixit. Obſervabat ille *Tengfungi* ſiderum curſus è turri, quæ hodieq; *Quon-ſing-tai* dicitur. Idem *acus pyxiduq; nauticæ* uſum jam tum habebat familiarem. A. 49. b. H. S. 190. *Dapp.* III. 40. a.

modi herbam. Cumq; diu frustra expectaret reditum, *divinatorem Rex* adit. Qui respondit: Viri illius, de quo sciscitaris, navis fracta est. Et in hôc statu tribus jam vicibus manum complodit, ridetque. Post dies alios decem Rex redit, cui divinator admiranda in conspectum dedit & hoc judicium (quod sequitur) scripsit. Post decem dies Astronomus redit & ait: ventô contrariô spirante navis fracta est. Rex ait: Cur illo die ter manus com-
40. plodebas & ridebas? * Dixit: ideo quòd divinator ultra decem diætas statum meum novit & regem non agnovit.

Huic Regi duo erant filij. Majoris *Geu-vang* nomen erat. Hic *Emirium* habebat *Incantatorem*. Facientem, ut [200] Pater & filius morerentur. Sed uxor regia puerô gravida erat. Ea *carceri* dabatur, ut si puerum pareret, morti daretur. Puero nato, filium alterius supposuerunt, nemine advertente. Puerum verô foràs miserunt. Regnô intereà fratre *Liu-vangi*, *Gudi* nomine, administrante. Post 15. annos obijt *Xupbidi*, & *Liuvangi* filius absconditus Rex est constitutus. Post illum regnarunt *Vendi*, *Gendi*, *Aidi*, *Bendi*. Hic *Emirium* habebat, qui eum

200. *Pater & filius.* H. S. 336. *Fuit* Sivenius *Hiaovi nepos*, Pingus *dictus*, *cujus patrem, matrem ac sorores pestilenti medicinâ exstinctos esse diximus.*

eum venenô ſuſtulit. Nepos imperatoris, *Svi-di Zu-zing* bimulus erat. Cujus loco Emirius ille imperium adminiſtrabat. Exactis annis tribus puer vitâ exceſſit. Ita Rex factus eſt *parricida* ille.

*CLASSIS XVII. 41.

VVang-mu-vang, poſt 15. annos convenientibus *Emirijs* excoriatus & miſerè occiſus eſt. Deſignatô rege è familiâ *Ginidi*.

CLASSIS XVIII.

Gic-xi-ma-vu-ban. Rex 188. de proſapiâ *Ginidi* erat. Perverſi admodum animi. Ita ut *Emirij*, quoties cum ipſo loquerentur, toto ferè corpore tremerent. Indignô itaq; visô illô, in locum ejus *fratrem* ſubſtituerunt. Cùm adhuc Rex eſſet, mandavit ad *centum myriades* hominum, qui de exercitu ejus erant, congregari, quibus *ſupercilia rubrô* colore picturabantur, ut ita dignorati eſſent. Quod Emirij non probabant. Itaq; regem depoſuerunt. Aliumq; è memoratâ familiâ elegerunt.

CLASSIS *XIX. 42.

Hu-Han-Quang-fu, Rex 190. Hôc Rege factô, Seniores die quodam *Hilaria* celebrabant, quòd de *Regum* nativorum *ſtirpe* eſſet. Aliquando cum *Ung-Mo-vang* in prælium deſcendebat. Sed hic incantamentis effecit, ut qui ipſum comitabantur in exercitu,

ceu venenatæ bestiæ essent, alteriusq; partis homines fugam capesserent.

Attamen omni tempore, quoties *Hu-ban-quang-fu* bellum gerebat, cùm Rex nativus esset, bestiæ illæ venenatæ in exercitum *Vang-Mo-vang* potius irruebant. Fortis erat & potens ac tametsi exercitu minor esset, minimè tamen perterritus & sine metu hostem profligans semper victor erat. Exceptô, cùm in flumine periclitaretur. Ad incitas tamen reda-
43. ctus *Deum* O. M. imploravit, * dicens: [201] *Mi DEus, si vis me Regem permanere, atq; ego mereor, fac quæso, aqua hæc glacescat, ut exercitus meus transeat; sin, totum hîc me occide.* Exaudiuntur extemplô preces, & in ipsâ æstate fluvius congelascit, sic, ut exercitus commodè transiret. Erant a. Regi *filij quatuor.* Minor præ reliquis ingeniô pollebat. *Han-men-di* nomine. Hunc Patri successorem designabant. Post eum *Haidi* imperavit, & *Huari*, & *Xang-vai*, & *Handi* & *Pu-xang*, [202] ὁ ἰδιογνώμων, & *Gungdi*. Qui omnes

201. *Mi DEUS* Exemplum Precationis, ut *Josue* & *Rolandi*. Attamen, *duo cum faciunt idem, non est idem.*

202. ὁ ἰδιογνώμων. Verbotenus: *Qui seipsum*, non alios, *audit*. Ejusmodi *Arrogantia* epitheta multa satis habent Persæ, ab eadem voce خدول quæ Græca αὐτὸς est, formata. E. g. *Hûd-bîn*, φίλαυτος; *Hûd-ser*, der seinen eygnen Kopff hat / *Hûd-hu*, der seinen eygenen Willen hat / ꝛc. Sic *Hud-xinidi* quidem Persicè dicitur, qui sui saltim audiens est. Sed video è sequentibus, vocem *Xinidi* Sinense Regis nomen esse.

mnes parvuli & *lactentes* adhuc *infantes* erant. *Ma-*
tribus interim *sceptra* usurpantibus. Quippe quæ thro-
nũ occupabant & jus dicebant. Octavum postremus
annum agebat, cumq; ingeniô & prudentiâ polleret,
Emirius ejus ipsum venenô tollebat, *Gebgi* nomine.
Venit *Emirius* alter *Su-bing-sang*, & illum occidit.
Qui *Xinidio* posteà opem ferebat. Sed posteà * & 44.
ipse imperium turbare cœpit. Xenidium soliô de-
turbans, inq; exilium abigens. Hic ergò Emirius
Rex factus. Aliquantò pòst Exercitus exterus venit,
& *Su-bing-xang* occisus est. *Xienidius* hoc audiens,
ipse & uxores ejus adeò [203] ridebant, ut emorerentur.
Nemine ergò rege existente, Populus de novô rege
consultavit, qui bella sua gereret.

CLASSIS XX.

Ceterum Gens illa, quæ memoratum jam Emi-
rium occiderat, cum Provinciam quoque cepissent,
tribuebant regnum hoc in [204] *tres partes* inter se & *E-*
mirij

203. *Ridebant, ut emorerentur.* Vid. *Cæl. Rhodig.* Antiqu. Lect. *Zwinger.* pag.

204. *In tres partes.* Mendoz. p. 67. de *Jantei* secundo: *Costui, essendo come dice l' historia huomo poco savio, era odiato da i vasalli, onde gli si ribellò un nepote chiamato* LAUPI, *per il che favorendolo* QUATEI, & TRUNTEI *fratelli, & valorosi cavalieri della corte, procurarono di farlo Re. Il zio lo seppe, ma non provedendoci per la viltà, & ignoranza sua, ne nacquero sollevamenti, & seditioni nel Regno, & si scoprirono quattro tiranni insieme, & in un medesimo tempo, che si chiamarono* CINCOAN, SOSOC, GUANSIAN, & GUANSER, *ai quali Laupi mosso*

miriij filios. Singulisque partibus nomina imponebant. Unam partem *Emiriij* filijs dantes; Duas reliquas duobus Regibus popularibus. Aliquandiu post Rex alter etiam secundam partem occupavit. Sic & tertiam. Rex iterum universi.

45. *Duravit imperium eorum annos *sexaginta & unum.*

CLASSIS XXI.

205. *Sen-phu-di*, Rex 208. Post illum Rex factus. Post hunc *Get-bir sen.* Post hunc *Haud-bedi*, quem Hostium exercitus captivum cum filiô abduxit. Succedebat *Midi* frater ejus. Cumq; illô tempore hostes

guerra, allegando, che favorivano la parte del zio, ma dopò alcun tempo si pacificò con Cincoan, & prese una sua figliuola per moglie, continuando la guerra con gl' altri con l' ajuto del suocero. All' hora il Regno si divise in tre fattioni, & hebbe principio la tirannide, che diremo. Una parte seguitava Laupi, essendo già morto il zio, & era la principale. Un' altra Sosoc, *& un' altra* Cincoan *suo suocero. Stette il Regno in discordia qualche tempo, finche* Cuitei *figliuolo di Laupi, n' hebbe il maneggio in luoco de. padre.*

205. *Sen-phu-di.* Mendoza de *Cuitei*, imediatè post verba proximè allegata: *Contra il quale si sollevò poi un tiranno chiamato* Chiambutei, *& l' ammazzò, & fù tanto valoroso, ch' unito il Regno, ch' era stato in parti quarant' un anno, lo governò venticinque solo, lasciandolo à* Fontei *suo figliuolo, che lo godette altri diecesette, dal quale discesero quindici Re, che regnarono cento settantasei anni, l' ultimo de i quali, che si chiamò* Chiontei, *fù cacciato da* Tzou *tiranno, della cui stirpe uscirono otto Re, che ressero la China sessantadoi anni; contra* Sotei, *che fù l' ultimo, si sollevò* Cotei, *dal quale discesero cinque Re, che governarono il Regno ventiquattr' anni, & l' ultimo d' essi, c' hebbe nome* Otan, *fù ammazzato da* Dian, *del cui lignaggio usciron quattro Re, che tennero quel dominio cinquanta sei anni, l' ultimo de i quali fù cacciato da* Tim, *dal quale hebbero origine cinque Re, che durarono trent' un' anno;*

ſtes prævalerent, eundem cum liberis abduxerunt. *Chatajam* occupantes. Ex quibus *ſedecim* Reges imperium tenuerunt. Radix *Fudemi*.

Qui de Regis familiâ erant, in *Magin* aufugiebant. Hi Reges *Chatajam*[206] in *ſex partes* diviſerunt. Singuli partem capientes.

CLASSIS XXII.

Hæc familia in *quinq;* alias diviſa eſt. Omnes de Regum proſapiâ. Qui in tractu *Ma-gin* erant. Et in hac provinciâ nudi judices. Hi ſedecim Reges
* bello operam dantes Regnum Chatajæ in ſex partes 46.
diviſerunt. Et partes ſingulas iterum in alias. Duravit imperium eorum penes hos ſex *305. annos*.

CLASSIS XXIII.

[207] *Sui-gau-ſu-ſi-di*. Rex 250. armis Chatajam occupavit. Ut & *Ma-ginam*. Et ſublatis regibus *Rex univerſi* factus eſt.

Et è ſtemmate ejus *duos* Reges conſtituerunt.

CLASSIS XXIV.

[208] *Tang-kao-cu*. *Emirius* magni habitus & fortis erat.

206. *In ſex partes*. *Quinq;* enim *partes* tenebat U-TAI, h. e. *quinq; Tyranni*.

207. *Sui*. Mendoza iterum ſubjungit prioribus, quæ ſequuntur: *Contra l'ultimo di queſti ſi ſollevò* TZUI, *à cui ſuccedettero tre Re, che regnorono trenta-ſett' anni, ſin che l'ultimo fù cacciato da* TONCO.

208. *Tang*. Mendoza de *Toncone* porrò: *I cui deſcendenti reſſero molto bene i popoli, & perciò ſi mantennero*

erat. Bellum gerens, rex factus est. Et è stemmate ejus 20. reges constituerunt.

CLASSIS XXV.

Len-tain-Nai-fu-du. Rex 275.

Erat *Emirius* insignis. Et regnum bellô rapuit. Occisus â filiô, *Jo-gi.* Qui ipsi successit. Hic occisus â fratre. Qui post eum Rex factus.

47. Tempore *Lin-nai-zu* surrexit * non nemo è
209. *Kara Chatai*, *Hau-li-gi Ajagi* nomine, bellum movebat. Et partem Chatajæ occupavit. Nomen ejus

più lungamente, perioche vi furon ventitre Re, che vissero ducento novanta quattr' anni, l' ultimo de i quali chiamato TRONCON, *cavata d' un monasterio una bella monaca, che si chiamava* BAUSA, *& era stata moglie del padre, la sposò, ma essa, fattolo ammazzare secretamente, occupò il Regno, tenendolo quarant' un' anno; tenne vita dishonestissima, cõe si legge nell' historie, & fece copia del corpo suo a i principali del Regno, & non contenta di ciò, prese un marito di bassa conditione per poter meglio sfogar le voglie sue, oltra che prima, che si maritasse, fece morire i figlivoli che puote haver in mano del primo marito, acciochè il Regno rimanesse ad un suo nepote; di che accorgendosi i popoli, & havende a noia la sua brutta vita, mandarono a cercare un figlivol bastardo di suo marito, c' haveva nome* TAUTZON, *ch' andava ramingo, & di commun consenso lo crearono Re, il qual castigò rigorosamente la matrigna, come essa haveva meritato. Di costui uscirono sette Re, che regnarono cento vent' anni, & l' ultimo chiamato* COUCHIAM, *fù cacciato del Regno da* DIAM, *della cui stirpe non furono più che doi Re, che vissero solamente diciott' anni, perioche* OUTON *cacciè il secondo, & hebbe tre Re della sua descendenza, che tennero il Regno quindici anni, & l' ultimo fù cacciato da* OUTZIM, *da cui discesero doi Re, c' hebbero quel dominio nov' anni, & tre mesi, dopòi quali resse la China* TOZO *con un figlivolo quattr' anni. A costui succedette* ANCHIÙ *che l' haveva ammazzato combattendo, se ben non tenne il Regno con doi del suo sangve, più che diece anni.*

209. *Kara Chatai.* Vid. pag. 10. Et *Catalog. Regum* in *Leao.*

jus *Leao* erat, id eſt, *Rex.* Qui per univerſum orbem imperitabat. Is cum *octo* perſonis proſapiæ ſuæ 219. annos imperavit, in illo regnô, quod ceperat.

Poſt illa *Hurgaorum* Rex, *Aguda* nomine, bellum movens poſtremo filiorum *Hauligi*, *Dai-leao Munt-Sun-Atvvæ* dicto eum, ſuppreſſit. Cùm antea reges *Hurgæi* illis obſequium præſtarent & tributum penderent. *Agudai* aliquando pecora atterius abigebat, ſed contemtim habitus. Annô aliô totam *Chatajam* cepit.

CLASSIS XXVI.

Ten-chun-zun. Rex 278.

Rex nobilis erat.

Poſt quem *Men-zun.* Regno præerat. Poſt hunc *Munidi.* Poſt hunc *Mudi.* Quem *Munidi* in 48.
venatione --- ---*--- invenit. aluit. Soror *Desunt quædam.*
Munidij regnum illi præripuit, idq; marito tradidit.

CLASSIS XXVII.

Ten-cau-zu. Poſt *Xud-li* rex erat. Qui cum tres annos regnâſſet, *Biligvang*, Filius *Adi*, *Leao* è *Kara Chataj* bellum *Chatajis* movit & regnum occupavit. Cum *Sen-gao-zu*, auxiliantibus illis, regnum *Mudi* cepit, & tributum dedit. Xudi autem non dedit. Eſtq; in cenſu *familiæ 33.*

CLAS-

CLASSIS XXVIII.

Han-gao-zu, Rex 275. de sanguine *priscorum Regum* erat. Bellatum exiens contra *Bilig-vangum*, eum occidit, & Rex factus est. Post eum *Nidi* in Regnum redijt.

Is tres habebat *Emirios*, magni nominis. *No-*
49. *mina eorum*, *Bang-sen*, *Xu-chu-chu*, *Gu-di-*ni-di* e-
rant. Duos priores vitâ privavit. Tertius: *Provin-
ciam*, inquit, *nostram occupamus, quam ob rem nos oc-
cideres?* Bellum itaq; aggressus, Rex factus est.

CLASSIS XXIX.

Gudi-gu Nai-zu.

Post eum *Hem-xi-zun* Rex erat; post hunc *Hem-xi-sun.*

Hujus *anno primô* gens, quam [210] *Sun* vocabant, bel-

210. *Quam* SUN *vocabant.* Hi *Sunga* sunt. Mendoza de *Anchiui* familiâ: *Contra l'ultimo de i quali si sollevò uno de i descendenti di Vitei primo Re chiamato* ZAIZON, *& l'ammazzò, dal quale discesero diecesette Re, che possedettero quella signoria pacificamente trècento vent' anni, con l'ultimo de i quali, c'haveva nome Tepim, hebbe guerra il gran Tartaro* UZOU, *ch' andò alla China con un grand' esercito, & acquistò tutto il Regño, che fù poi posseduto da nove Re Tartari per novantatre anni, che trattarono quella natione tirannicamente, & la tennero in gran servitù, & l'ultimo, c'hebbe nome* TZINTZOUM, *fù più crudel che tutti gl' altri, per il che i popoli si ragunarono, & elessero secretamente Hombù per lor Re, huomo molto valoroso, & descendente da gl' antichi Re. Costui messa insieme molta gente, fece tanto col suo valore, che cacciò; Tartari di tutto il Reame, con morte di non poche migliaja di persone, che defendevano ostinatamente l' ingiusto, & tirannico dominio loro. Di costui uscirono dodici Re, undici de i quali hanno regnato ducent' anni, il duodecimo è* BONOG, *che vive hoggi, & rimase herede del Regno dopò un suo fra-*

bellô motô regnum ejus rapiebant, Rege ex ijs constitutô, *Chiu-Tai-zu* nomine.

CLASSIS XXX.

Chiu Tai-zu, Rex ducentesimus nonagesimus erat. Post hunc *Taisung-Ging-zung*, ---- *Bing-zung*, *Xin-zung*, *Ge-zung*, *Sun-sung*, *Kin-sung*. Hi *novem* Reges per universam *Chatajam* & *Maginum* absolutè imperitârunt. Sed *Kin-zungi* tempore *Hur-gai* eruperunt, & Chatajam occupârunt. Regis *Aguda Nubak* nomen erat. Cui cognomen *Tai-çung*, *Kuvon* (*Huôn*) faciebant. *Turcistani* * *Altuncbanum* vocabant. Filij & Successores *Kin-zungi* e- 50.
rant *Kao-cung*, *Hiao-çung*, *Quang-çung*, *Ning-çung*, *Li-çung*, *Tu-çung*. *Xu-gu* in *Magin* transibat. Ubi eum *Imperatorem faciebant*. Post *Tai-zung-Huôn*, *Sai-sun-si*, *Tai-sun-Fu-dan*, *He-sun*, *Xi-sun*, *Ling-Tai-zun*, *Chin-zun*, *Gitmiali*, *Xudi-xu*, & *Sebud*, in regnô *Catai* dominatum obtinuerunt. *Gimtiali* v. & *Xudixu* & *Xebud* regis *Xu-gu* coætanei erant. *Xu-gu* ultimus domesticorum Regum. Rex 305. â tem-

---

tello maggiore, che mori cadendo d' un cavallo. Ha ventidoi anni, & perche non s'ha ancora notitia alcuna di lui, non se ne può dir niente di certo, se non c'ha fama di vestir molto attilatamente, ch' è ben voluto de i suoi vassalli, & ha moglie, & un figlivolo, & la madre viva. Questa posterità del Re HOMBÙ *ha tolto molte terre ai Tartari, poi che furon cacciati della China, dalla quale non son separati, fuor che per la muraglia, c'ho detto.*

à tempore *Puen-cu.* Qui imperarunt [211] per annos 42885. secundum opinionem *Sour-chani.* Quod sapientes Chatajæ confirmant.

51. Cumq; *Gu-Xu-gu* [212] annos *duos* regnasset, *Kaan* exercitum terris *Magin* * immisit. Ei se rex traditô soliô submittebat. Ceterum Filij *Tai-sung Huon* ad potentiam & celebritatem pervenerant, cum *Gingischanidæ*, inter quos & illum ab antiquô cognatio erat, eos bellô adorirentur.

Anno 9. *He-zungi*, hoc est, [213] annô *Hegiræ* 549. natus est *Gingischan.*

[214] Anno verò 599. (anno scilicet *ovis* Chatajam sibi subjugavit, Ducibus *Alakusch-Tagin* & *Mervar-Angut.* *Turcis* & vicinis alijs transitum concedentibus. Tunc ergò *Altunchan* ob metum *Gingischani* Regiam, quam in [215] *Xun-tien*, in mediô re-

52. gni Chatai, habebat, * deseruit, & ad urbem [216] *Tajang-fu* confugit, ad littus fluvij [217] *Kara-moran.* Ex-

211. *Per annos 42885.* Suprà, pag. 2. 42875. Vid. *Comm. Alph.* p. 5. b.

212. *Annos duos.* Similiter *M. S. Sin.* de *Tipingo.*

213. *Anno Hegiræ 549.* Hoc est, anno Christi 1154. Sed *Texeira* nativitatem Gingischani ad annum Christi 1151. transfert.

214. *Annô 599.* Hoc est, annô Christi 1202. Est is annus *Seleucid.* 1214. in quem initium imperij Mogolici reijcit *Malat.* p. 280. Vid. *Comm. Alph.* 5. 2. *Observ. Sin.* 4. 2.

215. *Xun-tien.* Est *Peking.*

216. *Ta-jang-fu.* Leg. *Nan-king-fu.*

217. *Kara-Moran.* Est is *Croceus* fluvius. Sed hîc *Kiang-Yang-fu* legendum est. Neq; enim ad *Croceum*, sed ad alterum illud flumen sita est urbs *Nan-king.* Atque eò confugerat *Altunchan*, teste Malat. p. 309. f.

Exercitus verò *Mogolicus* jam ante Chatajam ſibi ſubjicere cœperant.

Cumq; *Gingiſchani* tempore ob conſervanda alia regna totam *Chatajam* occupare non conſultum eſſet, [218.] *Octai* Kaan tempore ſuô cœpta proſecutus eſt, Annô ſcilicet *Equi*, h. e. menſe *Giumada* priore [219.] anno 631. Quô exercitus Kaani regem *Xudixu* aggreſſus eſt. Sed de exitu hujus regis [220.] *differentia* eſt. Quidam enim habitu K*alenderij* aufugiſ-

218. *Octai Kaan ſuo tempore*. Ven. II. 54.

219. *Anno 631.* Hoc eſt, anno Chriſti 1234. Vid. *Malat. p. 309.*

220. *Differentia* eſt. Eam conciliatam vid. *Comm. Alphab.* pag. 3. b. Suntque verba Gregorij *Malat.*

1. de *Altunchano* iſthæc, p. 309.

Kaan a. jam in Imperio confirmatus, ita, ut ipſi obſequerentur omnes Mogulenſium exercitus, tam qui longiùs, quàm qui propius abeſſent, ſecum ſtatuens Chataja regiones ſibi ſubjugare, fratres ſuos Jogatajum & Olug NoVVainum, unaq; reliquos filios, præmiſit cum exercitibus ingentibus: qui profecti caſtris primò ad urbem Charajabenu Yukaſin appellatam poſitis, eam quadraginta diebus obſidione cinxerunt. In eâ erant decem equitum Chatajenſium millia; qui cùm ſe Mogulenſibus impares viderent, conſcenſis, quas ſibi paraverant naviculis, fugerunt. Urbis autem incolæ ſe in fidem recipi petentes, recepti ſunt. Mogulenſes autem, cùm apud ipſos præfectos conſtituiſſent, reliqua loca petierunt. Porro Kaan fratrem ſuum Olug NoVVainum ipſiusq; filium Cayucum, copijs inſtructos, cum decem equitum millibus ſibi præmiſit; ipſe illos inſequens tardius progreſſus eſt, exercitum magnum ducens. Altun Chan autem, Chatajorum Rex, exercitu centies mille fortiſſimorum militum ſuorum conflato, Principe è ſuis quidam præfecto, illos Mogulenſibus obviam miſit: qui cum ad ipſos perveniſſent, eos, quòd tantò inferiores numerò eſſent, contemptui habuerunt, leviq; penderunt, eosq; ſicut erant, ad Regem ſuum Altunchanum adducere voluerunt, quo ipſum anxietate ſuâ liberarent; ideoq; illos circulò factô quaſi venando captabant. Mogulenſes autem eos pugnis ſubinde intermiſſis diſtinuerunt, ac ſpem ſui fecerunt, donec advenirent, quæ cum Kaano erant cohortes; quibus in Chatajorum exerci-

fugisse tradunt. Alij: combustum esse igne, quem regiæ ipsius *Mogulenses* insererant. Hic populi istius exitus erat. *DEus* verò *est*, *qui est*.

53. *PARS NONA.

Historia Mogolica

&

Stemma Gingischani

usq; ad

Dubun Buban Alan Kavar, alterum.

Itemq;

1. *Exitus Gingischani* & occupatio regnorum *Iran*

tum irrumpentibus pauci admodum evaserunt. Erat tunc temporis Altun-Chan in urbe NAMCINC *vocitatâ, qui ubi ad ipsum pervenerat, de eo quod socijs suis fortissimis acciderat nuntius, metu perculsus spem vitæ mundanæ abjecit, filijsq; uxoribus, & omnibus sibi charis convocatis, ubi domum quandam è lignis constructam ingressi essent, ignem injici jussit, quo ipse, unà cum illis, qui cum ipso fuere, perijt, dedignatus in Mogulensium manus captivus incidere. Alias etiam urbes celebres ceperunt, in quibus Kaan præfectos constituit. Deinde in loca sua antiqua reversus, ibi urbem exstruxit, quam* ORDU BALIK *appellavit; quæ eadem est urbs* KARAKURAM, *in qua turbam è Chataja & Turkestani incolis Persisq; & Mostarabibus collocavit.*

2. de *Fagfure*. p. 350. f.

Hoc tempore Chataorum rex quidam immorigerus factus in Mogulenses rebellavit, quòd & fortitudine & potentiâ excelleret, multasq; haberet copias, cùm quadringentis imperaret urbibus. Hoc in causa fuit, ut ipse Mungaca Kaan propere in occursum hujus Rebellis iret; relicto igitur fatre suo natu minimô Arig Buca loco suo, & fratre suo Kublaio secum assumpto, Sinæ regiones ingressus est: primo autem conflictu accidit, ut sagittâ ictus moreretur. Frater igitur ipsius Kublai assumptis exercitibus è Chataorum finibus egressus est. Inde Chan-Baliknm perveniens, ibi substitit.

NOTÆ

ad

Particulam Historiæ Mogolicæ.

1. *Exitus*. Expeditio bellica. Phrasis etiam Biblica. 2. *Sam*. XI. 1.

2. *Quatuor Hordæ*. Secundum *quatuor* Gingischani è uxore primariâ,

Iran, quæ tùm per ipsum, tùm per populum & filios ejus peracta est, ad ætatem usq; nostram, hoc est, *diem* 25. mensis *Xeval* anni *Hegiræ* 717.

Sunt autem illorum [2] *quatuor Taïfæ*, s. *Hordæ*; Ut & *triginta sex personæ* hujus prosapiæ.

Duravit imperium eorum per has illas mundi plagas [3] *annos* hactenus 101.

Taïfa I. *Gingischan* cum filio *Seumin Octai-Kaan*, qui post eum rex factus est, & filij ejus. *Gingìschan* filius *Bisugai* Behadir erat.

Hic filius *Bertan* Behadir,
Hic -- *Kabli-chan.*
Hic -- *Taumine-chan.*
Hic -- *Bai-san-kour.*
Hic -- Kaidu chan.
Hic -- *Dutumten.* Hic filius *Juka.* Hic filius *Budenger.*
Hic -- *Alan* Kovayr *Dubun Baban.*

Philosophi, *Astronomi*, & *Chronologi Iguræ* & *Tebetæ*, ut & *Turcæ*, in libris suis *Historiam Chataicam* tractantes, scribunt, quod *Noach*, Propheta * b. 54.
m. Filium *Japhet* in orientem miserit. Ubi *Chani* nomen illi fecerint.

I 3 Ejus

Ogtsungai, filios. Vid. *Comm. Alphab.* pag. 22. a.

3. *Annos hactenus* 101. Scribebat auctor, uti præcedit, anno *Hegiræ* 717. Deme annos 101. Et habebis annum Hegiræ 616. h. e. *Christi* 1219. Cœperit ergò *Imperium Gingischanicum* cum hoc ipso anno. Sed ponit *Malatiensis* annum *Hegiræ* 599. adeoq; *Christi* 1202. Vid. *Comm. Alph.* 5. a. f.

Ejus filius *Dib-bakui* erat. Regnô institutô, quatuor filios genuit. Majoris *Courcban* nomen erat. Hi, Noachicâ religione oblivioni traditâ, idololatriam invexerunt. *Courcbani* filius *Ogouz* erat. Idemq; [4] *Antitrinitarius* erat & *religiosus*. Sed, bellô cum patre gestô, patreq; occisô, regnum ejus occupavit, aliaque plura regna imperio suo adjecit. Idem *Turcistanos*, qui de exercitu ejus erant, proprijs secundum *Hordas* distingvebat nominibus.

Pòst filios & familiares quosdam suos, ceu novam coloniam magno cum exercitu in *tractum orientalem*, in terram, quæ tunc temporis *Mogulistan* dicebatur, amandabat.

55. Inde post * [5] *quater mille* annos imperium è Regibus *Chatai* super hunc populum usurpavit & [6] usq; ad *Choten* dilatavit. A fluviô quoq; [7] *Kara moran* ad [8] *Sibonem* usq; progressus. Deletis quibuscunq; mulieribus quoq; & filijs vinctis. Ex hôc populô duo erant, *Tegur* & *Kaban* nomine, qui cum familiaribus suis in *Coubistan* fugiebant, quã alij. *Argend kon* (*Ragine kon*) vocabant i. e. *Kemeri*. Vehementi verò festinatione incedebant, ut impossibile esset, illos per-

4. *Antitrinitarius.* Ita *Mohammedani* sese vocant de confessione *unius* DEI; Christianos verò propter doctrinam de unius DEI *trinitate* مشركون *Associatores* appellant.

5. *Quatuor mille.* M. S. alterum *quater centum* habet.

6. *Usq; ad Choten.* Ven. I. 41.

7. *Kara Moran.* Est is *Croceus*, ut suprà. Vid. *Malat*. 309. *Ven*. II. 31. 52.

8. *Ad Sibonem.* Est is *Jaxartes*,

persequi. Sicq; intra quadringentos annos fixam ibi sedem obtinuerunt. Sed creverant adeò, ut cum impetu prorumpendum esset. 9. *Zona* verò, quæ *ferrea* erat, multas portas fecerunt, *Coubistane* egressi. Hi *Mogoles* dicuntur, generis sui agnomine. Estq; alius ad hos pertinens populus, qui per *metaphoram* eodem nomine etiamnum venit. Sed ab ijs, quos dixi, descendente. Feriantur quotannis diem, quô *Ragine-konâ* egressi sunt, quemq; *Guikesi* appellant. Observantq; eum Mogolenses hunc in modum, ut illâ nocte frustum ferri in ignem mittant, & super incude malleent. Quod adhuc hodiè obtinet.

Porrò *Mogolenses* in *duas* abierunt *familias*.

Familia *prima*, *Mogul Dar-legin*.

Hi sunt *Taïfa*, quæ è *Ragine Kona* exijt.

Fami-

Fluvius. *Silyn* Plinio dictus, VI. 7. Pro quo *Sihun* scribendum est. Vid. *Salmas.* Exerc. Plin. 790.

9. *Zona ferrea.* *Aggerem Alexandri Magni* intelligit. De quô vid. *Malat* p. 62. *Nub.* VI. 9. *Joseph. Barb.* p. m. 474. Tradunt a. *Alexandrum* Magnum, rogatu, nescio quorum, aggerem aliquem adversus nullas non vicinorum invasiones extruere cœpisse, quem *Yezdegirdes* Yezdegirdæ nepos alijq; Persarum Reges continuaverint, sed non perfecerint, donec *Cosroes Nouschirvvan* aggerem non tantùm perfecerit, sed & ad milliaris spatium in mare produxerit, portisq; ferreis clauserit. An *Alexander* Magnus tale quid instituerit, equidem ap. Scriptores nostros non lego. Forte an tribuitur ei *Zona illius ferrea* structura, quia ejus ætate *Murus* ille *Sinicus* extructus, & suprà fidem firmiter q. ex ferro & ære compactus est. Est a. hic agger nonnisi murus ille, qui Oppidum *Derbend* ambit, ad maris Caspij latus occidentale. Imò *Derbend* inde nomen habet. Q. d. *Porta* vinculum aut *Compedes*. Non n. nisi per hanc portam via in Persiam est. Turcæ *Dervend* vocant & *Demir-capi*, h. e *porteam ferream*. De quibus multa in *Comm. Geogr.*

Familia *ſecunda*, *Mogoles extranei.* Hi ſunt populi *Dubun baban* & *Alan Kavar*, qui antiquiores & præcipui ſunt Mogoles. Ex horum genere *Gingiſchan* erat, ceu è poſteris *Alan Kava.* Qui cum fratre ſine *patre* nati erant.

Sed illa *Hiſtoria prolixior* eſt, *quò minus pergam* ſcribere.

FINIS.

Prolixior eſt, quò minus. Non ſunt hæc verba *Abdallæ*, ſed *Librarij* ceſſantis, cœptamq; telam abrumpentis. Quæ ergò ſeqvuntur, è *Mirchonde*, ſimilibuſque Scriptoribus; ſi non *Abdallâ* ipsô, ſupplenda ſunt.

S. D. G.

